تقسیم اوقات

۲۴ ساعتهء

رسول الله (صلی الله علیه وسلم)



تهیه و ترتیب
مجموعهء از دعوتگران

تقسیم اوقات

۲۴ ساعتهء

رسول الله (صلی الله علیه وسلم)

ترتیب کننده گان: مجموعهء از دعوتگران

کابل: ۱۴۴۳ هـ ق


بسم اللہ الرحمن الرحیم

مقدمـــــه

إنّ الحَمْدَ للّه، نَحْمَدُه، ونستعينُه، ونستغفرُهُ، ونعوذُ بِاللّهِ من شُرُورِ أنفُسِنَا، وَمنْ سيئاتِ أعْمَالِنا، مَنْ يَهْدِهِ اللّهُ فَلا مُضلّ لَهُ، ومن يُضْلِلْ، فَلا هَادى لَهُ وَأَشْهَدُ أنْ لا إلَهَ إلا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وأشهدُ أنّ مُحَمّدًا عبْدُه ورَسُولُه.

﴿يَا ايهَا الّذينَ آمَنُواْ اتّقُواْ اللهَ حَقّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنّ إلاّ وَأنتُم مُّسْلِمُونَ﴾ (1)

ترجمه: ای مؤمنان ! از الله (سبحا نه وتعالی) چنانکه سزاوار اوست بترسید و نمیرید مگر درحالیکه مسلمانان باشید.

﴿يَا ايهَا النّاسُ اتّقُواْ رَبّكُمُ الّذِي خَلَقَكُم مّن نّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثّ مِنْهُمَا رِجَالاً كَثِيرًا وَنِســاءً﴾ (2)

ترجمه: ای مردم ! از پروردگارتان بترسید، آنكه شما را یک شخص خلق نمود و از آن همسرش را خلق كرد و ازآن دو، مردان وزنان بسیاری را خلق كرد.

﴿يَا ايهَا الّذينَ آمَنُوا اتّقُوا اللهَ وَقُولوا قَوْلاً سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أعْمَالَكُمْ ويغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَن يُطِعْ اللهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَفَوْزًا عَظِيمًا﴾ (3)

ترجمه: ای مؤمنان ! ازالله (سبحا نه وتعالی) بترسید و سخن درست و استوار بگویید. تا اعمال تانرا برای تان اصلاح كند و گناهان تانرا برای شما بیامرزد و هركس كه از الله (سبحا نه وتعالی) و رسول او اطاعت كند (بدانـد كه) به كامیابی بزرگ نایل آمده است. (4) **أما بعد...**

1- سورهء آل ان،آيت: 102.
2- سورهء النســاء،آيت: 1 .
3- سورهء الاحزاب،آيت : 70.
4- خطبهء اين كتاب خطبهء ماثوره است، كه رسول الله (ﷺ) به اصحابش آنرا ياد ميداد ومن آنرا از كتاب شيخ ناصر الدين البانى گرفتم: خطبة الحاجة التي كان رسول الله (ﷺ) يعلمها أصحابه تأليف محمد ناصر الدين الألباني، بيروت: المكتب الإسلامي– (1400)، ص: 2.

حمد و ثناء پروردگاري را که پرتو انوار رحمتش همه را فرا گرفته است ودرود وسلام بر رسول الله (ﷺ) که بهترین مخلوقات ورحمت براي عالمیان است وبرآل و اصحاب گرامي شان اجمعین.

هر مسلمان میخواهد که زنده گی خویش را مطابق سیرت رسول الله ﷺ ترتیب وتنظیم نماید ، شما میدانید که هر عمل انسان به نیتش تعلق دارد ، ما وشما روزانه بسیاری ازکار ها را انجام میدهیم ولی ازینکه درنیت ما انجام دادن سنت نمیباشد ، بناء ثوابش برای ما داده نمیشود ، مثلا شاید کسی روزانه با دست راست غذا بخورد ، وبا پای راست داخل منزل گردد ، ولی ازینکه در نیت وی سنت نبوده ، این امور را بطور نورمال انجام میدهد ، بناء برایش ثواب داده نمیشود ، هرگاه وی این مطلب را بداند که خوردن غذا با دست راست سنت است ، واو برای تطبیق سنت رسول الله ﷺ غذایش را با دست راست میخورد برایش ثواب آن داده میشود.

هر مسلمان میتواند 24 ساعت زنده گی خویش را درعبادت بگذراند ، یک شخص غیر مسلمان ازیک مسلمان پرسید شما در24 ساعت چند ساعت عبادت میکنید ؟او درپاسخ گفت : ما شب وروز مصروف عبادت هستیم ... آن شخص پرسید : شما خواب نمیکنند ؟ مسلمان درجوابش گفت: ما خواب خود را بطریقهء رسول الله ﷺ میکنیم ، بناء خواب ما نیز درعبادت حساب میشود.

هرگاه شما خواسته باشید که در زنده گی تان سنت های رسول الله ﷺ را تطبیق نمایید ، وبخواهید که بدانید که رسول الله ﷺ چی میکرد خوب است که این تقسیم اوقات رسول الله ﷺ را در نزد تان داشته مطابق آن زنده گی تانرا عیار سازید.

ضرورت این کتاب: انسانهای متمدن و پیشرفته برای بهبود زنده گی خویش تقسیم اوقات منظمی برای خود میسازند تا مطابق آن وقت خود را از دست نداده و ازهرلحظهء وقت خود استفاده نماید.

رسول الله ﷺ منحیث رهبر مسلمانان برای زنده گی متمدنانه و پیشرفته ومترقی ، برنامهء خاصی را مطابق وحی تطبیق مینمود و برای زنده گی روزانه ، شبانه ، هفته وار ، ماهوار و سالانهء خویش تقسیم اوقات منظمی داشت.

هرگاه بخواهیم ما مسلمانان سعادت دنیا و آخرت را حاصل کنیم ، مکلفیت داریم که تقسیم اوقات زنده گی خویش را مطابق تقسیم اوقات رسول الله ﷺ آماده سازیم تا با این عمل سعادت دنیا و آخرت نصیب ما گردد .

به این اساس ضرورت بود که کتابی تحریر گردد که تقسیم رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را به شکل مفصل مستند با دلایل آنرا برای مومنانی که میخواهند مطابق سنت وسیرت رسول الله ﷺ زنده گی نمایند ، ترتیب نمایند.

هیکل بندی کتاب: کتاب را به مقدمه چهار فصل اساسی خاتمه و فهرست مصادر مراجع تقسیم نمودیم:

درمقدمـــــه امورمهم مربوط کتاب بیان گردیده است.

فصل اول: تقسیم اوقات روزانهء رسول الله ﷺ .

فصل دوم: تقسیم اوقات شبانهء رسول الله ﷺ .

فصل سوم: تقسیم اوقات هفته وار رسول الله ﷺ

فصل چهارم: تقسیم اوقات ماهانهء رسول الله ﷺ .

فصل پنجم: تقسیم اوقات سالانهء رسول الله ﷺ.

ترتیب کننده گان: امروز کارهای تحقیقی واکادیمیک مشکل است که به شکل فردی صورت بگیرد ، زیرا برای بدست آوردن یک اثر علمی تحقیقی ، ده ها شخص کار میکنند ، یکی در مورد نوشتن اثر فکر میکند ، دومی درین راستا میشوه میدهد ، سومی مواد را جمع آوری میکند ، چهارمی آن مواد را قبلا زحمت کشیده و تحقیق نموده است ، و پنجمی آیات واحادیث را ترجمه نموده و ششمی این آیات را با زیر وزبر در کمپیوتر نوشته است ، هفتمی درتخریج و صحت وعدم صحت احادیث تحقیق نموده است ، هشتمی اسلوب فصل

بندی را رهنمایی نموده، نهمی در جمع این موضوعات سهم گرفته ودهمی، آنرا کمپوتر میکند، یازدهم در فهرست نویسی همکاری کرده و دوازدهمی در حاشیه نویسی کار نموده، سیزدهم دراصلاح اغلاط کارکرده، چهاردهم در پرینت گرفتن همکری کرده و پانزدهم وبالآخره همه دست به همه داده این اثر را تکمیل نموده وکسانی هم در پول چاپ وایدت وکمپیوتر وغیره سهم گرفته اند که مجموعهء این خواهران وبرادران دعوتگر با همکاری هم این اثر را به شما دوستان تقدیم نموده اند.

مواد وروش کار: مواد این رساله از قرآن عظیم الشان، احادیث صحیحه رسول الله (ﷺ) واجماع امت اسلام گرفتیم ودرقسمت شرح وتفسیر آیات واحادیث ازمصادر مختلف اسلامي مثل کتابهاي تفسیر، شروح احادیث، کتابهاي عقیده، معاجم عربي، وسایر مراجع مربوط به عقیده استفاده نموده ایم.

براي اینکه بحث هاي عقیدهء اسلامي به دلایل عقلي ونقلي نیز نیازمند بوده وهرموضوعي را لازم است تا تحلیل وتجزیه نماییم، ازروش تحلیلي تحقیق استفاده نموده ودرتحلیل بعضي ازموضوعاتي که قابل تحلیل ومناقشه بودند ازاین منهج نیز استفاده نمودیم.

درقسمت نوشتن مراجع ومصادر ازسیستم اکادمیک که در ساحات علمي وتحقیقي فعلاً مروج است، استفاده نمودیم.

آیات قرآن کریم را با تشکیل (شد، مد، فتحه، ضمه، کسره، مد وشد) تحریر نموده، نمبر آیت وسوره را ذکر گردیده است.

احادیث رسول الله (ﷺ) را از کتب صحیح بخاري، صحیح مسلم، سنن ابي داود، سنن ابن ماجه، سنن الترمذي، المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشاپوری، ادب مفرد امام محمد بن اسماعیل بخاري وسایر کتب معتبر حدیث نقل نمودیم.

چون صحیح بخاری و مسلم به اتفاق علمای اسلام، احادیث 100% صحیح را روایت نموده اند، بناء درگرفتن احادیث ازین کتب فقط با ذکر نمبر احادیث اکتفاء نمودم، ولی در

قسمت اخذ احادیث از بقیه کتابهای حدیث در مورد صحت آن نیز از کتب معتبریکه توسط علمای حدیث صحیح گفته شده اند ، با ذکر مرجع در قسمت صحت آن تحقیق نمودیم.

در تهیه مأخذ تمامي معلومات ببلوگرافي [1] را در نظر گرفتیم ، و چون امکانات مالی و وقت فراوان نبود که این مصادر را خریداری نماییم و یا به کتابخانه ها برویم ، اکثرا این کتابها را که چاپ شده آن بدست ما نمی آمد از مکتبه شامله استفاده نمودیم که شاید در نمبر صفحه و جلد تفاوت هایی با کتابهای چاپ شده داشته باشد.

فهرست مصادر ومراجع کتاب را به ترتیب الفبایی با تخلص مولف کتاب آغاز وسپس ، نام مولف ، تاریخ وفات ، مکان نشر: تاریخ طبع ، وتاریخ نشر کتاب بیان نمودیم.

در صورتیکه کدام معلومات در کتاب مورد نظر یافت نشد ، برایش رمز ها وعلاماتي را به شکل ذیل بیان داشتیم.

براي کتابي که مؤلف نداشت به عوض کلمهء بدون مؤلف رمز (ب م) ، و کتابي که ناشر آن معلوم نبود (ب ن) یعني بدون ناشر ، وکتابي که تاریخ طبع آن معلوم نبود ، بدون تاریخ به رمز (ب ت) ، وکتابي که طبع آن معلوم نبود (ب ط) نوشتیم.

این اثر را با تواضع و عجز بشری خویش که همیشه دستخورد اشتباهات و غلطی ها میباشد نوشتیم و از الله (ﷻ) استدعا مینماییم که تمامی ما را در زمرهء خادمان قرآن عظیم الشان قبول نماید ، و لحظات ی خود را که در نوشتن وتهیه مواد وجمع آوری آن ، اصلاح دوباره ، تایپ ، ایدیت ، تخریج احادیث وروایات ، چاپ ، نشر ، توزیع وغیره امور صرف نموده ایم در جملهء باقیات صالحات ما محسوب نموده و این عمل علمی را وسیلهء برای جلب رضایت بارگاه الهی گرداند ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (التوبه ، ۱۰۵).

ترجمه: بگو: عمل کنید ! الله (ﷻ) و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند ! و بزودی بسوی ذات عالم الغیب بازگردانده میشوید ؛ و شما را به آنچه عمل میکردید ، خبر میدهد !

1- منظور از ببلوگرافی معلومات کامل در مورد کتاب میباشد ، مثلا نام کتاب ، نام مولف ، مکان نشر ، تاریخ نشر وغیره. .

همچنان اگر در کتاب و مطالب آن اشتباهاتی باشد همان قول فاروق (رضي الله عنه) که فرمود: «رَحِمَ اللّهُ مَنْ اَهْدَى اِلَيّ عيوبِي» الله (ﷻ) بر کسانیکه عیبهایم را برایم بیان میدارد رحم نماید.

هرگاه کسی چیزی بیابد با کمال خوشی انتقادات و رهنمایی های شانرا با پیشانی باز میپذیریم؛ زیرا کتابی که نوشته میشود مانند میوهء خام است و نظریات دیگران مانند نور آفتاب است که میوه را پخته میسازد.

در اخیر بازهم هزاران هزار مرتبه شکر میکنیم خالق متعال را که برای ما فرصت ، صحت و عافیت بخشید که این کتاب را بخاطر رضایتش بنویسیم و از بارگاه رحمتش استدعا میکنیم که این اثر را که به هدف بیان حقیقت های اسلامی تهیه ، ترتیب و نوشته شده است ، ضمن اعمال صالحه و بخصوص درباقیات صالحات ما محاسبه نماید: ﴿وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللّهِ بِعَزِيزٍ﴾ (۱: فاطر ، ۱۷). والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فصل اول

تقسیم اوقات روزانهء رسول الله ﷺ

درین فصل موضوعات ذیل را میخوانیم.

بحث اول: از بیدار شدن از خواب الي رفتن به مسجد

بحث دوم: اذکار نماز رسول الله ﷺ

بحث سوم: رفتن به مسجد و ادای نماز صبح .

بحث چهارم: بعد از فرض صبح الي اشراق .

بحث پنجم: بعد از خارج شدن از مسجد و برگشت به منزل .

بحث ششم: در هنگام ظهر (نان چاشت – جماعت پیشین) .

بحث هفتم: نماز عصر و نشستن تا دخول مغرب.

بحث اول

از بیداری از خواب الی رفتن به طرف مسجد

مطلب اول: هنگام بیداری از خواب: هنگامیکه رسول الله ﷺ از خواب بیدار میگردید ، آغاز بیداری خویش را با اذکار واعمالی که براش وحی شده بود ، انجام میداد:

سنت اول: رسول الله ﷺ به مجرد بیدار شدن از خواب ، نخست آثار خواب را از چشما نش دور مینمود.

دلیل این سنت: امام بخاری(رحمه الله) روایت میکند : عَنْ ابْنِ عَبّاس رضي الله عنهما: أَنَّهُ بَاتَ لَيْلَةً عِنْدَ مَيْمُونَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ ، وَهِيَ خَالَتُهُ، فَاضْطَجَعْتُ فِي عَرْضِ الْوِسَادَةِ، وَاضْطَجَعَ رسول الله ﷺ وَأَهْلُهُ فِي طُولِهَا ، فَنَامَ رسول الله ﷺ حَتَّى إِذَا انْتَصَفَ اللَّيْلُ أَوْ قَبْلَهُ بِقَلِيلٍ أَوْ بَعْدَهُ بِقَلِيلٍ ، اسْتَيْقَظَ رسول الله ﷺ فَجَلَسَ يَمْسَحُ النَّوْمَ عَنْ وَجْهِهِ بِيَدِهِ ، ثُمَّ قَرَأَ الْعَشْرَ الآيَاتِ الْخَوَاتِمَ مِنْ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ، ثُمَّ قَامَ إِلَى شَنٍّ مُعَلَّقَةٍ ، فَتَوَضَّأَ مِنْهَا ، فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ، ثُمَّ قَامَ يُصَلِّي ، قَالَ: فَقُمْتُ فَصَنَعْتُ مِثْلَ مَا صَنَعَ، ثُمَّ ذَهَبْتُ فَقُمْتُ إِلَى جَنْبِهِ ، فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى رَأْسِي، وَأَخَذَ بِأُذُنِي الْيُمْنَى يَفْتِلُهَا ، فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ أَوْتَرَ، ثُمَّ اضْطَجَعَ، حَتَّى أَتَاهُ الْمُؤَذِّنُ، فَقَامَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ، ثُمَّ خَرَجَ فَصَلَّى الصُّبْحَ. (1)

ترجمه : عبدالله بن عباس رضي الله عنهما مي گويد: شبي ، در خانه خاله ام ؛ ميمونه رضي الله عنها ؛ همسر رسول الله ﷺ ؛ خوابيدم. رسول الله ﷺ و همسرش ؛ ميمونه رضي الله عنها ؛ در طول بالش و من در عرض آن ، سر نهاديم. رسول الله ﷺ خواب رفت ولي پس از گذشت نصف شب يا كمتر از آن ، بيدار شد و با كشيدن دست ها بر چهرة خويش ، خواب را از خود دور كرد و ده آية اخير سورة آل ان را تلاوت نمود و بعد بسوي مشك آبي كه آويزان بود ، رفت و خوب و كامل ، وضو گرفت و به نماز ايستاد. ابن عباس رضي الله عنهما مي گويد: من

---

[1] - حديث نمبر (265) الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخارى ؛ تاليف محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى ، تحقيق محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة ، ط1، (1422هـ).

نيز مانند رسول الله ﷺ وضو گرفته، كنار ايشان به نماز ايستادم. رسول الله ﷺ دست راستش را بر سر من گذاشت و گوش راست مرا اندكي فشرد. پس از آن، دوازده ركعت نماز دو ركعتي خواند. و در پايان، يک ركعت نماز وتر خواند و دراز كشيد. و هنگامي كه اذان صبح گفته شد، دو ركعت سنت فجر را بصورت مختصر خواند و براي اداي نماز فجر، به مسجد رفت.

سنت دوم: رسول الله ﷺ الفاظ اين ذكر را ميخواند: الحَمْدُ لِله الّذِي أحْيَانا بَعْدَمَا أمَاتَنَا وإليه النُّشُورُ

دليل اين سنت: امام بخارى (رحمه الله) روايت ميكند: عَنْ حُذَيْفَةَ ﷺ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إذَا أخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ، وَضَعَ يَدَهُ تَحْتَ خَدِّه ثُمّ يَقُولُ: «اللَّهُمّ بِاسْمِكَ أمُوتُ وَأحْيَا». وَإذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلّه الّذِي أحْيَانَا بَعْدَ مَا أمَاتَنَا وَإلَيْه النُّشُورُ». [1]

ترجمه: حذيفه ﷺ مي گويد: رسول الله ﷺ هنگاميكه در شب به بستر خواب ميرفت دستش را زير رخسارش مي گذاشت و مي گفت: «اللَّهُمّ بِاسْمِكَ أمُوتُ وَأحْيَا». يا الله (سبحانه وتعالى) به نام تو مي خوابم و بيدار مي شوم». و هنگاميكه از خواب بيدار مي شد، مي فرمود: «الْحَمْدُ لِلّه الّذِي أحْيَانَا بَعْدَ مَا أمَاتَنَا وَإلَيْه النُّشُورُ». يعني حمد و سپاس الله (سبحانه وتعالى) را كه ما را از خواب، بيدار كرد و بسوي او حشر خواهيم شد».

سنت سوم: رسول الله ﷺ الفاظ اين ذكر را ميخواند: (الْحَمْدُ لِلّه الّذِي عَافَانِي فِي جَسَدِي وَرَدّ عَلَيّ رُوحِي وَأذِنَ لِي بِذِكْرِه).

---

[1] . حديث نمبر (6314- الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى) .

دليل اين سنت: امام ترمذى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنّ رسول اللّه ﷺ قَالَ إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَنْ فِرَاشِهِ ثُمّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَلْيَنْفُضْهُ بِصَنِفَةِ إِزَارِهِ ثَلَاثَ مَرّاتٍ فَإِنّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ بَعْدُ فَإِذَا اضْطَجَعَ فَلْيَقُلْ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصّالِحِينَ فَإِذَا اسْتَيْقَظَ فَلْيَقُلْ الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي عَافَانِي فِي جَسَدِي وَرَدّ عَلَيّ رُوحِي وَأَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ. [1] حديث صحيح است. [2]

ترجمه: صحابى بزرگوار ابوهريره رضی الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمود ند: هنگاميكه يكى از شما از بسترش برخيزد وسپس به آن مراجعه كند ، آنرا سه مرتبه تكان بدهد ، زيرا او نميداند كه بعد از وى چى شده است ، هنگاميكه به پهلو افتاد بگويد: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصّالِحِينَ.

وهنگاميكه از خواب برخواست بگويد: الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي عَافَانِي فِي جَسَدِي وَرَدّ عَلَيّ رُوحِي وَأَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ دهان مبارک شانرا مسواک مینمودند.

دليل اين سنت: سنن البيهقي الكبرى روايت ميكند: عن عائشة رضي الله عنها قالت: كان النبي (صلى الله عليه وسلم) لا يرقد من ليل ولا نهار فيستيقظ إلا يتسوك قبل أن يتوضأ. [3] حديث حسن است ، [4]

ترجمه: ام المومنين عايشهء صديقه(رضي الله عنها) ميفرمايد كه رسول الله ﷺ هنگامي كه درشب يا روزازخواب بيدار مي‌شد ند قبل ازوضو نمودن مسواك مي نمود ند.

---

[1]- حديث نمبر(3323) سنن الترمذى تاليف محمد بن عيسى بن سَوْرة بن موسى بن الضحاك، التـرمذي، أبو عيسى (تاريخ وفات: 279هـ) تحقيق وتعليق أحمد محمد شاكر ومحمد فؤاد عبد الباقي، مـصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي،ط3، (1395 هـ-1975م).

[2]- حديث نمبر (2707) صحيح الترمذى تاليف ابى عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، اشقودري البانى (متوفى: 1420هـ) ،(د م ن): (د ن) ، (د ت ط).

[3] - حديث نمبر 166سنن البيهقي الكبرى ، المؤلف : أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا مكه مكرمه: مكتبة دار الباز، 1414 - 994.

[4] - حديث نمبر(383) مشكاة المصابيح تاليف محمد بن عبد الله الخطيب التبريزي ، تحقيق : تحقيق محمد ناصر الدين الألباني، بيروت: المكتب الإسلامي، ط٣، (1405 – 1985) .

مطلب دوم: هنگام رفتن به تشناب: هنگامیکه رسول الله ﷺ به تشناب تشریف میبردند ، اموذیل را انجام میدادند:

سنت اول: رسول الله ﷺ چبلق یا پاپوش خود را با پاي راست میپوشید وبا پاي چپ از پایش خارج مینمود.

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ﷺ: أَنَّ رَسُولَ اللَّه ﷺ قَالَ: «إِذَا انْتَعَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيَمِينِ، وَإِذَا نَزَعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشِّمَالِ، لِيَكُنِ الْيُمْنَى أَوَّلَهُمَا تُنْعَلُ، وَآخِرَهُمَا تُنْزَعُ». [1]

ترجمه: ابوهریره ﷺ روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه یکي از شما خواست کفشش را بپوشد, از سمت راست, شروع کند. و هرگاه، خواست بیرون بیاورد, از سمت چپ، آغاز نماید. پاي راست باید درپوشیدن، اول، و دربیرون آوردن, آخر باشد»

سنت دوم: رسول الله ﷺ درهر کار از راست شروع کردن را دوست داشت.

دلیل این سنت: امام بخاری ﷺ روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّه عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيَمُّنُ فِي تَنَعُّلِه، وَتَرَجُّلِه، وَطُهُورِه، وَفِي شَأْنِه كُلِّه. [2]

ترجمه: عایشه رضي الله عنها ميفرمايد: نبي اكرم ﷺ درپوشیدن كفش، شانه كردن موها، وضوگرفتن وهمة كارهايش، شروع كردن ازسمت راست را ميپسندید

سنت سوم: رسول الله ﷺ بسیار با حیا بود و برای رفتن به رفع ضرورت به جای پنهانی میرفت که از چشم مردم دورباشد.

دلیل این سنت: امام ابوداوود ﷺ روایت میکند: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَرَادَ الْبَرَازَ انْطَلَقَ حَتَّى لَا يَرَاهُ أَحَدٌ. [3] حدیث صحیح است. [4]

---

[1] - حدیث نمبر (5856) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله علیه وسلم) و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری)

[2] - حدیث نمبر(۱۶۸) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری)

[3] - حدیث نمبر(۲) سنن ابی داوود تالیف ابی داوود **سلیمان بن الاشعث الأزدی** . *(142.هـ ق)* . **مراجعة وتعلیق محمد محیي الدین عبدالحمید، بیروت: دار الفكر، *ط1*، (ب ت).**

[4] - حدیث نمبر(۲) صحیح وضعیف سنن ابی داوود تالیف ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدین بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم اشقودري البانی (المتوفى: 1420هـ)، **اسكندریه : مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة ، (دط) ، (دت)..**

ترجمه: جابر بن عبدالله رضي الله عنه روايت ميكند كه رسول الله ﷺ هنگاميكه ميخواست به رفع ضرورت برود ، تا جايي دور ميرفت كه هيچ كسي او را نبيند.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ قبل ازداخل شدن به تشناب (بسم الله) ميگفت.

دليل اين سنت: امام ترمذى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رسول الله ﷺ قَالَ سَتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُهُمْ الْخَلَاءَ أَنْ يَقُولَ بِسْمِ اللَّهِ قَالَ أَبُو عِيسَى هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ لَا نَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ هَذَا الْوَجْهِ وَإِسْنَادُهُ لَيْسَ بِذَاكَ الْقَوِيِّ وَقَدْ رُوِيَ عَنْ أَنَسٍ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشْيَاءُ فِي هَذَا. [1] حديث صحيح است. [2]

ترجمه: صحابى بزرگوار على بن ابى طالب رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمودند: ستر ميان چشمان جنها وعورت هاى بنى آدم درينست كه وقتى يكى از شما داخل بيت الخلاء ميگردد، بگويد ، بسم الله.

سنت پنجم: رسول اللّه ﷺ قبل از داخل شدن به تشناب به الله سبحانه وتعالى پناه ميبردند و ميگفتند: اللهُمّ إنِّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ والخبائِث»

دليل اين سنت: امام بخارى (رحمه الله) روايت ميكند: عن أَنَس رضي الله عنه قال: كَانَ النَّبِيُّ الله صلى الله عليه وسلم إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ». [3]

ترجمه: انس رضي الله عنه روايت ميكند كه رسول الله ﷺ هنگاميكه داخل بيت الخلاء ميشد ميگفت: (اللهُمّ إنِّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ والخبائِث». الهى ! از جن هاى خبيث و پليد، أعم از زن و مرد، به تو پناه مى برم).

سنت ششم: رسول الله ﷺ براى مومنان آداب و نزاكت هاى استفاده از تشناب را تعليم ميدادند.

دليل اين سنت: امام مسلم (رحمه الله) روايت ميكند: عن سَلمان رضي الله عنه قال: "قال لنا المشركون: إنِّي أرى صاحبَكم يُعلّمكم حتى يُعلِّمكم الخراءةَ، فقال: أجل، إنّه

---

[1]- حديث نمبر (606) سنن ترمذى .

[2]- حديث نمبر (606) صحيح وضعيف سنن ترمذى .

[3] - حديث نمبر(١٤٢) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى).

نهانا أن يستنجيَ أحدُنا بيمينه، أو يستقبلَ القبلةَ، ونهى عن الرّوث والعَظم، وقال: لا يستنجي أحدُكم بدون ثلاثة أحجار "صحيح مسلم (رقم: 262) .

ترجمه: از سَلمان فارسى رضي الله عنه روايت است كه مشركان براى ما گفتند: ما ميبينيم كه دوست شما (منظورشان رسول الله ﷺ بود) براى شما حتى امور تشناب (آداب تشناب) را تعليم ميدهد ، گفت: بلى ، رسول الله ﷺ ما را از استنجا نمودن بادست راست ، رو نمودن بطرف قبله منع نمود ، همچنان از (استفاده نمودن از) سرگين و استخوان (در نظافت شرمگاه) منع نمودند ، و فرمود: يكى از شما كمتر از سه سنگ استنجا نكند. (شرمگاهش را به سه قطعهء ازوسايل تنظيف كننده ، پاك نمايد).

ياد داشت مولف: اين عظمت دين اسلام را نشان ميدهد كه رسول الله ﷺ امتش را ازطهارت تا امامت تمامى نظامهاى زنده گى دنيا و آخرت را تعليم ميداد ، همچنان رسول الله ﷺ منحيث يك طبيب وقايوى ومعالجوى ، براى امتش تمامى امور نظافت وپاك جسمى و محيط زيست را بيان ميداشت.

سنت هفتم: رسول الله ﷺ از نشستن بطرف قبله ويا پشت دوردادن به قبله در وقت رفع حاجت منع مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى (رحمه الله) روايت ميكند: عَنْ أَبي أَيُّوب الأنْصَارِيّ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رسول الله ﷺ: «إِذَا أَتَى أَحَدُكُمُ الْغَائِطَ فَلا يَسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَلا يُوَلِّهَا ظَهْرَهُ، شَرِّقُوا أَوْ غَرِّبُوا».[1]

ابو ايوب انصاري رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هنگام قضاي حاجت، رو يا پشت خود را به طرف قبله نكنيد. بلكه به طرف مشرق يا مغرب رو كنيد».

سنت هشتم : رسول الله ﷺ ازبى تفاوتى درهنگام نشستن رفع حاجت و متوجه نشدن به قطرات بول ، عذاب كسانى را كه درقبر جزا ميديدند بيان كرد.

---

[1] - حديث نمبر (144) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى).

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميکند: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- عَلَى قَبْرَيْنِ فَقَالَ « أَمَا إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِى كَبِيرٍ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ يَمْشِى بِالنَّمِيمَةِ وَأَمَّا الآخَرُ فَكَانَ لاَ يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ ». قَالَ فَدَعَا بِعَسِيبٍ رَطْبٍ فَشَقَّهُ بِاثْنَيْنِ ثُمَّ غَرَسَ عَلَى هَذَا وَاحِدًا وَعَلَى هَذَا وَاحِدًا ثُمَّ قَالَ « لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَيْبَسَا » . (1)

ترجمه: صحابى بزرگوار عبدالله بن عباس رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ از کنار دو قبر گذشته و فرمود: آن دو عذاب مي شوند و در چيز بزرگي عذاب نمي شوند ! اما يکي از آنها سخن چيني مي کرد و ديگري از بول (ادرارش) خود را نگه نميداشت. ابن عباس رضى الله عنهما ميفرمايند که رسول الله ﷺ يک شاخهء تازه را گرفت و دو قسمت نمود ، سپس بالاى يک قبر يک قسمتش را گذاشت و بر قبر ديگر قسمت ديگرش را گذاشت ، و فرمود : اميد است که تا زما نيکه دو شاخته نه خشکيده ا ند ، سبب تخفيف عذاب آ نان گردد.

سنت نهم: رسول الله ﷺ از مسح نمودن شرمگاه با دست راست منع مينمود.

دليل اين روايت: امام بخارى رحمه الله روايت ميکند: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي قَتَادَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رسول الله ﷺ إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَتَنَفَّسْ فِي الْإِنَاءِ وَإِذَا أَتَى الْخَلَاءَ فَلَا يَمَسَّ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ وَلَا يَتَمَسَّحْ بِيَمِينِهِ. (2)

ترجمه: عبدالله بن ابى قتاده رضي الله عنه از پدرش روايت ميکند که رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه يکي از شما درظرفي آب نوشيديد درداخل ظرف تنفس نکند ، وهرگاه به بيت الخلاء برود شرمگاهش را با دست راستش مسح نکند.

سنت دهم: رسول اللّٰه ﷺ بعد از خارج شدن از تشناب ميگفت: (غُفْرانَکَ) (الهى ! از توآمرزش مى طلبم.

دليل اين سنت: امام ابوداوود رحمه الله روايت ميکند: عن عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ الْغَائِطِ قَالَ غُفْرَانَكَ. (3) حديث صحيح است. (4)

---

[1]- حديث نمبر(703) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم) تاليف مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) ، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي ، (ب ت).
[2]- حديث نمبر(١٥٣) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[3]- حديث نمبر(٣٠) سنن ابى داوود
[4]- حديث نمبر(٣٠) صحيح وضعيف سنن ابى داوود.

ترجمه:ام المومنين عايشهء صديقه رضي الله عنها روايت ميكند كه نبي كريم ﷺ فرمود: هرگاه يكي از شما از بيت الخلاء خارج ميشود بگويد: غفرا نك.

سنت يازدهم: رسول الله ﷺ از تشناب نمودن در راه وياهم در اماكن نشست وبرخواست مردم منع مينمود ند.

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: . عن أبي هريرة (رضى الله عنه) أنّ رسول الله ﷺ قال: "اتّقوا اللّعّا نَيْن، قالوا: وما اللّعّا نان يا رسولَ الله؟ قال: الّذي يَتَخَلّى في طَريق النّاس أو ظلّهم "[1].

ترجمه: ابوهريره (رضى الله عنه) روايت ميكند كه رسول الله ﷺ فرمود: از لعنت شده گان بپرهيزيد ، صحابه پرسيد ند: اى رسول الله ﷺ ، لعنت شده گان كدام مردم هستند ، فرمود ند: كسيكه در راه مردم وياهم در جاى سايهء (اماكنى كه مردم براى نشست وبرخواست استفاده ميكند) رفع حاجت يا تشناب مينمايد.

سنت دوازدهم: رسول الله ﷺ از سخن گفتن ويا ذكر نمودن درهنگام تشناب نمودن ، اجتناب مى ورزيد ند.

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عن ابن رضي الله عنهما قال: "أنّ رجلاً مرّ ورسول الله يبول ، فسلّم عليه ، فلَم يردّ عليه "[2]

ترجمه: ازعبدالله بن (رضى الله عنه) روايت كه شخصى (ناگهان) بر رسول الله ﷺ مرور نمود ند ، و رسول الله ﷺ درحالت تشناب بود ند ، آن شخص سلام نمود ند ، رسول الله ﷺ جواب سلام شا نرا ندا ند.

مطلب اول: هنگام گرفتن وضوء: وضو يكى از وسايل طهارت و پاكى مسلمان ميباشد ، پاكى وضو از دو جهت است يكى از نگاه معنوى كه انسان مومن را از بسيارى از گناهان پاك ميسازد و از جهت ديگرى از نگاه مادى است كه اعضاى بدن مومن را پاك ميسازد.

1- حديث نمبر(269) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).
2- حديث نمبر(370) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

رسول الله ﷺ هنگام گرفتن وضو امور ذیل را انجام میداد:

سنت اول: رسول الله ﷺ وسایل تنظیف را طاق استعمال مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عن أَبي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ تَوَضَّأَ فَلْيَسْتَنْثِرْ وَمَنِ اسْتَجْمَرَ فَلْيُوتِرْ» [1]

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: نبي اکرم ﷺ فرمود: «هر کس، وضو مي گیرد، آب در بیني اش کند وآ نرا تمیز نماید. و هرکس، با سنگ استنجا مي کند، عدد فرد را رعایت کند»

سنت دوم: رسول الله ﷺ قبل از داخل نمودن دستا نش در ظرف دستا نش را میشست.

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عَنْ أَبي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه -: أَنَّ رسول الله ﷺ قَالَ: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ في أَنْفه مَاءً ثُمَّ لِيَنْثُرْ وَمَنِ اسْتَجْمَرَ فَلْيُوتِرْ وَإِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِه فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ قَبْلَ أَنْ يُدْخِلَهَا في وَضُوئه فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ». [2]

ترجمه: از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه، یکي از شما وضو مي گیرد، آب در بیني نماید وآن را تمییز کنید. و هر کس که با سنگ استنجا مي کند، عدد فرد را رعایت نماید. وهرگاه از خواب بیدار شدید (و خواستید وضو بگیرید) دست ها را قبل از داخل کردن در ظرف آب، بشویید. زیرا شما نمي دانید که دستتان در حالي که خواب بودید، با چه چیز و کجا تماس پیدا کرده است»

سنت سوم: رسول الله ﷺ در هنگام شستن اعضای بدنش از طرف راست شروع میگردند.

---

[1]- حدیث نمبر (161) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری).
[2]- حدیث نمبر (162) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری).

دليل اين سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عَنْ عَائشَةَ رَضيَ الله عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبيُّ - صلى الله عليه وسلم - يُعْجِبُهُ التَّيَمُّنُ فِي تَنَعُّله ، وَتَرَجُّله ، وَطُهُوره ، وَفِي شَأْنه كُلّه. [1]

ترجمه: عايشه رضي الله عنها مي فرمايد: نبي اكرم - صلى الله عليه وسلم - در پوشيدن كفش، شانه كردن موها، وضو گرفتن و همة كارهايش، شروع كردن از سمت راست را مي پسنديد.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ اعضای بدنش را سه سه مرتبه میشست.

دليل اين سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عَنْ عَبْد اللّه بْن زَيْد: أنّ رجلاً قَالَ لَهُ: هَلْ تَسْتَطيْعُ أنْ تُريَنِيْ كَيْفَ كَانَ رَسُوْلُ الله ﷺ يَتَوَضّأُ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَدَعَا بمَاء، فأفرغ عَلَى يَدَيْه ثُمّ غَسَلَهُمَا ثلاثًا ، ثُمّ أدْخَلَ يَدَهُ في الإنَاء فَمَضْمَضَ وَاسْتَنْشَقَ ثلاثًا ، ثُمّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثلاثاً ، ثُمّ غَسَلَ يَدَيْه مَرّتَيْن مَرّتَيْن إلى الْمرْفَقَيْن ، ثُمّ مَسَحَ رَأسَهُ بيَدَيْه ، فَأقْبَلَ بهمَا وَأدْبَرَ ، بَدَأ بمُقَدّم رَأسه حَتّى ذَهَبَ بهمَا إلى قَفَاهُ ، ثُمّ رَدّهُما إلى المكان الّذي بَدَأ منْهُ ثُمّ غَسَلَ رجْلَيْه. [2]

ترجمه: عبدالله بن زيد - رضي الله عنه - مي گويد: يكي از من پرسيد: آيا ميتواني چگونگي وضوگرفتن رسول الله ﷺ را به من نشان دهي؟ عبدالله گفت: آري. آنگاه، مقداري آب خواست و بر دست هايش، آب ريخت و آنها را سه بار شست. بعد، با دستش از ظرف آب برداشت و سه بار مضمضه و سه بار، استنشاق كرد (يعني دهان و بيني اش را شست). سپس، صورت اش را سه بار شست. و بعد، دستهايش را دو بار تا آرنج شست. آنگاه، با هر دو دست، سرش را مسح نمود. مسح را از پيشاني يعني از ابتداي سر، شروع نمود و دست ها را تا پشت سر كشاند. و سپس به طرف ابتداي سر يعني از جايي كه شروع كرده بود، برگرداند. و درپايان، پاهايش را شست

سنت پنجم: رسول الله ﷺ درهنگام وضوء مسواک مینمودند.

---

[1] - حديث نمبر (168) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری).

[2] - حديث نمبر (185) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری).

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رسول الله ﷺ لّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي أَوْ عَلَى النَّاسِ لَأَمَرْتُهُمْ بِالسِّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاة. [1]

.ترجمه: ابوهریره رضي الله عنه روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود: اگر بالاي امت من ویا مردم مشقت وسختي نمیشد آنان را امر مینمودم که براي هر نماز مسواک نمایند.

سنت ششم: رسول الله ﷺ درختم وضوء پاهای شا نرا میشستند.

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عن عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ - رضي الله عنه - أَنَّهُ دَعَا بِإِنَاء فَأَفْرَغَ عَلَى كَفَّيْهِ ثلاث مرار فَغَسَلَهُمَا، ثُمَّ أَدْخَلَ يَمِينَهُ فِي الانَاء فَمَضْمَضَ وَاسْتَنْشَقَ، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلاثاً وَيَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ ثلاث مرار، ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِه، ثُمَّ غَسَلَ رِجْلَيْه ثلاثَ مرار إِلَى الْكَعْبَيْنِ، ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ: «مَنْ تَوَضَّأَ نَحْوَ وُضُوئِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لا يُحَدِّث فيهِمَا نَفْسَهُ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِه». [2]

ترجمه: از عثمان بن عفان - رضي الله عنه - روایت است که ایشان آب خواست و وضو گرفت. نخست، سه بار آب ریخت و دست ها را (تا مچ) شست. سپس با دست راستش از ظرف، آب برداشت و مضمضه و استنشاق کرد. یعني آب در دهان نمود و بیني خود را تمیز کرد. و بعد، سه بار صورتش را شست. آنگاه، دو دستش را تا آرنج، سه بار شست. و در آخر، سرش را مسح نمود و پاهایش را تا قوزک، سه بار شست، و بعد گفت: رسول الله ﷺ فرموده است: «هرکس، مانند این وضوي من، وضو بگیرد و با اخلاص، دو رکعت نماز بخواند، الله (سبحانه وتعالی) تمام گناهان گذشته اش را مورد عفو قرار خواهد داد»

سنت هفتم: رسول الله ﷺ امت خویش را به شستن بیشتر دست وپایش تشویق مینمود.

---

[1] - حدیث نمبر 838) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری)

[2] -حدیث نمبر (159) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری)

دليل اين سنت: امام بخاری (رحمه الله) و مسلم روايت ميکنند: عَنْ أَبي هُرَيْرَةَ رضيَ اللّه عَنْه قال: سمعْت رسول الله ﷺ لّى اللهُ عَلَيْه وسَلّم يقُول: « إنّ أُمّتي يُدْعَوْنَ يَوْمَ القيامَة غُرّاً محَجّلينَ منْ آثَار الوضوء فَمن اسْتَطَاعَ منْكُمْ أَنْ يُطيل غُرّتَه، فَليفعلْ». [1] [2]

ترجمه: از ابوهريره رضي الله عنه روايت است که گفت: از رسول الله ﷺ شنيدم که مي فرمود: امتم در روز قيامت از آثار وضوي شان غر و محجل ناميده مي شوند (آنکه دست و پا و جبينش از سفيدي مي درخشد). پس آنکه از شما مي تواند که غره خود را دراز نمايد، بايد اين کار را عملي کند.

سنت هشتم: رسول الله ﷺ به گفتن أشْهدُ أنْ لا إله إلاّ اللّه وحْدَه لا شَريكَ لهُ، وأشْهدُ أنّ مُحمّدًا عبْدُهُ وَرسُولُه بعد از ختم وضو توصيه مينمود ند.

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميکند: عنْ بْن الخَطّاب رضي اللّه عَنْهُ عن النّبيّ ﷺ قال: « ما منْكُمْ منْ أحد يتوضّأُ فَيُبْلغُ أو فَيُسْبغُ الوُضُوءَ ثُمّ قال: أشْهدُ أنْ لا إله إلاّ اللّه وحْدَه لا شَريكَ لهُ، وأشْهدُ أنّ مُحمّدًا عبْدُهُ وَرسُولُه، إلاّ فُتحَت لَهُ أبْوابُ الجنّة الثّمَانيَةُ يَدْخُلُ منْ أيّها شاءَ» [3]

.ترجمه: از بن خطاب رضي الله عنه روايت شده که: رسول الله ﷺ فرمود: هيچکدام شما نيست که وضوء بگيرد و آن را برسا ند يا کامل نمايد (شک راويست) سپس بگويد: أشْهدُ أنْ لا إله إلاّ اللّه وحْدَه لا شَريكَ لهُ، وأشْهدُ أنّ مُحمّدًا عبْدُهُ وَرسُولُه، مگر اينکه تمام هشت دروازهء بهشت باز مي گردد، تا از هر کدام که بخواهد داخل گردد. اين حديث را مسلم روايت نموده است.

سنت نهم: رسول الله ﷺ بـــه گفتن اللّهُمّ اجْعلْني من التّوّابينَ واجْعلْني منَ المُتَطَهّرينَ» بعد از ختم وضو نيز توصيه نموده اند.

2- حديث نمبر (141) اللؤلؤ والمرجان تاليف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبكر حسن زاده.

3- حديث نمبر (۵۷۶) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

دلیل این سنت: امام ترمذی رحمه الله روایت میکند ::عن بن الخطاب قال: قال رسول الله ﷺ من توضأ فأحسن الوضوء ثم قال أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين - فتحت له ثما نية أبواب الجنة يدخل من أيها شاء. [1] حديث صحيح است. [2]

سنت پانزدهم: رسول الله ﷺ به خواندن نماز تحیت الوضوء توصیه مینمودند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند : عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ كَانَتْ عَلَيْنَا رِعَايَةُ الإِبِلِ فَجَاءَتْ نَوْبَتِى فَرَوَّحْتُهَا بِعَشِىٍّ فَأَدْرَكْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَائِمًا يُحَدِّثُ النَّاسَ فَأَدْرَكْتُ مِنْ قَوْلِهِ « مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهُ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّى رَكْعَتَيْنِ مُقْبِلٌ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ إِلاَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ». [3]

ترجمه: از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که فرمود: بر نامه لازم بود تا به چرا ندن شتران مشغول باشیم ، نوبت من آمد و من شتران را به چراگاهی بردم و به نزد رسول الله ﷺ رفتم که برای مردم سخن میگفت درین نقطه او را یافتم (که میگفت) : « هرگاه مسلمانی وضو گیرد و وضویش را نیک نماید ، سپس برخواسته رو وقلبش را بطرف قبله نموده، دو رکعت نماز بخواند، بروی جنت واجب میگردد.

مطلب چهارم: سنت های رسول الله ﷺ در نماز سنت صبح : رسول الله ﷺ در نماز سنت صبح امور ذیل را انجام میداد:

سنت اول: رسول الله ﷺ نماز سنت صبح بسیار اهتمام مینمود ، تا ترک نشود.

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند : عَنْ عَائِشَةَ رَضيَ الله عَنْهَا قَالَتْ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ - صلى الله عليه وسلم - عَلَى شَيْءٍ مِنَ النَّوَافِلِ أَشَدَّ مِنْهُ تَعَاهُدًا عَلَى رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ. [4]

1- حديث نمبر (۵۵) سنن ترمذی .
2- حديث نمبر (۵۵) صحيح وضعيف سنن ترمذی .
3- حديث نمبر (۵۷۶) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).
4 - حديث نمبر (1163) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى).

ترجمه: ام المومنين؛ عايشه رضي الله عنها؛ مي فرمايد: رسول الله ﷺ بر هيچ يک از نمازهاي نفلي، به اندازة دو رکعت سنت فجر، مواظبت نمي کرد.

سنت دوم: رسول الله ﷺ نماز سنت صبح را خفيف ميخواند.

دليل اين سنت: امام بخارى (رحمه الله) روايت ميکند: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّه عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ – صلى الله عليه وسلم – يُخَفِّفُ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ قَبْلَ صَلاَةِ الصُّبْحِ حَتَّى إِنِّي لأَقُولُ هَلْ قَرَأَ بِأُمِّ الْكِتَابِ. (1)

ترجمه: عايشه رضي الله عنها روايت مي کند که: رسول الله ﷺ سنت هاي فجر را با ندازه اي مختصر و کوتاه مي خواند که با خود مي گفتم: آيا سورة فاتحه را خواند !؟

سنت سوم: رسول الله ﷺ دو رکعت سنت صبح را در منزلش ادا مينمود.

دليل اين سنت: امام ابى داوود روايت ميکند: عنْ أبي عبد اللّه بلال بن رَبَاح رضيَ اللّه عنْهُ، مُؤَذِّن رسول الله ﷺ أ نّهُ أتَى رسول الله ﷺ ليُؤذ نه بصَلاة الغدَاة، فَشَغَلَتْ عَائشَةُ بلالاً بِأمْرٍ سَألَتهُ عَنْهُ حَتى أصبحَ جداًّ، فَقَامَ بلالٌ فَآذ نَهُ بِالصّلاة، وتَابَعَ أذانَهُ، فَلَم يَخْرُجْ رسول اللّه ﷺ، فلما خَرَجَ صلّى بِالنّاس، فَأخبَرهُ أنّ عائشَة شَغَلَتْهُ بِأمْرٍ سَألَتْهُ عنْهُ حتى أصبحَ جداًّ، وأنّهُ أبطَأ عَلَيه بالخُروجِ، فَقَال يَعْني النبي صَلّى اللّهُ عَلَيْه وسَلّم: «إني كُنْتُ رَكَعْتُ ركعتي الفَجْرِ» فقالَ: يا رسول اللّه إنّك أصْبَحْتَ جداًّ؟ فقالَ: «لوْ أصبَحتُ أكْثَرَ مما أصبَحتُ، لرَكعْتُهُما، وأحْسنْتُهُمَا وَأجمَلْتُهُمَا» (2)

شيخ البانى ميگويد: حديث صحيح است. (3)

ترجمه: از «ابوعبدالله بلال بن رباح» – رضي الله عنه – مؤذن پيامبر – صلى الله عليه وآله وسلم – روايت شده است که گفت: او به خدمت پيامبر – صلى الله عليه وآله وسلم – آمد تا ايشان را به نماز صبح خبر دهد، حضرت عايشه – رضي الله عنها – بلال را به کاري

---

[1] - حديث نمبر (1165)الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى).

[2] - حديث نمبر(1257) سنن أبي داود تاليف أبى داود سليمان بن الأشعث السِّجِسْتاني (المتوفى : 275هـ) ، تحقيق محمد محيي الدين عبد الحميد ، ناشر : دار الفكر.

[3] - حديث نمبر(1257) صحيح وضعيف سنن أبي داود تاليف محمد ناصر الدين الألباني ، مصدر الكتاب : برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية ..

مشغول كرد و انجام آن را از او خواست تا اين كه (اول وقت گذشت) و هوا روشن و صبح شد، بلال به پا خواست و براي پيامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - اذان گفت و اذا نش را ادامه داد و براي مردم هم اذان گفت، ولي پيامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - از خانه خارج نشد و چون بيرون آمد، براي مردم نماز خواند و بلال (براي عذرخواهي از تأخير خويش در اذان) به پيامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - اطلاع دادكه حضرت عايشه - رضي الله عنها - او را به كاري مشغول كرده بود تا صبح شد و هوا به كلي روشن گرديد و خود پيامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - نيز خروج از خانه را به تأخير انداخت، پيامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - فرمودند: «من دو ركعت نماز فجر را ادا مي نمودم»، بلال گفت: اي رسول الله ﷺ ! شما كاملاً صبح كرديد ! صبح روشن بود، فرمودند: «اگر بيشتر از اكنون صبح و تأخير مي كردم، آن دو ركعت را مي خواندم و نيكوتر و كامل تر و زيباتر مي خواندم».

سنت چهارم : رسول الله ﷺ فرمود: بعد از طلوع فجر نمازى نيست به غير از دو ركعت سنت صبح.

دليل اين سنت:عن ابن : أن رسول الله ﷺ قال لا صلاة بعد الفجر إلا سجدتين. ومعنى هذا الحديث إنما يقول لا صلاة بعد طلوع الفجر الا ركعتي الفجر. [1] شيخ البا نى ميگويد: حديث صحيح است. [2]

ترجمه : از ابن رضي الله عنه روايت است كه رسول الله ﷺ فرمود: «بعد از طلوع فجر نمازي نيست؛ بجز دو سجده (دو ركعت سنت صبح)». خمسه بجز نسائي روايت كرده اند، و در روايت عبدالرزاق آمده: «بعد از طلوع فجر نمازي نيست بجز دو ركعت سنت صبح». دارقطني نيز ما نند اين از عبدالله بن و بن عاص روايت كرده است.

سنت پنجم : رسول الله ص در نماز سنت صبح سوره، كافرون و اخلاص را ميخوا ند.

دليل اين سنت:امام مسلم روايت ميكند: عَنْ أَبي هُرَيْرَةَ أَنَ النَّبِيّ ﷺ قَرَأَ فِي رَكْعَتِي الْفَجْرِ: {قُلْ يَاأَيُّهَا الْكَافِرُونَ} و {قُلْ هُوَاللّهُ أَحَدٌ}. [1]

---

[1] - حديث نمبر (419) الجامع الصحيح سنن الترمذي.
[2] - حديث شماره (419) صحيح وضعيف سنن الترمذي .

ترجمه - از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ دو رکعت قبل از نماز صبح سوره های {قُلْ يَاأَيُّهَا الْكَافِرُونَ} و {قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ} را مي خوا ند. مسلم روایت کرده است.

سنت ششم: رسول الله ﷺ بعد از خواندن نماز سنت صبح به پهلوی راست میخوابید تا وقت جماعت شود وبه جماعت برود.

دليل اين سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ رَضيَ الله عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيّ صلى الله عليه وآله وسلم إذَا صَلّى رَكْعَتَي الْفَجْرِ اضْطَجَعَ عَلَى شقّه الأيْمَن.[2]

ترجمه: - عايشه رضي الله عنها مي گويد: هر گاه پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم دو رکعت سنت فجر را مي خوا ند؛ بر پهلوي راستش دراز مي كشيد. بخاري روايت كرده است.

[1]- حديث نمبر(۱۷۲۳) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

[2] - حديث نمبر(۱۱۶۰) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى).

بحث دوم

اذكار نماز رسول الله ﷺ

مطلب اول: اذكار بعد از تكبير تحريمه: رسول الله ﷺ بعد از تكبير تحريمه اذكار، تسبيحات و دعا هاى ذيل را ميخوا ند ند:

سنت اول : رسول الله ﷺ بين تكبير تحريمه اين دعا را هم خوا نده است. اللّهُمّ بَاعدْ بَيْني وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرق وَالْمَغْرب، اللّهُمّ نَقّني منَ الْخَطَايَا كَمَا يُنَقّى الثّوْبُ الأَبْيَضُ منَ الدّنَس، اللّهُمّ اغْسلْ خَطَايَايَ بِالْمَاء وَالثّلْج وَالْبَرَد

دليل اين سنت: امام بخارى (رحمه الله) روايت ميكند: عن أبي هُرَيْرَةَ ﷺ قَالَ: كَانَ رسول الله ﷺ يَسْكُتُ بَيْنَ التّكْبير وَبَيْنَ الْقرَاءَة إسْكَاتَةً، فَقُلْتُ: بأَبي وَأُمّي يَا رَسُولَ اللّه، إسْكَاتُكَ بَيْنَ التّكْبير وَالْقرَاءَة مَا تَقُولُ؟ قَالَ: «أَقُولُ: اللّهُمّ بَاعدْ بَيْني وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرق وَالْمَغْرب، اللّهُمّ نَقّني منَ الْخَطَايَا كَمَا يُنَقّى الثّوْبُ الأَبْيَضُ منَ الدّنَس، اللّهُمّ اغْسلْ خَطَايَايَ بِالْمَاء وَالثّلْج وَالْبَرَد». (1)

ترجمه: ابوهريره ﷺ ميگويد: رسول الله ﷺ بين تكبير تحريمه و قرائت، اندكي سكوت ميكرد. ابوهريره ﷺ ميگويد: عرض كردم: اي پيامبر گرامي ﷺ ! پدر و مادرم فدايت باد، در اين ميان، چه مي خواني؟ رسول الله ﷺ فرمود: « ميگويم: يا الله (سبحا نه وتعالى) ! ميان من و گناها نم فاصله بيا نداز هما نطور كه ميان مشرق و مغرب فاصله انداختي. يا الله (سبحا نه وتعالى) ! همچنا نكه پارچة سفيد، از پليدي و چرك، پاك و صاف مي گردد، گناها نم را پاك و صاف بگردان. يا الله (سبحا نه وتعالى) گناها نم را به وسيلة آب، يخ و تگرگ بشوي و پاك گردان».

سنت دوم : رسول الله ﷺ بعد از تكبير تحريمه اين تسبيح را خوا نده است. سُبْحَانَكَ اللّهُمّ وَبِحَمْدكَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلاَ إلَهَ غَيْرُكَ .

---

[1] - حديث شماره (744) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى).

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عَنْ عَبْدَةَ أَنّ عُمَرَ بْنَ الْخَطّاب كَانَ يَجْهَرُ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ يَقُولُ سُبْحَانَكَ اللّهُمّ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ [1].

ترجمه : از عبده رضی الله عنه روايت كه بن خطاب رضی الله عنه به اين كلمات جهر مينمود. سُبْحَانَكَ اللّهُمّ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ

سنت سوم : رسول الله ﷺ وقتى يک صحابى بعد از تكبير تحريمه گفت الله أكبرُ كبيراً، والحمدُ لله كثيراً، وسبحان الله بُكرةً وأصيلاً تقرير نمود ند.

دليل اين سنت: امام مسلم (رحمه الله) روايت ميكند: عن عبد الله بن رضي الله عنهما قال: "بينما نحن نُصَلّي مع رسول الله ﷺ إذ قال رجلٌ من القوم: الله أكبرُ كبيراً، والحمدُ لله كثيراً، وسبحان الله بُكرةً وأصيلاً، فقال رسول الله ﷺ: مَن القائل كلمة كذا وكذا؟ قال رجلٌ من القوم: أنا يا رسول الله، قال: عجبتُ لها، فُتحت لها أبواب السماء ".قال ابن: فما تركتُهنّ منذ سمعتُ رسول الله ﷺ يقول ذلك. [2]

ترجمه: صحابى بزرگوار عبد الله بن رضي الله عنه مي فرمايند: روزى ما به همراى رسول الله ﷺ نماز ميخوانديم ، شخصى گفت: الله أكبرُ كبيراً، والحمدُ لله كثيراً، وسبحان الله بُكرةً وأصيلاً، رسول الله ﷺ پرسيد: گوينده اين كلمات كى بود؟ شخصى گفت: من بودم اى رسول الله، رسول الله ﷺ فرمود: مرا خوشم آمد از اين الفاظ كه دروازه هاى آسمان به آن باز گرديد ". عبدالله بن ميگويد كه من از وقتى كه اين را از رسول الله ﷺ شنيدم كه چنين گفت من گفتنش را ترک نكردم.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ وَجّهْتُ وَجْهِيَ... الخ را نيز گفته اند.

دليل اين سنت: امام مسلم (رحمه الله) روايت ميكند: عن عليّ رضي الله عنه، عن رسول الله ﷺ: "أنّهُ كَانَ إذا قَامَ إلَى الصّلاَة قَالَ: وَجّهْتُ وَجْهِيَ لِلّذي فَطَرَ السّمَوَاتِ وَالأَرْضَ حَنيفاً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إنّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لله رَبّ العَالَمِينَ، لاَ شَرِيكَ لَهُ

---

[1]- حديث نمبر(۹۱۸) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).
[2]- حديث نمبر(۶۰۱) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي، وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعاً، إِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ، وَاهْدِنِي لأَحْسَنِ الأَخْلاَقِ، لاَ يَهْدِي لأَحْسَنِهَا إِلاَّ أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لاَ يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلاَّ أَنْتَ، لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ ". [1]

مطلب دوم: اذکار رکوع: رســول الله ﷺ در رکوع شان اذکار، تسبیحات و دعا های ذیل را میخوانند:

سنت اول : رسول الله ﷺ دررکوع شان سبحان ربی العظیم سه مرتبه میگفتند.

دلیل این سنت: امام ابی داوود رحمه الله روایت میکند: عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِذَا رَكَعَ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، ثَلاَثَ مَرَّاتٍ، وَإِذَا سَجَدَ قَالَ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى، ثَلاَثَ مَرَّاتٍ. ابن ماجه [2] حدیث صحیح است. [3]

ترجمه: از حذیفه رضی الله عنه میگوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که هنگامیکه رکوع مینمودند میگفتند: « سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ ». سه مرتبه وهنگامیکه سجده مینمودند سه مرتبه میگفتند « سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ».

سنت دوم : رسول الله ﷺ در رکوع شان این تسبیح را نیز میخواندند: «سبحانك اللهم ربنا وبحمدك اللهم اغفر لي»

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي. [4]

ترجمه: ام المومنین عایشه ء صدیقه رضی الله عنها می فرماید: رسول الله ﷺ دررکوع وسجده ء شان میگفتند: «سبحانك اللهم ربنا وبحمدك اللهم اغفر لي».

---

[1] - حدیث نمبر(٧٧١) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

[2] - حدیث نمبر(888) سنن ابن ماجه تالیف ابى عبد الله محمد بن يزيد القزوينى (متوفى: 273هـ)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقى، دمشق: دار إحياء الكتب العربية، (دت).

[3] - حدیث نمبر(888) صحيح ابن ماجه ، تاليف ابى ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، اشقودري البانى (متوفى: 1420هـ) ،(د م ن): (د ن) ، (د ت ط).

[4] - حدیث نمبر(794-) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

سنت سوم : رسول الله ﷺ در رکوع شان این تسبیح را نیز گفته اند: «سبوح , قدوس , رب الملائکة والروح»

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند : عَنْ مُطَرِّفِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشِّخِّيرِ أَنَّ عَائِشَةَ نَبَّأَتْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- كَانَ يَقُولُ فِى رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ « سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلاَئِكَةِ وَالرُّوحِ ». (1)

ترجمه: صحابی بزرگوار مطرف بن عبدالله رضی الله عنه می فرمایند که ام المومنین عایشهء صدیقه رضی الله عنها برای شان خبر دادند که رسول الله ﷺ در رکوع وسجدهء شان میگفتند: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلاَئِكَةِ وَالرُّوحِ.

سنت چهارم : رسول الله ﷺ این دعا را نیز در رکوع شان نموده اند : « اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعَ لَكَ سَمْعِى وَبَصَرِى وَمُخِّى وَعَظْمِى وَعَصَبِى»

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَلِىِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلاَةِ قَالَ « وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذِى فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلاَتِى وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَنْتَ رَبِّى وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِى وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِى فَاغْفِرْ لِى ذُنُوبِى جَمِيعًا إِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ وَاهْدِنِى لأَحْسَنِ الأَخْلاَقِ لاَ يَهْدِى لأَحْسَنِهَا إِلاَّ أَنْتَ وَاصْرِفْ عَنِّى سَيِّئَهَا لاَ يَصْرِفُ عَنِّى سَيِّئَهَا إِلاَّ أَنْتَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِى يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ ». وَإِذَا رَكَعَ قَالَ « اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعَ لَكَ سَمْعِى وَبَصَرِى وَمُخِّى وَعَظْمِى وَعَصَبِى ». وَإِذَا رَفَعَ قَالَ « اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَوَاتِ وَمِلْءَ الأَرْضِ وَمِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَىْءٍ بَعْدُ ». وَإِذَا سَجَدَ قَالَ « اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِى لِلَّذِى خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ». ثُمَّ يَكُونُ مِنْ آخِرِ مَا يَقُولُ بَيْنَ التَّشَهُّدِ وَالتَّسْلِيمِ « اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى مَا قَدَّمْتُ

---

[1] - حدیث نمبر(1119) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحیح مسلم).

وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّى أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ». مسلم (1)

ترجمه: صحابی بزرگوار علي بن ابي طالب ﷺ مي فرمايند: رسول الله ﷺ هنگاميكه برای نماز بر ميخواستند، ميگفتند: «وَجَّهْتُ وَجْهِى لِلَّذِى فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلاَتِى وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَنْتَ رَبِّى وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِى وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِى فَاغْفِرْ لِى ذُنُوبِى جَمِيعًا إِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ وَاهْدِنِى لأَحْسَنِ الأَخْلاَقِ لاَ يَهْدِى لأَحْسَنِهَا إِلاَّ أَنْتَ وَاصْرِفْ عَنِّى سَيِّئَهَا لاَ يَصْرِفُ عَنِّى سَيِّئَهَا إِلاَّ أَنْتَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِى يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ».

و هنگاميكه ركوع مينمودند ميگفتند «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعَ لَكَ سَمْعِى وَبَصَرِى وَمُخِّى وَعَظْمِى وَعَصَبِى».

هنگاميكه سر شانرا از ركوع بلند مينمودند ميگفتند: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَوَاتِ وَمِلْءَ الأَرْضِ وَمِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَىْءٍ بَعْدُ».

وهنگاميكه سجده مينمودند ميگفتند: «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِى لِلَّذِى خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

سپس آخرين چيزيكه بين تشهد وسلام ميگفتند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّى أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ».

سنت پنجم: رسول الله ﷺ در ركوع شان اين تسبيح را نيز خوانده اند: سبحان ذي الجبروت, والملكوت, والكبرياء, والعظمة»

دليل اين سنت: امام ﷺ روايت ميكند: عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الأَشْجَعِىِّ قَالَ قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- لَيْلَةً فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ لاَ يَمُرُّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ إِلاَّ وَقَفَ فَسَأَلَ وَلاَ يَمُرُّ بِآيَةِ عَذَابٍ إِلاَّ وَقَفَ فَتَعَوَّذَ - قَالَ - ثُمَّ رَكَعَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ يَقُولُ فِى رُكُوعِهِ « سُبْحَانَ ذِى

---

[1] - حديث نمبر(1848) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ». ثُمَّ سَجَدَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ ثُمَّ قَالَ فِى سُجُودِهِ مِثْلَ ذَلِكَ - ثُمَّ قَامَ فَقَرَأَ بِآلِ عِمْرَانَ ثُمَّ قَرَأَ سُورَةً سُورَةً. [1] حدیث صحیح است. [2]

ترجمه: صحابی بزرگوار عن عوف بن مالک اشجعي ﷺ مي فرمایند: یک شبي با رسول الله ﷺ قیام نمودم ، رسول الله ﷺ ایستادند و سورهء بقره را تلاوت نمودند ، به هیچ آیت رحمت مرور نمیکردند مگر اینکه توقف مینمودند و رحمت الله سبحانه وتعالی را استدعا مینمودند ، و وبه هیچ آیت عذا ب مرور نمی نمودند مگر اینکه توقف مینمودندو به الله سبحانه وتعالی پناه میبردند.

صحابی جلیل القدر میفرمایند: سپس رسول الله ﷺ رکوع نمودند ، و در رکوع شان میگفتند: سبحان ذي الجبروت والملکوت والکبریاء والعظمة ، سپس سجده نمودند و در سجدهء شان مثل آن میگفتند ، سپس ایستادند وسورهء آل ان را تلاوت نمودند ، سپس سوره سوره تلاوت نمودند.

مطلب سوم : اذکار قومه: رســول الله ﷺ درقومه(بلند شدن ازرکوع) اذکار ، تسبیحات و دعا های ذیل را میخوا ند ند:

سنت اول: رسول الله ﷺ دررکوع سمع الله لمن حمده میگفتند.

ترجمه : الله (سبحانه وتعالی) میشنود حمد وثناگویی کسی را که او را حمد وثنا میفرستد.

دلیل این سنت: امام بخاري رحمه الله روایت میکند : عن الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ ﷺ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» لَمْ يَحْنِ أَحَدٌ مِنَّا ظَهْرَهُ، حَتَّى يَقَعَ النَّبِيُّ ﷺ سَاجِدًا، ثُمَّ نَقَعُ سُجُودًا بَعْدَهُ. [3]

ترجمه: براء بن عازب ﷺ میگوید: وقتي که رسول الله ﷺ ازرکوع بلند مي شد و«سمع الله لمن حمده» مي گفت، هیچ یک ازما کمرش را خم نميکرد وبه سجده نميرفت تا زماني

[1] - حدیث نمبر(**873**) سنن ابی داوود.
[2] - حدیث نمبر(**873**) صحیح وضعیف سنن ابی داوود.
[3] - حدیث نمبر(690) **الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری).**

که رسول الله به سجد نیفتاده بود بلکه پس از اینکه او به سجده مي رفت، ما سجده مي کردیم.

سنت دوم: رسول الله ﷺ بعد از رکوع خوب ایستاده شده میگفت: ربنا لک الحمد را نیز در حالت ایستاده میگفت.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلاةِ يُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرْكَعُ، ثُمَّ يَقُولُ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» حِينَ يَرْفَعُ صُلْبَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ، ثُمَّ يَقُولُ وَهُوَ قَائِمٌ: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ»، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَهْوِي، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَسْجُدُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ، ثُمَّ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي الصَّلاةِ كُلِّهَا حَتَّى يَقْضِيَهَا، وَيُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ مِنَ الثِّنْتَيْنِ بَعْدَ الْجُلُوسِ. [1]

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه مي‌گويد: رسول الله ﷺ هنگام شروع نماز و هنگام رکوع، تکبیر مي گفت. و هنگامي که از رکوع بلند مي‌شد، «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» مي گفت. و هنگامیکه راست مي ایستاد «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» مي گفت. سپس هنگام پائین رفتن براي سجده و بلند شدن از آن، تکبیر مي گفت. و براي سجده دوم نیز چنین مي کرد. و تا پایان نماز، به همین شیوه.. عمل مي نمود. گفتني است که هنگام بلند شدن از قعده اول نیز تکبیر مي گفت.

سنت سوم: رسول الله ﷺ در قومهء نماز این تسبیح یک صحابی را تقریر نمودند: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْداً كَثِيْراً طَيِّباً مُبَارَكاً فِيْهِ».

ترجمه: (پروردگارا! حمد و ستایش‌های زیاد، خوب و مبارک از آن تو است).

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میکند: عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ الزُّرَقِيِّ رضی الله عنه قَالَ: كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّي وَرَاءَ النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ قَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ: «مَنِ الْمُتَكَلِّمُ»؟ قَالَ: أَنَا. قَالَ: «رَأَيْتُ بِضْعَةً وَثَلاثِينَ مَلَكًا يَبْتَدِرُونَهَا، أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلُ». [2]

---

[1] - حدیث نمبر(789) **الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..**

[2] - حدیث نمبر(799) **الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..**

ترجمه: رفاعه ابن رافع زرقي رضي الله عنه ميگويد: روزي، پشت سر رسول الله ﷺ نماز ميخوانديم. وقتي رسول الله (سبحا نه وتعالی) ﷺ سر از ركوع برداشت و «سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» گفت، يكي از نمازگزاران اين جملات را خواند: «رَبّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيراً طَيّبًا مُبَارَكًا فِيهِ». پس از اتمام نماز، رسول الله ﷺ پرسيد: «چه كسي اين كلمات را خواند»؟ آن نمازگزار گفت: من بودم. رسول الله ﷺ فرمود: «سي واندي فرشته را ديدم كه براي نوشتن اين جملات، از يكديگر سبقت مي گرفتند و هر كدام، سعي مي كرد قبل از ديگري، آنرا بنويسد».

سنت چهارم: رسول الله ﷺ در «ملْءَ السّمَوَات، وَملْءَ الأرْض وَمَا بَيْنَهُمَا، وَملْءَ مَا شئْتَ منْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ الثّنَاء وَالْمَجْد، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُلُّنَا لَكَ عَبْدٌ.

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عَنِ ابْنِ عَبّاس أَنّ النّبيّ -صلى الله عليه وسلم- كَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ منَ الرُّكُوعِ قَالَ «اللّهُمّ رَبّنَا لَكَ الْحَمْدُ ملْءَ السّمَوَات وَملْءَ الأَرْض وَمَا بَيْنَهُمَا وَملْءَ مَا شئْتَ منْ شَيْءٍ بَعْدُ أَهْلَ الثّنَاء وَالْمَجْد لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْجَدّ منْكَ الْجَدُّ». (1)

ترجمه: صحابى بزرگوار عبدالله بن عباس رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ هنگاميكه سر شا نرا از ركوع بلند مينمود ند ميگفتند: «اللّهُمّ رَبّنَا لَكَ الْحَمْدُ ملْءَ السّمَوَات وَملْءَ الأَرْض وَمَا بَيْنَهُمَا وَملْءَ مَا شئْتَ منْ شَيْءٍ بَعْدُ أَهْلَ الثّنَاء وَالْمَجْد لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْجَدّ منْكَ الْجَدُّ».

ترجمه: الهى! حمدى كه آسمانها و زمين و ميان آنها و هر چه توبخواهى را پر كند، ازآن تو است. الهى! تو اهل ستايش و عظمت هستى. الهىّ تو شايستهى ستايش بندگان هستى. همگى ما بندگانت هستيم، آنچه توبفرمائى هيچ كس جلوآن را نمىگيرد، وآنچه جلو آن را بگيرى كسى قدرت ندارد آن را عطا نمايد. الهى! صاحب ثروت، او را ثروتش ازعذاب تو نجات نمىدهد و «تمامى شكوه» و ثروت ازآن تو است). تصوركنيد كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) اين همه دعا ها را با همان خشوع وخضوعى كه داشت، با معنى ومفهوم آن

---

[1] - حديث نمبر(1100) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

به بارگاه الله (سبحانه وتعالى) ميخواند ، به همين علت است كه اصحاب رسول الله ﷺ قومه را آنقدر طويل ميگرفتند كه احيانا كسى فكر ميكرد كه شايد فراموش نموده باشد.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ ركوع شانرا بسيار طويل مينمودند.

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ إِنِّي لَا آلُو أَنْ أُصَلِّيَ بِكُمْ كَمَا رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي بِنَا قَالَ ثَابِتٌ كَانَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ يَصْنَعُ شَيْئًا لَمْ أَرَكُمْ تَصْنَعُونَهُ كَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ الرُّكُوعِ قَامَ حَتَّى يَقُولَ الْقَائِلُ قَدْ نَسِيَ وَبَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ حَتَّى يَقُولَ الْقَائِلُ قَدْ نَسِيَ. [1]

ترجمه: صحابى بزرگوار انس بن مالك رضي الله عنه مي فرمايند: هيچ دريغ نمي كنم در اينكه آنگونه براي شما نمازبخوانم كه رسول الله ﷺ براي ما نماز مي خواندند, ثابت (رضى الله عنه) مي فرمايد: انس رضى الله عنه درخواندن نمازش كارهايي را انجام مي داد كه شما آن را انجام نمي دهيد, هر گاه از ركوع بالا مي آمد مدتي طولاني راست مي ايستاد به حدي كه احساس مي شد فراموش كرده به سجده برود, و هرگاه سر از سجده بالا مي آورد نيز مدتي طولاني بين دو سجده مي نشست به حدي كه احساس مي شد فراموش كرده دوباره به سجده برود.

مطلب چهارم: اذكار سجده: رسـول الله ﷺ در سجدهء شان اذكار ، تسبيحات و دعا هاى ذيل را ميخواندند:

سنت اول: رسول الله ﷺ در سجدهء شان سبحان ربى الاعلى سه مرتبه ميگفتند.

دليل اين سنت: امام ابن ماجه رحمه الله روايت ميكند: عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وسَلَّمَ يَقُولُ إِذَا رَكَعَ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ, ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، وَإِذَا سَجَدَ قَالَ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى, ثَلَاثَ مَرَّاتٍ [2] حديث صحيح است [3]

---

[1] - حديث نمبر(778) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر(888) سنن ابن ماجه.

[3] - حديث نمبر(888) صحيح ابن ماجه.

ترجمه: از حذیفه ﷺ میگوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که هنگامیکه رکوع مینمود ند میگفتند: « سُبْحَانَ رَبِّىَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ ».سه مرتبه وهنگامیکه سجده مینمود ند سه مرتبه میگفتند « سُبْحَانَ رَبِّىَ الأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ ».

سنت دوم : رسول الله ﷺ در سجده ء شان این تسبیح را نیز میخوا ند ند : «سبحا نک اللهم ربنا وبحمدک اللهم اغفر لي»

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ عَائِشَةَ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا ، قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي. [1]

ترجمه: ام المومنین عایشه ء صدیقه ﷺ می فرماید: رسول الله ﷺ در رکوع وسجده ء شان میگفتند: «سبحا نک اللهم ربنا وبحمدک اللهم اغفر لي».

سنت سوم : رسول الله ﷺ در سجده ء شان این تسبیح را نیز گفته ا ند: «سبوح, قدوس, رب الملائكة والروح»

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میکند : عَنْ مُطَرِّفِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشِّخِّيرِ أَنَّ عَائِشَةَ نَبَّأَتْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- كَانَ يَقُولُ فِى رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ « سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلاَئِكَةِ وَالرُّوحِ ». [2]

ترجمه: صحابی بزرگوار مطرف بن عبدالله ﷺ می فرمایند که ام المومنین عایشه ء صدیقه رضی الله عنها برای شان خبر داد ند که رسول الله ﷺ در رکوع وسجده ء شان میگفتند: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلاَئِكَةِ وَالرُّوحِ.

سنت چهارم : رسول الله ﷺ این دعا را نیز در سجده ء شان نموده اند : « اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِى لِلَّذِى خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ».

---

[1] - حدیث نمبر(794-) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحیح البخاری)..

[2] - حدیث نمبر(1119) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحیح مسلم).

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عَنْ عَلِىِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- ... وَإِذَا سَجَدَ قَالَ « اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِى لِلَّذِى خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ». [1]

ترجمه: صحابى بزرگوار علي بن ابي طالب رضي الله عنه در حديث طويلى كه قبلا دربحث ركوع بيان گرديد فرمودند كه : رسول الله ﷺ هنگاميكه سجده مينمودند ميگفتند: « اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِى لِلَّذِى خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

سنت پنجم: رسول الله ﷺ در سجدهء شان اين تسبيح را نيز خوانده اند : سبحان ذي الجبروت, والملكوت, والكبرياء, والعظمة»

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند: عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الأَشْجَعِىِّ قَالَ قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- لَيْلَةً فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ لاَ يَمُرُّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ إِلاَّ وَقَفَ فَسَأَلَ وَلاَ يَمُرُّ بِآيَةِ عَذَابٍ إِلاَّ وَقَفَ فَتَعَوَّذَ - قَالَ - ثُمَّ رَكَعَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ يَقُولُ فِى رُكُوعِهِ « سُبْحَانَ ذِى الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ ». ثُمَّ سَجَدَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ ثُمَّ قَالَ فِى سُجُودِهِ مِثْلَ ذَلِكَ - ثُمَّ قَامَ فَقَرَأَ بِآلِ عِمْرَانَ ثُمَّ قَرَأَ سُورَةً سُورَةً. [2] حديث صحيح است. [3]

ترجمه: صحابى بزرگوار عن عوف بن مالك اشجعي رضي الله عنه مي فرمايند : يك شبي با رسول الله ﷺ قيام نمودم ، رسول الله ﷺ ايستادند و سورهء بقره را تلاوت نمودند ، به هيچ آيت رحمت مرور نميكردند مگر اينكه توقف مينمودند و رحمت الله سبحانه وتعالى را استدعا مينمودند ، و وبه هيچ آيت عذاب مرور نمى نمودند مگر اينكه توقف مينمودند و به الله سبحانه وتعالى پناه ميبردند.

صحابى جليل القدر ميفرمايند: سپس رسول الله ﷺ ركوع نمودند ، و در ركوع شان ميگفتند: سبحان ذي الجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة ، سپس سجده نمودند و در

---

[1] - حديث نمبر(1848) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[2] - حديث نمبر(873) سنن ابى داوود.
[3] - حديث نمبر(873) صحيح وضعيف سنن ابى داوود.

سجده‌ء شان مثل آن میگفتند ، سپس ایستاد ند وسوره‌ء آل ان را تلاوت نمود ند ، سپس سوره سوره تلاوت نمود ند.

سنت ششم: رسول الله ﷺ بین ذکر ها و دعا های شان درهنگام سجده این دعا را نیز خواند ه ا ند: اللّهُمّ اغْفِرْلِيْ ذَنْبِيْ كُلّهُ ، دِقّهُ وَجِلّهُ ، وَاَوّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلاَ نِيَتَهُ وَسِرّهُ».

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند : عَنْ اَبِى هُرَيْرَةَ اَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ كَانَ يَقُولُ فِى سُجُودِهِ « اللّهُمّ اغْفِرْلِى ذَنْبِى كُلّهُ دِقّهُ وَجِلّهُ وَاَوّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلاَ نِيَتَهُ وَسِرّهُ». [1]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه روایت میکند که: رسول الله ﷺ هنگامیکه سجده مینمود ند میگفتند: اللّهُمّ اغْفِرْلِيْ ذَنْبِيْ كُلّهُ ، دِقّهُ وَجِلّهُ ، وَاَوّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلاَ نِيَتَهُ وَسِرّهُ».

ترجمه : (یا الله همه‌ی گناهان مرا ، اعم از کوچک و بزرگ ، اول و آخر ، آشکار و نهان ، ببخشای».

سنت هفتم: رسول الله ﷺ بین ذکر ها و دعا های شان درهنگام سجده این دعا را نیز خواند ه ا ند : « اللّهُمّ اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لاَ أُحْصِى ثَنَاءً عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ».

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ فَقَدْتُ رَسُولَ اللّه -صلى اللّه عليه وسلم- لَيْلَةً مِنَ الْفِرَاشِ فَالْتَمَسْتُهُ فَوَقَعَتْ يَدِى عَلَى بَطْنِ قَدَمَيْهِ وَهُوَ فِى الْمَسْجِدِ وَهُمَا مَنْصُوبَتَانِ وَهُوَ يَقُولُ « اللّهُمّ اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لاَ أُحْصِى ثَنَاءً عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ». [2]

ترجمه: ام المومنین عایشه‌ء صدیقه رضی الله عنها میگویند : رسول الله ﷺ را روزی در بستر گم کردم ، او را جستجو نمودم ، او در مسجد بود دستم در بطن قدمش خورد که هر دو قدمش ایستاد بود ند و میگفت «اللّهُمّ إِنّيْ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوْبَتِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ ، لاَ أُحْصِيْ ثَنَاءً عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ».

---

[1] - حديث نمبر(1112) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[2] - حديث نمبر(1118 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

(یا الله ! من از خشمت به خشنودی تو پناه می‌برم. الهی ! ازعذابت به عفو تو پناه می‌برم. الهی ! از «عذاب خشم» تو، به تو پناه می‌برم. پروردگارا ! آنچنان که حق ستایش تواست، نمی‌توانم آنرا بجای آورم، بدون تردید تو آنچنانی که خود فرموده‌ای).

پنجم: اذکار میان دو سجده: رسـول الله ﷺ در میان دو سجده‌ء شان اذکار، تسبیحات و دعا های ذیل را میخوانند:

سنت اول: رسول الله ﷺ بین دو سجده‌ء شان میگفتند: «رَبِّ اغْفِرْ لِيْ رَبِّ اغْفِرْ لِيْ». (یا الله ! مرا ببخش، یا الله ! مرا ببخش).

دلیل این سنت: امام ابی داوود رحمه الله روایت میکند: عَنْ حُذَيْفَةَ أَنَّهُ رَأَى رَسُولَ اللَّه -صلى اللَّه عليه وسلم- يُصَلِّى مِنَ اللَّيْلِ وَكَانَ يَقْعُدُ فِيمَا بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ نَحْوًا مِنْ سُجُودِهِ وَكَانَ يَقُولُ « رَبِّ اغْفِرْ لِى رَبِّ اغْفِرْ لِى ». (1) حدیث صحیح است. (2)

ترجمه: صحابی بزرگوار حذیفه رضی الله عنه مي فرمايند كه رسول الله ﷺ را در نماز شبب دید ند که در میان دو سجده به اندازهء سجده مینشستند و میگفتند: «رَبِّ اغْفِرْ لِيْ رَبِّ اغْفِرْ لِيْ». (یا الله ! مرا ببخش، یا الله ! مرا ببخش).

سنت دوم: رسول الله ﷺ بین دو سجده‌ء شان همچنان میگفتند: « رَبِّ اغْفِرْ لِي ، وَارْحَمْنِي ، وَاجْبُرْنِي ، وَارْزُقْنِي ، وَارْفَعْنِي». یا الله ! مرا ببخش. به من رحم کن، کوتاهی‌های مرا جبران کن، و رزق عطا کن، و مقامم را رفیع گردان)

دلیل این سنت: امام ابن ماجه رحمه الله روایت میکند: عَنِ ابْنِ عَبَّاس ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وسَلَّمَ يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ فِي صَلاَةِ اللَّيْلِ: رَبِّ اغْفِرْ لِي ، وَارْحَمْنِي ، وَاجْبُرْنِي ، وَارْزُقْنِي ، وَارْفَعْنِي. (3) حدیث صحیح است. (4)

ترجمه: صحابی بزرگوار عبدالله بن عباس رضی الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ در میان دو سجده‌ء شان در نماز شب میگفتند« رَبِّ اغْفِرْ لِي ، وَارْحَمْنِي ، وَاجْبُرْنِي ، وَارْزُقْنِي ،

---

[1] - حدیث نمبر(874 -) سنن ابی داوود.
[2] - حدیث نمبر(874 -) صحیح وضعیف سنن ابی داوود.
[3] - حدیث نمبر(898) سنن ابن ماجه.
[4] - حدیث نمبر(898) صحیح وضعیف سنن ابن ماجة.

وَارْفَعْنِي». یا الله ! مرا ببخش. به من رحم کن، کوتاهی‌های مرا جبران کن، و رزق عطا کن، و مقامم را رفیع گردان)

یا الله مرا ببخش. به من رحم کن، مرا هدایت کن، کوتاهی‌های مرا جبران کن، و به من عافیت و رزق عطا کن، و مقامم را رفیع گردان)

مطلب ششم: اذکار بین تشهد وسلام: رســول الله ﷺ دربین تشهد وسلام ء شان اذکار، تسبیحات و دعا های ذیل را میخوا ند ند:

سنت اول : رسول الله ﷺ در بین تشهد و سلام امر مینمود ند که از چهار چیز به الله سبحا نه وتعالی پناه ببرید: اللّهُمّ إِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذَابِ جَهَنّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدّجّالِ».

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّه -صلى الله عليه وسلم- « إِذَا تَشَهّدَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللّهِ مِنْ أَرْبَعٍ يَقُولُ اللّهُمّ إِنّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدّجّالِ». [(1)]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه مي فرمایند که رسول الله ﷺ فرمود ند: هرگاه یکی از شما تشهد میکند ، از چهار چیز پناه ببر ند و بگویند: اللّهُمّ إِنّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدّجّالِ.

سنت دوم : رسول الله ﷺ در بین تشهد و سلام میگفتند: اللّهُمّ إِنّى أَسْأَلُكَ الْجَنّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النّارِ

(یا الله ! من از تو جنت میخواهیم و از دوزخ به تو پناه میبرم).

دلیل این سنت: امام ابی داوود رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى صَالِحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ النّبِىّ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ قَالَ النّبِىُّ -صلى الله عليه وسلم- لِرَجُلٍ « كَيْفَ تَقُولُ فِى الصّلاَةِ ». قَالَ أَتَشَهّدُ وَأَقُولُ اللّهُمّ إِنّى أَسْأَلُكَ الْجَنّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النّارِ أَمَا إِنّى لاَ أُحْسِنُ دَنْدَنَتَكَ وَلاَ دَنْدَنَةَ مُعَاذٍ. فَقَالَ النّبِىُّ -صلى الله عليه وسلم- « حَوْلَهَا نُدَنْدِنُ». (2) حدیث صحیح است. (3)

---

[1] - حديث نمبر(1352) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[2] - حديث نمبر(792 -سنن ابی داوود.
[3] - حديث نمبر(792) صحيح وضعيف سنن ابی داوود.

ترجمه: ابی صالح ﷺ ازبعضی اصحاب رسول الله ﷺ روایت میکند که فرمودند که رسول الله ﷺ به شخصی گفتند که در نماز چی میگویی؟

گفت: تشهد میکنم و میگویم: اللّهمّ إنّی أسألُكَ الْجَنّةَ وَأعُوذُ بِكَ مِنَ النّارِ ولی من کلام خودت وکلام معاذ را درست نمیدانم ، رسول الله ﷺ فرمود ما هم چنین میگوییم.

سنت سوم: رسول الله ﷺ براي ابي بكر صديق ﷺ توصيه نمود كه در نمازش بگويد:

اللّهُمّ إنّي ظَلَمْتُ نَفْسي ظُلْمًا كَثيرًا ، وَلا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلا أنْتَ فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي ، إنّكَ أنْتَ الْغَفُورُ الرّحِيمُ

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ أبِي بَكْرٍ الصّدّيقِ ﷺ: أنّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللّه ﷺ: عَلّمْنِي دُعَاءً أدْعُو بِهِ فِي صَلاتِي. قَالَ: «قُلِ: اللّهُمّ إنّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا ، وَلا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلا أنْتَ فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي ، إنّكَ أنْتَ الْغَفُورُ الرّحِيمُ». [1]

ترجمه: ابوبكر صديق ﷺ ميگويد: به رسول الله ﷺ گفتم: دعايي به من بياموز تا آنرا در نماز بخوانم. رسول الله ﷺ فرمودند: « اين دعا را بخوان: «اللّهُمّ إنّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا ، وَلا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلا أنْتَ فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي ، إنّكَ أنْتَ الْغَفُورُ الرّحِيمُ». «پروردگارا ! بر خود بسيار ستم كرده ام و جز تو كسي ديگر نيست كه گناهان مرا بيامرزد. يا الله ! با عنايت خود ، مرا بيامرز و بر من رحم كن. هما نا تو بخشنده و مهربا ني».

---

[1] - حديث نمبر(834) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

بحث سوم

رفتن به مسجد و اداى نماز صبح

مطلب اول: هنگام خارج شدن از منزل ورفتن به سوى مسجد :

رسول اللّه ﷺ درهنگام خارج شدن ازمنزل ورفتن به طرف مسجد امورذيل راا نجام ميداد:

سنت اول : رسول اللّه ﷺ دروقت خارج شدن از خانه اين دعا را ميخواند: مَنْ قَالَ يعني إذا خَرَجَ منْ بيْته: بسْم اللّه توكّلْتُ عَلَى اللّه ، ولا حوْلَ ولا قُوّةَ إلاّ باللّه ، يقالُ لهُ هُديتَ وَكُفيت ووُقيتَ ، وتنحّى عنه الشّيْطَانُ.

دليل اين سنت: امام ابو داوود روايت ميكند. عَنْ أَنَس بْن مَالك أَنّ النّبيّ -صلى اللّه عليه وسلم- قَالَ « إذَا خَرَجَ الرّجُلُ منْ بَيْته فَقَالَ بسْم اللّه تَوَكّلْتُ عَلَى اللّه لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوّةَ إلاّ باللّه ». قَالَ « يُقَالُ حينَئذ هُديتَ وَكُفيتَ وَوُقيتَ فَتَتَنَحّى لَهُ الشّيَاطينُ فَيَقُولُ لَهُ شَيْطَانٌ آخَرُ كَيْفَ لَكَ برَجُلٍ قَدْ هُدىَ وَكُفىَ وَوُقىَ».[1] شيخ البا نى آنرا حديث صحيح گفته است.[2]

ترجمه: از انس رضي اللّه عنه روايت است كه: رسول اللّه (صلى اللّه عليه وسلم) فرمود: كسي كه هنگام بيرون آمدن از خانه اش بگويد: بسْم اللّه توكّلْتُ عَلَى اللّه ، ولا حوْلَ ولا قُوّةَ إلاّ باللّه. بنام اللّه (سبحانه وتعالى) توكل و اعتماد كردم بر اللّه (سبحانه وتعالى) ، نيست گرديدني از معصيت بسوي طاعت و نيست قوتي (براي انجام اعمال خير) مگر بتوفيق اللّه (سبحانه وتعالى) . به او گفته مي شود: هدايت شدي و كارهايت رو براه شد و حفظ و وقايه گرديدي و شيطان از وي دور مي شود.ابو داود افزوده كه: شيطان به شيطان ديگر مي گويد: چه خواهي كرد با مردي كه هدايت شده و كارهايش انجام گرديده و حفظ شده است؟

سنت دوم : رسول اللّه ﷺ دروقت خارج شدن از خانه اين دعا را هم ميخواند: بسم اللّه ، توكّلْتُ عَلَى اللّه ، اللّهُمّ إنّي أعوذُ بكَ أنْ أضلّ أو أُضَل ، أوْ أزلّ أوْ أُزل ، أوْ أظلمَ أوْ أُظلَم ، أوْ أجْهَلَ أو يُجهَلَ عَلَيّ.

[1] - حديث نمبر (5097) سنن أبي داود. .
[2] - حديث شماره (5095) صحيح وضعيف سنن أبي داود.

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند :عَنْ أُمّ الْمُؤْمِنِينَ أُمّ سلَمَةَ، واسمُهَا هنْدُ بنْتُ أبي أُمَيّة حُذَيْفة المخزومية رضي اللّهُ عنها أن النبيّ صَلّى اللّهُ عَلَيْه وسَلّم كانَ إذَا خَرجَ منْ بيْته قال: «بسم اللّه، **توكّلْتُ** عَلَى اللّه، اللّهُمّ إنّي أعوذُ بكَ أنْ أضلّ أو أُضَل، أوْ أزلّ أوْ أُزل، أوْ أظلمَ أوْ أُظلَم، أوْ أجْهَلَ أو يُجهَلَ عَلَيّ» حديثٌ صحيحٌ رواه أبو داود والتّرمذيُّ وَغيْرُهُمَا بأسا نيدَ صحيحة. قالَ التّرْمذي: حديثٌ حسنٌ صحيح، وهذا لَفظُ أبي داود.[1] شیخ البا نی آ نرا حدیث صحیح گفته است.[2]

ترجمه: از ام المؤمنین ام سلمه رضي الله عنها روایت است: چون پیامبر صلي الله علیه وسلم از خا نه بیرون مي آمد مي فرمود: بسم اللّه، **توكّلْتُ** عَلَى اللّه، اللّهُمّ... بنام الله (سبحا نه وتعالی) توکل نمودم بر الله (سبحا نه وتعالی) ، بار الله (سبحا نه وتعالی) یا پناه مي جويم به تو از اینکه گمراه کنم یا گمراه شوم، لغزش کنم یا دیگري را بلغزا نم، ظلم کنم یا بر من ظلم شود، کار جاهلا نه‌ای انجام دهم و یا بر من ا نجام داده شود.

سنت سوم: رسول الله ﷺ در رفتن به مسجد به با وقار رفتن امر مینمود.

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عَنْ أَبِي قَتَادَةَ - رضي الله عنه - قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ نُصَلّي مَعَ النّبيّ - صلى الله عليه وسلم - إذْ سَمعَ جَلَبَةَ رجَال، فَلَمّا صَلّى قَالَ: «مَا شَأْنُكُمْ»؟ قَالُوا: اسْتَعْجَلْنَا إلَى الصّلاة. قَالَ: «فَلا تَفْعَلُوا إذَا أَتَيْتُمُ الصّلاةَ فَعَلَيْكُمْ **بِالسّكِينَةِ**، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلّوا، وَمَا فَاتَكُمْ فَأَتمّوا».[3]

ترجمه: ابوقتاده - رضي الله عنه - مي گويد: با رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - مشغول نماز خواندن بودیم که صداي جست وخيز عده اي، بگوش رسید. پس از اتمام نماز، رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - خطاب به آنان، فرمود: «این چه کاري بود که کردید »؟ گفتند: براي رسیدن به نماز جماعت، عجله داشتیم. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «دوباره این کار را ا نجام ندهید. هنگامي که براي نماز مي آیید، با سکون و آرامش بیایید. هر چه از نماز را دریافتید، بخوا نید. وبقیه را خودتان، کامل کنید».

---

[1] - حدیث شماره (5096) سنن ابی داوود.
[2] - حدیث شماره (5094) صحيح وضعيف سنن أبي داود.
[3] - حدیث نمبر (635)الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله صلى الله عليه وسلم و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری).

سنت چهارم : رسول الله ﷺ درراهء مسجد دعای مخصوص میخوا ند.

دلیل این سنت: امام مسلم (رحمه الله) روایت میکند: عن عبد الله بن عباس رضي الله عنهما: أنّ النّبيّ صلى الله عليه وسلم خَرَجَ إلَى الصّلاَة وَهُوَ يَقُولُ: "اللّهُمّ اجْعَلْ في قَلْبي نُوراً ، وَفي لسَاني نُوراً ، وَاجْعَلْ في سَمْعي نُوراً ، وَاجْعَلْ في بَصَري نُوراً ، وَاجْعَلْ منْ خَلْفي نُوراً ، وَمنْ أمَامي نُوراً ، وَاجْعَلْ منْ فَوْقي نُوراً ، وَمنْ تَحْتي نُوراً ، اللّهُمّ اعْطني نُوراً "[1]

ترجمه : از عبد الله بن عباس رضي الله عنهما روایت است كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) به نماز خواندن از منزل خارج شد و میگفت : اللّهُمّ اجْعَلْ في قَلْبي نُوراً ، وَفي لسَاني نُوراً ، وَاجْعَلْ في سَمْعي نُوراً ، وَاجْعَلْ في بَصَري نُوراً ، وَاجْعَلْ منْ خَلْفي نُوراً ، وَمنْ أمَامي نُوراً ، وَاجْعَلْ منْ فَوْقي نُوراً ، وَمنْ تَحْتي نُوراً ، اللّهُمّ اعْطني نُوراً "

مطلب دوم : هنگام داخل شدن به مسجد: رسول الله ﷺ در هنگام داخل شدن به مسجد امور ذیل را انجام میداد:

سنت اول : داخل شدن با پای راست.

دلیل این سنت:امام بخاری (رحمه الله) رحمه الله در كتابش صحيح البخاری بابی را ذکر میکند تحت عنوان (باب التَّيَمُّنِ في دُخُولِ الْمَسْجِدِ وَغَيْرِهِ)[2] یعنی باب داخل شدن به مسجد وغیر آن از راست. سپس روایت میکند.

وَكَانَ ابْنُ رضي الله عنه: «يَبْدَأُ بِرِجْلِهِ اليُمْنَى فَإذَا خَرَجَ بَدَأَ بِرِجْلِهِ اليُسْرَى».[3]

ترجمه: عبدالله بن رضي الله عنه با پای راست داخل مسجد میگردید وهنگامیکه خارج میشد با پای چپ خارج میشد.

امام بخاری (رحمه الله) رحمه الله برای اینكه حدیث دقیق ازرسول الله ﷺ درین مورد نداشت ، برای ثابت نمودن این مطلب حدیث عام را ذکر میکند و روایت میکند : عَنْ عَائِشَةَ

1- حديث نمبر(٧٦٣) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

2 - الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى) .116/1.

3 - باب (47) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى) .

رضی الله عنها قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيَمُّنُ فِي تَنَعُّلِهِ، وَتَرَجُّلِهِ، وَطُهُورِهِ، وَفِي شَأْنِهِ كُلِّهِ. (1)

ترجمه: ام المومنین عایشه رضی الله عنها میفرماید: نبی اکرم ﷺ در پوشیدن کفش، شانه کردن موها، وضو گرفتن و همهء کارهایش، شروع کردن از سمت راست را می پسندید.

سنت دوم: رسول اللّه ﷺ در هنگام داخل شدن به مسجد میگفت: اللهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي أُسَيْدٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رسول اللّه ﷺ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ، فَلْيَقُلْ: اللهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَإِذَا خَرَجَ، فَلْيَقُلْ: اللهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ". (2)

ترجمه: از ابی اسید رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول اللّه ﷺ فرمود: هنگامیکه یکی از شما داخل مسجد میشود، بگوید: اللهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْــــوَابَ رَحْمَتِكَ، وهنگامیکه خارج میشود، بگوید: اللهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ".

سنت سوم: رسول اللّه ﷺ وقتی داخل مسجد میگردید، میگفت: أعوذ باللّه العظيم و بوجهه الكريم و سلطانه القديم من الشيطان الرجيم.

دلیل این سنت: امام سیوطی رحمه الله روایت میکند: عن ابن و رضی الله عنه كان رسول اللّه ﷺ إذا دخل المسجد قال: أعوذ باللّه العظيم و بوجهه الكريم و سلطانه القديم من الشيطان الرجيم و قال: إذا قال ذلك حفظ منه سائر اليوم. حديث صحيح است. (3)

ترجمه: از عبداللّه ابن و رضی الله عنه روایت است که رسول اللّه (صلی اللّه علیه وسلم) هنگامیکه داخل مسجد میشد ند، میگفتند: أعوذ باللّه العظيم و بوجهه الكريم و سلطانه القديم من الشيطان الرجيم و فرمود: هنگامیکه این را بگوید از شر وی تمام روز در امان میباشد.

---

[1] - حدیث نمبر (426) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى).

[2] - حدیث نمبر(1685) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم). تالیف مسلم بن حجاج قشيري نيســابوري (متوفى: 261هـ)، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار احياء التراث العربي، (بدون تاريخ طبع).).

[3] حدیث نمبر(4715) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته ، تالیف محمد ناصر الدين الألباني ، ناشر : المكتب الإسلامي ، 885/1.

مطلب سوم: هنگام خواندن نماز فرض صبح در مسجد: سنت های رسول الله ﷺ هنگام خواندن نماز فرض صبح در مسجد: رسول الله ﷺ درهنگام ادای نمازفرض صبح سنت های ذیل را انجام می داد ند:

سنت اول : رسول الله ﷺ به گفت اقامت توصیه مینمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميكند: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، حَدَّثَنَا خَالِدٌ ، عَنْ أَبِي قِلَابَةَ ، عَنْ أَنَسٍ قَالَ أُمِرَ بِلَالٌ أَنْ يَشْفَعَ الْأَذَانَ ، وَأَنْ يُوتِرَ الْإِقَامَةَ. قَالَ إِسْمَاعِيلُ فَذَكَرْتُ لِأَيُّوبَ فَقَالَ إِلَّا الْإِقَامَةَ. [1]

سنت دوم : رسول الله ﷺ به تسويه صف توصيه مينمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عن النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رضي الله عنه يَقُولُ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «لَتُسَوُّنَّ صُفُوفَكُمْ أَوْ لَيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوهِكُمْ». [2]

ترجمه: نعمان بن بشير رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: «صفهاي نمازتان را برابر كنيد واگر نه ، بيم آن مي رود كه الله (سبحا نه وتعالى) چهره هاي تا نرا مسخ كند».

سنت سوم : رسول الله ﷺ به بند نمودن خاليگاه ميان دو نماز خوان توصيه مينمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عن أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَتَرَاصُّوا ، فَإِنِّي أَرَاكُمْ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي». [3]

ترجمه: انس ابن مالك رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: « صفهاي نمازتان را راست و منظم كنيد زيرا من از پشت سرم ، شما را ميبينم».

---

[1] - حديث نمبر 607- الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى).

[2] -حديث نمبر (717) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى).

[3] - حديث نمبر (719) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى).

بحث چهارم

بعد از فرض صبح الی اشراق

مطلب اول: اذکار بعد از نماز: رسول الله ﷺ بعد از نماز این اذکار، تسبیحات ودعا ها را میخواند ند:

سنت اول: رسول الله ﷺ بعد از نماز فرض سه مرتبه استغفر الله میگفتند.

سنت دوم: رسول الله ﷺ سپس میگفتند: «اللهمّ أنت السّلام ومنك السلام تباركت يا ذا الجلال والإكرام»

دلیل این دو سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عن ثوبان رضي الله عنهُ قالَ: كانَ رسول الله ﷺ إذا انصرف من صلاته استغفر الله ثلاثاً وقال: «اللهمّ أنت السّلام ومنك السلام تباركت يا ذا الجلال والإكرام». (1)

ترجمه: ثوبان رضي الله عنه گويد: رسول الله ﷺ هر گاه از نماز سلام مي داد، سه بار استغفر الله مي نمود، و مي فرمود: « يا الله ! تو سلامي، (سلام نام توست) سلامتي از توست، نام تو با بركت است؛ اي صاحب جلال (بزرگي) و اكرام».

سنت سوم: رسول الله ﷺ بعد از نمازهای فرضی این دعا را میخواند: «لا إِلَهَ إلا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللّهُمّ لا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدّ مِنْكَ الْجَدُّ».

دلیل این سنت: امام بخاری (رحمه الله) روایت میکند: عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رضي الله عنه: أَنّ النّبِيّ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ مَكْتُوبَةٍ: «لا إِلَهَ إلا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللّهُمّ لا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدّ مِنْكَ الْجَدُّ». امام بخاری رحمه الله روایت میکند: (2)

ترجمه: مغيره بن شعبه روايت مي كند كه رسول الله ﷺ بعد از هر نماز فرض، اين دعا را مي خواند: «لا إِلَهَ إلا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّهُمّ لا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدّ مِنْكَ الْجَدُّ». يعنى (هيچ معبود

---

1 - حديث نمبر(1362 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
2- حديث نمبر(٨۴۴) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)

بر حقي جز الله سبحانه وتعالی وجود ندارد. يكتايي است كه شريكي ندارد. برای اومالكيت است . و همهء حمد وثنا شايستهء اوست. هيچ كس ، نمي تواند مانع بخشش تو شود. و كسي را كه تو محروم سازي، هيچ كس نمي تواند به او چيزي عطا كند. سعي و تلاش فرد ، دربرابر مشيت تو ، سودي ندارد.

سنت چهارم : رسول الله ﷺ بعد از نمازهای فرض ميگفتند : لا إلَه إلاّ اللّه وَحْدَهُ لا شريكَ له ، لهُ الملكُ ولهُ الحَمْد ، وهُوَ عَلى كُلّ شيء قَدير. لا حوْلَ وَلا قُوّةَ إلاّ باللّه ، لا إله الاّ اللّه ، وَلا نَعْبُدُ إلاّ إيّاه ، لهُ النعمة ، ولَهُ الفضْلُ وَلَهُ الثّنَاءُ الحَسن ، لا إله إلاّ اللّه مُخْلصينَ لَهُ الدّينَ ولوْ كَره الكَافرُون.

دليل اين سنت: امام مسلم (رحمه الله) روايت ميكند: عَنْ عبد اللّه بن الزُّبَيْر رضي اللّه تعالى عنْهُما أنّهُ كان يقُول دُبُرَ كَلّ صلاة ، حينَ يُسَلّم: لا إلَه إلاّ اللّه وَحْدَهُ لا شريكَ له ، لهُ الملكُ ولهُ الحَمْد ، وهُوَ عَلى كُلّ شَيء قَدير. لا حوْلَ وَلا قُوّةَ إلاّ باللّه ، لا إله إلاّ اللّه ، وَلا نَعْبُدُ إلاّ إيّاه ، لهُ النعمة ، ولَهُ الفضْلُ وَلَهُ الثّنَاءُ الحَسن ، لا إله إلاّ اللّه مُخْلصينَ لَهُ الدّينَ ولوْ كَره الكَافرُون. قالَ ابْنُ الزُّبَيْر: وكَان رسول اللّه ﷺ يُهَلّلُ بهنّ دُبُرَ كُلّ صَلاة مكتوبة . [1]

ترجمه: از عبد الله بن زبير رضي الله عنهما روايت شده كه: در عقب هر نماز بعد از سلام دادن مي گفت: لا اله الا الله وحده... معبود برحقي جز الله نيست ، شريك و ما نندی ندارد ، و مالكيت و سپاس خاص از آن اوست و او بر همه چيز توانا است ، و حول و قوه اي جز بتوفيق و ياري حق تعالي ميسر نيست ، و فقط او را مي پرستيم ، نعمت و فضيلت خاص از اوست و خاص اوراست ثناي نيكو ، معبود برحقي جز الله نيست ، در حاليكه اعمال مان را خالص براي او ا نجام مي دهيم ، هر چند كافران را ناخوش آيد.

ابن زبير رضي الله عنهما گفت: رسول الله ﷺ بعد از هر نماز فريضه آنرا مي گفت.

سنت پنجم : رسول الله ﷺ به خواندن آيت الكرسی تشويق مينمود ند.

[1] - حديث نمبر(1371) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صلى الله عليه وسلم) (مشهور به صحيح مسلم)..

دليل اين سنت: امام نسائى (رحمه الله) روايت ميكند: عن أبي أُمامة رضي الله عنه قالَ: قالَ رسول الله ﷺ «منْ قرَأ آية الكرسيّ دُبُر كلّ صلاة مكتوبة لم يمنعه من دُخُول الجنّة إلّا ان يموت».[1] رواهُ النسائي وصححه ابن حبّان.[2]

ترجمه: ابوامامه رضي الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هر كس كه آيت الكرسي را بعد از هر نماز فرض بخواند؛ جز مرگ، چيزي مانع ورود او به بهشت نخواهد بود».

سنت ششم: رسول الله ﷺ به خواندن سوره‌ء اخلاص، الفلق و الناس امر مينمود ند.

دليل اين سنت: امام ابن خزيمه (رحمه الله) روايت ميكند: عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: قَالَ رسول الله ﷺ: (اقرؤوا المعوّذات في دُبر كل صلاة)[3] إسناده صحيح[4]

ترجمه: عقبه رضى الله عنه روايت ميكند كه رسول الله فرمود: معوذات را بعد از هر نماز بخوانيد.

سنت هفتم: رسول الله ﷺ به گفتن 33 بار سبحان لله، 33 بار الحمد لله و 34 مرتبه الله اكبر ارشاد ميفرمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ الْفُقَرَاءُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ مِنَ الأَمْوَالِ بِالدَّرَجَاتِ الْعُلا وَالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ، يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَلَهُمْ فَضْلٌ مِنْ أَمْوَالٍ يَحُجُّونَ بِهَا وَيَعْتَمِرُونَ، وَيُجَاهِدُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ. قَالَ: «أَلا أُحَدِّثُكُمْ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ أَدْرَكْتُمْ مَنْ سَبَقَكُمْ، وَلَمْ يُدْرِكْكُمْ أَحَدٌ بَعْدَكُمْ، وَكُنْتُمْ خَيْرَ مَنْ أَنْتُمْ بَيْنَ ظَهْرَانَيْهِ، إِلاَّ مَنْ عَمِلَ مِثْلَهُ: تُسَبِّحُونَ وَتَحْمَدُونَ وَتُكَبِّرُونَ خَلْفَ كُلِّ صَلاةٍ ثَلاثًا وَثَلاثِينَ». قَالَ الراوي: فَاخْتَلَفْنَا بَيْنَنَا، فَقَالَ: بَعْضُنَا نُسَبِّحُ ثَلاثًا وَثَلاثِينَ، وَنَحْمَدُ ثَلاثًا وَثَلاثِينَ، وَنُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَثَلاثِينَ، فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: تَقُولُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، حَتَّى يَكُونَ مِنْهُنَّ كُلِّهِنَّ ثَلاثًا وَثَلاثِينَ».[5]

---

[1] - حديث نمبر (9928) سنن النسائى.
[2] - حديث شماره (1595) صحيح الترغيب والترهيب تاليف محمد ناصر الدين الألباني، رياض: مكتبة المعارف.
[3] - در حديث (755) صحيح ابن خزيمة تاليف محمد بن إسحاق بن خزيمة أبو بكر، السلمي النيسابوري، بيروت: المكتب الإسلامي، (1390 – 1970) تحقيق: د. محمد مصطفى الأعظمي.
[4] - حديث (2001) التعليقات الحسان على صحيح ابن حبان وتمييز سقيمه من صحيحه، وشاذه من محفوظه تاليف ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم اشقودري الباني (المتوفى: 1420هـ)، جده: دار با وزير، ط١، (1424 هـ - 2003 م).
[5] - حديث نمبر (٨٤٣) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: **ابوهريره رضي الله عنه مي گويد: عده‌اي از فقرا نزد رسول الله ﷺ آمدند و عرض كردند: ثروتمندان علاوه بر رفاه مادي، درجات رفيع بهشت و نعمتهاي جاودان آن را از آن خود ساختند. زيرا مانند ما نماز مي خوانند، روزه مي گيرند و بدليل برتري در ثروت، حج وه مي گزارند و جهاد مي كنند و صدقه مي دهند. (و اين كارها از ما ساخته نيست).** رسول الله (**سبحانه وتعالى**) ﷺ **فرمود**: «**آيا عملي به شما نياموزم كه اگر آن را انجام دهيد، كساني را كه از شما پيشي گرفته اند، در خواهيد يافت و بهترين انسانهايي كه با شما هستند، خواهيد شد. و جز كساني كه مثل شما اين عمل را انجام مي دهند، كسي ديگر به شما نخواهد رسيد؟ آن عمل، اين است كه پس از هر نماز فرض، سي و سه بار سبحان الله و سي و سه بار الحمدلله و سي و چهار بار الله اكبر بگوييد.**

سنت هشتم : رسول الله ﷺ **بعد از هر نماز فرض** 33 **بار سبحان الله و** 33 **بار الحمد الله و** 33 **الله اكبر كه** 99 **مرتبه مي شود، بگويد و براي كامل كردن صد مرتبه**: «**لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له الملك وله الحمده وهو علي كل شيء قدير**» **توصيه مينمود.**

دليل اين سنت: امام بخاري (رحمه الله) روايت ميكند: **عن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله ﷺ قال**: «**من سَبّح الله دُبر كل صلاة ثلاثاً وثلاثين وحمد الله ثلاثاً وثلاثين وكبّر الله ثلاثاً وثلاثين فتلك تسْعٌ وتسْعون وقال تمام المائة: لا إله إلا الله وحدَهُ لا شريكَ لَهُ لَهُ الملكُ وله الحمْد وهو على كلِّ شيءٍ قديرٌ غفرَت خطاياه ولوْ كانتْ مِثْلَ زَبَدِ البَحْر**».. (1)

ترجمه: **از ابوهريره رضي الله عنه روايت است كه رسول الله ﷺ**: «**هر كسي كه بعد از هر نماز فرض 33 بار سبحان الله و 33 بار الحمد الله و 33 الله اكبر كه 99 مرتبه مي شود، بگويد و براي كامل كردن صد مرتبه**: «**لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له الملك وله الحمده وهو علي كل شيء قدير**» **بگويد، گناهانش بخشنده مي شود؛ اگر چه مانند كف دريا باشد**».

[1] - رواه حديث نمبر(1380) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

سنت نهم: رسول الله ﷺ به معاذ رضى الله عنه توصيه كردند كه بعد از هر نماز اللهم أعني على ذكْرك وشُكْركَ وحسْن عبادتك» بگويند.

دليل اين سنت: امام ابى داوود (رحمه الله) روايت ميكند: عَنْ مُعَاذ بْن جَبَل أَنّ رَسُولَ اللّه -صلى الله عليه وسلم- أَخَذَ بيَده وَقَالَ « يَا مُعَاذُ وَاللّه إنّى لأُحبُّكَ وَاللّه إنّى لأُحبُّكَ». فَقَالَ « أُوصيكَ يَا مُعَاذُ لاَ تَدَعَنّ فى دُبُر كُل صَلاَة تَقُولُ اللّهُمّ أَعنّى عَلَى ذكْركَ وَشُكْركَ وَحُسْن عبَادَتكَ ». وَأَوْصَى بذَلكَ مُعَاذٌ الصّنَابحىّ وَأَوْصَى به الصّنَابحىُّ أَبَا عَبْد الرّحْمَن.[1] حْديث صحيح است.[2]

ترجمه: از معاذ بن جبل رضي الله عنه روايت است كه رسول الله ﷺ دستش را گرفت و برايش گفت: «اي معاذ ! قسم به الله است كه ترا دوست ، قسم به الله است كه ترا دوست ، سپس فرمود : تو را توصيه مي كنم، كه بعد از هر نمازي گفتن اين (كلمات) را رها نكني، بگويي: يا الله (سبحا نه وتعالى) مرا بر ذكر خودت و شكرت و نيكو عبادت كردنت كمك و ياري فرما».

سنت دهم: رسول الله ﷺ بعد از نمازهاي فرضى ازين امور به الله سبحا نه وتعالي پناه ميبرد: «اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بكَ منَ الجُبْن، وَأَعُوذُ بكَ أَنْ أُرَدّ إلَى أَرْذَل ال، وَأَعُوذُ بكَ منْ فتْنَة الدُّنْيَا ، وَأَعُوذُ بكَ منْ عَذَاب القَبْر»

دليل اين سنت: امام بخارى (رحمه الله) روايت ميكند: عن و بْنَ مَيْمُون الأَوْديّ، قَالَ: كَانَ سَعْدٌ يُعَلّمُ بَنيه هَؤُلاَء الكَلمَات كَمَا يُعَلّمُ المُعَلّمُ الغلْمَانَ الكتَابَةَ وَيَقُولُ: إنّ رسول الله ﷺ كَانَ يَتَعَوّذُ منْهُنّ دُبُرَ الصّلاَة: «اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بكَ منَ الجُبْن، وَأَعُوذُ بكَ أَنْ أُرَدّ إلَى أَرْذَل العُمُر، وَأَعُوذُ بكَ منْ فتْنَة الدُّنْيَا ، وَأَعُوذُ بكَ منْ عَذَاب القَبْر» ، فَحَدّثْتُ به مُصْعَبًا فَصَدّقَهُ.[3]

ترجمه: «يا الله ! از ترسويي، بخيلي، بازگشت به خرفتي [و ناتواني] ، فتنه دنيا و عذاب قبر به تو پناه مي آورم».

---

[1] - در حديث شماره (1524) سنن ابى داوود -

[2] - در حديث شماره (1362) صحيح أبي داود تاليف محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى : 1420هـ) ، كويت : مؤسسة غراس للنشر والتوزيع ، ط1(1423 هـ - 2002).

[3] - حديث نمبر(2822) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

سنت یازدهم: رسول الله ﷺ این دعا را نیز بعد از نمازهای فرضی میخواند: «رَبِّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ أَوْ تَجْمَعُ عِبَادَكَ».

دلیل این سنت: امام مسلم (رحمه الله) روایت میکند: عَنِ الْبَرَاءِ قَالَ كُنَّا إِذَا صَلَّيْنَا خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَحْبَبْنَا أَنْ نَكُونَ عَنْ يَمِينِهِ يُقْبِلُ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ - قَالَ - فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ «رَبِّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ - أَوْ تَجْمَعُ - عِبَادَكَ». [1]

ترجمه: از براء رضی الله عنه روایت است که فرمود: وقتی ما در عقب رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- نماز میخواندیم ، دوست داشتیم که درطرف راستش باشیم تا رویش را بطرف ما نماید ، شنیدم که فرمودند: «رَبِّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ - أَوْ تَجْمَعُ - عِبَادَكَ».

مطلب دوم : اذکار مخصوص بعد از نماز فرض صبح رسول الله ﷺ:

رسول الله ﷺ بر علاوهء آنچه بعد از نمازهای فرضی پنج وقت میخواند بعد از نمازهای فرض صبح وشام بعضي از تسبیحات و دعا ها را نیز میگفتند:

سنت اول: رسول الله ﷺ به گفتن ده مرتبه لاَ إِلَه إِلاَّ اللّه وَحْده لاَ شَرِيكَ لَهُ, لَهُ الْمُلْك وَلَهُ الْحَمْد, يُحْيِي وَيُمِيت, وَهُوَعَلَى كُلّ شَيْء قَدِير بعد از نمازصبح تشویق مینمود ند.

دلیل این سنت: امام ترمذی (رحمه الله) روایت میکند: عن أبي ذر - رضي الله عنه - أن رسول الله ﷺ قال: «مَنْ قَالَ فِي دُبُر صَلاَة الْفَجْر وَهُوَ ثَانٍ رِجْلَيْه قَبْل أَنْ يَتَكَلَّم: لاَ إِلَه إِلاَّ اللّه وَحْده لاَ شَرِيك لَهُ, لَهُ الْمُلْك وَلَهُ الْحَمْد, يُحْيِي وَيُمِيت, وَهُوَ عَلَى كُلّ شَيْء قَدِير, عَشْر مَرَّات, كُتِبَ لَهُ عَشْر حَسَنَات, وَمُحِيَ عَنْهُ عَشْر سَيِّئَات, وَرُفِعَ لَهُ عَشْر دَرَجَات, وَكَانَ يَوْمه ذَلِكَ كُلّه فِي حِرْز مِنْ كُلّ مَكْرُوه وَحُرِسَ مِنْ الشَّيْطَان, وَلَمْ يَنْبَغِ لِذَنْبٍ أَنْ يُدْرِكهُ ذَلِكَ الْيَوْم إِلاَّ الشِّرْك بِاَللّه» [2] حدیث صحیح است. [3]

ترجمه: از أبي ذر - رضي الله عنه – روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «هرکسي که بگوید بعد از نماز در حالي که دو پاي خود را تا کرده (یعني به همان حال قبلي در نماز نشسته و حالت خود را تغییر نداده) قبل ازاین که سخن بگوید ، ده بار لا إله إلا الله وحده

---

[1] - حديث نمبر(1676) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[2] - (3474-) سنن ترمذی.
[3] - حديث شماره (3474) صحيح وضعيف سنن الترمذي .

لا شريک له را تا آخر بگويد: نيست معبودي به حق مگر الله که يکتاست، هيچ شريکي براي او نيست، براي او است دارندگي همه چيز و مالکيت بر همه چيز، همه ي حمد و ستايش ها براي اوست، زنده مي سازد و مي ميراند و او بر همه چيز توانا است. نوشته مي شود براي او ده حسنه و محو مي شود از او ده سيئه (ده گناه) و بالا برده مي شود براي او ده درجه، و او در آن روز از هر مکروهي در پناه حق تعالي است، و نگه داشته مي شود از شيطان و شايسته نيست که هيچ گناهي به او برسد مگر شرک به الله (سبحانه وتعالى)».

سنت دوم: رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح اين دعا را نيز خوانده است. "اللهم إني أسألك علما نافعا ورزقا واسعا وعملا متقبلا ".

دليل اين سنت: امام ابن ماجه (رحمه الله) روايت ميکند: عَنْ أُمّ سَلَمَةَ, أَنّ النّبِيّ صَلّى اللّه عَلَيْه وسَلّمَ كَانَ يَقُولُ إِذَا صَلّى الصّبْحَ حِينَ يُسَلّمُ: اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيّبًا، وَعَمَلاً مُتَقَبّلاً.[1] حديث حسن است.[2]

ترجمه: ام سلمه رضى الله عنها روايت ميکند که نبى کريم صَلّى اللّه عَلَيْه وسَلّمَ بعد از سلام نماز صبح ميگفت: اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيّبًا، وَعَمَلاً مُتَقَبّلاً.

سنت سوم: سه مرتبه گفتن أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق» در شامگاهان.

دليل اين سنت: صاحب الجامع الصغير (رحمه الله) روايت ميکند: عن أبي هريرة من قال حين يمسي ثلاث مرات: أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق لم يضره لدغة حية في تلك الليلة.[3] حديث صحيح است.[4]

ترجمه: از أبي هريرة رضى الله عنه روايت است که فرمود: هرکسى شامگاهان سه مرتبه بگويد: أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق) گزيدن مار براى او در آن شبب ضرر نمى رساند.

[1] - حديث نمبر(925-) سنن ابن ماجه.
[2] - حديث نمبر(753) صحيح ابن ماجه.
[3] - حديث نمبر(11373) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته تاليف محمد ناصر الدين الألباني الناشر : المكتب الإسلامي، (ب ط) ، (ب ت) .
[4] - حديث نمبر(11373) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته تاليف محمد ناصر الدين الألباني الناشر : المكتب الإسلامي، (ب ط) ، (ب ت) .

مطلب سوم: فضايل نشستن بين نماز صبح الى اشراق: رسول الله ﷺ برای نشستن ميان نماز صبح الى اشراق و خواندن دو رکعت بعد از آنرا چنين بيان داشته اند:

فضيلت اول: نخستين فضيلت اينست كه رسول الله ﷺ شخصا بعد از نماز صبح الى طلوع آفتاب در مسجد می نشستند بناء اين يک سنت ارزشمند علمی شان ميباشد.

دليل اين فضيلت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ قَالَ قُلْتُ لِجَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ أَكُنْتَ تُجَالِسُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ نَعَمْ كَثِيرًا كَانَ لاَ يَقُومُ مِنْ مُصَلاَّهُ الَّذِى يُصَلِّى فِيهِ الصُّبْحَ أَوِ الْغَدَاةَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ قَامَ. [1]

ترجمه: از سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ روايت است كه به جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ (رضی الله عنه) گفتم: آيا به همرای رسول الله ﷺ نشست وبرخواست داشتی؟

فرمود: بلی: رسول الله ﷺ بسيار وقت از جای نماز خويش كه در آن نماز صبح را ميخواند بر نميخواست تا اينكه آفتاب طلوع كند وهنگاميكه آفتاب طلوع ميكرد بر ميخاست.

فضيلت دوم: رسول الله ﷺ برای نشستن در ميان نماز صبح و اشراق فضيلت بزرگی را بيان داشته و ميگفتند كه اين سنت بهتر است نسبت به آزاد كردن چهار غلام آنهم از فرزندان اسماعيل عليه السلام.

دليل اين فضيلت: امام ابي داوود رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَأَنْ أَقْعُدَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَ مِنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَرْبَعَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَلَأَنْ أَقْعُدَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَرْبَعَةً». رَوَاهُ أَبُو دَاوُد. [2] و حديث حسن است. [3]

ترجمه: انس رضي الله عنه روايت ميكند كه رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه به همرای قومی بنشينم كه بعد از نماز صبح تا هنگام آفتاب بر آمد، الله (سبحانه و تعالی) را ذكر ميكنند، برايم محبوبتر است نسبت به اينكه، چهار غلام از فرزندان اسماعيل را آزاد كنم.

---

[1] - حديث نمبر(1557) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).
[2] - حديث شماره 3669 - سنن أبي داود .
[3] - حديث شماره 3667 صحيح وضعيف سنن أبي داود .

فضيلت سوم: رسول الله ﷺ ثواب نشستن بين آفتاب و اشراق را معادل حج وه بيان داشته است.

دليل اين فضيلت: امام ترمذى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَنَس ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ: «مَنْ صَلّى الغَدَاةَ في جَمَاعَة ثُمّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللّهَ حَتّى تَطْلُعَ الشّمْسُ، ثُمّ صَلّى رَكْعَتَيْن كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجّة وَعُمْرَة» ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ: « تَامّة تَامّة» هَذَا حَديثٌ حَسَنٌ غَريبٌ[1] حديث (حسن) است.[2]

ترجمه : انس ﷺ روايت ميكند كه رَسُولُ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ فرمود: «كسيكه نماز صبح را ادا نمايد سپس بنشيند و اللّه را ذكر نمايد تا آفتاب طلوع نمايد ، سپس در ركعت نماز بخوا ند ، براى وى اجر حج وه ء كامل داده ميشود » ، رَسُولُ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ فرمود ند: «كامل كامل» .

مطلب چهارم: **اذكار بين نماز صبح الى اشراق رسول الله ﷺ**: رسول الله ﷺ در نشستن بعد از نماز صبح الى اشراق يا طلوع آفتاب اين آيات ، سوره ها ، تسبيحات ودعا ها را ميگفتند و امتش را به آن توصيه مينمود ند:

سنت اول: رسول الله ﷺ به خواندن آيت الكرسى بعد از نماز هاى فرض تشويق مينمود ند.

دليل اين سنت: امام نسائى (رحمه الله) روايت ميكند: عن أبي أُمامة ﷺ قالَ: قالَ رسول الله ﷺ «منْ قرَأَ اية الكرسيّ دُبُر كلِّ صلاةٍ مكتوبةٍ لم يمنعه من دُخُول الجنّةِ إلّا ان يموت».[3] حديث صحيح است [4]

ترجمه: ابوامامه رضي الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هر كس كه آيت الكرسي را بعد از هر نماز فرض بخواند ؛ جز مرگ، چيزي مانع ورود او به بهشت نخواهد بود».

---

1 - حديث نمبر 586 سنن الترمذى.
2 - حديث شماره 586 صحيح وضعيف سنن الترمذى .
3 - حديث نمبر(9928) سنن النسائى .
4 - حديث شماره (1595) صحيح الترغيب والترهيب تاليف محمد ناصر الدين الألباني ، رياض: مكتبة المعارف ، (ب ط) ، (ب ت) .

سنت دوم: رسول الله ﷺ به خواندن سوره‌ء اخلاص ومعوذتين در صبح و شام سه سه مرتبه توصيه مينمودند.

دليل اين سنت: امام ابي داوود رحمه الله روايت ميكند: عنْ عبد اللّه بن خُبَيْب رضي الله عنه قال: قال لي رَسُولُ اللّه صَلّى اللهُ عَلَيْه وسَلّم: «اقْرأ: قُلْ هوَ اللّه أحَد، والمعوِّذَتَيْن حِينَ تُمْسي وَحِينَ تُصبح، ثلاثَ مَرّات تَكْفيكَ منْ كلّ شَيْء». [1] حديث صحيح است. [2]

ترجمه: از عبد اللّه بن خبيب رضي اللّه عنه روايت شده كه گفت: رسول اللّه ﷺ برايم فرمود: چون شب مي كني يا صبح مي نمائي، سه بار قل هو اللّه احد و معوذتين (قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس) را بخوان، ترا از هر چيزي كفايت مي كند.

سنت سوم: رسول اللّه ﷺ صبحا نه ميگفتند: «أصْبَحْنَا وَأصْبَحَ المُلْكُ للّه والحمْدُ للّه، لاَ إلهَ إلاّ اللّه وحْدَهُ لاَ شَريكَ لَه - لهُ المُلْكُ وَلَه الحمْدُ وهُوَ عَلى كلّ شَيء قدير، ربّ أسْأَلُكَ خَيْرَ مَا في هذا اليوم، وَخَيْرَ مَا بَعْدَه، وأعُوذُ بكَ منْ شَرّ مَا في هذا اليوم وشَرّ ما بعْدَه، ربّ أعُوذُ بكَ من الكَسَل، وَسُوء الكبْر، أعوذُ بكَ منْ عذَاب في النّار، وَعَذَاب في القبر».

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عَن ابْن مَسْعُود قَال: كانَ نبيُّ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وسَلّم إذَا أمسى قال: أمْسَيْنَا وأمْسى المُلكُ للّه، والحمْدُ للّه، لاَ إلهَ إلاّ اللّه وحْدَهُ لاَ شَريكَ لَه» قالَ الرواي: أرَاهُ قال فيهن: «لهُ المُلكُ وَلَه الحمْدُ وهُوَ عَلى كلّ شَيء قدير، ربّ أسْأَلُكَ خَيْرَ مَا في هذه اللّيلَة، وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وأعُوذُ بكَ منْ شَرّ مَا في هذه اللّيْلَة وشَرّ ما بعْدَهَا، ربّ أعُوذُ بكَ من الكَسَل، وَسُوء الكبْر، أعوذُ بكَ منْ عذَاب في النّار، وَعَذَاب في القبر» وَإذَا أصْبَحَ قَال ذلك أيْضا: «أصْبَحْنَا وَأصْبَحَ المُلْكُ للّه» رواه مسلم. [3]

ترجمه: از ابن مسعود ا روايت شده كه: چون پيامبر صلي اللّه عليه وسلم شام مي كرد، مي فرمود: امسينا و امسي الملك للّه ... ما و مالكيت براي اللّه (سبحا نه وتعالى) شام كرديم و ثنا باد اللّه (سبحا نه وتعالى) را معبود برحقي جز او نيست، يگا نه است و شريكي ويرا نيست. راوي گفت: گمان مي كنم كه در آن گفت: له الملك و له الحمد و ... مالكيت و

---

1 - حديث نمبر (5084 -) سنن ابى داوود .
2 - حديث شماره (5082) صحيح وضعيف سنن ابى داوود.
3 - حديث نمبر(7083) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

ثنا او راست، و او بر هر چيز قادر است، از تو خير آنچه را كه در اين شب است و خير آنچه را بعد از آنست مي طلبم و از شر آنچه در اين شب و بعد از آن است بتو پناه مي جويم، پروردگارا ! من از تنبلي و زشتي كهنسالي بتو پناه مي جويم و چون صبح مي كرد، آن را همچنان مي گفت: اصبحنا و اصبح الملك لله.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ اللّهُمّ بِكَ أَصْبَحْنَا وبِكَ أَمسَيْنَا وبِكَ نَحْيا، وبِكَ نَمُوت، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ.

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند: عنْ ابى هُريرة رضي الله عنه عن النبيّ صَلّى اللهُ عَلَيْه وسَلّم أنّه كان يقول إذَا أَصْبَحَ: اللّهُمّ بِكَ أَصْبَحْنَا وبِكَ أَمسَيْنَا وبِكَ نَحْيا، وبِكَ نَمُوت، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ وإذا أَمْسَى قال: «اللّهُمّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وبِكَ نَحْيا، وبِك نمُوتُ وإلَيْكَ المَصِيرِ». (1)
حديث صحيح است. (2)

ترجمه : از ابو هريره رضي الله عنه روايت است كه: رسول الله صلي الله عليه وسلم در هنگاميكه صبح مي كرد، مي فرمود: اللهم بك اصبحنا ... يا الله (سبحا نه و تعالى) ! به امر تو صبح كرديم و شام نموديم و به امر تو زندگي كرده و مي ميريم و بازگشت بسوي تست. و چون شام مي نمود، مي فرمود: اللهم بك أمسينا ... يا الله (سبحا نه و تعالى) ! به امر تو شام كرديم و زندگي كرده و مي ميريم و بازگشت بسوي تست.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ «اللّهُمّ أَنْتَ رَبِّيْ لاَ إلَهَ إلاّ أنْتَ، خَلَقْتَنيْ وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيّ، وَأَبُوْءُ بِذَنْبِيْ فَاغْفِرْ لِيْ فَإنّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلاّ أنْتَ».

دليل اين سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميكند: عن شَدّاد بْنُ أَوْس رضي الله عنه عَنِ النّبيّ صَلّى اللهُ عَلَيْه وَسَلّمَ: " سَيّدُ الاسْتِغْفَارِ أنْ تَقُولَ: اللّهُمّ أنْتَ رَبِّي لاَ إلَهَ إلّا أنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأنَا عَبْدُكَ، وَأنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أعُوذُ بِكَ مِنْ شَرّ مَا صَنَعْتُ، أبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيّ، وَأبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي، فَإنّهُ لاَ يَغْفِرُ الذّنُوبَ إلّا أنْتَ " قَالَ: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النّهَارِ مُوقِنًا بِهَا،

---
1 - حديث نمبر (5070 -) سنن ابي داوود.
2 - حديث نمبر (5068)صحيح وضعيف سنن أبي داود.

فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا، فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» [1]

ترجمه: از شداد بن اوس ﷺ روایت است از نبی کریم صلی الله علیه وسلم که فرمود: سید استغفار اینست که بگوید: الهی! تو پروردگار من هستی، بجز تو معبود دیگری «بحق» نیست، تو مرا آفریدی، و من بندهی تو هستم، و بر پیمان و عدهام با تو بر حسب استطاعت خود، پایبند هستم، و از شر آنچه که انجام دادهام به تو پناه میبرم، به نعمتی که به من عطا فرمودهای، اعتراف میکنم، و به گناهم اقرار می نمایم، پس مرا ببخشای، چرا که بجز تو کسی گناهان را نمیبخشاید».

هرکس هنگام شب آنرا با یقین بگوید و در آن شب بمیرد، و یا صبح بگوید و در همان روز بمیرد به بهشت وارد میشود.

ومسلما نان را تشویق مینمود ند که این تسبیحات ودعا ها را با فهم معا نی شان بخوا نند.

سنت ششم: رسول الله ﷺ به گفتن این دعا در صبح و شام تشویق نموده است.

اللَّهُمَّ إِنِّى أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلاَئِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ.

دلیل این سنت: امام ابی داوود رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم- قَالَ « مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ أَوْ يُمْسِى اللَّهُمَّ إِنِّى أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلاَئِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَعْتَقَ اللَّهُ رُبْعَهُ مِنَ النَّارِ فَمَنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ أَعْتَقَ اللَّهُ نِصْفَهُ وَمَنْ قَالَهَا ثَلاَثًا أَعْتَقَ اللَّهُ ثَلاَثَةَ أَرْبَاعِهِ فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ». [2]

---

[1] - حدیث نمبر (6306) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحیح البخاری).

[2] - در حدیث نمبر (5071) سنن ابی داوود. مشکل اینجاست که شیخ البانی رحمه الله این حدیث را ضعیف گفته است ولی در کتابش بنام السلسله الصحیحه حدیث دیگری را با کمی تفاوت متن آورده و آنرا صحیح بیان داشته است ، 267 - " من قال : اللهم إني أشهدك ، و أشهد ملائكتك ، و حملة عرشك ، و أشهد من في السموات و من في الأرض أنك أنت الله ، لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك ، و أشهد أن محمدا عبدك و رسولك ، من قالها مرة أعتق الله ثلثه من النار ، و من قالها مرتين أعتق الله ثلثيه من النار ، و من قالها ثلاثا أعتق الله كله من النار " . قال الألباني في "السلسلة الصحيحة" 1 / 476 :أخرجه الحاكم (1 / 523) من طريق حميد بن مهران حدثنا عطاء عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : حدثنا سلمان الفارسي قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : فذكره .و قال : " صحيح الإسناد " ، و وافقه الذهبي و هو كما قالا . و له شاهد من حديث أنس مرفوعا نحوه مقيدا بالصباح و المساء ، و سنده ضعيف كما بينته في " سلسلة الأحاديث الضعيفة " رقم (1041) . لسلسلة الصحيحة المجلدات الكاملة 1-9المؤلف : محمد ناصر الدين الألباني، 266/1 مكتبه شامله ، ولی مشکل دوباره در مورد این حدیث نیز پیدا شده است ، که در شماره (ثم ذكر في الاستدراك (537/1) أنَّه يحتمل أن يكون ضعيفا، فليتنبه.) کتاب تراجعات شیخ البانی باز در مورد همین حدیثی که در سلسله صحیحه ، صحیح گفته

ترجمه : انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت میکند که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هرکسی هنگامیکه صبح وشام میکند بگوید :الهی ! من در این صبحگاه، تو را و حاملان عرش و تمام فرشتگانت و کلیّه مخلوقات تو را گواه می‌گیرم بر این که تو الله هستی، بجز تو معبود دیگری «بحق» وجود ندارد، تو یگانه‌ای و شریکی نداری، و محمد ص بنده و فرستاده‌ی تواست). الله (سبحانه وتعالی) چهارم حصهء وجودش را ازآتش نجات میدهد، وکسیکه دو بار بگوید نصفش را کسیکه سه مرتبه بگوید سوم حصه اش را و کسیکه چهار مرتبه بگوید (تمام بدنش را) الله (سبحانه وتعالی) ازآتش نجات میدهد.

درمورد سند این حدیث شیخ البانی آنرا حدیث ضعیف گفته است. [(1)] ولی علمای دیگری نظریات دیگری دارند ، مثلا : عبد المحسن العباد در شرح سنن ابی داوود میگوید : والحدیث ضعفه الألباني لأن في إسناده مجهولاً، وفيه مكحول وهو مدلس ويرسل، لكنه جاء من طريق أخرى يمكن أن يحسن بها، فإذا انضم إليه الطريق الآخر يكون الحديث مقبولاً. [(2)]

ترجمه : حدیث امام البانی ضعیف گفته است ، زیرا در اسنادش مجهول است ، ودرآن مکحول است که او مدلس است و رواتش مرسل است ، لکن این حدیث ازطریق دیگری آمده است که میتواند با آن حسن شود ، وقتیکه به همرایش طریق دیگر یکجا شود ، حدیث مقبول میباشد.

حاکم نیسابوری میگوید: حدیث صحیح إسناد است ولی بخاری ومسلم آنرا نگرفته اند. (3)

محمد بن خلیفه تمیمی در تحقیقش بالای کتاب ابو جعفر عبسی بعد ازینکه اقوال علماء در مورد این حدیث ذکر میکند ، میگوید: سند حدیث حسن است . امام نووی

است نوشته : ثم ذكر في الاستدراك (537/1) أنَّه يحتمل أن يكون ضعيفا، فليتنبه. تراجعات العلامة الألباني في التصحيح والتضعيف 37/1(مكتبه شامله).

[1] - در حدیث شماره (5069)صحيح وضعيف سنن أبي داود تاليف محمد ناصر الدين الألباني آنرا حدیث ضعیف بیان داشته و گفته است: تحقيق الألباني :ضعيف الترمذي (3747) // (693) ، و سيأتي برقم (1082 / 5078) .

[2] - شرح سنن أبي داود تاليف عبد المحسن العباد ، 35/29.

[3] - در حدیث شماره (1920) المستدرك على الصحيحين تاليف محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري ، بيروت: دار الكتب العلمية، ط1، (1411 – 1990) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، مع الكتاب : تعليقات الذهبي في التلخيص).

اسنادش را خوب گفته در کتاب اذکارش ص 74، و حافظ ابن حجر در کتاب نتائج الأبكار " گفته است که: "حسن غريب ".[1]

مولف کتاب (التعقبات فی التصحیح و التحسین علی الألبا نی) میگوید: البا نی ضعیف گفته است ولی شیخ میگوید که حسن است قال الألبا نی: ضعیف وقال الشیخ: حسن [2]

ترجمه: البا نی ضعیف گفته است وشیخ گفته است که حدیث حسن است.

صاحب حصن المسلم ، حدیث را درکتابش ذکر نموده ، ودر مورد اسناد میگوید: که شیخ ابن باز إسنادش را در تحفة الأخیار حسن گفته است. [3]

علامه مبارکفوری بعد ازینکه اقوال علماء را درین مورد ذکر میکند ، میگوید: این حدیث را حافظ ابن حجر حسن بیان داشته است. [4]

به اساس این اقوال میتوان گفت که حدیث با تمامی روایات آن و با تعلیقات علمای اسلام حدیث حسن بیان شده است ، والله (سبحا نه وتعالی) اعلم بالصواب.

سنت هفتم: رسول الله ﷺ اللهم عافني في بد ني، اللهم عافني في سمعي، اللهم عافني في بصري، لا إله إلا أنت "، (3 مرتبه صبح و3مرتبه شام) "اللهم إني أعوذ بک من الكفر والفقر، اللهم إني أعوذ بک من عذاب القبر، لا إله إلا أنت ". (3 مرتبه صبح و3مرتبه شام) اللهم رحمتک أرجو، ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا أنت "

دليل این سنت: امام بخاری رحمه الله در الادب المفرد روایت میکند: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي بَكْرَةَ ، أَنَّهُ قَالَ لِأَبِيهِ : يَا أَبَتِ ، إِنِّي أَسْمَعُكَ تَدْعُو كُلَّ غَدَاةٍ: اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي ، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي ، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ ، تُعِيدُهَا ثَلاَثًا حِينَ تُمْسِي ، وَحِينَ تُصْبِحُ ثَلاَثًا ، وَتَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ ،

---

[1] - العرش وما رُوِي فيه تاليف ابی جعفر محمد بن عثمان بن أبي شيبة العبسي المتوفى : 297هـ) ، تحقيق محمد بن خليفة بن علي التميمي ، رياض : مكتبة الرشد، ط1، (1418هـ/1998م) ، 363/1.

[2] - التعقبات فی التصحیح و التحسین علی الألبانی **تالیف تعقبها السید الغماری علی الألبانی ، (ب م ن) ، (ب ن) ، (ب ط) ، (ب ت) .** 19/1.

[3] - أبو داود 4 / 324 , وأحمد 5 / 42 والنسائي في عمل اليوم والليلة برقم 22 وابن السني برقم 69 والبخاري في الأدب المفرد وحسن العلامة ابن باز إسناده في تحفة الأخيار ص 26 . وی به اساس گفتهء شیخ ابن باز اکتفاء نموده که سندش را حسن بیان داشته است. حصن المسلم من أذكار الكتاب والسنة تالیف سعيد بن علي وهف القحطاني ، ط1، رياض: وزارت اوقاف، (1409هـ) ، 39/1. مکتبه شامله.

[4] - قد حسن هذا الحديث الحافظ ابن حجر في أمالي الأذكار كما نقله عنه ابن علان في الفتوحات الربانية (ج3 : ص105 ، 106) . مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح تاليف ابی الحسن عبيد الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين الرحماني المباركفوري (المتوفى : 1414هـ) ، بنارس ، هند: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء ، ط3، (1404 هـ ، 1984 م) ، 141/8.

اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، لاَ إلَهَ إلاّ أَنْتَ ، تُعِيدُهَا ثَلاَثًا حِينَ تُمْسِي ، وَحِينَ تُصْبِحُ ثَلاَثًا ، فَقَالَ : نَعَمْ ، يَا بُنَيّ ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللّه صلى الله عليه وسلم يَقُولُ بِهِنّ ، وَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَسْتَنّ بِسُنّتِه.

قَالَ : وَقَالَ رَسُولُ اللّه صلى الله عليه وسلم : دَعَوَاتُ الْمَكْرُوبِ : اللّهُمّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو ، وَلاَ تَكِلْنِي إلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلّهُ ، لا إلَهَ ألا أَنْتَ. عن عبد الرحمن بن أبي بكرة، أنه قال لأبيه: يا أبت ! إني أسمعك تدعو كل غداة: "اللهم عافني في بدني، اللهم عافني في سمعي، اللهم عافني في بصري، لا إله إلا أنت "، تعيدها ثلاثاً حين تمسي، وحين تصبح ثلاثاً، وتقول: "اللهم إني أعوذ بك من الكفر والفقر، اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، لا إله إلا أنت". تعيدها ثلاثاً حين تمسي، وحين تصبح ثلاثاً؟ فقال: نعم؛ يا بني ! سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول بهن. وأنا أحب أن أستن بسنته. قال: وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " دعوات المكروب: اللهم رحمتك أرجو، ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا أنت ".[1] حديث صحيح است.[2]

ترجمه: از عبد الرحمن بن أبي بكرة رضى الله عنه روايت كه براى پدرش گفت: پدر از شما ميشنوم كه هر صبح دعا ميكنند كه :اللهم عافني في بدني، اللهم عافني في سمعي، اللهم عافني في بصري، لا إله إلا أنت "، (3 مرتبه صبح و3مرتبه شام) "اللهم إني أعوذ بك من الكفر والفقر، اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، لا إله إلا أنت". (3 مرتبه صبح و3مرتبه شام) يعنى (يا الله (سبحانه وتعالى) ! در بدنم عافيت ده، يا الله (سبحانه وتعالى) ! در گوشم عافيت ده، يا الله (سبحانه وتعالى) ! در چشمم عافيت ده، بجز تو معبود ديگرى «بحق» وجود ندارد، از كفر به تو پناه مى‌برم، از فقر به تو پناه مى‌برم، از عذاب قبر به تو پناه مى‌برم، بجز تو معبود ديگرى «بحق» وجود ندارد). گفت: بلى فرزندم ! من از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنيدم كه اين كلمات را ميگفت. ميخواهم به روش وى عمل كنم ، فرمود: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: " دعاى كسيكه بالايش

1- حديث نمبر (701) الادب المفرد . .
2- حديث نمبر (701) صحيح الادب المفرد تاليف محمد ناصر الدين الألباني ،ناشر : دار الصدّيق، ط1 ، 1421هـ .

سختی آمده است :اللهم رحمتک أرجو، ولا تکلني إلى نفسي طرفة عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا أنت ".

سنت هشتم : رسول الله ﷺ این دعا را در صبح وشام ترک نمیکردند:اللّهُمّ إنّيْ أسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فيْ الدُّنْيَا وَالآخرَة، اللّهُمّ إنّيْ أسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فيْ دِيْنِيْ وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِيْ، وَمَالِيْ، اللّهُمّ اسْتُرْ عَوْرَاتيْ، وَآمنْ رَوْعَاتيْ، اللّهُمّ احفظْنيْ منْ بَيْن يَدَيّ، وَمنْ خَلْفيْ، وَعَنْ يَميْنيْ، وَعَنْ شَمَاليْ، وَمنْ فَوْقيْ، وَأَعُوْذُ بِعظْمَتكَ أنْ أُغْتَالَ منْ تَحْتيْ».

دليل این سنت: امام ابن ماجه رحمه الله روایت میکند: عن ابْنَ عُمَرَ يَقُولُ: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللّه صَلّى الله عَلَيْه وسَلّمَ يَدَعُ هَؤُلَاء الدّعَوَات حينَ يُمْسي ، وَحينَ يُصْبحُ: **اللّهُمّ إنّي أسْأَلُكَ الْعَفْوَ** وَالْعَافِيَةَ في الدُّنْيَا وَالآخرَة ، اللّهُمّ أسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ في ديني وَدُنْيَايَ وَأَهْلي وَمَالي ، اللّهُمّ اسْتُرْ عَوْرَاتي ، وَآمنْ رَوْعَاتي ، وَاحْفَظْني منْ بَيْن يَدَيّ ، وَمنْ خَلْفي ، وَعَنْ يَميني ، وَعَنْ شمَالي ، وَمنْ فَوْقي ، وَأَعُوذُ بكَ أَنْ أُغْتَالَ منْ تَحْتي.قَالَ وَكيعٌ: يَعْني الْخَسْفَ.[1] حديث صحيح است.[2]

ترجمه : از عبدالله بن رضى الله عنه روایت است که رسول الله (صلى الله عليه وسلم) این دعا ها را شامگاهان وصبحگاهان ترک نمیکردند: (الهى ! عفـو و عافیت دنیا و آخرت را از تـو می‌خواهم. بارالها ! عفوو عافیت دین، دنیا، خانواده و مالم را از تو مسألت می نمایم. بار الها ! عیوب مرا بپوشان و ترس مرا به ایمنی مبدّل ساز. الهی ! مرا از جلو، پشت سر، سمت راست و چپ و بالای سرم، محافظت بفرما، و به بزرگی و عظمت تو پناه می‌برم از اینکه بطور ناگهانی از طرف پایین کشته شوم).

سنت نهم : رسول الله ﷺ به ابی بکر صدیق توصیه نمودن که این دعا را صبح وشام ودررفتن به بستر بخوانند: «اللّهُمّ عَالمَ الْغَيْبِ وَالشّهَادَة فَاطرَ السّمَوَات وَالأرْض، رَبّ كُلّ شَيْء وَمَليْكَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إلَهَ إلاّ أَنْتَ، أَعُوْذُ بكَ منْ شَرّ نَفْسيْ، وَمنْ شَرّ الشّيْطَان وَشركه، وَأَنْ أَقْتَرفَ عَلَى نَفْسيْ سُوْءاً، أَوْ أَجُرّهُ إلَى مُسْلم».

[1] - حديث نمبر (3871-) سنن ابن ماجه.
[2] - در حديث شماره 3871 صحيح سنن ابن ماجه .

دليل اين سنت: امام ابی داوود رحمه الله روايت ميكند عنْ ابی هُريرة ﷺ أنّ أبا بَكر الصّدّيق، رضيَ اللّه عنه، قال: يَا رَسُولَ اللّه مُرْني بكَلمَات أقُولُهُنّ إذَا أصْبَحْتُ وإذَا أمْسَيت، قالَ: قُل: «اللّهُمّ فَاطرَ السّمَوات والأرض عَالمَ الغَيْب وَالشّهَادة، ربّ كُلّ شَيء وَمَليكَه. أشْهَدُ أن لاَ إله إلاّ أنت، أعُوذُ بكَ منْ شَرّ نَفسي وشَرّ الشّيْطَان وَشركه» قال: «قُلْها إذا أصْبحْت، وَإذا أمْسَيْت، وإذا أخذْتَ مَضْجعَكَ» رواه أبوداود [1] حديث صحيح است. [2]

ترجمه: از ابو هريره ﷺ روايت است كه:ابوبكر صديق رضي اللّه عنه گفت: يا رسول اللّه صلي اللّه عليه وسلم مرا به كلماتي امر كن كه چون صبح و شام مي كنم، بگويم.

فرمود: بگو: يا اللّه ! آفريننده‌ء آسما نها و زمين، عالم به پيدا و نهان، پروردگار و مالك همه چيز، شهادت مي دهم كه معبود بر حقي جز تو نيست و از شر نفس خود و شيطان و دعوت او به شرك، بتو پناه مي جويم.

فرمود: چون صبح نمودي يا شام كردي و زما نيكه در بسترت قرار گرفتي آ نرا بگو.

سنت دهم : رسول اللّه ﷺ به گفتن اين دعا در صبح و شام سه سه مرتبه دعوت مينمود:

بسْم اللّه الّذي لاَ يَضُرُّ مَعَ اسْمه شيء في الأرض ولا في السماء وَهُوَ السّميعُ الْعليم.

دليل اين سنت: امام ابن ماجه رحمه الله روايت ميكند : عَنْ عُثْمَانَ بْنَ عَفّانَ يَقُولُ : سَمعْتُ رَسُولَ اللّه صَلّى اللّه عَليْه وسَلّمَ يَقُولُ: مَا منْ عَبْد يَقُولُ في صَبَاح كُلّ يَوْم ، وَمَسَاء كُلّ لَيْلَة : بسْم الله الّذي لاَ يَضُرُّ مَعَ اسْمه شَيْءٌ في الأَرْضِ وَلاَ في السّمَاء ، وَهُوَ السّميعُ الْعَليمُ ، ثلاَثَ مَرّات ، فَيَضُرّهُ شَيْءٌ. » [3] حديث صحيح است. [4]

ترجمه :- از عثمان بن عفان ﷺ روايت است كه:رسول اللّه صلي اللّه عليه وسلم فرمود: هيچ بنده اي نيست كه در هر صبح و هر شام سه بار بگويد: بسم اللّه الذي لا يضر ... بنام اللّه (سبحا نه وتعالى) كه با نامش هيچ چيزي در زمين و آسمان ضرر نمي رسا ند و او شنوا و دا ناست، مگر اينكه هيچ چيزي بوي ضرر نمي كند.

سنت يازدهم : رسول اللّه ﷺ «رَضِيْتُ بِاللّه رَبّاً، وَبِالإسْلاَم دِيْناً، وَبِمُحَمّد نَبِيًّا وَرَسُوْلاً».

---

1 ـ در حديث شماره (5069) سنن ابى داوود. -

2 - حديث شماره (5067 صحيح وضعيف سنن ابى داوود. .

3 - حديث نمبر 3869 سنن ابن ماجه.

4 - حديث شماره (3120) صحيح ابن ماجه.

دلیل این سنت: امام طبرانی رحمه الله روایت میکند: عَنِ الْمُنَيْذِرِ، صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ يَكُونُ بِإِفْرِيقِيَّةَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالإِسْلامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا، فَأَنَا الزَّعِيمُ لآخُذَ بِيَدِهِ حَتَّى أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ. (1) حدیث صحیح است. (2)

ترجمه: از منیذر رضی الله عنه صحابی رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که درافریقیا میبود ، فرمود: من از رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که میفرمودند: هرکسی صبحگاهان بگوید: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالإِسْلامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا، فَأَنَا الزَّعِيمُ لآخُذَ بِيَدِهِ حَتَّى أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ.

«راضی هستم که الله رب من است و اسلام دین من است و محمد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پیامبر من، است». من ضمانتش میکنم که دستش را بگیرم و به جنت داخلش نمایم.

سنت دوازدهم: رسول الله ﷺ به بی بی فاطمه‌ء رضی الله عنها میگفت که صبحگانان وشامگاهان بگوید: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحَمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِيْ كُلَّهُ وَلاَ تَكِلْنِيْ إِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ».

دلیل این سنت: امام نسائی رحمه الله روایت میکند: عن أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ ، يَقُولُ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِفَاطِمَةَ: مَا يَمْنَعُكِ أَنْ تَسْمَعِي مَا أُوصِيكِ بِهِ ، أَنْ تَقُولِي إِذَا أَصْبَحْتِ وَإِذَا أَمْسَيْتِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ ، أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ ، وَلاَ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ. (3) حدیث صحیح است. (4)

ترجمه: از أنس بن مالک رضي الله عنه روایت که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای بی بی فاطمه رضي الله عنها فرمودند: چی چیز ترا مانع میشود که به وصیت من گوش دهی؟

---

[1] - حدیث نمبر(17225) الكتاب : المعجم الكبير تاليف سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى : 360هـ) ، (ب م ن) ، (ب ن) ، (ب ط) ، (ب ت) .

[2] - حدیث نمبر (2686 سلسلهء صحیحه .

[3] - حدیث نمبر 10330 السنن الكبرى النسائی .

[4] - حدیث نمبر (227) السلسله الصحیحه.

اینکه در صبحگاهان وشامگاهان بگويي:يا حي يا قيوم برحمتک أستغيث، وأصلح لي شأني كله ، ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين أبدا ".

یعنی ای ذات زنده‌ء حقیقی و تدبیر کننده‌ء تمامی عالم هستی ، رحمتت را مطالبه مینمایم ، تمامی امورات زنده گی ام را اصلاح نما ، و مرا به اندازه‌ء یک مژه به هم زدن به نفسم ابدا مگزار.

سنت سیزدهم: رسول الله ﷺ توصیه نمود که در صبحگاهان این دعا را بخوانید : «اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْكُ لله رَبّ الْعَالَمِيْنَ ، اللّهُمّ إنّي اَسْاَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ فَتْحَهُ ، وَنَصْرَهُ، وَنُوْرَهُ، وَبَرَكَتَهُ ، وَهُدَاهُ ، وَاَعُوْذُبِكَ مِنْ شَرّ مَا فِيْهِ وَشَرّ مَا بَعْدَهُ».

دلیل این سنت: امام مناوی رحمه الله روایت میکند : که أبي مالک ا شعري رضی الله عنه فرمود: إذا أصبح أحدكم فليقل: أصبحنا و أصبح الملک لله رب العالمين اللهم أني أسألک خير هذا اليوم فتحه و نصره و نوره و بركته و هداه و أعوذ بک من شر ما فيه و شر ما قبله و شر ما بعده ثم إذا أمسى فليقل مثل ذلک(حسن). (1) حدیث حسن است. (2)

ترجمه : هنگامیکه یکی از شما صبح مینماید بگوید: صبح نمودیم و تمامی مالکیت خاص برای الله رب العالمین است ، یا الله ! از تو خیر این روز را فتح ، کامیابی ، نور ، برکت وهدایتش طلب میکنم و به تو پناه میبرم از شر آنچه درین روز است ، و از شر آنچه قبل از آن و بعد از آن است ، ووقتی عصر نمود ، همچنین بگوید.

سنت چهاردهم: رسول الله ﷺ «اَصْبَحْنَا عَلَى فِطْرَةِ الإسْلاَمِ وَعَلَى كَلِمَةِ الإخْلاَصِ، وَعَلَى دِيْنِ نَبِيّنَا مُحَمّدٍ ﷺ ، وَعَلَى مِلّةِ اَبِيْنَا اِبْرَاهِيْمَ، حَنِيْفاً مُسْلِماً وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ».

دلیل این سنت: امام احمد بن حنبل رحمه الله روایت میکند: عن بن عبد الرحمن بن أبزى عن أبيه عن النبي صلى الله عليه و سلم أنه قال : أصبحنا على فطرة الإسلام وعلى كلمة الإخلاص وعلى دين نبينا محمد صلى الله عليه و سلم وعلى ملة أبينا إبراهيم حنيفا مسلما

---

[1] - حديث نمبر (352) مصابيح التنوير على صحيح الجامع الصغير ، (مختصر فيض القدير شرح الجامع الصغير للإمامِ عبد الرؤوف المناوي) ، تاليف محمد بن ناصر الدين الألباني ، إعداد وترتيب : أبو أحمد معتز أحمد عبد الفتاح.

[2] - حديث نمبر (352) مصابيح التنوير على صحيح الجامع الصغير شیخ البانی حديث حسن گفته است).

وما كان من المشركين تعليق شعيب الأرنؤوط : إسناده صحيح على شرط الشيخين. [1] حديث صحيح است. [2]

ترجمه : ازا بن عبد الرحمن بن أبزى از پدرش روايت ميكند از نبی كريم صلی الله عليه و سلم كه فرمود ند : (ما بر فطرت اسلام، كلمه‌ی اخلاص، دين پيامبرمان محمد ص و آئين پدرمان ابراهيم ؛ صبح كرديم، همان ابراهيمی كه فقط به سوی حقّ، تمايل داشت و فرما نبرداراللّه(سبحا نه وتعالی) بود ، وازمشركان نبود).

سنت پانزدهم : رسول الله ﷺ به گفتن 100 مرتبه سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ در صبح و شام تشويق مينمود ند.

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " مَنْ قَالَ: حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمْسِي: سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، مِائَةَ مَرَّةٍ، لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ، إِلَّا أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ "[3] حديث صحيح است.

ترجمه : از ابی هريره رضی الله عنه روايت كه رسول الله (صلی الله عليه وسلم) فرمود: هركسی در صبحگاهان وشامگاهان (100) مرتبه بگويد: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ». درروز قيامت هيچ كس درجه ای برتر از اورا نخواهد داشت، مگر كسی كه اين ذكر را ما نند او، يا بيشتر از او خوانده باشد.

سنت شانزدهم : رسول الله ﷺ به گفتن 100 مرتبه «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهِ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: " مَنْ قَالَ: لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، كَانَتْ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ، وَكُتِبَتْ لَهُ

---

[1] - در حديث نمبر **21182** مسند ابن حنبل .

[2] - حديث نمبر (17003مجمع الزوائد ومنبع الفوائد تاليف الحافظ نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي المتوفى سنة 807 ، * بتحرير الحافظين الجليلين: العراقي وابن حجر ، بيروت : دار الفكر، (1412 هـ، الموافق 1992 ميلادي).

[3] -

مائَةُ حَسَنَة ، وَمُحِيَتْ عَنْهُ مائَةُ سَيِّئَة ، وَكَانَتْ لَهُ حرْزًا منَ الشَّيْطَان يَوْمَهُ ذَلكَ حَتَّى يُمْسيَ ، وَلَمْ يَأْت أَحَدٌ بِأَفْضَلَ ممَّا جَاءَ به ، إلَّا أَحَدٌ عَملَ أَكْثَرَ منْ ذَلكَ ". بخارى [1]

ترجمه: ابوهريره رضی الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هركس ، روزانه صد بار لا إلَهَ إلاّ اللّهُ ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ بگويد ، به او به اندازة آزاد ساختن ده برده ، ثواب مي رسد. و همچنين صد نيكي برايش نوشته مي شود و صد گناه از گناهانش ، پاک مي گردد و آنروز تا شب از شيطان ، حفاظت مي شود. و هيچ كس (در روز قيامت) عملي بهتر ازآن نمي آورد مگر فردي كه عمل بيشتري انجام دهد». يعني همين كلمه را بيشتر بگويد و يا به طور كلي ، اعمال بيشتري انجام داده باشد.

سنت هفدهم : رسول الله ﷺ اين كلمات را بسيار با وزن بيان داشته اند «سُبْحَانَ اللَه وَبِحَمْده: عَدَدَ خَلْقه ، وَرضَا نَفْسه ، وَزِنَةَ عَرْشه وَمدَادَ كَلمَاته». سه سه مرتبه بخوانند.

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند : عَنْ جُوَيْرِيَةَ أَنّ النّبِيّ -صلى الله عليه وسلم- خَرَجَ منْ عنْدهَا بُكْرَةً حينَ صَلّى الصّبْحَ وَهيَ فى مَسْجدهَا ثُمّ رَجَعَ بَعْدَ أَنْ أَضْحَى وَهيَ جَالسَةٌ فَقَالَ « مَا زِلْت عَلَى الْحَال الّتى فَارَقْتُك عَلَيْهَا ». قَالَتْ نَعَمْ. قَالَ النّبِىُّ -صلى الله عليه وسلم- « لَقَدْ قُلْتُ بَعْدَك أَرْبَعَ كَلمَات ثَلاَثَ مَرّات لَوْ وُزِنَتْ بِمَا قُلْت مُنْذُ الْيَوْم لَوَزَنَتْهُنّ سُبْحَانَ اللّه وَبِحَمْده عَدَدَ خَلْقه وَرضَا نَفْسه وَزِنَةَ عَرْشه وَمدَادَ كَلمَاته ». [2]

ترجمه : از مادر مومنان جُوَيْرِيَةَ رضى الله عنها روايت است : كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) از نزد وى صبحگاهان هنگاميكه نماز صبح را ادا نمود ، بيرون رفت و وى در مكان نمازش بود ، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) بعد ازينكه وقت ضحى داخل شده بود ، برگشتند ، و مادر مومنان در جاى شان نشسته بود ند ، پرسيد: « تا كنون در جايى نشستى كه من از نزدت رفتم». گفت : بلىْ. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود ند كه من بعد از شما چهار كلمه را سه سه مرتبه گفتم : سُبْحَانَ اللّه وَبِحَمْده عَدَدَ خَلْقه وَرضَا نَفْسه وَزِنَةَ عَرْشه وَمدَادَ كَلمَاته». كه اگر آ نا نرا با آ نچه گفته اى وزن نمايى ، هم وزن ميشوند.

---

[1] - حديث نمبر (6403) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر(7088) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

سنت هژدهم: رسول الله ﷺ 100 مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوْبُ إِلَيْه» میگفتند.

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّه ﷺ يَقُولُ: «وَاللّه إِنِّي لأَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْه فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً». (1)

ترجمه: ابوهریره رضي الله عنه مي گويد: شنیدم که رسول الله ﷺ فرمود: «به الله (سبحانه وتعالی) سوگند که من روزانه، بیش از هفتاد بار از الله (سبحانه وتعالی)، طلب آمرزش کرده و توبه مي کنم».

سنت نزدهم: رسول الله ﷺ «به گفتن أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّه التَّامّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خلق در شامگاهان تشویق مینمودند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللّه ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللّه مَا لَقِيتُ مِنْ عَقْرَبٍ لَدَغَتْنِي الْبَارِحَةَ قَالَ: "أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّه التَّامّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خلق لم تَضُرُّكَ". (2)

ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که شخصی به نزد رَسُولِ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلَّمَ آمد وگفت: ای رَسُولَ اللّه ﷺ شب مرا گژدم گزید و چی دردی احساس نمودم! فرمودند: اگر شامگاهان میگفتی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّه التَّامّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خلق برایت ضرری نمی رساند.

سنت بیستم: رسول الله ﷺ به درود گفتن بالای شان مومنان را توصیه مینمودند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله در صحیح مسلم روایت میکند: عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ «مَنْ صَلَّى عَلَىَّ وَاحِدَةً صَلَّى اللّهُ عَلَيْه عَشْرًا». (3)

ترجمه: از ابی هریره رضي الله عنه روایت که رسول الله ﷺ فرمودند، کسیکه بالای من یک مرتبه درود بفرستد، الله سبحانه وتعالی بالایش ده مرتبه رحمت میفرستد.

سنت بیست ویکم: رسول الله ﷺ برای زدودن شرک این دعا را توصیه مینمودند. اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لا أَعْلَمُ.

---

1 - حدیث نمبر (6307) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)..

2- حدیث نمبر(7055 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

3 - حدیث نمبر(939) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله در الادب المفرد روایت میکند: عن مَعْقلَ بْنَ يَسَار يَقُولُ: انْطَلَقْتُ مَعَ أَبِي بَكْر الصّدّيق رَضيَ اللّهُ عَنْهُ إلَى النّبيّ صلى الله عليه وسلم ، فَقَالَ: يَا أَبَا بَكْر ، لَلشّرْكُ فيكُمْ أَخْفَى منْ دَبيب النّمْل ، فَقَالَ أَبُو بَكْر: وَهَل الشّرْكُ إلاّ مَنْ جَعَلَ مَعَ اللّه إلَهًا آخَرَ؟ فَقَالَ النّبيُّ صلى الله عليه وسلم: وَالّذي نَفْسي بيَده ، لَلشّرْكُ أَخْفَى منْ دَبيب النّمْل ، أَلاَ أَدُلُّكَ عَلَى شَيْء إذَا قُلْتَهُ ذَهَبَ عَنْكَ قَليلُهُ وَكَثيرُهُ؟ قَالَ: قُل: اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بكَ أَنْ أُشْرِكَ بكَ وَأَنَا أَعْلَمُ ، وَأَسْتَغْفرُكَ لمَا لا أَعْلَمُ.[1] حديث صحيح است.[2]

ترجمه: از مَعْقلَ بْنَ يَسَار رضی الله عنه مي گويد: من با با همراهی ابی بکر صدیق رضی الله عنه به نزد رسول الله ﷺ رفتیم ،رسول الله ﷺ فرمود: ای ابا بکر رضی الله عنه ! شرک در میان شما از مورچه های کوچک بسیار مخفی تر است ، أَبُو بَكْر رضی الله عنه فرمود: آیا شرک به غیر اینست که کسی با الله سبحا نه وتعالی معبودی دیگری بگیرد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: قسم به ذاتی که نفسم بدست اوست ، شرک از مورچه های کوچک بسیار مخفی تر است ، آیا شما را به چیزی رهنمایی نکنم که هرگاه آنرا بگویی ، کم وزیاد شرک میرود؟ رسول الله ﷺ فرمود ، بگویید: اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بكَ أَنْ أُشْرِكَ بكَ وَأَنَا أَعْلَمُ ، وَأَسْتَغْفرُكَ لمَا لا أَعْلَمُ.

سنت بیست ودوم: رسول الله ﷺ میگفتند: اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بكَ منَ الْهَمّ وَالْحَزَن وَالْعَجْز وَالْكَسَل وَالْجُبْن وَالْبُخْل وَضَلَع الدّيْن وَغَلَبَة الرّجَال.

دلیل این سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميكند : عن انس رضی الله عنه قَالَ كَانَ النّبيُّ ﷺ يَقُولُ اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بكَ منَ الْهَمّ وَالْحَزَن وَالْعَجْز وَالْكَسَل وَالْجُبْن وَالْبُخْل وَضَلَع الدّيْن وَغَلَبَة الرّجَال.[3]

ترجمه: انس رضی الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ ميگفت: يا الله (سبحا نه وتعالى) من به تو پناه ميبرم از وهميات ، جگرخونى ،عاجزى ، كسالت ، بزدلي، بخيلى ، غلبهء قرض و غلبهء انسا نها».

---

1 - حدیث شماره 716-الادب المفرد.

2 - حدیث شماره (716/554 (صحیح الادب المفرد)

3 - حدیث نمبر (6369-) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری)..

سنت بیست وسوم: رسول الله ﷺ میپرسید آیا کسی میخواهد روزانه 1000 نیکی حاصل نماید.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند : عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ رضی الله عنه حَدَّثَنِى أَبِى قَالَ كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - فَقَالَ « أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ ». فَسَأَلَهُ سَائِلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ كَيْفَ يَكْسِبُ أَحَدُنَا أَلْفَ حَسَنَةٍ قَالَ ﷺ « يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَيُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ أَوْ يُحَطُّ عَنْهُ أَلْفُ خَطِيئَةٍ». [1]

ترجمه : از مصعب بن سعد رضی الله عنه روایت است که برایم پدرم حدیث گفت که ما در نزد رسول الله ﷺ بودیم ، فرمودند «آیا یکی از شما عاجز و ناتوان است که روزانه 1000 نیکی حاصل نماید ، کسی از همنشینا نش پرسید : چگونه یکی از ما 1000 نیکی میتواند حاصل کند؟ رسول الله ﷺ فرمودند« صد بار تسبیح بگویند ، برای شان هزار نیکی نوشته میشود و هزار اشتباهش محو میشود».

سنت بیست وچهارم: رسول الله ﷺ فرمودند ، که دو کلمهء خفیف بر زبان در ترازوی میزان بسیار محبوب اند. سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ.

دلیل این سنت: امام بخاري رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». [2]

ترجمه: ابوهريره رضی الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «دو کلمه وجود دارد که بر زبان، سبک، ولي در ترازوي اعمال، سنگين، و نزد الله (سبحا نه وتعالى) ، محبوب ا ند: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ».

---

[1] - حديث نمبر(7027) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

[2] - حديث نمبر (7563) **الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..**

مطلب پنجم : فضیلت نماز اشراق : رسول الله ﷺ ثواب نشستن بین آفتاب و اشراق را معادل حج وه بیان داشته است.

دلیل این فضیلت: امام ترمذی رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَنَسٍ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى الغَدَاةَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ»، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ» هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ [1] حدیث (حسن) است.[2]

ترجمه: انس ﷺ روایت میکند که رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسیکه نماز صبح را ادا نماید سپس بنشیند و الله را ذکر نماید تا آفتاب طلوع نماید، سپس در رکعت نماز بخواند، برای وی اجر حج وه کامل داده میشود»، رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «کامل کامل».

مطلب ششم : برآمدن از مسجد ورفتن به منزل رسول الله ﷺ. رسول الله ﷺ درهنگام خارج شدن ازمسجد و داخل شدن به منزل سنت های ذیل را انجام میداد ند:

سنت اول : رسول الله ﷺ در هنگام خارج شدن از مسجد میگفتند: **اللهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ** "

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي أُسَيْدٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رسول الله ﷺ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ، فَلْيَقُلْ: اللهُمّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَإِذَا خَرَجَ، فَلْيَقُلْ: اللهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ".[3]

ترجمه : از ابی اسید رضي الله عنه روایت است که فرمود : رسول الله ﷺ فرمود: هنگامیکه یکی از شما داخل مسجد میشود، بگوید: اللهُمّ افْتَحْ لِي أَبْـــوَابَ رَحْمَتِكَ، وهنگامیکه خارج میشود ، بگوید: اللهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ".

سنت دوم : رسول الله ﷺ..به گفتن نام الله (سبحانه وتعالى) در در وقت داخل شدن به منزل و طعام خوردن توصیه مینمود..

---

[1] - حديث نمبر 586 سنن الترمذى.
[2] - شماره 586 صحیح وضعیف سنن الترمذی .
[3] - حديث نمبر(1685) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم). تاليف مسلم بن حجاج قشيري نيســابوري (متوفى: 261هـ)، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار احياء التراث العربي، (بدون تاريخ طبع).).

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ - ﷺ يَقُولُ « إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لاَ مَبِيتَ لَكُمْ وَلاَ عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ». (1)

ترجمه : از جابر بن عبدالله رضي الله عنه روايت است كه رسول الله ﷺ فرمودند: وقتيكه شخصى در هنگام داخل شدن به منزلش و در هنگام خوردن طعام ، الله سبحانه وتعالى را ياد نمايد ، شيطان (براى ديگر شيطانان) ميگويد: جاى خواب و خوردن براى شما نيست ، واگر هنگام داخل شدن ياد الله سبحانه وتعالى را نكرد ، شيطان ميگويد ، جاى شب باش پيدا نموديد ، واگر الله سبحانه وتعالى را هنگام خوردن غذا ياد نكرد ، شيطان ميگويد ، غذا يافتيد.

[1] - حديث نمبر(5381 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

بحث پنجم

بعد از خارج شدن از مسجد و برگشت به منزل

مطلب اول: هنگام داخل شدن به منزل: رسول الله ﷺ در هنگام داخل شدن به منزل شان سنت های ذیل را مراعات مینمود ند:

سنت اول: اصحاب رسول الله ﷺ به سلام دادن برای اهل خا نواده توصیه مینمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله درادب مفرد روایت میکند: أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ ، أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرًا يَقُولُ: إِذَا دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِكَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً. (1) حديث صحيح است. (2)

ترجمه: ابو زبیر رحمه الله میگوید که برای من صحابی بزرگوار جابر رضی الله عنه خبر داد که وقتی به منزلت داخل شدی بالای اعضای خا نواده ات سلام کن ، این یک تحیت مبارک پاک ازجا نب الله سبحا نه وتعالی است.

سنت دوم : رسول الله ﷺ به ذکر الله (سبحا نه و تعالی) در وقت داخل شدن به منزل توصیه میفرمود ند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ - ﷺ يَقُولُ « إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لاَ مَبِيتَ لَكُمْ وَلاَ عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ ». (3)

ترجمه : ازجابر بن عبدالله رضي الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود ند: وقتیکه شخصی در هنگام داخل شدن به منزلش و در هنگام خوردن طعام ، الله سبحا نه وتعالی را یاد نماید ، شیطان (برای دیگر شیطا نان) میگوید: جای خواب و خوردن برای شما نیست ، واگر هنگام داخل شدن یاد الله سبحا نه وتعالی را نکرد ، شیطان میگوید ، جای شب باش پیدا

---

[1] - حدیث نمبر(1095) الأدب المفرد تاليف محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي ، بيروت: دار البشائر الإسلامية ، ط2، (1409 – 1989) ، تحقيق : محمد فؤاد عبدالباقي . الأحاديث مذيلة بأحكام الألباني عليها.

[2] - حدیث نمبر((1095) شیخ البانی حدیث صحیح گفته است مرجع قبلی.

[3] - حديث نمبر(5381 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

نموديد ، واگر الله سبحانه وتعالى را هنگام خوردن غذا ياد نكرد ، شيطان ميگويد ، غذا يافتيد.

سنت سوم : رسول الله ﷺ به گفتن اين دعا در وقت داخل شدن به منزل امر نمودند: اللهم إني أسألك خير المولج و خير المخرج باسم الله ولجنا و باسم الله خرجنا و على الله ربنا توكلنا.

دليل اين سنت:امام طبرانى رحمه الله روايت ميكند : عن أبي مالك الأشعري قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم :إذا ولج الرجل بيته فليقل : اللهم إني أسألك خير المولج و خير المخرج باسم الله ولجنا و باسم الله خرجنا و على الله ربنا توكلنا ثم يسلم على أهله ابن ماجه (1) حديث صحيح است. (2)

ترجمه: صحابى بزرگوار ابى مالك اشعرى رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمودند: وقتي كسي ير منزلش داخل ميگردد ، بگويد: اللهم إني أسألك خير المولج و خير المخرج باسم الله ولجنا و باسم الله خرجنا و على الله ربنا توكلنا ، سپس بر اهل منزلش سلام دهد.

مطلب دوم: به همراى اعضاى خانواده: رسول الله ﷺ اخلاق اجتماعى را بسيار مراعات نموده، با اعضاى خانواده‌ء خود، همسايه ها، اقارب، وساير مردم، بسيار مودبانه وبا اخلاق بر خورد مينمودند. رسول الله ﷺ با همراى اعضاى خانواده شان سنت هاى ذيل را مراعات مينمودند:

سنت اول: رسول الله ﷺ در خدمت اعضاى خانواده ميبودند.

دليل اين سنت:امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّهَا سُئِلَتْ: مَا كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَصْنَعُ فِي بَيْتِهِ؟ قَالَتْ: كَانَ يَكُونُ فِي مِهْنَةِ أَهْلِهِ ، تَعْنِي خِدْمَةَ أَهْلِهِ ، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلاةُ خَرَجَ إِلَى الصَّلاةِ. (3)

---

[1] - حديث نمبر(841 -) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته تاليف محمد ناصر الدين الألباني ، الناشر : المكتب الإسلامي.

[2] - قال الشيخ الألباني : (صحيح) انظر حديث رقم : 839 في صحيح الجامع. حديث نمبر(841 -) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته.

[3] - حديث نمبر(676) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

ترجمه: ام المومنین عایشه صدیقه(رضی الله عنها) می گوید: از من درباره اموري كه رسول الله ﷺ در خانه انجام می‌داد، سؤال نمودند. جواب دادم: رسول الله ﷺ در كارهاي خانه، همسران خود را كمک می‌كرد. اما به محض اینكه وقت نماز فرا می رسید، براي نماز، بیرون می رفت.

سنت دوم: رسول الله ﷺ بعضی از نمازهای شان را در منزل شان ادا مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «اجْعَلُوا فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ صَلَاتِكُمْ وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا». (1)

ترجمه: ابن رضي الله عنهما می‌گوید: نبي اكرم ﷺ فرمود: «بخشي از نمازها را در منزل بخوانید و خانه هایتان را به قبرستان تبدیل نكنید». (منظور سنن و نوافل است).

سنت سوم: رسول الله ﷺ دركنارهمسرش نمازادا مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّي وَهِيَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ عَلَى فِرَاشِ أَهْلِهِ اعْتِرَاضَ الْجَنَازَةِ. (2)

ترجمه: ام المومنین ام المومنین عایشه صدیقه(رضی الله عنها) رضي الله عنها می گوید: رسول الله ﷺ نماز می خواند در حالي كه من در رختخواب، بین او و قبله، مانند جنازه اي، درازكشیده بودم.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ برای اعضای خانواده اش درسها وتوصیه های اعتقادی مینمودند.

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ أُمَّ حَبِيبَةَ وَأُمَّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ذَكَرَتَا كَنِيسَةً رَأَيْنَهَا بِالْحَبَشَةِ، فِيهَا تَصَاوِيرُ، فَذَكَرَتَا لِلنَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم -، فَقَالَ: «إِنَّ أُولَئِكَ إِذَا كَانَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ فَمَاتَ، بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّوَرَ، فَأُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (3)

---

[1] - حديث نمبر(432) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری)..

[2] - حديث نمبر(383) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری)..

[3] - حديث نمبر(427) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری)..

ترجمه: ام المومنين عايشه ء صديقه(رضى الله عنها) مي گويد: ام حبيبه و ام سلمه رضي الله عنهما براي رسول الله ﷺ ازكليسايي كه درزمان هجرت به حبشه ، آنرا ديده بودند و مملو از عكس و تصوير بود ، سخن گفتند. رسول الله ﷺ فرمود: «آنها كساني بودند كه هرگاه فرد نيكوكاري از آنان ، فوت ميكرد ، بر قبرش ، مسجدي بنا مي كردند و درآن ، تصاوير و تمثالهاي آن شخص را نقاشي مي كردند. روز قيامت ، اين افراد ، بدترين مخلوق ، نزد الله سبحا نه وتعالى ميباشند.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ به اعضاى خا نواده ء شان گفتند كه يهوديان و نصرا نيان بخاطر افراط نمودن در حق پيامبران شا ن و گرفتن قبر هاى سجده گاه به لعنت گرفتار شد ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَائشَةَ وَعَبْد اللّه بْن عَبّاس رَضيَ اللّه عَنْهُمْ قَالا: لَمّا نَزَلَ برَسُول اللّه ﷺ طَفقَ يَطْرَحُ خَميصَةً لَهُ عَلَى وَجْهه ، فَإذَا اغْتَمّ بهَا كَشَفَهَا عَنْ وَجْهه ، فَقَالَ وَهُوَ كَذَلكَ «لَعْنَةُ اللّه عَلَى الْيَهُود وَالنّصَارَى اتّخَذُوا قُبُورَ أَنْبيَائهمْ مَسَاجدَ». يُحَذّرُ مَا صَنَعُوا. (1)

ترجمه: ام المومنين عايشه ء صديقه(رضى الله عنها) و عبد الله ابن عباس رضي الله عنهم ميگويند: رسول الله ﷺ در بيماري وفات، چادرش را بر چهرة مباركش انداخت. و هنگامي كه چهره اش كاملا پوشيده شد ، آن را برداشت و فرمود: « الله سبحا نه وتعالى يهود و نصاري را لعنت كند كه قبور پيامبرا نشان را مسجد كرد ند». راوي مي گويد: هدف رسول الله ﷺ اين بود كه ما را از اينگو نه اعمال ، برحذر دارد.

سنت ششم: رسول الله ﷺ نواسه اش را حتى در نماز در آغوشش گرفته بود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَبي قَتَادَةَ الأَنْصَاريّ - رضي الله عنه -: أَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ كَانَ يُصَلّي وَهُوَ حَاملٌ أُمَامَةَ بنْتَ زَيْنَبَ بنْت رَسُول اللّه ﷺ وَلأَبي الْعَاص بْن رَبيعَةَ بْن عَبْد شَمْسٍ فَإذَا سَجَدَ وَضَعَهَا وَإذَا قَامَ حَمَلَهَا. (2)

---

[1] - حديث نمبر(435) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر(516) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

ترجمه: ابوقتاده انصاري - رضي الله عنه - مي گويد: رسول الله ﷺ هنگام نماز خواندن، امامه، دختر زينب (نواسه اش) را كه پدرش ابوالعاص بن ربيع بن عبد شمس بود، بر دوش مي گرفت. و هنگاميكه به سجده ميرفت، او را بر زمين مي گذاشت و وقتيكه از سجده بلند مي شد، او را دوباره بر دوش مي نهاد.

سنت هفتم: رسول الله ﷺ خاک را از بدن دامادش پاک مینماید و برایش سخنان شيرين ميگفتند.

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند: عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ - رضي الله عنه - قَالَ: جَاءَ رَسُولُ اللَّه ﷺ بَيْتَ فَاطمَةَ، فَلَمْ يَجِدْ عَلِيًّا فِي الْبَيْتِ، فَقَالَ: «أَيْنَ ابْنُ عَمّكِ؟» قَالَتْ: كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ شَيْءٌ، فَغَاضَبَنِي فَخَرَجَ فَلَمْ يَقِلْ عِنْدِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ لإِنْسَانٍ: «انْظُرْ أَيْنَ هُوَ؟» فَجَاءَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّه ﷺ هُوَ فِي الْمَسْجِدِ رَاقِدٌ. فَجَاءَ رَسُولُ اللَّه ﷺ وَهُوَ مُضْطَجِعٌ، قَدْ سَقَطَ رِدَاؤُهُ عَنْ شِقِّه، وَأَصَابَهُ تُرَابٌ، فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّه ﷺ يَمْسَحُهُ عَنْهُ وَيَقُولُ: «قُمْ أَبَا تُرَابٍ، قُمْ أَبَا تُرَابٍ». (1)

ترجمه: سهل بن سعد - رضي الله عنه - مي گويد: روزي، رسول الله ﷺ به خانة دخترش؛ فاطمه رضي الله عنها؛ تشريف برد. علي - رضي الله عنه - در خانه نبود. رسول الله ﷺ پرسيد: «پسر عمويت كجاست»؟ فاطمة زهرا رضي الله عنها عرض كرد: بين ما كدورتي پيش آمد. بر من خشم گرفت و از خانه برون رفت و اينجا استراحت نكرد.

رسول الله ﷺ به يكي گفت: «ببين او كجاست»؟ آن مرد آمد و گفت: اي رسول الله ﷺ! او در مسجد، خوابيده است. رسول الله ﷺ به مسجد تشريف برد. علي - رضي الله عنه - در آنجا درازكشيده بود در حالي كه چادرش روي زمين افتاده و بدنش خاک آلود شده بود. رسول الله ﷺ در حالي كه خاكها را از بدن علي - رضي الله عنه - پاک مي كرد، باو گفت: «ابوتراب! بلند شو، ابوتراب! بلند شو».

سنت هشتم : رسول الله ﷺ اخلاق را بزرگترين عنصر در ترازوی ميزان ميدانستند..

[1] - حديث نمبر(441) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

دلیل این سنت: امام ترمذی رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى الدَّرْدَاءِ أَنَّ النَّبِىَّ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « مَا شَىْءٌ أَثْقَلُ فِى مِيزَانِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ خُلُقٍ حَسَنٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَبْغَضُ الْفَاحِشَ الْبَذِىءَ ». قَالَ أَبُو عِيسَى وَفِى الْبَابِ عَنْ عَائِشَةَ وَأَبِى هُرَيْرَةَ وَأَنَسٍ وَأُسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ وَهَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. ترمذی (1)حدیث صحیح است. (2)

ترجمه: صحابی بزرگوار ابو درداء ﷺ می فرمایند: رسول الله ﷺ فرمودند: هیچ چیزي درترازوي اعمال مسلمان در روز قیامت نسبت به اخلاق نیکو، ثقیل تر نمیباشد، ، الله سبحانه وتعالی ازانسان هاي بدزبان وبد گو نفرت دارد.

سنت نهم: رسول الله ﷺ زبان پاک داشت.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا قَالَ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ ﷺ فَاحِشًا، وَلا مُتَفَحِّشًا، وَكَانَ يَقُولُ: «إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلاقًا». (3)

ترجمه: عبد الله بن و رضي الله عنهما مي گويد: نبي اكرم ﷺ نه اخلاق ناسزاگويي داشت و نه ناسزا مي گفت. و مي فرمود: «بهترين شما كسا ني هستند كه از اخلاق بهتري برخوردار باشند».

سنت دهم : رسول الله ﷺ بسیارزیاد با حیا بود.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ أَشَدَّ حَيَاءً مِنَ الْعَذْرَاءِ فِي خِدْرِهَا. (4)

ترجمه: ابوسعيد خدري ميگويد: نبي اكرم ﷺ از دوشيزه اي كه در پرده بسر ميبَرَد، حياي بيشتري داشت.

سنت یازدهم : رسول الله ﷺ ازدشنام دادن منع مینمود ند.

---

[1] - حدیث نمبر(2133) سنن ترمذی .

[2] - حدیث نمبر(2002) صحیح وضعیف سنن ترمذی .

[3] - حدیث نمبر(3559) **الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..**

[4] - حدیث نمبر(3562) **الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..**

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضي الله عنه: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «لا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلاً بِالْفُسُوقِ، وَلا يَرْمِيهِ بِالْكُفْرِ إِلاَّ ارْتَدَّتْ عَلَيْهِ، إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ كَذَلِكَ». [1]

ترجمه: ابوذر رضي الله عنه مي گويد: شنيدم كه نبي اكرم ﷺ فرمود: «هركس، فرد ديگري را متهم به فسق يا كفر كند و او اينگونه نباشد، فسق و كفر، به خودش بر مي گردد».

سنت دوازدهم: رسول الله ﷺ با اصحابش بسيار محبت مى ورزيد.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَنَسِ بْنَ مَالِكٍ رضي الله عنه قَالَ: إِنْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَيُخَالِطُنَا حَتَّى يَقُولَ لأَخٍ لِي صَغِيرٍ: «يَا أَبَا عُمَيْرٍ! مَا فَعَلَ النُّغَيْرُ»؟ [2]

ترجمه: انس بن مالك رضي الله عنه مي گويد: نبي اكرم ﷺ به اندازه اي با ما نشست و برخاست داشت كه (شوخي مي كرد و) به برادر كوچكم مي فرمود: «اي ابوعمير! حال نُغَير چطور است»؟ (نُغير، پرندة كوچكي بود كه ابوعمير با آن بازي مي‌كرد).

سنت سيزدهم: رسول الله ﷺ به مژده دادن با سخنان نيك توصيه مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «يَسِّرُوا وَلا تُعَسِّرُوا وَبَشِّرُوا وَلا تُنَفِّرُوا». [3]

ترجمه: از انس رضي الله عنه روايت است كه نبي اكرم ﷺ فرمود: «در امور دين، آسان بگيريد و سخت گير نباشيد. مژده دهيد و بيزار نكنيد».

سنت چهاردهم: رسول الله ﷺ فردي دشنام دهنده، بد و بيراه گوي و نفرين كننده نبود.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه قَالَ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ ﷺ سَبَّابًا، وَلا فَحَّاشًا، وَلا لَعَّانًا، كَانَ يَقُولُ لأَحَدِنَا عِنْدَ الْمَعْتِبَةِ: «مَا لَهُ تَرِبَ جَبِينُهُ». [4]

---

[1] - حديث نمبر (6045) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر (6129) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)..

[3] - حديث نمبر (69) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)..

[4] - حديث نمبر (6031) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)..

ترجمه: انس بن مالک ﷺ مي گويد: نبي اکرم ﷺ فردي دشنام دهنده، بد و بيراه گوي و نفرين کننده نبود. بلکه هرگاه مي خواست يکي از ما را سرزنش کند، مي فرمود: «او را چه شده است؟ پيشاني اش به خاک ماليده شود».

سنت پانزدهم: رسول الله ﷺ به خدمتگارش نميگفت چرا کردی چرا نکردی.

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميکند: عن أنسٍ ﷺ قَالَ: خَدَمْتُ النَّبِيَّ ﷺ عَشْرَ سِنِينَ فَمَا قَالَ لِي أُفٍّ، وَلا لِمَ صَنَعْتَ؟، وَلاَ أَلاَّ صَنَعْتَ. [1]

ترجمه: انس ﷺ مي گويد: ده سال در خدمت نبي اکرم ﷺ بودم. رسول الله ﷺ هرگز به من، اف يا چرا چنين کردي و يا چرا چنان نکردي، نگفت.

مطلب چهارم: نماز ضحی: رسول الله ﷺ درهنگام داخل شدن به منزل شان سنت های ذيل را مراعات مينمود ند:

سنت اول: رسول الله ﷺ به ادای نماز ضحی توصيه مينمود ند.

دليل اين سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ أَوْصَانِي خَلِيلِي بِثَلاَثٍ لاَ أَدَعُهُنَّ حَتَّى أَمُوتَ صَوْمِ ثَلاَثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَصَلاَةِ الضُّحَى وَنَوْمٍ عَلَى وِتْرٍ. بخاری [2]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابوهريره ﷺ مي فرمايند: دوست من رسول الله ﷺ مرا به سه چيز توصيه نمود ند که آنرا تا زمان مرگ ترک نکنم، روزه گرفتن سه روز از هر ماه، نماز ضحی، و خواب نمودن بر نماز وتر.

سنت دوم: رسول الله ﷺ به ادای نماز ضحی توصيه مينمود ند.

دليل اين سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميکند: عن أَنَس بْنِ مَالِكٍ الأَنْصَارِيّ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ، وَكَانَ ضَخْمًا - لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم إِنِّي لاَ أَسْتَطِيعُ الصَّلاَةَ مَعَكَ فَصَنَعَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم طَعَامًا فَدَعَاهُ إِلَى بَيْتِهِ وَنَضَحَ لَهُ طَرَفَ حَصِيرٍ بِمَاءٍ فَصَلَّى

---

[1] - حديث نمبر(6038) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری)..

[2] - حديث نمبر(1178) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری)..

عَلَيْهِ رَكْعَتَيْنِ وَقَالَ فُلَانُ بْنُ فُلَانِ بْنِ جَارُودٍ لأَنَسٍ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، أَكَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم يُصَلِّي الضُّحَى فَقَالَ مَا رَأَيْتُهُ صَلَّى غَيْرَ ذَلِكَ الْيَوْمِ.(1)

ترجمه: صحابی بزرگوار انس بن مالک انصاری ﷺ مي فرمايند: يک شخص انصاری که چاق بود به رسول الله ﷺ گفت: من نميتوانم با شما نماز بخوانم ، برای رسول الله (صلی الله عليه وسلم) غذايي ترتيب نمود و او را به منزلش دعوت و قسمتی از بوريا را با آب نمناک نمود ، بالای آن دو رکعت نماز خواند ، و کسی پسر کسی پسر جارود به انس (رضی الله عنه) گفت: آيا رسول الله (صلی الله عليه وسلم) نمازضحی ميخواند گفت: من نديدم که به غير ازين روز خوانده باشد.

مطلب پنجم : تطبيق نظام های ۱۲ گانه: رسول الله ﷺ بعد ازينکه به مدينه منوره تشريف بردند و دولت اسلامی را تاسيس نمودند ، در آنجا نظام های تشريعی دوازده گانه ذيل را تطبيق نمودند:

1- حاکميت تشريعی اعتقادی (نظام اعتقادی اسلام) : به اين معنا که الله سبحانه وتعالی در مورد اعتقادات احکامی دارد که انسان مومن مکلفيت دارد که اين احکام را نخست قبول کند و سپس به آن عمل نمايد و هرگاه کسی يکی ازين احکام را قبول نکند او مومن حقيقی گفته نميشود خواه اين احکام در مورد وجود الله سبحانه و تعالی باشد و ويا هم در مورد وحدانيت ويا هم ايمان به ساير امور .

2- حاکميت تشريعی عبادات (نظام عبادات در اسلام): به اين حاکميت به اين معنا است که الله سبحانه وتعالی درمورد عبادات احکام تشريعی دارد که اين احکام بايد از طرف انسان مومن پذيرفته شود و به آن احکام اين انسان مومن تسليم باشد و سپس مطابق آن عمل نمايد ، وهرگاه کسی اين احکام عبادات را قبول نکند او مسلمان گفته نميشود.

---

[1] - حديث نمبر(1179-) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلی الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)..

3- حاکمیت تشریعی اجتماعی (نظام اجتماعی اسلام): حاکمیت تشریعی اجتماعی به این معناست که در شریعت الهی احکامی از جانب الله سبحانه وتعالی تعیین شده است مثلا در نظام اجتماعی اسلامی مرد مسلمان باید با یک زن مسلمان ازدواج نماید ، انسان مسلمان باید این قوانین اجتماعی الهی را که درقرآن عظیم الشان واحادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان شده است نخست عقیده وقبول نماید وسپس مطابق آن زنده گی کند ، هرگاه کسی نظام اجتماعی اسلامی را نپزیرد ویا بگوید من آزاد هستم میتوانم بازن یا مردازدواج کنم ویا قانونی ضد این قانون بسازد ازدایرهء ایمان خارج میگردد.

4- حاکمیت تشریعی اخلاقی (نظام اخلاقی اسلام): حاکمیت تشریعی اخلاقی به این معناست که در دین مقدس اسلام الله سبحان وتعالی برای اخلاق قوانینی را تشریع نموده است مثل ستر عورت ، حجاب ، حیا وغیره. انسان مومن مکلف است که این احکام اخلاقی را قبول داشته و به ان تسلیم وایمان داشته باشد ، هرگاه کسی یکی ازین قوانین اخلاقی را که در نصوص قرآن وسنت ثابت باشد قبول نکند ، از دایرهء ایمان خارج میگردد.

5- حاکمیت تشریعی سیاسی (نظام سیاسی اسلام): حاکمیت سیاسی به این معناست که درقرآن عظیم الشان واحادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم احکامی در مورد سیاست اسلامی وتطبیق آن در حکومت اسلامی بیان شده است ، قبول کردن این احکام بالای هر فرد مومن لازم میباشد ، هرگاه کسی کدام آیت ویا حدیثی را درین راستا انکار نماید ازدایرهء ایمان خارج میگردد..

6- حاکمیت تشریعی قضایی (نظام قضایی اسلام): حاکمیت قضایی به این معنا که درشریعت اسلامی احکامی برای قضاوت وداوری بیان شده است که برای قاتل چی جزا داده شود و همچنان برای سارق و سایر مجرمان. هرمسلمان مکلف است که این قوانین قضایی را قبول داشته وبه برتریت آن از سایر قوانین ایمان داشته باشد و هرگاه کسی ازین قوانین انکار نموده و یا آنرا قبول نکند درایمان وی مشکل پیدا میشود..

7-حاکمیت تشریعی اقتصادی (نظام اقتصادی اسلام). حاکمیت اقتصادی به این معنا که در شریعت اسلامی احکام خاصی در باره‌ء اقتصاد درآیات قرآ نی واحادیث نبوی صلی الله علیه وسلم ذکر شده است ، یکا انسان مومن مکلفیت دارد که این احکام تشریعی اقتصادی را قبول ویقین نماید ، هرگاه کسی این قوا نین اقتصادی اسلامی را که در نصوص قرآن وسنت به صراحت بیان شده است انکار نماید ، از دایره‌ء ایمان خارج میگردد.

8- حاکمیت تشریعی مالی (نظام مالی اسلام). حاکمیت تشریعی مالی به این معناست که در شریعت اسلامی قوانین برای عایدات ، مصارف و نگهداشت ما ل بیان شده است و ا نسان مومن مکلفیت دارد که به این نصوص واحکام باور ویقین داشته باشد ، هرگاه کسی قوا نین مالی اسلامی را قبول نکند درایمان وی صدمه وارد میگردد.

9- حاکمیت تشریعی تعلیمی وتربوی (نظام تعلیمی وتربوی اسلام):برای تعلیم وتربیه اولاد وفرزندان و سایر اقشار جامعه درقرآن عظیم الشان واحادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم نصوصی موجود میباشد که ا نسان مومن مکلفیت دارد این احکام را نخست قبول نموده سپس برای عمل نمودن به آن سعی وتلاش ورزد ، هرگاه کسی این قوا نین تعلیمی وتربوی اسلامی را در نماید ، او یک مومن حقیقی گفته نمیشود..

10- حاکمیت تشریعی فرهنگی (نظام فرهنگی اسلام): در شریعت اسلامی برای فرهنگ جامعه نیز احکامی وجود دارد مثلا در شریعت اسلامی گرفت فرزندی ، خواهر خوانده وبرادر خوانده که سبب محرمیت گردد جایر نمیباشد ، قبول نمودن این احکام و ایمان داشتن به این نصوص بالای هر ا نسان مومن لازم میباشد ، هرگاه کسی قوا نین فرهنگی اسلامی را قبول نکند ، مومن حقیقی نمیباشد..

11- حاکمیت تشریعی نظامی وجهادی (نظام عسکری وجهادی اسلام). : برای دفاع و حاکمیت اسلام نصوصی برای عملیات های نظامی وجهادی وجود دارد که درقرآن عظیم الشان واحادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت میباشد ، ا نسان مومن مکلفیت دارد که آین نصوص را با احکام آن نخست قبول نماید و سپس به عمل نمودن به آن سعی وتلاش ورزد هرگاه کسی این احکام را قبول نکند ، مومن واقعی نمیباشد.

12- حاکمیت تشریعی دعوتی (نظام دعوتی اسلام): در قرآن عظیم الشان واحادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم احکامی برای دعوت اسلامی موجود است وانسان مومن مکلف است که این نصوص را نخست قبول نماید وسپس به آن عمل کند ، هرگاه کسی این آیات را قبول نکند ، ایمان وی درست نمیباشد.

مطلب ششم: سنت قیلوله: رسول الله ﷺ در مورد قیلوله سنت های ذیل را بیان نموده اند:

سنت اول : رسول الله ﷺ به قیوله امر نموده اند.

دلیل این سنت : امام طبرانی رحمه الله روایت میکند: عن أنس بن مالك قال قال رسول الله: قيلوا فإن الشيطان لا يقيل لم يروهذا الحديث عن أبي خالد الدالاني إلا كثير ولا عن كثير إلا معاوية بن يحيى تفرد به علي بن عياش. [1] حدیث حسن است.[2]

ترجمه: صحابی بزرگوار انس بن مالک رضی الله عنه می فرمایند: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: قیلوله کنید زیرا شیطان قیلوله نمیکند.

1- حدیث نمبر(28) المعجم الأوسط تاليف أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني ، تحقيق : طارق بن عوض الله بن محمد ,عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني ،قاهره: دار الحرمين ، (1415).

2- حدیث نمبر(٧٨٨١) صحيح وضعيف الجامع الصغير تاليف محمد ناصر الدين الألباني ، اسكندريه : مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة ، ،(ب ط) ،(ب ت).

بحث ششم

درهنگام ظهر (نان چاشت – جماعت پيشين)

مطلب اول: ارشادات رسول الله (صلى الله عليه وسلم) در مورد خوردن ونوشيدن: رسول الله ﷺ درمورد خوردن و نوشيدن سنت هاى ذيل را بجا گذاشته اند:

سنت اول: رسول الله ﷺ بهترين غذا ، طعامى را بيان داشته كه از زحمتكشى دست خودا نسان بدست آمده باشد.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنِ الْمِقْدَامِ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللّه ﷺ قَالَ: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللّه دَاوُدَ عليه السلام ، كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ». (1)

ترجمه: از مقدام رضي الله عنه روايت است كه رسول الله ﷺ فرمود: «هرگز كسي غذايي بهتر از غذاي دست رنجش، نخورده است. و هما نا داوود عليه السلام؛ هميشه از دست رنج خود، غذا مي خورد».

سنت دوم: رسول الله ﷺ به طعام دادن به خدمتگاران توصيه مينمود.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عن أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: «إِذَا أَتَى أَحَدَكُمْ خَادِمُهُ بِطَعَامِه فَإِنْ لَمْ يُجْلِسْهُ مَعَهُ فَلْيُنَاوِلْهُ لُقْمَةً أَوْ لُقْمَتَيْنِ، أَوْ أُكْلَةً أَوْ أُكْلَتَيْنِ، فَإِنَّهُ وَلِيَ عِلاَجَهُ». (2)

ترجمه: ابوهريره رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه، مستخدم براي شما غذا ميآورد، اگر او را همراه خود شريك نميكنيد، حداقل يك يا دولقمه برايش بدهيد. زيرا او براي شما زحمت پخت و پز آن را متحمل شده است».

سنت سوم : رسول الله ﷺ به توصيه مينمود.

---

[1] - حديث نمبر (2072) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر(2557) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه -صلى الله عليه وسلم- « إِذَا صَنَعَ لأَحَدِكُمْ خَادِمُهُ طَعَامَهُ ثُمَّ جَاءَهُ بِهِ وَقَدْ وَلِىَ حَرَّهُ وَدُخَانَهُ فَلْيُقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوهًا قَلِيلاً فَلْيَضَعْ فِى يَدِهِ مِنْهُ أُكْلَةً أَوْ أُكْلَتَيْنِ ». قَالَ دَاوُدُ يَعْنِى لُقْمَةً أَوْ لُقْمَتَيْنِ. [1]

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «هرگاه، مستخدم شما برای تان غذایی را ساختند ، سپس آنرا برای شما آوردند درحالیکه حرارت وبوی آنرا احساس نموده اند ، او را با خود بنشانند، تا به همرایش غذا بخورد ، و اگر غذا کم بود ، در دستش یک یک یا دولقمه بگزارد ،

سنت چهارم: رسول الله ﷺ صدقه نمیخوردند اما هدیه را قبول مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أُتِيَ بِطَعَامٍ سَأَلَ عَنْهُ: أَهَدِيَّةٌ أَمْ صَدَقَةٌ فَإِنْ قِيلَ: صَدَقَةٌ قَالَ لأَصْحَابِهِ: «كُلُوا» وَلَمْ يَأْكُلْ، وَإِنْ قِيلَ: هَدِيَّةٌ ضَرَبَ بِيَدِهِ ﷺ فَأَكَلَ مَعَهُمْ. [2]

ترجمه: ابوهريره ◻ مي‌گويد: هرگاه، غذايي نزد رسول الله (صلى الله عليه وسلم) آورده مي شد، ايشان مي پرسيد: «صدقه است يا هديه»؟ اگر مي گفتند: صدقه است، به يارانش مي گفت: «بخوريد». و خود از آن تناول نمي‌فرمود. و اگر گفته مي شد: هديه است، دست فرو برده وهمراه آنان، مي خورد.

سنت پنجم : رسول الله ﷺ هیچگاهی طعامی را عیب نمی فرمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : [3] عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: مَا عَابَ النَّبِيُّ ﷺ طَعَامًا قَطُّ، إِنِ اشْتَهَاهُ أَكَلَهُ وَإِلا تَرَكَهُ.

ترجمه: ابوهريره ◻ مي گويد: رسول الله ﷺ هرگز از غذايي، ايراد نگرفت. اگر آنرا دوست داشت، مي خورد وگر نه، از خوردن آن، خود داري مي كرد.

---

[1] - حدیث نمبر(4407) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحیح مسلم).

[2] - حديث نمبر(2576-) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[3] - حديث نمبر(3563) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

سنت ششم: رسول الله ﷺ توصيه مينمود ند كه طعام دو شخص براى سه شخص و از سه شخص براى چهار شخص كافى است.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه: أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ: «طَعَامُ الاثْنَيْنِ كَافِي الثَّلاثَة ، وَطَعَامُ الثَّلاثَة كَافِي الأَرْبَعَة». (1)

ترجمه: ابوهريره رضي الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «غذاي دو نفر براي سه نفر, وغذاي سه نفر براي چهار نفر, كافي است».

سنت هفتم: رسول الله ﷺ از نوشيدن در ظروف طلا و نقره منع مى فرمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ حُذَيْفَةَ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: « لا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ ، وَلا الدِّيبَاجَ ، وَلا تَشْرَبُوا فِي آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ، وَلا تَأْكُلُوا فِي صِحَافِهَا ، فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَنَا فِي الآخِرَةِ». (2)

ترجمه: حذيفه رضي الله عنه مي گويد: شنيدم كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) مي فرمود: «لباس ابريشمي نپوشيد و در ظرفها و كاسه هاي ساخته شده از طلا و نقره, غذا نخوريد. زيرا اين چيزها در دنيا ، از آن كفار ، و در آخرت ، از آن ما خواهند بود».

سنت هشتم: رسول الله ﷺ در دعوت بدون اجازهء دعوت كننده شخص اضافى را در منزل آن شخص داخل نمى نمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَبِي مَسْعُود الأَنْصَارِيِّ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ مِنَ الأَنْصَارِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: أَبُو شُعَيْبٍ وَكَانَ لَهُ غُلامٌ لَحَّامٌ. فَقَالَ: اصْنَعْ لِي طَعَامًا أَدْعُو رَسُولَ اللَّه ﷺ خَامِسَ خَمْسَةٍ. فَدَعَا رَسُولَ اللَّه ﷺ خَامِسَ خَمْسَةٍ. فَتَبِعَهُمْ رَجُلٌ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِنَّكَ دَعَوْتَنَا خَامِسَ خَمْسَةٍ ، وَهَذَا رَجُلٌ قَدْ تَبِعَنَا ، فَإِنْ شِئْتَ أَذِنْتَ لَهُ ، وَإِنْ شِئْتَ تَرَكْتَهُ». قَالَ: بَلْ أَذِنْتُ لَهُ. (3)

---

[1] - حديث نمبر (5392) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر (5426) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[3] - حديث نمبر (5434) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

ترجمه: ابومسعود انصاري ﷺ مي گويد: مردي از انصار به نام ابوشعيب، برده اي قصّاب داشت. روزي به برده اش گفت: غذايي تهيه كن. زيرا مي خواهم رسول الله ﷺ را با چهار نفر ديگر، دعوت نمايم. (او نيز غذايي تهيه كرد). آن مرد، پيامبر اكرم ﷺ را با چهار نفر ديگر، دعوت نمود. اما شخص ديگري نيز با آنان آمد. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) به ابوشعيب گفت: «شما پنج نفر را دعوت نموديد ولي اين مرد نيز با ما آمد. پس مي تواني به او اجازه بدهي و يا اجازه ندهي». ابو شعيب گفت: به او اجازه دادم.

سنت نهم: رسول الله ﷺ توصیه مینمود که غذای سه نفر ب.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ﷺ: أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّه ﷺ: «طَعَامُ الاثْنَيْنِ كَافِي الثَّلاثَة، وَطَعَامُ الثَّلاثَة كَافِي الأَرْبَعَة».[1]

ترجمه: ابوهريره ﷺ مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «غذاي دو نفر براي سه نفر، و غذاي سه نفر براي چهار نفر، كافي است».

سنت دهم: رسول الله ﷺ بیان میداشتند که انسان مومن از نعمت های الهی پرسیده میشود..

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللّه -صلى اللّه عليه وسلم- ذَاتَ يَوْمٍ أَوْ لَيْلَةٍ فَإِذَا هُوَ بِأَبِى بَكْرٍ وَعُمَرَ ...قَالَ رَسُولُ اللّه -صلى اللّه عليه وسلم- لأَبِى بَكْرٍ وَعُمَرَ « وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِه لَتُسْأَلُنَّ عَنْ هَذَا النَّعِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمُ الْجُوعُ ثُمَّ لَمْ تَرْجِعُوا حَتَّى أَصَابَكُمْ هَذَا النَّعِيمُ».[2]

ترجمه: ابوهريره (رضى الله عنه) روايت ميكند كه رسول الله -صلى الله عليه وعلى آله وسلم- براى ابي بكر و (رضى الله عنهما) فرمودند: ((قسم است به ذاتى كه نفسم در دست اوست، شما حتما ازين نعمت روز قيامت پرسيده ميشويد. گرسنگى شما را از خانه هاى تان بيرون نمود وسپس به خانه بر نگشتيد مگر اينكه اين نعمت براى شما رسيد)).

علماى اسلام ميگويند سوال قيامت دو قسم است:

---

[1] - حديث نمبر (5392) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر (5434) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

اول: سوال تقریر نعمت الله سبحا نه وتعالی بر بنده گا نش وعرض نعمت ها برایش.

دوم: سؤال توبیخ ، سرزنش و حساب [1]

سنت یازدهم: رسول الله ﷺ به خوردن غذا با زن حائض (خانمی که عادت ماهوار میداشت) توصیه مینمود.

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَنَسٍ أَنَّ الْيَهُودَ كَانُوا إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ فِيهِمْ لَمْ يُؤَاكِلُوهَا وَلَمْ يُجَامِعُوهُنَّ فِى الْبُيُوتِ فَسَأَلَ أَصْحَابُ النَّبِىِّ -صلى الله عليه وسلم- النَّبِىَّ -صلى الله عليه وسلم- فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِى الْمَحِيضِ) إِلَى آخِرِ الآيَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « اصْنَعُوا كُلَّ شَىْءٍ إِلاَّ النِّكَاحَ ». فَبَلَغَ ذَلِكَ الْيَهُودَ فَقَالُوا مَا يُرِيدُ هَذَا الرَّجُلُ أَنْ يَدَعَ مِنْ أَمْرِنَا شَيْئًا إِلاَّ خَالَفَنَا فِيهِ فَجَاءَ أُسَيْدُ بْنُ حُضَيْرٍ وَعَبَّادُ بْنُ بِشْرٍ فَقَالاَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْيَهُودَ تَقُولُ كَذَا وَكَذَا. فَلاَ نُجَامِعُهُنَّ فَتَغَيَّرَ وَجْهُ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- حَتَّى ظَنَنَّا أَنْ قَدْ وَجَدَ عَلَيْهِمَا فَخَرَجَا فَاسْتَقْبَلَهُمَا هَدِيَّةٌ مِنْ لَبَنٍ إِلَى النَّبِىِّ -صلى الله عليه وسلم- فَأَرْسَلَ فِى آثَارِهِمَا فَسَقَاهُمَا فَعَرَفَا أَنْ لَمْ يَجِدْ عَلَيْهِمَا. مسلم [2]

از أنس رضي الله عنه روایت است که یهودیان عادت داشتند که هنگامیکه خانمی در حیض (عادات ماهوارش) میبود ، با وی غذا نمیخوردند و دریک اتاق با وی نمی نشستند ، اصحاب کرام علیهم السلام از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پرسیدند ، الله سبحانه وتعالی این آیت را نازل نمود .: {ویسألونک عن المحیض قل هو أذی فاعتزلوا النساء في المحیض} إلی ختم آیت ، رسول الله -صلی الله علیه وعلی آله وسلم- فرمودند: ((با وی هرچیزی بکنند به غیر از نزدیک شدن همسری)).

سنت دوازدهم: رسول الله ﷺ درهنگام عادت ماهوار مادر مومنان از مکان غذای شان غذا نوش جان میکردند ، زیرا پس خورده مومن با وجود عادت ماهوار برکت است.

دلیل این سنت: امام ابی داوود رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كُنْتُ أَتَعَرَّقُ الْعَظْمَ وَأَنَا حَائِضٌ فَأُعْطِيهِ النَّبِىَّ -صلى الله عليه وسلم- فَيَضَعُ فَمَهُ فِى الْمَوْضِعِ الَّذِى فِيهِ وَضَعْتُهُ

---

[1] - الأربعون الحسان في الاجتماع على الطعام تألیف: یحیی بن علي الحجوري ، تقدیم: الشیخ مقبل بن هادي الوادعي ، ص:29.
[2] - حدیث نمبر(720) المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلی رسول الله صلی الله علیه وسلم (مشهور به صحیح مسلم).

وَأَشْرَبُ الشَّرَابَ فَأُنَاوِلُهُ فَيَضَعُ فَمَهُ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي كُنْتُ أَشْرَبُ مِنْهُ. ابو داوود (1) حدیث صحیح است. (2)

ترجمه : از مادر ما و شما و تمامی مومنان عائشهء صدیقه رضي الله عنها روایت که فرمودند: من گوشت استخوان را میخوردم و برایش نبی کریم -صلی الله علیه وعلی آله وسلم- میدادم و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دها نش بالای همان جایی که من خورده بودم میگذاشت ، و آب مینوشیدم و سپس ظرف آب را برای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میدادم ، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دها نش را به همان جای ظرف که من آب خورده بودم میگذاشت.

تبصره : از ین عملش رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای مادر مومنان وسایر خا نمهای مومن ومردان مومن این نقطه را ثابت مینمود که خا نمی که در حالت حیض یا عادت ماهوار باشد ، نه تنها پاک است بلکه پس خورده اش هم پاک میباشد و عادت زشت یهودیان را رد مینمود.

سنت سیز دهم : رسول الله ﷺ درکمبود غذا صبر مینمود ند.

دلیل این سنت: امام ﷬ روایت میکند : عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّه عَنْهَا قَالَتْ: مَا شَبِعَ آلُ مُحَمَّدٍ ﷺ مُنْذُ قَدِمَ الْمَدِينَةَ مِنْ طَعَامِ الْبُرِّ ثَلاثَ لَيَالٍ تِبَاعًا حَتَّى قُبِضَ. (3)

ترجمه: عایشه رضي الله عنهما مي گويد: اهل بیت محمد ﷺ از زما ني كه ايشان به مدينه آمد تا هنگام وفات, سه شب پي درپي از نان گندم, سير نخورد ند.

مطلب دوم: سنت های رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در هنگام خوردن و نوشیدن: رسول الله ﷺ هنگام صرف نمودن غذا های شان سنت های ذیل را مراعات مینمود ند:

سنت اول : رسول الله ﷺ به گفتن بسم الله قبل از طعام توصیه مینمود.

---

1 - حدیث نمبر(259 -) سنن ابی داوود.
2 - حدیث نمبر(259) صحیح وضعیف سنن ابی داوود.
3 - حدیث نمبر(5416) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری)..

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ - رضی الله عنها - أَنّ رَسُولَ اللّه - صلی الله علیه وسلم- قَالَ « إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَذْكُرِ اسْمَ اللّه تَعَالَى فَإِنْ نَسِىَ أَنْ يَذْكُرَ اسْمَ اللّه تَعَالَى فِى أَوّلِهِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللّه أَوّلَهُ وَآخِرَهُ».(1) حدیث صحیح است. (2)

ترجمه: ام المومنین بی بی عائشه صدیقه (رضی الله عنها) روایت میکند که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: (وقتی یکی از شما میخورد در آغاز نام الله را ذکر نماید و اگر فراموش نمود، بگوید بسم الله أوله وآخره)).

سنت دوم: رسول الله ﷺ..به گفتن نام الله (سبحا نه وتعالی) در در وقت داخل شدن به منزل و طعام خوردن توصیه مینمود..

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللّه رضی الله عنه أَنّهُ سَمِعَ النّبِىّ - ﷺ يَقُولُ « إِذَا دَخَلَ الرّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشّيْطَانُ لاَ مَبِيتَ لَكُمْ وَلاَ عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ». (3)

ترجمه: از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود ند: وقتیکه شخصی در هنگام داخل شدن به منزلش و در هنگام خوردن طعام، الله سبحا نه وتعالی را یاد نماید، شیطان (برای دیگر شیطا نان) میگوید: جای خواب و خوردن برای شما نیست، واگر هنگام داخل شدن یاد الله سبحا نه وتعالی را نکرد، شیطان میگوید، جای شب باش پیدا نمودید، واگر الله سبحا نه وتعالی را هنگام خوردن غذا یاد نکرد، شیطان میگوید، غذا یافتید.

سنت سوم: رسول الله ﷺ از خوردن و نوشیدن بادست چپ منع مینمود.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ أَنّ رَسُولَ اللّه -صلی الله علیه وسلم- قَالَ « لاَ يَأْكُلَنّ أَحَدٌ مِنْكُمْ بِشِمَالِهِ وَلاَ يَشْرَبَنّ بِهَا فَإِنّ الشّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ

---

[1] - حدیث نمبر(3769) سنن ابی داوود.
[2] - حدیث نمبر(3767) صحیح وضعیف سنن ابی داوود.
[3] - حدیث نمبر(5381 -) المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحیح مسلم).

وَيَشْرَبُ بِهَا ». قَالَ وَكَانَ نَافِعٌ يَزِيدُ فِيهَا « وَلاَ يَأْخُذُ بِهَا وَلاَ يُعْطِى بِهَا ». وَفِى رِوَايَةِ أَبِى الطَّاهِرِ « لاَ يَأْكُلَنَّ أَحَدُكُمْ ». [1]

ترجمه: سالم از پدرش روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمود: یکی از شما با دست چپ نخورد و ننوشد ، زیرا شیطان با دست چپش میخورد و مینوشد ، وفرمود که نافع زیاد مینمود که چیزی را نگیرد و به کسی هم چیزی را ندهد.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ با سه انگشت غذا میخورد ند.

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میکند: عَنِ ابْنِ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَأْكُلُ بِثَلاَثِ أَصَابِعَ وَيَلْعَقُ يَدَهُ قَبْلَ أَنْ يَمْسَحَهَا. مسلم رقم (2032) أن النبي -صلى الله عليه وعلى آله وسلم- كان يأكل بثلاث أصابع، فإذا فرغ لعقها. [2]

ترجمه: كعب بن مالك رضي الله عنه از پدرش روایت میکند که رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- با سه انگشت شان غذا میخورد ند ، وقبل از پاک کردن انگشتان شان آنرا می لیسید ند.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ به برداشتن لقمهء به زمین آفتاده توصیه مینمود.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- كَانَ إِذَا أَكَلَ طَعَامًا لَعِقَ أَصَابِعَهُ الثَّلاَثَ. قَالَ وَقَالَ « إِذَا سَقَطَتْ لُقْمَةُ أَحَدِكُمْ فَلْيُمِطْ عَنْهَا الأَذَى وَلْيَأْكُلْهَا وَلاَ يَدَعْهَا لِلشَّيْطَانِ ». وَأَمَرَنَا أَنْ نَسْلُتَ الْقَصْعَةَ قَالَ « فَإِنَّكُمْ لاَ تَدْرُونَ فِى أَىِّ طَعَامِكُمُ الْبَرَكَةُ ». مسلم [3]

ترجمه: از أنس (رضى الله عنه) روایت که رسول الله -صلى الله عليه وعلى آله وسلم- وقتى طعام میخورد ، سه انگشتش را می لیسید ند ، انس میگوید: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: هرگاه لقمهء یکی شما به زمین افتد ، چیز مضر را از آن دور نموده و آنرا بخورد و برای شیطان چیزی نگزارد.

---

[1] - حدیث نمبر(5386) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[2] - حدیث نمبر(5417 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[3] - حدیث نمبر(5426) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

سنت ششم : رسول الله ﷺ ميفرمود كه مومن با يک معده غذا ميخورد.

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند : عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضي الله عنهما أَنَّهُ كَانَ لا يَأْكُلُ حَتَّى يُؤْتَى بِمِسْكِينٍ يَأْكُلُ مَعَهُ، فَأَدْخَلْتُ رَجُلاً يَأْكُلُ مَعَهُ فَأَكَلَ كَثِيرًا، فَقَالَ: يَا نَافِعُ، لا تُدْخِلْ هَذَا عَلَيَّ، سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مِعًى وَاحِدٍ، وَالْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ». [1]

ترجمه: ازابن رضي الله عنهما روايت است: تا وقتي كه مسكيني نمي آوردند كه با او غـذا بخورد, غذا نمي خورد. نافع مي گويد: مردي را آوردم تا با وي، غذا بخورد. آن مـرد, بسـيار غـذا خورد. ابن رضي الله عنهما گفت: اي نافع ! دوباره او را نزد من نياور. شنيدم كه نبي اكـرم ﷺ مي فرمود: «مؤمن در يک معده, غذا مي خورد و كافر در هفت معده».

سنت هفتم : رسول الله ﷺ گوشت ماهى هاى بزرگ بحر را حلال دا نسته ا ند.

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللَّه رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّه ﷺ بَعْثًا قِبَلَ السَّاحِلِ، وَأَمَّرَ عَلَيْهِمْ أَبَا عُبَيْدَةَ بْنَ الْجَرَّاحِ، وَهُمْ ثَلاثُ مِائَةٍ، فَخَرَجْنَا وَكُنَّا بِبَعْضِ الطَّرِيقِ فَنِيَ الزَّادُ، فَأَمَرَ أَبُو عُبَيْدَةَ بِأَزْوَادِ الْجَيْشِ فَجُمِعَ، فَكَانَ مِزْوَدَيْ تَمْرٍ، فَكَانَ يَقُوتُنَا كُلَّ يَوْمٍ قَلِيلٌ قَلِيلٌ حَتَّى فَنِيَ، فَلَمْ يَكُنْ يُصِيبُنَا إِلا تَمْرَةٌ تَمْرَةٌ، فَقُلْتُ: مَا تُغْنِي عَنْكُمْ تَمْرَةٌ؟ فَقَالَ: لَقَدْ وَجَدْنَا فَقْدَهَا حِينَ فَنِيَتْ، ثُمَّ انْتَهَيْنَا إِلَى الْبَحْرِ، فَإِذَا حُوتٌ مِثْلُ الظَّرِبِ، فَأَكَلَ مِنْهَا الْقَوْمُ ثَمَانِيَ عَشْرَةَ لَيْلَةً، ثُمَّ أَمَرَ أَبُو عُبَيْدَةَ بِضِلَعَيْنِ مِنْ أَضْلاعِهِ فَنُصِبَا، ثُمَّ أَمَرَ بِرَاحِلَةٍ فَرُحِلَتْ ثُمَّ مَرَّتْ تَحْتَهُمَا فَلَمْ تُصِبْهُمَا. بخارى [2]

ترجمه: جابر بن عبدالله رضي الله عنهما ميگويد: رسول الله ﷺ گروهي را كه سيصد نفر بودند به فرماندهي ابوعبيده بن جراح بسوي ساحل فرستاد. ما براه افتاديم و در مسير راه، توشه، تمام كرديم. آنگاه، ابوعبيده دستور داد كه همة توشه هاي لشكر را جمع كنند.

[1] - حديث نمبر(5393) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر(4360) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)..

آنها دو كيسه خرما شد. او روزانه، قوت اندكي به ما مي‌داد تا اينكه اينها نيز تمام شد. پس ازآن، به هر يكازما فقط يكدانة خرما مي‌داد.

يكي ازراويان (وهب بن كيسان) مي‌گويد: پرسيدم: آن يكدانة خرما چه مي‌توانست براي شما بكند؟ گفت: هنگامي كه آن يك دانة خرما را از دست داديم، نبودش را احساس كرديم.

سرانجام، به دريا رسيديم و نهنگي ديديم كه مانند كوه بود. مردم، هيجده شب از آن خوردند. سپس ابوعبيده دستور داد تا دو دنده از دنده‌هايش نصب گردد و شتري جهاز شود. آنگاه، شتر اززيرآن دنده‌ها گذشت بدون اينكه باآنها، برخورد كند.

سنت هشتم : رسول الله ﷺ بعد ازطعام دست شا نرا ميشستند.

دليل اين سنت: امام ابن حيان رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : دَعَا رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قَالَ : فَانْطَلَقْنَا مَعَهُ ، فَلَمَّا طَعِمَ وَغَسَلَ يَدَهُ ، قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَ وَلاَ يُطْعَمُ ، مَنَّ عَلَيْنَا فَهَدَانَا ، وَأَطْعَمَنَا وَسَقَانَا ، وَكُلُّ بَلاَءٍ حَسَنٍ أَبْلاَنَا ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَ مِنَ الطَّعَامِ ، وَسَقَى مِنَ الشَّرَابِ ، وَكَسَا مِنَ الْعُرْيِ ، وَهَدَى مِنَ الضَّلاَلَةِ ، وَبَصَّرَ مِنَ الْعَمَى ، وَفَضَّلَ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
(1) حديث صحيح است. (2)

ترجمه: ابوهريره رضي الله عنه مي‌گويد: رسول الله ﷺ فرمودند: « شخصى ازانصار رسول الله ﷺ را دعوت نمودند ، فرمود: ماهم به همراى شان رفتيم ، وقتيكه رسول الله ﷺ غذا خوردند و دستان شا نرا شستند فرمودند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَ وَلاَ يُطْعَمُ ، مَنَّ عَلَيْنَا فَهَدَانَا ، وَأَطْعَمَنَا وَسَقَانَا ، وَكُلُّ بَلاَءٍ حَسَنٍ أَبْلاَنَا ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَ مِنَ الطَّعَامِ ، وَسَقَى مِنَ الشَّرَابِ ،

---

[1] - حديث نمبر(5219-) صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان تاليف محمد بن حبان أبو حاتم البُستي (المتوفى : 354هـ)، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت : مؤسسة الرسالة ، ط2، (1414 – 1993) ،

[2] - حديث نمبر(5219) دز حاشيه كتاب ارناووط ميگويد: 1إسناده صحيح على شرط مسلم. بشر بن منصور: هو السليمي البصري.وأخرجه أبو نعيم في "الحلية" 242/6 من طريقين عن الحسن بن سفيان, بهذا الإسناد, وقال:غريب من حديث سهيل وزهير, تفرد به بشر بن منصور.
وأخرجه النسائي في"عمل اليوم والليلة"301, وابن السني في"اليوم والليلة"486, والحاكم ، 546/1 من طرق عن عبد الأعلى ابن حماد. وصححه الحاكم على شرط مسلم ووافقه الذهبي.وأخرجه الحاكم 546/1 من طريق أزهر بن مروان, عن بشر بن منصور, به. **صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان تاليف محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبدَ، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُستي (المتوفى : 354هـ) ، ترتيب : علي بن بلبان بن عبد الله، علاء الدين الفارسي، المنعوت بالأمير(المتوفى : 739هـ) ، الناشر : مؤسسة الرسالة ، مصدر الكتاب : موقع مكتبة المدينة الرقميةhttp://www.raqamiya.org] ترقيم الكتاب موافق للمطبوع وبالحاشية تحقيق شعيب الأرناؤوط كاملا]**

وَكَسَا مِنَ الْعُرْيِ ، وَهَدَى مِنَ الضَّلاَلَةِ ، وَبَصَّرَ مِنَ الْعَمَى ، وَفَضَّلَ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

سنت نهم: رسول الله ﷺ بعد ازصرف طعام حمد وثنای الله سبحانه وتعالى را مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنْ طَعَامِهِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانَا ، وَأَرْوَانَا ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ ، وَلا مَكْفُورٍ». [1]

ترجمه: ابو امامه رضي الله عنه مي گويد: نبي اكرم ﷺ بعد از غذا خوردن، مي فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانَا ، وَأَرْوَانَا ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ ، وَلا مَكْفُورٍ». يعني حمد و ستايش از آن الله (سبحانه وتعالى) است كه ما را كفايت كرده و سيراب نموده است و نعمت هايش برگردانيده نمي شود ومورد ناسپاسي قرار نمي گيرد.

سنت دهم: رسول الله ﷺ بعد از ختم طعام اين حمد وثناء را ميگفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِيْ أَطْعَمَنِيْ هَذَا وَرَزَقَنِيْهِ ، مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّيْ وَلاَ قُوَّةٍ».

«سپاس الله (سبحانه وتعالى) را كه اين غذا را به من خورانيد بدون اينكه من قدرت و توانى داشته باشم».

دليل اين سنت: امام ابى داوود رحمه الله روايت ميكند: عَنْ سَهْلِ بْنِ مُعَاذِ بْنِ أَنَسٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ « مَنْ أَكَلَ طَعَامًا ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَطْعَمَنِى هَذَا الطَّعَامَ وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّى وَلاَ قُوَّةٍ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَمَنْ لَبِسَ ثَوْبًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى كَسَانِى هَذَا الثَّوْبَ وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّى وَلاَ قُوَّةٍ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ ». [2] حديث حسن است. [3]

ترجمه : از سهل بن معاذ بن انس از پدرش روايت ميكند كه رسول الله ﷺ فرمودند كسيكه طعامى بخورد ، سپس بگويد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِيْ أَطْعَمَنِيْ هَذَا وَرَزَقَنِيْهِ ، مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّيْ وَلاَ قُوَّةٍ».

---

[1] - حديث نمبر(5459) **الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..**

[2] - حديث نمبر(**4025 -**) سنن ابى داوود.

[3] - حديث نمبر(**4023**) صحيح وضعيف سنن ابى داوود.

«سپاس الله (سبحانه وتعالى) را كه اين غذا را به من خورانيد بدون اينكه من قدرت و توانى داشته باشم». گناهان قبلى وبعدى اش بخشيده ميشود و كسيكه لباسى بپوشد وبگويد: الْحَمْدُ لِلّه الّذى كَسَانِى هَذَا الثّوْبَ وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّى وَلاَ قُوّةٍ گناهان قبلى وبعدى اش بخشيده ميشود.

مطلب سوم: نماز ظهر وسنتهاى آن: رسول الله ﷺ در هنگام ظهر امور ذيل را انجام ميدادند:

سنت اول: رسول الله ﷺ به اذان گفتن و جماعت نمودن امر مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ مَالِكِ بْنِ الْحُوَيْرِث رضي الله عنه قَالَ: أَتَيْتُ النّبِيّ ﷺ فِي نَفَرٍ مِنْ قَوْمِي، فَأَقَمْنَا عِنْدَهُ عِشْرِينَ لَيْلَةً، وَكَانَ رَحِيمًا رَفِيقًا، فَلَمّا رَأَى شَوْقَنَا إِلَى أَهَالِينَا، قَالَ: «ارْجِعُوا فَكُونُوا فِيهِمْ، وَعَلّمُوهُمْ، وَصَلّوا، فَإِذَا حَضَرَتِ الصّلاَةُ فَلْيُؤَذّنْ لَكُمْ أَحَدُكُمْ، وَلْيَؤُمّكُمْ أَكْبَرُكُمْ». [1]

ترجمه: مالك بن حويرث رضي الله عنه ميگويد: من و گروهي از افراد قبيله ام نزد رسول الله (صلى الله عليه وسلم) شرفياب شديم. بيست روز، نزد ايشان توقف كرديم. رسول الله ﷺ فردي بسيار شفيق و مهربان بود. رسول رحمت ﷺ هنگامي كه علاقه ما را نسبت به خانواده هايمان احساس كرد، فرمود: «برگرديد و درميان خانواده هايتان زندگي كنيد و آنها را با مسايل و احكام دين، آشنا سازيد. وهرگاه، وقت نمازفرا رسيد، يكي از شما اذان بگويد و كسي كه از نظر سني از ديگران، بزرگتر است، امامت نمازرا بعهده گيرد».

سنت دوم: رسول الله ﷺ به اذان گفتن و جماعت نمودن حتى در سفر امر مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ مَالِكِ بْنِ الْحُوَيْرِث رضي الله عنه في رواية: أَتَى رَجُلاَنِ النّبِيّ ﷺ يُرِيدَانِ السّفَرَ، فَقَالَ النّبِيُّ ﷺ: «إِذَا أَنْتُمَا خَرَجْتُمَا، فَأَذّنَا، ثُمّ أَقِيمَا، ثُمّ لِيَؤُمّكُمَا أَكْبَرُكُمَا». [2]

---
[1]- حديث نمبر (628) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر (630) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: و در روايتي ديگر، مالک بن حويرث ميگويد: دو نفر که قصد مسافرت داشتند، خدمت رسول الله ﷺ شرفياب شدند. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «هرگاه به مسافرت رفتيد و وقت نماز فرارسيد، اذان و اقامه بگوييد و نماز بخوانيد و هر يک از شما که بزرگتر است، امامت نماز را بعهده گيرد».

سنت سوم: رسول الله ﷺ به اذان دادن مومنان را تشويق مينمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميکند: عَنْ أبي سَعِيد الْخُدْرِيّ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّه ﷺ يَقُوْلُ: «إِنَّهُ لا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنٌّ وَلا إِنْسٌ وَلا شَيْءٌ إلا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [1]

ترجمه: ابوسعيد خدري رضي الله عنه ميگويد: از رسول اکرم ﷺ شنيدم که ميفرمود: «جن و انس و هر مخلوق ديگري که صداي مؤذن را بشنوند، روز قيامت براي او گواهي خواهند داد».

سنت چهارم: رسول الله ﷺ به گفتن جواب اذان امر مينمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميکند: عَنْ أَبي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ: «إِذَا سَمِعْتُمُ النِّدَاءَ، فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ». [2]

ترجمه: ابوسعيد خدري رضي الله عنه ميگويد: رسول اکرم ﷺ فرمود: «هنگامي که صداي اذان به گوش شما رسيد، کلمات اذان را با مؤذن تکرار کنيد».

سنت پنجم: رسول الله ﷺ دعاى بعد از اذان را سبب شفاعتش بيان مى فرمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميکند: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللّه رَضِيَ اللّه عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ: اللّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [3]

---

[1] - حديث نمبر (۶۰۹) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر (۶۱۱) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

[3] - حديث نمبر (614) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: جابر ابن عبد الله رضي الله عنه مي‌گويد: رسول اكرم ﷺ فرمود: «هركس بعد از شنيدن اذان، اين دعا را بخواند:«اللّهُمّ رَبّ هَذه الدّعْوَة التّامّة، وَالصّلاة الْقَائمَة، آت مُحَمّدًا الْوَسيلَةَ وَالْفَضيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الّذي وَعَدْتَهُ» روزقيامت، ازشفاعت من، بهره‌مند خواهد شد.

ترجمة دعا: الله (سبحا نه وتعالى) يا ! اي صاحب اين دعوت كامل (اذان) و نمازي كه هم اكنون برگزار مي شود ! به محمد ﷺ وسيله (درجه اي است دربهشت) و فضيلت عنايت فرما و او را طبق وعده ات به مقام محمود(شفاعت) برسان.

سنت ششم: رسول الله ﷺ اجر اذان گفتن را چنان زياد بيان ميكرد كه حتى اگر مردم مجبور ميشد ند، براى اذان گفتن قرعه كشى مينمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه: أَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ: «لَوْ يَعْلَمُ النّاسُ مَا في النّدَاء وَالصّفّ الأَوّل، ثُمّ لَمْ يَجدُوا إلا أَنْ يَسْتَهمُوا عَلَيْه لاسْتَهَمُوا، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا في التّهْجير لاسْتَبَقُوا إلَيْه، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا في الْعَتَمَة وَالصُّبْح لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا». (1)

ترجمه: ابوهريره رضي الله عنه مي‌گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «اگر مردم از پاداش اذان و صف اول نماز، آگاه مي‌بودند و براي دستيابي به آن، چاره اي جز قرعه كشي نداشتند، حتما قرعه كشي مي كردند. همچنين، اگر ثواب اول وقت را مي دانستند، براي رسيدن به آن، ازيكديگر سبقت مي گرفتند. و اگر از پاداش نماز عشاء و صبح (با جماعت) مطلع مي‌بودند، با خزيدن هم كه شده بود در آنها شركت مي‌كردند».

سنت هفتم: رسول الله ﷺ درميان اذان واقامت نماز نفل را بيان نمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند:

عَنْ عَبْد اللّه بْن مُغَفّل الْمُزَنيّ رضي الله عنه: أَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ: «بَيْنَ كُلّ أَذَانَيْن صَلاةٌ-ثلاثا-لمَنْ شَاءَ». و في رواية: «بَيْنَ كُلّ أَذَانَيْن صَلاةٌ، بَيْنَ كُلّ أَذَانَيْن صَلاةٌ». ثم قال في الثالثة: «لمَنْ شَاءَ». (2)

---

[1] - حديث نمبر(615) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)
[2] - حديث نمبر(624و627) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: عبدالله بن مغفل رضي الله عنه روايت مي كند كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «ميان هر اذان و اقامه اي نمازي وجود دارد. (اين جمله را سه بار تكرار كرد) وگفت: البته براي هر كس كه بخواهد».

و در روايتي ديگر آمده است كه رسول الله ﷺ فرمود: «ميان هر اذان و اقامه ، نمازي وجود دارد ، ميان هر اذان و اقامه ، نمازي وجود دارد». و بار سوم فرمود: «البته براي هر كس كه بخواهد».

سنت هشتم: رسول الله ﷺ از عجله نمودن و دويدن بخاطر رسيدن به جماعت منع مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رضي الله عنه قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ نُصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ سَمِعَ جَلَبَةَ رِجَالٍ ، فَلَمَّا صَلَّى قَالَ: «مَا شَأْنُكُمْ» ؟ قَالُوا: اسْتَعْجَلْنَا إِلَى الصَّلاةِ. قَالَ: «فَلا تَفْعَلُوا إِذَا أَتَيْتُمُ الصَّلاةَ فَعَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ ، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا ، وَمَا فَاتَكُمْ فَأَتِمُّوا». (1)

ترجمه: ابوقتاده رضي الله عنه ميگويد: با رسول اكرم ﷺ مشغول نماز خواندن بوديم كه صداي جست وخيز عده اي ، بگوش رسيد. پس از اتمام نماز ، رسول اكرم ﷺ خطاب به آنان ، فرمود: «اين چه كاري بود كه كرديد »؟گفتند: براي رسيدن به نماز جماعت ، عجله داشتيم. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «دوباره اين كار را انجام ندهيد. هنگامي كه براي نماز مي آييد ، با سكون و آرامش بياييد. هر چه از نماز را دريافتيد ، بخوانيد. وبقيه را خودتان ، كامل كنيد».

سنت نهم : رسول الله ﷺ قبل از فرض ظهر چهار ركعت نماز سنت ادا مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند :عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّه عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ لا يَدَعُ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْغَدَاةِ. (2)

ترجمه: عايشه رضي الله عنها ميفرمايد: رسول الله ﷺ چهار ركعت قبل از نماز ظهر و دو ركعت قبل از نماز فجر را ترك نميكرد.

---

[1]- حديث نمبر(635) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر(1182) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

سنت دهم : رسول الله ﷺ بعد از فرض ظهر دو رركعت نماز سنت ادا مینمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَبْدِ اللّٰه بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰه عَنْهُمَا: أَنّ رَسُولَ اللّٰه ﷺ كَانَ يُصَلّي قَبْلَ الظُّهْرِ رَكْعَتَيْنِ وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ وَبَعْدَ الْمَغْرِب رَكْعَتَيْنِ في بَيْتِه، وَبَعْدَ الْعِشَاءِ رَكْعَتَيْنِ، وَكَانَ لا يُصَلّي بَعْدَ الْجُمُعَة حَتّى يَنْصَرِفَ، فَيُصَلّي رَكْعَتَيْنِ. [1]

ترجمه: عبدالله بن رضي الله عنهما ميگويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) دو ركعت قبل از نماز ظهر، دو ركعت بعد از آن و دو ركعت بعد از مغرب در خانه‌اش مي خواند. و دو ركعت بعد از نماز عشاء مي‌خواند. وبعد از نماز جمعه، نمازي نمي خواند مگر زماني كه به خانه اش برمي گشت. آنگاه، درمنزل دوركعت نمازمي گزارد.

مطلب چهار: اذکار بعد از نماز ظهر: رسول الله ﷺ بعد از نماز ظهر اذكارذيل را ميخواندند:

سنت اول: سه مرتبه استغفرالله.

سنت دوم: «اللهمّ أنت السّلام ومنك السلام تباركت يا ذا الجلال والإكرام»

سنت سوم: «لا إِلَهَ إِلا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّهُمّ لا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدّ مِنْكَ الْجَدُّ».

سنت چهارم: لا إلَه إلاّ اللّه وَحْدَهُ لا شريكَ له، لهُ الملكُ ولهُ الحَمْد، وهُوَ عَلى كُلّ شيءٍ قدير. لا حوْلَ وَلا قُوّةَ إلاّ باللّه، لا إله إلاّ اللّه، وَلا نَعْبُدُ إلاّ إيّاه، لهُ النعمة، ولَهُ الفضْلُ وَلَهُ الثّنَاءُ الحَسَن، لا إله إلاّ اللّه مُخْلِصِينَ لَهُ الدّينَ ولوْ كَرِه الكَافِرُون.

سنت پنجم: آيت الكرسى.

سنت ششم: سوره‌ء اخلاص، الفلق و الناس.

سنت هفتم : 33 بار سبحان لله، 33 بار الحمد لله و 34 مرتبه الله اكبر.

سنت هشتم : 33 بار سبحان الله و 33 بار الحمد الله و 33 الله اكبر كه 99 مرتبه مي شود، بگويد و براي كامل كردن صد مرتبه: «لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له الملك وله الحمده وهو علي كل شيء قدير».

---

[1]- حديث نمبر (937) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)

سنت نهم: اللهم أعني على ذكرك وشُكرك وحسْن عبادتك» .

سنت دهم: «اللّهُمّ إنّي أعُوذُ بكَ منَ الجُبْنِ، وَأعُوذُ بكَ أنْ أُرَدّ إلَى أرْذَلِ العُمُرِ، وَأعُوذُ بكَ منْ فتْنَة الدُّنْيَا، وَأعُوذُ بكَ منْ عَذَابِ القَبْرِ»

سنت یازدهم: «رَبِّ قِني عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ أوْ تَجْمَعُ عِبَادَكَ». یاد داشت: دلایل این سنتها قبلا دربخش نمازصبح ذکر گردیده است.

مطلب پنجم: سنت های رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در تشویق نمودن به جماعت

رسول الله ﷺ مردم را به نماز جماعت تشویق نموده و سنت های ذیل را بجا گذاشته اند:

سنت اول: رسول الله ﷺ میفرمودند که ثواب نماز جماعت نسبت به نمازتنها گذاراز 25 تا 27 چند است.

دلیل این سنت: امام بخاری روایت میکند: عَنْ عَبْدِ اللّه بْنِ عُمَرَ أنّ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قَالَ صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةَ الْفَذّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً) [1]

ترجمه: از عبدالله بن رضي الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: نماز جماعت نسبت به نمازفردي 27 درجه فضیلت دارد.

سنت دوم: رسول الله ﷺ بیان میداشت که کسیکه به نماز جماعت میرود، درمقابل هرقدمیکه برمیدارد درجه اش در نزد الله (جل جلاله) بلندمیرودوگناهش نیزعفومیگردد.

دلیل این سنت: امام بخاری روایت میکند: عن ابي هُرَيْرَةَ يَقُولُ قَالَ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) صَلَاةُ الرّجُلِ فِي الْجَمَاعَةِ تُضَعّفُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ وَفِي سُوقِهِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ ضِعْفًا وَذَلِكَ أنّهُ إذَا تَوَضّأَ فَأحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمّ خَرَجَ إلَى الْمَسْجِدِ لَا يُخْرِجُهُ إلّا الصّلَاةُ لَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إلّا رُفِعَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ وَحُطّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ فَإذَا صَلّى لَمْ تَزَلْ الْمَلَائِكَةُ

[1] - حديث نمبر(609) كتاب الاذان، الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى).

تُصَلِّي عَلَيْهِ مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ وَلَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا انْتَظَرَ الصَّلَاةَ)[1]

ترجمه : ابوهريره رضى الله عنه ميفرمايد: كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: نماز يک شخص نسبت به نمازيکه در خانه و يا بازار ميخوانند بيست وپنج چند اجرش زياد ميشود ، هرگاه شخصي به شكل درست وضو نمايد وسپس به مسجد رود كه كاري ديگري بجز از رفتن به مسجد او را از منزل بيرون نكرده باشد با هر قدميكه ميگذارد درجه اش بلند شده ، و يک گناهش محو ميگردد وقتي نماز ميخوانند فرشته ها تا وقتيكه وي در مكان نماز خويش نشسته است براي وي دعاي رحمت ميكنند وميگويند: الله (سبحانه وتعالى) بروي رحمت نما و شخصيكه منتظر نماز جماعت ميباشد ، او درحالت نماز است.

سنت سوم: رسول الله ترک جماعت را سبب تسلط شيطان بر مسلمان ميدانست.

دليل اين سنت: امام ابى داوود (رحمه الله) روايت ميكند : عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ سَمِعْتُ رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يَقُولُ مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيهِمْ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمْ الشَّيْطَانُ فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذِّئْبُ الْقَاصِيَةَ قَالَ زَائِدَةُ قَالَ السَّائِبُ يَعْنِي بِالْجَمَاعَةِ الصَّلَاةَ فِي الْجَمَاعَةِ)[2] شيخ البانى آنرا حديث صحيح گفته است. [3]

ترجمه : ابي درداء رضي الله عنه ميفرمايد كه ازرسول كريم ﷺ شنيدم ميگفت : هرگاه درقريه ويا دهي سه شخصي زندگي كنند و نماز جماعت را ادا نكنند شيطان بالاي آنها مسلط ميشود ، بناً لازم است تا با جماعت باشي ، زيرا گرگ گوسفند دور از رمه را ميخورد ، ومنظور ازجماعت نماز درجماعت خواندن است.

سنت چهارم: رسول الله ميفرمودند كه جماعت خفتن وصبح عبادت تمامي شب است.

---

[1] - حديث نمبر (611) كتاب الاذان ، الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى).

[2] - حديث نمبر(460) كتاب الصلاة ، سنن ابي داوود.

[3] - حديث نمبر (556) صحيح أبي داود تاليف محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى : 1420هـ) ، كويت : مؤسسة غراس للنشر والتوزيع ، ط1،(1423 هـ - 2002 م).

دليل اين سنت: امام ترمذی (رحمه الله) روايت ميكند : عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ -رضی الله عنه- قَالَ قَالَ رسول الله (صلی الله عليه وسلم) مَنْ شَهِدَ الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ قِيَامُ نِصْفِ لَيْلَةٍ وَمَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ وَالْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَقِيَامِ لَيْلَةٍ) . [1] اين حديث صحيح است. [2]

ترجمه : عثمان بن عفان رضي الله عنه ميفرمايد كه رسول كريم ﷺ فرمود : هرگاه كسي در نماز خفتن به جماعت حضور داشته باشد ، برايش اجر عبادت نيم شب داده ميشود وهرگاه كسي نماز خفتن وصبح را درجماعت بخوا ند مثل اينكه تمام شب عبادت نموده باشد.

سنت پنجم: رسول الله برای يک نا بينا اجازه نداد كه جماعت را ترک كند.

دليل اين سنت: امام مسلم (رحمه الله) روايت ميكند : عن ابي هُرَيْرَةَ رضيَ الله عنه قالَ: أتَى النَّبيّ صلى الله عليه وآله وسلم رَجُلٌ أعْمَى فَقَالَ: يَا رَسُولَ الله إنّهُ لَيْسَ لي قَائدٌ يَقُودُني إلى المَسْجِد فَرَخّص لَهُ فَلَمّا وَلّى دَعَاهُ فَقَالَ: «هَلْ تَسْمَعُ النّدَاءَ بِالصّلاة؟» قالَ: نَعَمْ قالَ: «فَأَجِبْ». رَوَاهُ مسلم [3]

ترجمه:ازاو (ابوهريره) رضي الله عنه روايت است مرد نابينايي نزد رسول الله (صلی الله عليه وسلم) آمد و گفت: اي رسول الله (سبحا نه وتعالی) ! من كسي را ندارم كه مرا به مسجد بياورد؟ رسول الله (صلی الله عليه وسلم) اول به او اجازه داد (كه در نماز جماعت شركت نكنند) وقتي داشت مي رفت او را صدا زد و فرمود: «آيا صداي اذان را مي شنوي؟» گفت: آري. فرمود: «پس اجابت كن».

سنت ششم: رسول الله بدون عذر برای هيچ كسی اجازه نميداد كه صدای اذان را بشنود ، ودر خا نه نمازبخوا ند.

---

1 - حديث نمبر(205)كتاب الصلاة ، سنن الترمذي.
2 - حديث نمبر (221) صحيح وضعيف سنن الترمذي تاليف محمد ناصر الدين الألباني.
3 - حديث نمبر(1518) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صلى الله عليه وسلم) (مشهور به صحيح مسلم .

دلیل این سنت: امام ابن ماجه (رحمه الله) روایت میکند : عن ابن عباس – رضي الله عنهما - عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: «مَنْ سَمِعَ النِّداءَ فَلَمْ يَأْتِه ؛ فَلا صَلاةَ لَهُ الاّ مِنْ عُذْرٍ» [1] این حدیث صحیح است. [2]

ترجمه : از عبدالله بن عباس – رضي الله عنهما - روایت است از نبی کریم (النبي صلى الله عليه وسلم) که فرمودند : هر کس اذان را بشنود و (براي خواندن نماز به مسجد) نرود ، نمازش قبول نمي شود ؛ مگر این که عذري داشته باشد.

سنت هفتم : رسول الله ﷺ جماعت را از سنت های هدایت میدا نست.

دلیل این سنت: از عبدالله بن مسعود رَضِيَ اللّهُ عَنْهُ نقل شده است: «لَقَدْ رَأَيْتُنَا وَ مَا يَتَخَلّفُ عَنِ الصّلاة الاّ مُنَافِقٌ قَدْ عُلِمُ نِفَاقُهُ أو مَرِيضٌ؛ إنْ كَانَ الْمَرِيضُ لَيَمْشي بَيْنَ رَجُلَيْنِ حَتّى يَأْتِيَ الصّلاةَ ، وَقَالَ: إنّ رسول الله (صلى الله عليه وسلم) عَلّمَنَا سُنَنَ الْهُدَيَ و إنّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَي الصّلاةَ فِيْ الْمَسْجِدِ الّذي يؤَذّنُ فيْه» [3]

ترجمه : ما در حالی بودیم که هیچ کسي از نماز جماعت تخلف نمي کرد جز منافقي که نفاقش معلوم بود یا شخصي که دچار بیماري مي گشت. حتي بیمار نیز بین دو شخص بر شا نه هاي آن ها قرار مي گرفت و خود را به مسجد مي رسا ند. (عبد الله بن مسعود رَضِيَ اللّهُ عَنْهُ مي گوید): رسول الله (صلى الله عليه وسلم) سنن هدایت را به ما تعلیم داد و نماز خوا ندن در مسجدي که در آن اذان گفته مي شود یکي از سنن هدایت است».

سنت هشتم: رسول الله ﷺ برای کسا نیکه اجر بیشتر جماعت را برای کسا نی بیان مینمود که مسافهء منزل شان تا مسجد دور باشد و همچنان برای کسا نیکه وقت تر به مسجد آمده منتظر جماعت میباشند.

---

[1] - حدیث نمبر(793) سنن ابن ماجه تاليف محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني ، بيروت : دار الفكر ، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي ، تعليق محمد فؤاد عبد الباقي والأحاديث مذيلة بأحكام الألباني عليها.

[2] - حدیث نمبر (645) صحيح ابن ماجة تاليف أبو عبد الرحمن محمد بن ناصر الدين الألباني .

[3] - صحیح حدیث نمبر(1519) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

دليل اين سنت: امام بخاری (رحمه الله) روايت ميكند : عَنْ أَبِي مُوسَى - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «أَعْظَمُ النَّاسِ أَجْرًا فِي الصَّلاَةِ أَبْعَدُهُمْ فَأَبْعَدُهُمْ مَمْشًى، وَالَّذِي يَنْتَظِرُ الصَّلاَةَ حَتَّى يُصَلِّيَهَا مَعَ الإِمَامِ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الَّذِي يُصَلِّي، ثُمَّ يَنَامُ». [1]

ترجمه: ابو موسي اشعري - رضي الله عنه - مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «بيشترين ثواب را در نماز، كسا ني مي برند كه مسير طولا ني تري را طي نمايند. (يعني هر ا ندازه از مسجد دورتر باشند، ثواب بيشتري خواهند برد). و كسي كه منتظر مي ما ند تا نماز را با جماعت بخواند از كسي كه نمازش را مي خوا ند و مي خوابد، ثواب بيشتري مي برد».

سنت نهم: رسول الله ﷺ جماعت نماز خفتن و صبح را برای منافقان ثقيل بيان داشته است.

دليل اين سنت: امام بخاری (رحمه الله) روايت ميكند :عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ : «لَيْسَ صَلاَةٌ أَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا». [2]

ترجمه: ابوهريره - رضي الله عنه - روايت مي كند كه رسول اكرم ﷺ فرمود: «هيچ نمازي بر منافقين، دشوارتر از نمازهاي صبح و عشاء نيست. ولي اگر مي دا نستند كه در اين نمازها چه اجر عظيمي نهفته است، بصورت افتان و خيزان هم كه مي بود، حتماً در آ نها، شركت ميكرد ند».

سنت دهم: رسول الله ﷺ مردم را به رفتن نماز خفتن و صبح در جماعت تشويق مينمود.

دليل اين سنت: عن أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم -، قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلاَّ أَنْ يَسْتَهِمُوا عَلَيْهِ لاَسْتَهَمُوا، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهْجِيرِ لاَسْتَبَقُوا إِلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا» [3]

---

[1] - حديث نمبر (651)، الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری).

[2] - حديث نمبر (657) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)..

[3] - حديث نمبر(615) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)..

ترجمه: ابوهريره ﷺ ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: «اگر مردم از پاداش اذان و صف اول نماز، آگاه ميبودند و براي دستيابي به آن، چاره اي جز قرعه كشي نداشتند، حتما قرعه كشي مي كردند. همچنين، اگر ثواب اول وقت را مي دانستند، براي رسيدن به آن، ازيكديگر سبقت مي گرفتند. و اگر از پاداش نماز عشاء و صبح (با جماعت) مطلع ميبودند، با خزيدن هم كه شده بود در آنها شركت ميكردند».

سنت یازدهم : **رسول الله ﷺ اصحابش را توصيه مينمود كه همسران شانرا از رفتن به مسجد منع نكنند.**

دلیل این سنت: **امام بخاری (رحمه الله) روايت ميكند: عن سالم بن عبدالله عن ابيه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: إِذَا اسْتَأْذَنَت امْرَأَةُ أَحَدِكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلاَ يَمْنَعْهَا»** [1]

ترجمه: از سالم بن عبدالله از پدرش از نبی كريم ﷺ روايت ميكند: هرگاه همسر يكی از شما اجازهء رفتن به مسجد بخواهد، اورا مانع نشويد.

---

[1] - حديث نمبر (873) **الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری).**

بحث هفتم

نماز عصر ونشستن تا دخول مغرب

مطلب اول: نماز عصر وسنتهای آن: رسول الله ﷺ در هنگام عصر امور ذیل را انجام میدادند:

سنت اول: رسول الله ﷺ نماز عصر را به مجرد دخول وقت ادا مینمودند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ رَافِعِ بْنَ خَدِيجٍ يَقُولُ كُنَّا نُصَلِّى الْعَصْرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ تُنْحَرُ الْجَزُورُ فَتُقْسَمُ عَشَرَ قِسَمٍ ثُمَّ تُطْبَخُ فَنَأْكُلُ لَحْمًا نَضِيجًا قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ.(1)

ترجمه: صحابی بزرگوار رافع بن خدیج رضی الله عنه مي فرمايند: ما همرای رسول الله ﷺ نماز عصر را میخواندیم ، سپس شتران را ذبح مینمودیم و به ده بخش تقسیم میکردیم، سپس پخته میشد و گوشت پخته میخوردیم قبل ازینکه آفتاب غروب کند.

سنت دوم: رسول الله ﷺ به اهمیت ادای نماز عصروعبادت درآن تشویق نموده و میگفت که درین وقت ملائکه حضورمیابند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ « يَتَعَاقَبُونَ فِيكُمْ مَلاَئِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلاَئِكَةٌ بِالنَّهَارِ وَيَجْتَمِعُونَ فِى صَلاَةِ الْفَجْرِ وَصَلاَةِ الْعَصْرِ ثُمَّ يَعْرُجُ الَّذِينَ بَاتُوا فِيكُمْ فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ كَيْفَ تَرَكْتُمْ عِبَادِى فَيَقُولُونَ تَرَكْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ وَأَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ».(2)

ترجمه: صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمودند: یک تعداد ملائکه درشب وتعدادی هم درروزشما را تعقیب مینمایند و در نمازصبح وعصر با هم جمع میشوند ، سپس کسانیکه شب گذشتانده اند به بالا میروند وپروردگار تان از ایشان سوال میکنند که بنده گانم را چگونه ترک نمودید؟ آنان میگویند: وقتی آنانرا ترک نمودیم نمازمیخواندند وهنگامیکه به نزدشان رفتیم آنان نمازمیخواندند.

---

[1]- حدیث نمبر(1446) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحیح مسلم). تالیف مسلم بن حجاج قشیري نیسـابوري (متوفی: 261هـ)، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار احياء التراث العربي، (بدون تاريخ طبع).

[2]- حدیث نمبر(1464) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحیح مسلم).

سنت سوم: رسول الله ﷺ عجله نمودن در ادای نماز عصر در وقتش تشویق نموده و مخالفت آنرا از صفات منافقان میدانستند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنِ الْعَلاَءِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ فِى دَارِهِ بِالْبَصْرَةِ حِينَ انْصَرَفَ مِنَ الظُّهْرِ وَدَارُهُ بِجَنْبِ الْمَسْجِدِ فَلَمَّا دَخَلْنَا عَلَيْهِ قَالَ أَصَلَّيْتُمُ الْعَصْرَ فَقُلْنَا لَهُ إِنَّمَا انْصَرَفْنَا السَّاعَةَ مِنَ الظُّهْرِ. قَالَ فَصَلُّوا الْعَصْرَ. فَقُمْنَا فَصَلَّيْنَا فَلَمَّا انْصَرَفْنَا قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «تِلْكَ صَلاَةُ الْمُنَافِقِ يَجْلِسُ يَرْقُبُ الشَّمْسَ حَتَّى إِذَا كَانَتْ بَيْنَ قَرْنَىِ الشَّيْطَانِ قَامَ فَنَقَرَهَا أَرْبَعًا لاَ يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهَا إِلاَّ قَلِيلاً». (1)

ترجمه: علاء بن عبدالرحمن میگوید که به منزل صحابی بزرگوار انس بن مالک رضی الله عنه در بصره داخل شدیم، هنگامیکه از نماز ظهر بر آمدند و منزل شان در کنار مسجد مسجد بود، وقتی داخل شدیم گفت: نماز عصر را خواندید؟ برایش گفتیم: اکنون نماز ظهر را خواندیم. گفت: نماز عصر را بخوانید. برخواستیم و نماز عصر را خواندیم. فرمود: من از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: این نماز منافق است که مینشید و منتظر آفتاب است تا اینکه بین دو شاخ شیطان شود، برخواسته و چهار مرتبه به زمین منقار میزند و الله سبحانه وتعالی را در آن بسیار کم یاد میکند.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ نماز خواندن با آرامش و اطمینان را امر میفرمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ الْمَسْجِدَ، فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى، فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَرَدَّ، وَقَالَ: «ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ». فَرَجَعَ يُصَلِّي كَمَا صَلَّى، ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: «ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ». ثَلاثًا، فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا أُحْسِنُ غَيْرَهُ فَعَلِّمْنِي، فَقَالَ: «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلاةِ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْدِلَ قَائِمًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ جَالِسًا، وَافْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلاتِكَ كُلِّهَا». (2)

1- حدیث نمبر (1443) المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلی رسول الله ﷺ (مشهور به صحیح مسلم).
2- حدیث نمبر (757) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (مشهور به صحیح البخاری).

ترجمه: ابوهريره ﷺ روايت مي كندكه: رسول الله ﷺ وارد مسجد شد. بعد ازايشان، شخص ديگري آمد و شروع به خواندن نماز، كرد. پس از اتمام نماز، به رسول الله ﷺ سلام كرد. رسول الله ﷺ پس ازپاسخ سلام، به او فرمود: «برو نمازبخوان. زيرا تو نماز نخواندي». او رفت و همانطور كه نماز خوانده بود، نماز خواند. بعد، آمد و سلام كرد. رسول الله ﷺ دوباره فرمود: «برو نماز بخوان. زيرا تو نماز نخواندي». بار سوم نيز چنين كرد. آنگاه، گفت: سوگند به ذاتي كه تو را به حق فرستاده است، من بهتر از اين، نمي دانم. به من ياد بده. رسول الله ﷺ فرمود: «هر وقت كه خواستي نمازبخواني، نخست، تكبير بگو. بعد، آنچه ازقرآن برايت ميسر است بخوان. سپس، با آرامش كامل، ركوع كن و پس از برداشتن سر از ركوع، راست بايست و اندكي مكث كن. سرانجام، با آرامش كامل، سجده كن. پس از برداشتن سر ازسجده، اندكي بنشين. وهمين شيوه را درتمام نمازهايت، رعايت كن.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ نمازعصر را دراول وقتش ادا مينمود ند .

دليل اين سنت: امام بخارى ﷺ روايت ميكند :عَنْ أَنَس بْنِ مَالِك ﷺ قَالَ: كُنَّا نُصَلِّي الْعَصْرَ ثُمَّ يَخْرُجُ الإِنْسَانُ إِلَى بَنِي عَمْرِوبْنِ عَوْفٍ، فَنَجِدُهُمْ يُصَلُّونَ الْعَصْرَ. (1)

ترجمه: انس ابن مالك ﷺ ميگويد: نمازعصر را زماني ميخوانديم كه اگر بعد ازپايان نماز، كسي به محله قبيلة بني و ابن عوف (قبا) مي رفت، آنان را در حال نماز خواندن، مي ديد.

(معني حديث، اين است كه رسول الله ﷺ نمازعصر را دراول وقتش مي خواند و بني و، چون مشغول كشاورزي و غيره بودند، در وسط وقت، ميخواندند). مترجم صحيح البخارى.

همچنان امام بخارى ﷺ روايت ميكند : عَنْ أَنَس بْنِ مَالِك ﷺ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّه ﷺ يُصَلِّي الْعَصْرَ وَالشَّمْسُ مُرْتَفِعَةٌ حَيَّةٌ، فَيَذْهَبُ الذَّاهِبُ إِلَى الْعَوَالِي، فَيَأْتِيهِمْ وَالشَّمْسُ مُرْتَفِعَةٌ، وَبَعْضُ الْعَوَالِي مِنَ الْمَدِيْنَةِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَمْيَالٍ، أَوْ نَحْوِهِ. (2)

ترجمه: انس بن مالك ﷺ ميگويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نمازعصر را زماني مي خواند كه آفتاب، هنوزبلند وبسيار روشن بود. (يعني مايل به زردي نشده بود). واگر كسي

---

[1]- حديث نمبر(548) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

[2]- حديث نمبر(550) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

پس از نماز عصر، به عوالي مدينه مي‌رفت، هنوز آفتاب بلند بود كه آنجا مي‌رسيد. قابل يادآوري است كه بخشهايي از عوالي، حدود چهار ميل از مدينه منوره، فاصله دارد.

سنت ششم: رسول الله ﷺ قضا شدن نماز عصر را مانند از دست اهل و مال می دانستند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «الَّذِي تَفُوتُهُ صَلَاةُ الْعَصْرِ كَأَنَّمَا وُتِرَ أَهْلُهُ وَمَالُهُ».[1]

ترجمه: عبد الله بن رضي الله عنهما مي‌گويد: رسول اكرم ﷺ فرمود: «كسي كه نماز عصرش فوت گردد، مانند اين است كه اهل و مالش را از دست داده باشد».

سنت هفتم: رسول الله ﷺ ترک نماز عصر را سبب از بين رفتن اعمال ميدانست.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عَنْ بُرَيْدَةَ رضی الله عنه: أَنَّهُ قَالَ فِي يَوْمٍ ذِي غَيْمٍ: بَكِّرُوا بِصَلَاةِ الْعَصْرِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ».[2]

ترجمه: روايت است كه بريده رضی الله عنه در يک روز ابري، فرمود: نماز عصر را زود بخوانيد زيرا رسول اكرم ﷺ فرمود: «هركس، نماز عصر را ترک نمايد، تمام اعمال نيكاش از بين مي‌رود».

سنت هشتم: رسول الله ﷺ مواظبت به نماز عصر وصبح را وسيلهء برای ديدار خالق متعال ميدانستند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عَنْ جَرِيرٍ رضی الله عنه قَالَ: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ، فَنَظَرَ إِلَى الْقَمَرِ لَيْلَةً، فَقَالَ: «إِنَّكُمْ سَتَرَوْنَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تُضَامُّونَ فِي رُؤْيَتِهِ، فَإِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ لَا تُغْلَبُوا عَلَى صَلَاةٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا فَافْعَلُوا». ثُمَّ قَرَأَ: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾.[3]

ترجمه: جرير بن عبد الله رضی الله عنه مي‌گويد: شبي، خدمت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) بوديم. ايشان به سوي ماه، نظر كرد و فرمود: «همينطور كه اين ماه را مي بينيد، پروردگارتان را خواهيد ديد. در اين مورد، هيچ مزاحمتي براي شما، وجود نخواهد داشت. (اگر مي خواهيد ديدار الله (سبحانه وتعالى) نصيب شما شود) سعي كنيد بر نمازهاي صبح و

---

[1]- حديث نمبر (552) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)
[2]- حديث نمبر (553) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)
[3]- حديث نمبر (554) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)

عصر، مواظبت نمایید. و حتماً این کار را انجام دهید». سپس، رسول الله ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: (الله (سبحانه وتعالی) را قبل از طلوع و قبل از غروب آفتاب، به پاکي یاد کنید).

سنت نهم: رسول الله ﷺ در یافت یک رکعت را قبل از غروب یا طلوع آفتاب سبب دریافت نماز میدانست.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ: «إِذَا أَدْرَكَ أَحَدُكُمْ سَجْدَةً مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ، فَلْيُتِمَّ صَلَاتَهُ، وَإِذَا أَدْرَكَ سَجْدَةً مِنْ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ، فَلْيُتِمَّ صَلَاتَهُ». (1)

ترجمه: ابوهریره رضي الله عنه مي گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «هر کس، یک رکعت از نماز عصرش را قبل از غروب آفتاب، دریابد، باید بقیه نماز را بخواند و کامل کند. و هر کس، یک رکعت از نماز فجرش را قبل از طلوع آفتاب، دریابد، باید بقیه نماز را بخواند و کامل نماید».

مطلب دوم: اذکار بعد از نماز عصر: رسول الله ﷺ بعد از نماز ظهر اذکار ذیل را میخواندند:

سنت اول: سه مرتبه استغفر الله.

سنت دوم: «اللهمّ أنت السّلام ومنك السلام تبارکت یا ذا الجلال والإکرام»

سنت سوم: «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ».

سنت چهارم: لا إلَه إلاّ اللّه وَحْدَهُ لا شريكَ له، لهُ الملكُ ولهُ الحَمْد، وهُوَ على كُلِّ شيءٍ قدير. لا حولَ وَلا قُوّةَ إلاّ باللّه، لا إله إلاّ اللّه، وَلا نَعْبُدُ إلاّ إيّاه، لهُ النعمة، ولَهُ الفضْلُ وَلَهُ الثَّناءُ الحَسن، لا إله إلاّ اللّه مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ ولوْ كَرِه الكافرُون.

سنت پنجم: آیت الکرسی.

سنت ششم: سوره‌ء اخلاص، الفلق و الناس.

سنت هفتم: 33 بار سبحان لله، 33 بار الحمد لله و 34 مرتبه الله اکبر.

1- حدیث نمبر (556) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (مشهور به صحیح البخاری)

سنت هشتم : 33 بار سبحان الله و 33 بار الحمد الله و 33 الله اکبر که 99 مرتبه مي شود، بگويد و براي کامل کردن صد مرتبه: «لا إله إلا الله، وحده لا شريک له، له الملک وله الحمده وهو علي کل شيء قدير».

سنت نهم: اللهم أعني على ذِکْرِکَ وشُکْرِکَ وحسْنِ عبادتک».

سنت دهم: «اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِکَ أَنْ أُرَدّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ فِتْنَةِ الدّنْيَا، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»

سنت يازدهم: «رَبّ قِنِي عَذَابَکَ يَوْمَ تَبْعَثُ أَوْ تَجْمَعُ عِبَادَکَ».

ياد داشت: دلايل اين سنتها قبلا دربخش نماز صبح ذکر گرديده است.

مطلب سوم: ستره قرار دادن در نماز ها

: رسول الله ﷺ در نمازهايش ستره را به اشکال ذيل مراعات مينمودند:

سنت اول: رسول الله ﷺ در تمام نمازها اداى نماز در عقب ستره که فاصله بين نماز خوان و ستره به اندازهء تير شدن يک گوسفند باشد، مراعات مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميکند: عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رضي الله عنه قَالَ: کَانَ بَيْنَ مُصَلّى رَسُولِ اللّهِ ﷺ وَبَيْنَ الْجِدَارِ مَمَرّ الشّاةِ. (1)

ترجمه: سهل بن سعد رضي الله عنه روايت مي کند که: فاصله جاي نماز رسول الله ﷺ و ديوار (مقابل) به اندازه‌اي بود که گوسفندي مي‌توانست از آنجا عبور کند.

سنت دوم: انس بن مالک براى سول الله ﷺ بر علاوهء ظرف آب چيزى را براى ستره گذاشتن نماز نيز حمل مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميکند: عَنْ أَنَسَ بْنِ مَالِکٍ رضي الله عنه قَالَ: کَانَ النّبِيّ ﷺ إِذَا خَرَجَ لِحَاجَتِهِ، تَبِعْتُهُ أَنَا وَغُلاَمٌ، وَمَعَنَا عُکّازَةٌ، أَوْ عَصًا، أَوْ عَنَزَةٌ، وَمَعَنَا إِدَاوَةٌ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْ حَاجَتِهِ نَاوَلْنَاهُ الإِدَاوَةَ (2)

ترجمه: ازانس بن مالک رضي الله عنه روايت است که مي‌فرمايد: هنگامي که رسول الله (صلى الله عليه وسلم) براي قضاي حاجت بيرون مي رفت، من و جواني ديگر، پشت سر او مي‌رفتيم و

1- حديث نمبر (496) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر (500) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)

يک آفتابه و عصا يا نيزه اي با خود مي برديم. و پس از قضاي حاجت، آفتابه را بايشان ميداديم تا وضو بگيرند.

سنت سوم: رسول الله ﷺ در عقب يک ستون نمازشان را ادا مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميکند:

عن سَلَمَةَ بْنِ الأَكْوَعِ رضي الله عنه: أنّهُ كان يُصَلّي عِنْدَ الأُسْطُوَانَةِ الّتي عِنْدَ الْمُصْحَفِ، فَقيلَ لهُ: يَا آبَا مُسْلم، آرَاكَ تَتَحَرّى الصّلاةَ عِنْدَ هَذه الاسْطُوَانَةِ؟ قَالَ: فَإِنّي رَأَيْتُ النّبيّ ﷺ يَتَحَرّى الصّلاةَ عِنْدَهَا.[1]

ترجمه: روايت است که سلمه بن اکوع رضي الله عنه نزديک ستون مصحف، (جاي ويژه قرآن) نماز مي‌خواند. پرسيدند: اي ابومسلم! تو را مي بينيم که بيشتر نزد اين ستون نماز مي خواني؟ پاسخ داد: من رسول الله (صلی الله عليه وسلم) را ديدم که سعي مي کرد کنار اين ستون نماز بخواند.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ در بعضی حالات مرکبش را ستره قرار ميداد ند .

دليل اين سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميکند:

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، عَنِ النّبيّ ﷺ: آنّهُ كَانَ يُعَرِّضُ رَاحِلَتَهُ فَيُصَلّي إِلَيْهَا، قيل لنافع: آفَرَآيْتَ إذَا هَبّتِ الرّكَابُ؟ قَالَ: كَانَ يَأْخُذُ هَذَا الرّحْلَ فَيُعَدّلُهُ، فَيُصَلّي إِلَى آخِرَته، أَوْ قَالَ مُؤَخّره، وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رضي الله عنه يَفْعَلُهُ.[2]

ترجمه: عبد الله ابن رضي الله عنهما روايت مي کند که رسول الله (صلی الله عليه وسلم) مرکبش را در جلوي خود قرار مي داد و به سوي آن نماز مي‌خواند. نافع مي‌گويد: پرسيدم: اگر سواري بر مي خاست و فرار مي‌کرد، آنگاه چه کار مي‌کرد؟ گفت: زين شتر را جلوي خود قرار مي داد و بسوي آخر آن، نماز مي‌خواند. راوي مي‌گويد: ابن رضي الله عنه نيز چنين مي‌کرد.

---

[1]- حديث نمبر(502) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر(507) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)

سنت پنجم: رسول الله ﷺ میفرمود: هرگاه، یکي از شما، چیزي را بین خود و مردم، ستره قرار داد و نماز خواند و شخصي خواست از جلویش بگذرد، او را دفع کند. و اگر نپذیرفت، با وي بجنگد زیرا او شیطان است.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند:

عن أبي سَعيد الْخُدْريّ رضی الله عنه: أنّهُ كان يُصَلّي يَوْم جُمُعَة إلَى شَيْء يَسْتُرُهُ منَ النّاس، فَأَرَادَ شَابٌّ منْ بَني أَبي مُعَيْط أَنْ يَجْتَازَ بَيْنَ يَدَيْه، فَدَفَعَ أَبُو سَعيد في صَدْره، فَنَظَرَ الشّابُّ فَلَمْ يَجدْ مَسَاغًا إلا بَيْنَ يَدَيْه، فَعَادَ ليَجْتَازَ، فَدَفَعَهُ أَبُو سَعيد أَشَدّ منَ الأولَى، فَنَالَ منْ أَبي سَعيد، ثُمّ دَخَلَ عَلَى مَرْوَانَ فَشَكَا إلَيْه مَا لَقيَ منْ أَبي سَعيد، وَدَخَلَ أَبُو سَعيد خَلْفَهُ عَلَى مَرْوَانَ، فَقَالَ: مَا لَكَ وَلابْن أَخيكَ يَا أَبَا سَعيد؟ قَالَ: سَمعْتُ النّبيّ ﷺ يَقُولُ: «إذَا صَلّى أَحَدُكُمْ إلَى شَيْء يَسْتُرُهُ منَ النّاس، فَأَرَادَ أَحَدٌ أَنْ يَجْتَازَ بَيْنَ يَدَيْه، فَلْيَدْفَعْهُ، فَإنْ أَبَى فَلْيُقَاتلْهُ، فَإنّمَا هُوَ شَيْطَانٌ». [1]

ترجمه: از ابوسعید خدري روایت است که وي روز جمعه، چیزي را بین خود و مردم سُتره قرار مي داد و نماز مي‌خواند. یکي از جوانان قبیله بني معیط، خواست از جلویش بگذرد. ابو سعید با دست به سینه اش زد و او را عقب راند. وي به اطرافش نگاه کرد (تا از جائي دیگر برود) اما چون راهي جز گذشتن از جلوي ابو سعید نیافت، دوباره سعي کرد تا از آنجا بگذرد. این بار ابوسعید با شدت بیشتري او را عقب راند. جوان، به ابوسعید ناسزا گفت. سپس نزد مروان رفت و از او شکایت کرد. ابوسعید بدنبال آن جوان، نزد مروان آمد. مروان به او گفت: ابوسعید! بین تو و برادرزاده ات (این جوان) چه نزاعي درگرفته است؟ ابوسعید رضی الله عنه گفت: شنیدم که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «هرگاه، یکي از شما، چیزي را بین خود و مردم، ستره قرار داد و نماز خواند و شخصي خواست از جلویش بگذرد، او را دفع کند. و اگر نپذیرفت، با وي بجنگد زیرا او شیطان است»

سنت ششم: رسول الله ﷺ برای گذشتن از مقابل نمازگذار گناه زیاد را بیان داشته اند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند:

[1] - حدیث نمبر (509) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (مشهور به صحیح البخاری)

عن أبي جُهَيْم ﷺ قَالَ: قَالَ: رَسُولُ اللّه ﷺ: «لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي مَاذَا عَلَيْه ، لَكَانَ أَنْ يَقِفَ أَرْبَعِينَ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ». قَالَ الراوي: لا أَدْرِي أَقَالَ: أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ شَهْرًا أَوْ سَنَةً. [1]

ترجمه: ابوجهيم ﷺ روايت مي كند كه رسول اكرم ﷺ فرمود: «كسي كه از جلوي نمازگزار ميگذرد ، اگر ميدانست كه اين كار چقدر گناه دارد ، تا چهل (سال) توقف مي نمود ولي از جلوي نمازگزار، عبور نمي كرد». راوي ميگويد: يادم نيست كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: چهل روز، ماه يا سال.

سنت هفتم: رسول الله ﷺ نماز خواندن در عقب كسيكه در خواب باشد نماز ادا نموده اند .

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّه عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُصَلِّي وَأَنَا رَاقِدَةٌ ، مُعْتَرِضَةٌ عَلَى فِرَاشِه ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُوتِرَ أَيْقَظَنِي فَأَوْتَرْتُ. [2]

ترجمه: عايشه رضي الله عنها ميفرمايد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نماز ميخواند در حالي كه من جلوي رسول الله ﷺ و روي رختخوابش خوابيده بودم. سپس هنگامي كه ميخواست نماز وتر بخواند ، مرا نيز بيدار مي كرد. من هم نماز وتر مي خواندم.

مطلب چهارم: اذكار بين نماز عصر الى مغرب (شام): رسول الله ﷺ در نشستن بعد از نماز عصر الى مغرب (غروب آفتاب) اين آيات ، سوره ها ، تسبيحات ودعا ها را ميگفتند و امتش را به آن توصيه مينمودند:

سنت اول: رسول الله ﷺ به خواندن آيت الكرسى بعد از نماز هاى فرض تشويق مينمودند.

دليل اين سنت: امام نسائى (رحمه الله) روايت ميكند: عن أبي أُمامة ﷺ قَالَ: قَالَ رسول الله ﷺ «منْ قرَأَ اية الكرسيِّ دُبُر كلِّ صلاة مكتوبة لم يمنعه من دُخُول الجنّة إلّا ان يموت». [3] رواهُ النسائي وصححه ابن حبّان. [1]

---

[1]- حديث نمبر (510) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر (512) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[3] - حديث نمبر (9928) سنن النسائى .

ترجمه: ابوامامه رضي الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هر كس كه آيت الكرسي را بعد از هر نماز فرض بخواند؛ جز مرگ، چيزي مانع ورود او به بهشت نخواهد بود».

سنت دوم: رسول الله ﷺ به خواندن سوره‌ء اخلاص ومعوذتين در صبح و شام توصيه مينمودند.

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند: عنْ عبد الله بن خُبَيْب رضي الله عنه قال: قال لي رَسُولُ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وسَلّم: «اقْرا: قُلْ هوَ اللّه آحَد، والمعوّذَتَيْن حِينَ تُمْسِي وَحِينَ تُصبح، ثلاثَ مَرّاتٍ تَكْفيكَ منْ كلّ شيْء». [2] **حديث صحيح است.** [3]

ترجمه: از عبد الله بن خبيب رضي الله عنه روايت شده كه گفت: رسول الله ﷺ برايم فرمود: چون شب مي كني يا صبح مي نمائي، سه بار قل هو الله احد و معوذتين (قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس) را بخوان، ترا از هر چيزي كفايت مي كند.

سنت سوم: رسول الله ﷺ شامگاهان ميگفتند: «اَمْسَيْنَا وأمْسى المُلكُ للّه، والحمْدُ للّه، لاَ إلهَ إلاّ اللّه وحْدَهُ لاَ شَريكَ لَه» قالَ الرواي: آرَاهُ قال فيهن: «لهُ المُلكُ وَلَه الحمْدُ وهُوَ عَلى كلّ شَيء قدير، ربّ أسْألُكَ خَيْرَ مَا في هذه اللّيلَة، وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وأعُوذُ بكَ منْ شَرّ مَا في هذه اللّيْلَةِ وشَرّ ما بعْدَهَا، ربّ أعُوذُ بِكَ مِن الكَسَل، وَسُوء الكِبْر، أعوذُ بكَ منْ عذَابٍ في النّار، وَعَذَابٍ في القبر»

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: عَن ابْن مَسْعُود ا قال: كانَ نبيُّ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وسَلّم إذَا أمسى قال: أمْسَيْنَا وأمْسى المُلكُ للّه، والحمْدُ للّه، لاَ إلهَ إلاّ اللّه وحْدَهُ لاَ شَريكَ لَه» قالَ الرواي: آرَاهُ قال فيهن: «لهُ المُلكُ وَلَه الحمْدُ وهُوَ عَلى كلّ شَيء قدير، ربّ أسْألُكَ خَيْرَ مَا في هذه اللّيلَة، وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وأعُوذُ بكَ منْ شَرّ مَا في هذه اللّيْلَةِ وشَرّ ما بعْدَهَا، ربّ أعُوذُ بكَ من الكَسَل، وَسُوء الكِبْر، أعوذُ بكَ منْ عذَابٍ في النّار، وَعَذَابٍ في القبر» وَإِذَا أَصْبحَ قَال ذلك أيْضا: «أصْبحْنَا وَأصْبَحَ المُلْكُ للّهِ» رواه مسلم. [4]

---

[1] - شيخ البانى حديث نمبر (1595) صحيح الترغيب والترهيب تاليف محمد ناصر الدين الألباني ، رياض: مكتبة المعارف ، رواه النسائي والطبراني بأسانيد أحدها صحيح ، وقال شيخنا أبو الحسن هو على شرط البخاري وابن حبان في كتاب الصلاة وصححه

[2] - حديث نمبر (5084 -) سنن ابى داوود .

[3] - حديث شماره (5082) صحيح وضعيف سنن ابى داوود.

[4] - حديث نمبر(7083) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).

ترجمه: از ابن مسعود ا روایت شده که: چون پیامبر صلي الله علیه وسلم شام مي كرد، مي فرمود: امسینا و امسي الملك لله ... ما و مالكیت براي الله (سبحانه وتعالی) شام كردیم و ثنا باد الله (سبحانه وتعالی) وند را معبود برحقي جز او نیست، یگانه است و شریكي ویرا نیست. راوي گفت: گمان مي كنم كه درآن گفت: له الملك وله الحمد و ... مالكیت و ثنا او راست، و او بر هر چیز قادر است، از تو خیر آنچه را كه در این شب است و خیر آنچه را بعد ازآ نست مي طلبم و از شر آنچه در این شب و بعد از آن است بتو پناه مي جویم، پروردگارا! من از تنبلي و زشتي كهنسالي بتو پناه مي جویم و چون صبح مي كرد، آن را همچنان مي گفت: اصبحنا و اصبح الملك لله.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ شامگاهان میگفتند: « **اللّهُمّ بِكَ أَمْسَيْنَا**، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میكند: عنْ أبى هُرَيرة رضي الله عنه عن النبيّ صَلّى اللهُ عَلَيْه وسَلّم أنّه كان يقول إذا أصْبَح: اللّهُمّ بكَ أصْبحْنَا وبكَ أمسَيْنَا وبكَ نَحْيا، وبكَ نَمُوت، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ وإذا أمْسى قال: « **اللّهُمّ بِكَ أَمْسَيْنَا**، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ». ابن ماجه (1) **حدیث صحیح است**. (2)

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است كه: رسول الله صلي الله علیه وسلم در هنگامیكه صبح مي كرد، مي فرمود: اللهم بك اصبحنا ... یا الله (سبحانه و تعالی)! به امر تو صبح كردیم و شام نمودیم و به امر تو زندگي كرده و مي میریم و بازگشت بسوي تست. و چون شام مي نمود، مي فرمود: اللهم بك أمسينا ... یا الله (سبحانه و تعالی)! به امر تو شام كردیم و زندگي كرده و مي میریم و بازگشت بسوي تست.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ فرموده اند كسیكه شامگاهان این دعا را بگویند ودر شب آن بمیرند، از اهل جنت میباشند. «اللّهُمّ أنْتَ رَبِّيْ لاَ إِلَهَ إلاّ أنْتَ، خَلَقْتَنِيْ وَأنَا عَبْدُكَ، وَأنَا

[1] - حدیث نمبر(**3868**) سنن ابن ماجه.
[2] - حدیث نمبر() **سنن ابن ماجه تالیف المؤلف : محمد بن یزید أبو عبدالله القزویني ، بیروت: دار الفكر ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، مع الكتاب : تعلیق محمد فؤاد عبد الباقي ، گفته است شیخ البانی حدیث را صحیح حكم نموده است.**

عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ».

دليل اين سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميكند: عن شَدَّادِ بْنُ أَوْسٍ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "سَيِّدُ الاسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لاَ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ" قَالَ: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا، فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا، فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الجَنَّةِ» [1]

ترجمه: از شداد بن اوس رضي الله عنه روايت است از نبی كريم صلی الله عليه وسلم كه فرمود: سيد استغفار اينست كه بگويد: الهی! تو پروردگار من هستی، بجز تو معبود ديگری«بحق» نيست، تو مرا آفريدی، و من بنده‌ی تو هستم، و بر پيمان و عده‌ام با تو بر حسب استطاعت خود، پايبند هستم، و از شر آنچه كه انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، به نعمتی كه به من عطا فرموده‌ای، اعتراف می‌كنم، و به گناهم اقرار می نمايم، پس مرا ببخشای، چرا كه بجز تو كسی گناهان را نمی‌بخشايد».

هركس هنگام شب آنرا با يقين بگويد و در آن شب بميرد، و يا صبح بگويد و در همان روز بميرد به بهشت وارد می‌شود.

ومسلما نان را تشويق مينمود ند كه اين تسبيحات ودعا ها را با فهم معا نی شان بخوا نند.

سنت ششم: رسول الله ﷺ به گفتن اين دعا در صبح و شام تشويق نموده است.

اللّهُمّ إِنّى أَمْسَيْتُ أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلاَئِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنّكَ أَنْتَ اللّهُ لاَ إِلَهَ إِلاّ أَنْتَ وَأَنّ مُحَمّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ.

دليل اين سنت: امام ابی داوود رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنّ رَسُولَ اللّهِ - صلى الله عليه وسلم- قَالَ « مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ أَوْ يُمْسِى اللّهُمّ إِنّى أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلاَئِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنّكَ أَنْتَ اللّهُ لاَ إِلَهَ إِلاّ أَنْتَ وَأَنّ مُحَمّدًا عَبْدُكَ

[1] - حديث نمبر (6306) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری).

وَرَسُولُكَ أَعْتَقَ اللّهُ رُبْعَهُ مِنَ النّارِ فَمَنْ قَالَهَا مَرّتَيْنِ أَعْتَقَ اللّهُ نِصْفَهُ وَمَنْ قَالَهَا ثَلاَثًا أَعْتَقَ اللّهُ ثَلاَثَةَ أَرْبَاعِهِ فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللّهُ مِنَ النّارِ». [1]

ترجمه : انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت میکند که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هرکسی هنگامیکه صبح وشام میکند بگوید :الهی ! من در این صبحگاه، تورا و حاملان عرش و تمام فرشتگانت و کلیّه مخلوقات تورا گواه می‌گیرم بر این که تو الله هستی، بجز تو معبود دیگری «بحق» وجود ندارد، تو یگانه‌ای و شریکی نداری، و محمد ص بنده و فرستاده‌ی تواست). الله (سبحانه وتعالی) چهارم حصه ء وجودش را از آتش نجات میدهد، وکسیکه دو بار بگوید نصفش را کسیکه سه مرتبه بگوید سوم حصه اش را و کسیکه چهار مرتبه بگوید (تمام بدنش را) الله (سبحانه وتعالی) از آتش نجات میدهد.

درمورد سند این حدیث شیخ البانی آنرا حدیث ضعیف گفته است. [2] **ولی علمای دیگری نظریات دیگری دارند ، مثلا : عبد المحسن العباد در شرح سنن ابی داوود میگوید : والحديث ضعفه الألباني لأن في إسناده مجهولاً ، وفيه مكحول وهو مدلس ويرسل ، لكنه جاء من طريق أخرى يمكن أن يحسن بها ، فإذا انضم إليه الطريق الآخر يكون الحديث مقبولاً.** [3]

ترجمه : حدیث ا امام البانی ضعیف گفته است ، زیرا در اسنادش مجهول است ، ودر آن مکحول است که او مدلس است و رواتش مرسل است ، لکن این حدیث از طریق دیگری

---

[1] - در حدیث نمبر (5071) سنن ابی داوود. مشکل اینجاست که شیخ البانی رحمه الله این حدیث را ضعیف گفته است ولی در کتابش بنام السلسله الصحیحه حدیث دیگری را با کمی تفاوت متن آورده و آنرا صحیح بیان داشته است ، 267 - " من قال : اللهم إني أشهدك ، و أشهد ملائكتك ، و حملة عرشك ، و أشهد من في السموات و من في الأرض أنك أنت الله ، لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك ، و أشهد أن محمدا عبدك و رسولك ، من قالها مرة أعتق الله ثلثه من النار ، و من قالها مرتين أعتق الله ثلثيه من النار ، و من قالها ثلاثا أعتق الله كله من النار " . قال الألباني في "السلسلة الصحيحة" 1 / 476 :أخرجه الحاكم (1 / 523) من طريق حميد بن مهران حدثنا عطاء عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : حدثنا سلمان الفارسي قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : فذكره .و قال : " صحيح الإسناد " ، و وافقه الذهبي و هو كما قالا . و له شاهد من حديث أنس مرفوعا نحوه مقيدا بالصباح و المساء ، و سنده ضعيف كما بينته في " سلسلة الأحاديث الضعيفة " رقم (1041) . لسلسلة الصحيحة المجلدات الكاملة 1-9المؤلف : محمد ناصر الدين الألباني، 266/1 مکتبه شامله ، ولی مشکل دوباره در مورد این حدیث نیز پیدا شده است ، که در شماره (ثم ذكر في الاستدراك (537/1) أنَّه يحتمل أن يكون ضعيفا، فليتنبه.) کتاب تراجعات شیخ البانی باز در مورد همین حدیثی که در سلسله صحیحه ، صحیح گفته است نوشته : ثم ذكر في الاستدراك (537/1) أنَّه يحتمل أن يكون ضعيفا، فليتنبه. تراجعات العلامة الألباني في التصحيح والتضعيف 37/1(مکتبه شامله).

[2] - حدیث نمبر (5069)صحيح وضعيف سنن أبي داود تالیف محمد ناصر الدين الألباني آنرا حدیث ضعیف بیان داشته و گفته است: تحقيق الألباني :ضعيف الترمذي (3747) // (693) ، و سيأتي برقم (1082 / 5078) .

[3] - شرح سنن أبي داود تالیف عبد المحسن العباد ، 35/29.

آمده است که میتواند با آن حسن شود ، وقتیکه به همرایش طریق دیگر یکجا شود ، حدیث مقبول میباشد.

حاکم نیسابوری میگوید: حدیث صحیح إسناد است ولی بخاری ومسلم آنرا نگرفته اند. [1]

محمد بن خلیفه تمیمی در تحقیقش بالای کتاب ابو جعفر عبسی بعد ازینکه اقوال علماء در مورد این حدیث ذکر میکند ، میگوید: سند حدیث حسن است . امام نووی اسنادش را خوب گفته در کتاب اذکارش ص 74 ، و حافظ ابن حجر در کتاب نتائج الأبکار "گفته است که: "حسن غریب ". [2]

مولف کتاب (التعقبات فی التصحیح و التحسین علی الألبانی) میگوید: البانی ضعیف گفته است ولی شیخ میگوید که حسن است قال الألبانی: ضعیف وقال الشیخ: حسن [3]

ترجمه: البانی ضعیف گفته است وشیخ گفته است که حدیث حسن است.

صاحب حصن المسلم ، حدیث را درکتابش ذکر نموده ، ودر مورد اسناد میگوید: که شیخ ابن باز إسنادش را در تحفة الأخیار حسن گفته است. [4]

علامه مبارکفوری بعد ازینکه اقوال علماء را درین مورد ذکر میکند ، میگوید: این حدیث را حافظ ابن حجر حسن بیان داشته است. [5]

به اساس این اقوال میتوان گفت که حدیث با تمامی روایات آن و با تعلیقات علمای اسلام حدیث حسن بیان شده است ، والله (سبحانه وتعالی) اعلم بالصواب.

سنت هفتم : رسول الله ﷺ درصبح و شام میگفتند: **اللهم عافني في بدني، اللهم عافني في سمعي، اللهم عافني في بصري، لا إله إلا أنت** "، (3 مرتبه صبح و3مرتبه شام) "**اللهم إني أعوذ بک من الکفر والفقر، اللهم إني أعوذ بک من عذاب القبر، لا إله إلا أنت** ". (3

---

[1] - حدیث نمبر (1920) المستدرك على الصحيحين تالیف محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري ، بيروت: دار الكتب العلمية، ط1، (1411 – 1990) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، مع الكتاب : تعليقات الذهبي في التلخيص).

[2] - العرش وما رُوِي فيه تالیف ابی جعفر محمد بن عثمان بن أبي شيبة العبسي المتوفى : 297هـ) ، تحقيق محمد بن خليفة بن علي التميمي ، رياض : مكتبة الرشد، ط1، (1418هـ/1998م) ، 363/1.

[3] - الكتاب : التعقبات فی التصحيح و التحسين على الألبانی ، 19/1.

[4] - أبو داود 4 / 324 , وأحمد 5 / 42 والنسائي في عمل اليوم والليلة برقم 22 وابن السني برقم 69 والبخاري في الأدب المفرد وحسن العلامة ابن باز إسناده في تحفة الأخيار ص 26 . وی به اساس گفتهء شیخ ابن باز اکتفاء نموده که سندش را حسن بیان داشته است. حصن المسلم من أذكار الكتاب والسنة تالیف سعيد بن علي وهف القحطاني ، ط1، رياض: وزارت اوقاف، (1409هـ) ، 39/1. مکتبه شامله.

[5] - قد حسن هذا الحديث الحافظ ابن حجر في أمالي الأذكار كما نقله عنه ابن علان في الفتوحات الربانية (ج3 : ص105 ، 106) . مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح تالیف ابی الحسن عبيد الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين الرحماني المباركفوري (المتوفى : 1414هـ) ، بنارس ، هند: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء ، ط3، (1404 هـ ، 1984 م) ، 141/8.

مرتبه صبح و3مرتبه شام) اللهم رحمتك أرجو، ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا أنت "

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله در ادب مفرد روايت ميكند و شيخ البانى در صحيح ادب مفرد ذكر نموده است: عن عبد الرحمن بن أبي بكرة، أنه قال لأبيه: يا أبت ! إني أسمعك تدعو كل غداة: "اللهم عافني في بدني، اللهم عافني في سمعي، اللهم عافني في بصري، لا إله إلا أنت "، تعيدها ثلاثاً حين تمسي، وحين تصبح ثلاثاً، وتقول: "اللهم إني أعوذ بك من الكفر والفقر، اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، لا إله إلا أنت ". تعيدها ثلاثاً حين تمسي، وحين تصبح ثلاثاً؟ فقال: نعم؛ يا بني ! سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول بهن. وأنا أحب أن أستن بسنته. قال: وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " دعوات المكروب: اللهم رحمتك أرجو، ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا أنت ". حديث حسن است. (1)

ترجمه: از عبد الرحمن بن أبي بكرة رضى الله عنه روايت كه براى پدرش گفت: پدر از شما ميشنوم كه هر صبح دعا ميكنند كه :اللهم عافني في بدني، اللهم عافني في سمعي، اللهم عافني في بصري، لا إله إلا أنت "، (3 مرتبه صبح و3مرتبه شام) "اللهم إني أعوذ بك من الكفر والفقر، اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، لا إله إلا أنت ". (3 مرتبه صبح و3مرتبه شام) يعنى (يا الله (سبحانه وتعالى) ! در بدنم عافيت ده، يا الله (سبحانه وتعالى) ! در گوشم عافيت ده، يا الله (سبحانه وتعالى) ! در چشمم عافيت ده، بجز تو معبود ديگرى «بحق» وجود ندارد، از كفر به تو پناه مى‌برم، از فقر به تو پناه مى‌برم، از عذاب قبر به تو پناه مى‌برم، بجز تو معبود ديگرى «بحق» وجود ندارد). گفت: بلى فرزندم ! من از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنيدم كه اين كلمات را ميگفت. ميخواهم به روش وى عمل كنم ، فرمود: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: " دعاى كسيكه بالايش سختى آمده است :اللهم رحمتك أرجو، ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا أنت ".

---

[1] - صحيح الأدب المفرد للإمام البخاري تاليف محمد ناصر الدين الألباني ،ناشر : دار الصدّيق، ط1☹ 1421هـ)، 262- باب الدعاء عند الكرب – 292، 701/542 (حسن)

سنت هشتم : رسول الله ﷺ این دعا را در صبح وشام ترک نمیکردند:اللّهُمّ إنّيْ أسْألُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافيَةَ فيْ الدُّنْيَا وَالآخرَة، اللّهُمّ إنّيْ أسْألُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافيَةَ فيْ دينْي وَدُنْيَايَ، وَأهْليْ، وَمَاليْ، اللّهُمّ اسْتُرْ عَوْرَاتيْ، وَآمنْ رَوْعَاتيْ، اللّهُمّ احْفظْني منْ بَيْن يَدَيّ، وَمنْ خَلْفيْ، وَعَنْ يَميْنيْ، وَعَنْ شمَاليْ، وَمنْ فَوْقيْ، وَأعُوْذُ بعظْمَتكَ أنْ أُغْتَالَ منْ تَحْتيْ».

دلیل این سنت: امام ابن ماجه رحمه الله روایت میکند: عن ابْنَ عُمَرَ يَقُولُ: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّه صَلّى اللَّه عَلَيْه وسَلّمَ يَدَعُ هَؤُلَاء الدّعَوَات حينَ يُمْسي ، وَحينَ يُصْبحُ: اللّهُمّ إنّي أسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافيَةَ في الدُّنْيَا وَالآخرَة ، اللّهُمّ أسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافيَةَ في ديني وَدُنْيَايَ وَأهْلي وَمَالي ، اللّهُمّ اسْتُرْ عَوْرَاتي ، وَآمنْ رَوْعَاتي ، وَاحْفَظْني منْ بَيْن يَدَيّ ، وَمنْ خَلْفي ، وَعَنْ يَميني ، وَعَنْ شمَالي ، وَمنْ فَوْقي ، وَأَعُوذُ بكَ أنْ أُغْتَالَ منْ تَحْتي.قَالَ وَكيعٌ: يَعْني الْخَسْفَ.[1] حديث صحيح است.[2]

ترجمه : از عبدالله بن رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) این دعا ها را شامگاهان وصبحگاهان ترک نمیکردند: (الهی ! عفـو و عافیت دنیا و آخرت را از تـو می‌خواهم. بارالها ! عفو و عافیت دین، دنیا، خانواده و مالم را از تو مسألت می نمایم. بار الها ! عیوب مرا بپوشان و ترس مرا به ایمنی مبدّل ساز. الهی ! مرا از جلو، پشت سر، سمت راست و چپ و بالای سرم، محافظت بفرما، و به بزرگی و عظمت تو پناه می‌برم از اینکه بطور ناگهانی از طرف پایین کشته شوم).

سنت نهم : رسول الله ﷺ به ابی بکر صدیق توصیه نمودند که این دعا را صبح وشام ودررفتن به بستر بخوانند: «اللّهُمّ عَالمَ الْغَيْب وَالشّهَادَة فَاطرَ السّمَوَات وَالأرْض، رَبّ كُلّ شَيْء وَمَليْكَهُ، أشْهَدُ أنْ لاَ إلَهَ إلاّ أنْتَ، أعُوْذُ بكَ منْ شَرّ نَفْسيْ، وَمنْ شَرّ الشّيْطَان وَشركه، وَأنْ أقْتَرفَ عَلَى نَفْسيْ سُوْءاً، أوْ أجُرّهُ إلَى مُسْلم».

دلیل این سنت: امام ابی داوود رحمه الله روایت میکند عنْ ابی هُريرة رضی الله عنه أنّ أبا بَكر الصّدّيق، رضيَ اللّه عنه، قالَ: يَا رَسُولَ اللّه مُرْني بكَلمَات أقُولُهُنّ إذَا أصْبَحْتُ وإذَا أمْسَيتُ، قالَ: قُل: «اللّهُمّ فَاطرَ السّمَوَات والأرض عَالمَ الغَيْب وَالشّهَادَة، ربّ كُلّ شَيءٍ وَمَليكَه. أشْهَدُ أن لاَ إله

---

[1] - حدیث نمبر (3871-) سنن ابن ماجه.
[2] - حدیث نمبر 3871 صحیح سنن ابن ماجه شیخ البانی به صحیح بودن حدیث حکم نموده است.

إلاّ أنت، أعُوذُ بكَ منْ شَرِّ نَفسي وشَرِّ الشّيْطَان وَشرْكه» قال: «قُلْها إذا أصْبحْت، وَإذا أمْسَيْت، وإذا أخذْتَ مَضْجعَكَ» رواه أبو داود [1] حديث صحيح است. [2]

ترجمه: از ابو هريره ﷺ روايت است كه:ابوبكر صديق رضي الله عنه گفت: يا رسول الله صلي الله عليه وسلم مرا به كلماتي امر كن كه چون صبح و شام مي كنم، بگويم.

فرمود: بگو: يا الله ! آفريننده‌ء آسما نها و زمين، عالم به پيدا و نهان، پروردگار و مالك همه چيز، شهادت مي دهم كه معبود بر حقي جز تو نيست و از شر نفس خود و شيطان و دعوت او به شرك، بتو پناه مي جويم.

فرمود: چون صبح نمودي يا شام كردي و زما نيكه در بسترت قرار گرفتي آ نرا بگو.

سنت دهم : رسول الله ﷺ به گفتن اين دعا در صبح و شام سه سه مرتبه دعوت مينمود:

بسْم اللّه الّذي لاَ يَضُرُّ مَعَ اسْمه شيء في الأرض ولا في السماء وَهُوَ السّميعُ الْعليم.

دليل اين سنت: امام ابن ماجه رحمه الله روايت ميكند : عَنْ عُثْمَانَ بْنَ عَفّانَ يَقُولُ : سَمعْتُ رَسُولَ اللّه صَلّى اللّه عَلَيْه وسَلّمَ يَقُولُ : مَا منْ عَبْد يَقُولُ في صَبَاح كُلّ يَوْم ، وَمَسَاء كُلّ لَيْلَة : بسْم اللّه الّذي لاَ يَضُرُّ مَعَ اسْمه شَيْءٌ في الأَرْض وَلاَ في السّمَاء ، وَهُوَ السّميعُ الْعَليمُ ، ثَلاَثَ مَرّات ، فَيَضُرّهُ شَيْءٌ.» [3] حديث صحيح است. [4]

ترجمه :- از عثمان بن عفان ﷺ روايت است كه:رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: هيچ بنده اي نيست كه در هر صبح و هر شام سه بار بگويد: بسم الله الذي لا يضر ... بنام الله (سبحا نه وتعالی) كه با نامش هيچ چيزي در زمين و آسمان ضرر نمي رسا ند و او شنوا و دا ناست، مگر اينكه هيچ چيزي بوي ضرر نمي كند.

سنت يازدهم : رسول الله ﷺ «رَضيْتُ باللّه رَبّاً ، وَبالإسْلاَم ديْناً ، وَبمُحَمّد نَبيًّا وَرَسُوْلاً».

دليل اين سنت: امام طبرانی رحمه الله روايت ميكند : عَن الْمُنَيْذر، صَاحب رَسُول اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ وَكَانَ يَكُونُ بإفْريقيّةَ ، قَالَ: سَمعْتُ رَسُولَ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ يَقُولُ:مَنْ

---

[1] - حديث نمبر (5069) سنن ابى داوود. -
[2] - حديث نمبر (5067 صحيح وضعيف سنن ابى داوود. شيخ البانى حديث صحيح گفته است.
[3] - در حديث نمبر 3869 سنن ابن ماجه.
[4] - حديث نمبر (3120 - (صحيح ابن ماجه)

قَالَ إذَا أَصْبَحَ: رَضِيتُ بِاللّه رَبًّا، وَبِالإِسْلام دِينًا، وَبِمُحَمّدٍ نَبِيًّا، فَأَنَا الزّعِيمُ لآخُذَ بِيَدِه حَتّى أُدْخِلَهُ الْجَنّةَ. [1] حدیث صحیح است. [2]

ترجمه: از منیذر رضی الله عنه صحابی رَسُول اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ که در افریقیا میبود، فرمود: من از رَسُولَ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ شنیدم که میفرمودند: هرکسی صبحگاهان بگوید: رَضِيتُ بِاللّه رَبًّا، وَبِالإِسْلامِ دِينًا، وَبِمُحَمّدٍ نَبِيًّا، فَأَنَا الزّعِيمُ لآخُذَ بِيَدِه حَتّى أُدْخِلَهُ الْجَنّةَ.

«راضی هستم که اللّه رب من است و اسلام دین من است و محمد رسول اللّه (صلی اللّه علیه وسلم) پیامبر من، است». من ضما نتش میکنم که دستش را بگیرم و به جنت داخلش نمایم.

سنت دوازدهم: رسول الله ﷺ به بی بی فاطمهء رضی الله عنها میگفت که صبحگانان وشامگان بگوید: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحَمَتِكَ اَسْتَغِيْثُ اَصْلِحْ لِي شَأْنِيْ كُلّهُ وَلاَ تَكِلْنِيْ إلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ».

دليل اين سنت: امام نسائی رحمه الله روايت ميكند: عن أَنَسَ بْنَ مَالِك، يَقُولُ: قَالَ النّبيُّ صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ لِفَاطِمَةَ: مَا يَمْنَعُكِ أَنْ تَسْمَعِي مَا أُوصِيكِ بِه، أَنْ تَقُولِي إذَا أَصْبَحْتِ وَإِذَا أَمْسَيْتِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ، أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلّهُ، وَلاَ تَكِلْنِي إلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ. [3] حدیث صحیح است. [4]

ترجمه: از أنس بن مالك رضي الله عنه روايت كه رسول الله صلى الله عليه وسلم براى بى بى فاطمه رضي الله عنها فرمودند: چى چيز ترا مانع ميشود كه به وصيت من گوش دهى؟ اينكه در صبحگاهان وشامگاهان بگويى: يا حي يا قيوم برحمتك أستغيث، وأصلح لي شأني كله، ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين أبدا ".

---

[1] - حدیث نمبر(17225) الكتاب : المعجم الكبير تاليف سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى : 360هـ).
[2] - حدیث نمبر (2686 سلسلهء صحيحه شيخ البانى آنرا حديث صحيح ذكر نموده است.
[3] - حدیث نمبر 10330 السنن الكبرى النسائى .
[4] - حدیث نمبر (227) السلسله الصحيحه.

يعنی ای ذات زنده‌ء حقيقی و تدبير كننده‌ء تمامی عالم هستی ، رحمتت را مطالبه مينمايم ، تمامی امورات زنده گی ام را اصلاح نما ، و مرا به اندازه‌ء يک مژه به هم زدن به نفسم ابدا مگزار.

سنت سيزدهم: رسول الله ﷺ توصيه نمود كه در شامگاهان اين دعا را بخوانيد : «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلّه رَبّ الْعَالَمِيْنَ ، اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذه الليلة فَتْحَهَا ، وَنَصْرَهَا ، وَنُوْرَهَا ، وَبَرَكَتَهَا ، وَهُدَاهَا ، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرّ مَا فِيْهَا وَشَرّ مَا بَعْدَهَا».

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند : كه أبي مالك الأشعري رضی الله عنه فرمود: إذا أصبح أحدكم فليقل: أصبحنا و أصبح الملك لله رب العالمين اللهم أني أسألك خير هذا اليوم فتحه و نصره و نوره و بركته و هداه و أعوذ بك من شر ما فيه و شر ما قبله و شر ما بعده ثم إذا أمسى فليقل مثل ذلك(حسن). [1] حديث حسن است. [2]

سنت چهاردهم: رسول الله ﷺ صبح و شام اين دعا را ميخواندند: «أَمْسَيْنَا عَلَى فِطْرَةِ الإِسْلاَمِ وَعَلَى كَلِمَةِ الإِخْلاَص ، وَعَلَى دِيْنِ نَبِيّنَا مُحَمّدٍ ﷺ ، وَعَلَى مِلّةِ أَبِيْنَا إِبْرَاهِيْمَ ، حَنِيْفاً مُسْلِماً وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ».

دليل اين سنت: امام هيثمی رحمه الله روايت ميكند : - وعن عبد الرحمن بن أبزى عن النبي صلى الله عليه وسلم ، كان يقول إذا أصبح وإذا أمسى: "أصبحنا على ملة الإسلام - أوأمسينا على فطرة الإسلام - ، وعلى كلمة الإخلاص ، وعلى دين نبينا محمد صلى الله عليه وسلم ، وعلى ملة أبينا إبراهيم حنيفاً مسلماً وما كان من المشركين ". ./رواه أحمد والطبراني ورجالهما رجال الصحيح. [3]

ترجمه : ازا بن عبد الرحمن بن ابزی از نبی كريم صلى الله عليه و سلم كه كه صبح و شام ميگفتند : (ما بر فطرت اسلام ، كلمه‌ی اخلاص ، دين پيامبرمان محمد ﷺ و آئين پدرمان

---

[1] - حديث نمبر (352) مصابيح التنوير على صحيح الجامع الصغير ، (مختصر فيض القدير شرح الجامع الصغير للإمامِ عبد الرؤوف المناوي) ، تاليف محمد بن ناصر الدين الألباني ، إعداد وترتيب : أبو أحمد معتز أحمد عبد الفتاح.

[2] - حديث نمبر (352) مصابيح التنوير على صحيح الجامع الصغير شيخ البانى حديث حسن گفته است).

[3] - در حديث نمبر **17003 مجمع الزوائد ومنبع الفوائد تاليف الحافظ نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي المتوفى سنة 807 بتحرير الحافظين الجليلين: العراقي وابن حجر.**

ابراهیم ؛ صبح کردیم، همان ابراهیمی که فقط به سوی حقّ، تمایل داشت و فرما نبردار الله (سبحانه وتعالی) بود، وازمشرکان نبود).

سنت پانزدهم : رسول الله ﷺ به گفتن 100 مرتبه سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ درصبح و شام تشویق مینمود ند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "مَنْ قَالَ: حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمْسِي: سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، مِائَةَ مَرَّةٍ، لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ، إِلَّا أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ "[1] حدیث صحیح است.

ترجمه : از ابی هریره رضی الله عنه روایت که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هرکسی درصبحگاهان وشامگاهان (100) مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ». درروز قیامت هیچ کس درجه ای برتر ازاو را نخواهد داشت، مگر کسی که این ذکر را ما نند او، یا بیشتر ازاو خوانده باشد.

سنت شانزدهم : رسول الله ﷺ به گفتن 100 مرتبه «لاَ إلَه إلاّ اللهِ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ». تشویق مینمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: "مَنْ قَالَ: لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، كَانَتْ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ، وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ، وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ، إِلَّا أَحَدٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ ". بخاری (2)

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هرکس، روزانه صد بار لا إِلَهَ إلاّ اللّهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگويد، به اوبه اندازهٔ آزاد ساختن ده برده، ثواب مي رسد. و همچنين صد نيكي برايش نوشته مي شود و صد گناه از گناهانش، پاک مي گردد و آنروز تا شب از شيطان، حفاظت مي شود. و هيچ كس (در روز

[1] -
[2] - حدیث نمبر (6403) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامــه(مشهور به صحیح البخاری)..

قیامت) عملي بهتر ازآن نمي آورد مگر فردي كه عمل بيشتري انجام دهد». يعني همين كلمه را بيشتر بگويد ويا به طوركلي، اعمال بيشتري انجام داده باشد.

سنت هفدهم : رسول الله ﷺ اين كلمات را بسيار با وزن بيان داشته اند «سُبْحَانَ اللَّه وَبِحَمْدِه عَدَدَ خَلْقِه، وَرِضَا نَفْسِه، وَزِنَةَ عَرْشِه وَمِدَادَ كَلِمَاتِه». سه سه مرتبه بخوانند.

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند : عَنْ جُوَيْرِيَةَ أَنَّ النَّبِىَّ -صلى الله عليه وسلم- خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا بُكْرَةً حِينَ صَلَّى الصُّبْحَ وَهِىَ فِى مَسْجِدِهَا ثُمَّ رَجَعَ بَعْدَ أَنْ أَضْحَى وَهِىَ جَالِسَةٌ فَقَالَ « مَا زِلْتِ عَلَى الْحَالِ الَّتِى فَارَقْتُكِ عَلَيْهَا ». قَالَتْ نَعَمْ. قَالَ النَّبِىُّ -صلى الله عليه وسلم- « لَقَدْ قُلْتُ بَعْدَكِ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ لَوْ وُزِنَتْ بِمَا قُلْتِ مُنْذُ الْيَوْمِ لَوَزَنَتْهُنَّ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ ». (1)

ترجمه : از مادر مومنان جُوَيْرِيَةَ رضى الله عنها روايت است : كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) از نزد وى صبحگاهان هنگاميكه نماز صبح را ادا نمود ، بيرون رفت و وى در مكان نمازش بود ، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) بعد ازينكه وقت ضحى داخل شده بود ، برگشتند ، و مادر مومنان در جاى شان نشسته بود ند ، پرسيد: « تا كنون در جايى نشستى كه من از نزدت رفتم». گفت: بلىْ. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود ند كه من بعد از شما چهار كلمه را سه سه مرتبه گفتم: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ ». كه اگر آنا نرا با آنچه گفته اى وزن نمايى ، هم وزن ميشوند.

سنت هژدهم : رسول الله ﷺ 100 مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» ميگفتند.

دليل اين سنت: امام رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً». (2)

ترجمه: ابوهريره رضي الله عنه مي گويد: شنيدم كه رسول الله ﷺ فرمود: «به الله (سبحا نه وتعالى) سوگند كه من روزانه ، بيش از هفتاد بار از الله (سبحا نه وتعالى) ، طلب آمرزش كرده و توبه مي كنم».

---

[1] - حديث نمبر(7088) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[2] - حديث نمبر (6307) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

سنت نزدهم: رسول الله ﷺ « به گفتن أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خلق در شامگاهان تشویق مینمود ند.

دلیل این سنت: امام رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَقِيتُ مِنْ عَقْرَبٍ لَدَغَتْنِي الْبَارِحَةَ قَالَ: " أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خلق لم تَضُرَّكَ ". [1]

ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که شخصی به نزد رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد وگفت: ای رَسُولَ اللَّهِ ﷺ شب مرا گژدم گزید و چی دردی احساس نمودم ! فرمود ند: اگر شامگاهان میگفتی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خلق برایت ضرری نمی رسا ند.

سنت بیستم: رسول الله ﷺ به درود گفتن بالای شان مومنان را توصیه مینمود ند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله در صحیح مسلم روایت میکند: عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ « مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا ». [2]

ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت که رسول الله ﷺ فرمود ند ، کسیکه بالای من یک مرتبه درود بفرستد ، الله سبحا نه وتعالی بالایش ده مرتبه رحمت میفرستد.

سنت بیست و یکم: رسول الله ﷺ برای زدودن شرک این دعا را توصیه مینمود ند. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لا أَعْلَمُ.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله در الادب المفرد روایت میکند: عن مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ يَقُولُ: انْطَلَقْتُ مَعَ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم ، فَقَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ ، لَلشِّرْكُ فِيكُمْ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ ، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: وَهَلِ الشِّرْكُ إِلاَّ مَنْ جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، لَلشِّرْكُ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ ، أَلاَ أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ إِذَا قُلْتَهُ ذَهَبَ عَنْكَ قَلِيلُهُ وَكَثِيرُهُ؟ قَالَ: قُلِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لا أَعْلَمُ. [3] حدیث صحیح است. [4]

---

[1]- حدیث نمبر(7055 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[2] - حدیث نمبر(939) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم).
[3] - حدیث شماره 716-الادب المفرد.
[4] - حدیث شماره (716/554) (صحيح الادب المفرد)

ترجمه: از مَعْقِل بْنِ يَسَار ﷺ مي گويد: من با با همراهی ابی بکر صديق ﷺ به نزد رسول الله ﷺ رفتيم ،رسول الله ﷺ فرمود: ای ابا بکر ﷺ ! شرک در ميان شما از مورچه های کوچک بسيار مخفی تر است ، أَبُو بَكْر ﷺ فرمود : آيا شرک به غير اينست که کسی با الله سبحا نه وتعالی معبودی ديگری بگيرد ؟ رسول الله صلی الله عليه وسلم فرمود: قسم به ذاتی که نفسم بدست اوست ، شرک از مورچه های کوچک بسيار مخفی تر است ، آيا شما را به چيزی رهنمايی نکنم که هرگاه آنرا بگويی ، کم وزياد شرک ميرود ؟ رسول الله ﷺ فرمود ، بگوييد : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لا أَعْلَمُ.

سنت بيست ودوم : رسول الله ﷺ ميگفتند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ.

دليل اين سنت: امام بخاري رحمه الله روايت ميکند : عن انس ﷺ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ.[1]

ترجمه: انس ﷺ مي گويد: رسول الله ﷺ ميگفت: يا الله (سبحا نه وتعالی) من به تو پناه ميبرم از وهميات ، جگرخونی ،عاجزی ، کسالت ، بزدلي، بخيلی ، غلبهء قرض و غلبهء انسا نها ».

سنت بيست وسوم : سه مرتبه گفتن أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق» در شامگاهان.

دليل اين سنت: صاحب الجامع الصغير (رحمه الله) روايت ميکند: عن أبي هريرة من قال حين يمسي ثلاث مرات : أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق لم يضره لدغة حية في تلك الليلة.[2] حديث صحيح است.[3]

---

[1] - حديث نمبر (6369-) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

[2] - حديث نمبر(11373) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته تاليف محمد ناصر الدين الألباني الناشر : المكتب الإسلامي، (ب ط) ، (ب ت) .

[3] - حديث نمبر(11373) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته تاليف محمد ناصر الدين الألباني الناشر : المكتب الإسلامي، (ب ط) ، (ب ت) .

ترجمه : از أبي هريرة رضی الله عنه روايت است که فرمود : هرکسی شامگاهان سه مرتبه بگويد : أعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق) گزيدن مار برای او در آن شبب ضرر نمی رساند.

فصل دوم

تقسيم اوقات شبانهء رسول الله (صلى الله عليه وسلم)

درين فصل موضوعات ذيل را ميخوانيم.

بحث اول : نماز شام .

بحث دوم : نماز خفتن .

بحث سوم : هنگام خواب .

بحث چهارم : بيدار شدن در ثلث شب.

بحث پنجم: نماز وتر.

بحث اول

نماز مغرب (شام)

مطلب اول: سنتهای نماز مغرب (شام): رسول الله ﷺ در هنگام داخل شدن مغرب امور ذیل را انجام میدادند:

سنت اول: رسول الله ﷺ به خواندن نماز نفل تشویق مینمودند:

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَبْدِاللّه الْمُزَنِيّ - رضي الله عنه - عَنِ النَّبِيّ - صلى الله عليه وسلم - قَالَ: «صَلُّوا قَبْلَ صَلاَةِ الْمَغْرِبِ». قَالَ فِي الثَّالِثَةِ: «لِمَنْ شَاءَ». كَرَاهِيَةَ أَنْ يَتَّخِذَهَا النَّاسُ سُنَّةً. (1)

ترجمه: عبد الله مزني - رضي الله عنه - مي گويد: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «قبل از نماز مغرب، دو ركعت نماز بخوانيد». و اين جمله را سه بار، تكرار كرد. و پس از تكرار سوم، فرمود: «هر كس كه بخواهد». و جمله فوق را به خاطر اين فرمود كه دوست نداشت، مردم آنرا سنت مؤكده تلقي كنند.

سنت دوم: رسول الله ﷺ نماز شام را دراول وقت ادا مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ رضي الله عنه يَقُولُ: كُنَّا نُصَلِّي الْمَغْرِبَ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ، فَيَنْصَرِفُ أَحَدُنَا، وَإِنَّهُ لَيُبْصِرُ مَوَاقِعَ نَبْلِه. (2)

ترجمه: رافع بن خديج رضي الله عنه ميگويد: نماز مغرب را همراه رسول الله ﷺ مي خوانديم و بر ميگشتيم. باز هم، هوا به اندازه اي روشن بود كه اگر تيري را پرتاب مي كرديم، جاي افتادن آن را مي ديديم.

همچنان امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ جَابِرِبْنِ عَبْدِ اللّه رَضِيَ اللّه عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُصَلِّي الظُّهْرَ بِالْهَاجِرَةِ، وَالْعَصْرَ وَالشَّمْسُ نَقِيَّةٌ، وَالْمَغْرِبَ إِذَا وَجَبَتْ، وَالْعِشَاءَ أَحْيَانًا وَأَحْيَانًا، إِذَا رَآهُمُ اجْتَمَعُوا عَجَّلَ، وَإِذَا رَآهُمْ أَبْطَئُوْا أَخَّرَ، وَالصُّبْحَ كَانُوا أَوْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُصَلِّيهَا بِغَلَسٍ. (3)

1- حديث نمبر (1183) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر (559) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)
3- حديث نمبر (560) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: **جابر بن عبد الله** ﷺ **مي‌گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نماز ظهر را پس از زوال، و نماز عصر را موقعي كه آفتاب، خوب روشن بود، مي‌خواند. و نماز مغرب را بلافاصله بعد از غروب و نماز عشاء را گاهي زود و گاهي دير، يعني اگر مردم دير مي‌آمدند، دير، و در غير آنصورت، زود مي‌خواند. و نماز صبح را با رسول الله (صلى الله عليه وسلم) هنگامي كه هوا هنوز تاريك بود، مي‌خوانديم.**

سنت سوم: **رسول الله ﷺ نام نمازها را نيز به اصحابش تعليم ميداداند.**

دليل اين سنت: **امام بخارى** رحمه الله **روايت ميكند: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُغَفَّلٍ الْمُزَنِيِّ** ﷺ: **أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «لا تَغْلِبَنَّكُمُ الأَعْرَابُ عَلَى اسْمِ صَلاتِكُمُ الْمَغْرِبِ». قَالَ: وَتَقُولُ: الأَعْرَابُ: هِيَ الْعِشَاءُ.** [1]

ترجمه: **عبد الله مزني** ﷺ **مي‌گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «باديه نشينان، نماز مغرب را عشاء مي‌گويند. اما شما دچار اشتباه نشويد. پس از غروب را، مغرب و نماز بعد از آن را عشاء بناميد».**

سنت چهارم: **رسول الله ﷺ در نماز مغرب سوره‌ء طور را هم تلاوت نموده است.**

دليل اين سنت: **امام بخارى** رحمه الله **روايت ميكند: عَنْ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ** ﷺ **قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَرَأَ فِي الْمَغْرِبِ بِالطُّورِ.** [2]

ترجمه: **جبير بن مطعم** ﷺ **مي‌گويد: شنيدم كه رسول الله ﷺ در نماز مغرب، سوره طور را تلاوت كرد.**

همچنان امام بخارى رحمه الله **روايت ميكند: عَنْ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ** ﷺ **قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقْرَأُ فِي الْمَغْرِبِ بِالطُّورِ، فَلَمَّا بَلَغَ هَذِهِ الآيَةَ: ﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ بَلْ لا يُوقِنُونَ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُسَيْطِرُونَ﴾ قَالَ: كَادَ قَلْبِي أَنْ يَطِيرَ.** [3]

ترجمه: **جبير بن مطعم** ﷺ **مي‌گويد: شنيدم كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) در نماز مغرب، سورة طور را مي‌خواند و هنگامي كه به اين آيه رسيد كه الله (سبحانه وتعالى)**

---

[1]- حديث نمبر(563) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر(765) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[3]- حديث نمبر(4854) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

مي‌فرمايد: ﴿آيا ايشان، بدون هيچگونه خالقي آفريده شده‌اند و يا اينكه خودشان، آفريدگارند يا اينكه آنان، آسمانها و زمين را آفريده‌اند. بلكه اينان، باور ندارند. آيا گنجينه‌هاي پروردگارت با آنان است يا آنكه ايشان بر هستي، سيطره‌اي دارند﴾، نزديك بود قلبم از جا كنده شود.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ در نماز شام سوره‌ء المرسلات را هم تلاوت نموده است.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا: أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ أُمَّ الْفَضْلِ سَمِعَتْهُ وَهُوَ يَقْرَأُ: ﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾، فَقَالَتْ: يَا بُنَيَّ، وَاللَّه لَقَدْ ذَكَّرْتَنِي بِقِرَاءَتِكَ هَذِهِ السُّورَةَ، إِنَّهَا لَآخِرُ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّه ﷺ يَقْرَأُ بِهَا فِي الْمَغْرِبِ. (1)

ترجمه: عبد الله ابن عباس رضي الله عنهما مي‌گويد: روزي سوره « والمرسلات عرفا» را مي‌خواندم كه مادرم ؛ام الفضل ؛ آنرا شنيد و گفت: فرزندم ! با تلاوت اين سوره، مرا به ياد رسول الله ﷺ انداختي. زيرا آخرين قرائتي كه از ايشان شنيدم، همين سوره بود كه در نماز مغرب، آنرا تلاوت كرد.

سنت ششم: رسول الله ﷺ در نماز شام از ميان دو سوره طولاني (اعراف و انعام)، سوره طولاني تر (اعراف) را تلاوت مي كرد.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رضي الله عنه قَالَ: قَدْ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقْرَأُ فِي الْمَغْرِبِ بِطُولَى الطُّولَيَيْنِ. (2)

ترجمه: زيد بن ثابت رضي الله عنه ميگويد: از رسول الله (صلى الله عليه وسلم) شنيدم كه در نماز مغرب، از ميان دو سوره طولاني (اعراف و انعام)، سوره طولاني تر (اعراف) را تلاوت مي كرد.

مطلب دوم: اذكار بعد از نماز مغرب(شام): رسول الله ﷺ بعد از نماز مغرب اذكار ذيل را ميخواندند:

سنت اول: سه مرتبه استغفر الله.

سنت دوم: :«اللهمّ أنت السّلام ومنك السلام تباركت يا ذا الجلال والإكرام»

1- حديث نمبر (763) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر (764) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)

سنت سوم: «لا إِلَهَ إلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ».

سنت چهارم: لا إله إلاّ اللّه وَحْدَهُ لا شريكَ له، لهُ الملكُ ولهُ الحَمْد، وهُوَ عَلى كُلِّ شيءٍ قَدير. لا حوْلَ وَلا قُوّةَ إلاّ باللّه، لا إله إلاّ اللّه، وَلا نَعْبُدُ إلاّ إيّاه، لهُ النعمة، ولَهُ الفضْلُ وَلَهُ الثّنَاءُ الحَسن، لا إله إلاّ اللّه مُخْلصِينَ لَهُ الدِّينَ ولوْ كَرِه الكَافِرُون.

سنت پنجم: آيت الكرسى.

سنت ششم: سوره‌ء اخلاص، الفلق و الناس.

سنت هفتم: 33 بار سبحان لله، 33 بار الحمد لله و34 مرتبه الله اكبر.

سنت هشتم: 33 بار سبحان الله و 33 بار الحمد الله و 33 الله اكبر كه 99 مرتبه مي شود، بگويد و براي كامل كردن صد مرتبه: «لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له الملك وله الحمده وهو علي كل شيء قدير».

سنت نهم: اللهم أعني على ذكْرك وشُكركَ وحسْن عبادتك».

سنت دهم: «اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدّ إلَى أَرْذَلِ العُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ القَبْرِ»

سنت يازدهم: «رَبِّ قِني عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ أَوْ تَجْمَعُ عِبَادَكَ».

ياد داشت: دلايل اين سنتها قبلا دربخش نماز صبح ذكر گرديده است.

سنت دوازدهم: رسول الله ﷺ به سه مرتبه گفتن أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق» درشامگاهان توصيه مينمود ند.

دليل اين سنت: صاحب الجامع الصغير (رحمه الله) روايت ميكند: عن أبي هريرة من قال حين يمسي ثلاث مرات: أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق لم يضره لدغة حية في تلك الليلة. [1] حديث صحيح است. [2]

1- حديث نمبر(11373) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته تاليف محمد ناصر الدين الألباني الناشر : المكتب الإسلامي، (ب ط) ، (ب ت) .
2- حديث نمبر(11373) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته تاليف محمد ناصر الدين الألباني الناشر : المكتب الإسلامي، (ب ط) ، (ب ت) .

ترجمه : از أبي هريرة رضى الله عنه روايت است كه فرمود : هركسى شامگاهان سه مرتبه بگويد : أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق) گزيدن مار براى او درآن شبب ضرر نمى رسا ند.

مطلب سوم: سنت هاى رسول الله ﷺ در داخل مسجد: رسول الله ﷺ در داخل مسجد امور ذيل را ا نجام ميداد ند:

سنت اول: رسول الله ﷺ وقتى داخل مسجد ميگردد ، دو ركعت نماز ميخوا ند ند و مردم را به خوا ندن دو ركعت نفل امر مينمود ند. اين نماز تحيه المسجد ناميده ميشود.

دليل اين سنت: امام (رحمه الله) روايت ميكند : عَنْ أَبِي قَتَادَةَ السَّلَمِيِّ - رضي الله عنه - : أَنَّ رَسُولَ اللَّه ﷺ قَالَ: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ». [1]

ترجمه: ابو قتاده سلمي - رضي الله عنه - مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه ، يكي ازشما وارد مسجد شود ، قبل ازاينكه بنشيند ، دو ركعت نماز بخوا ند».

سنت دوم : رسول الله ﷺ ازآمدن به مسجد كسا نى را كه سير وپياز خورده بود ند منع ميفرمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى (رحمه الله) روايت ميكند : عَنْ جَابِرٍ ﷺ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «مَنْ أَكَلَ ثُومًا أَوْ بَصَلاً فَلْيَعْتَزِلْنَا». أَوْ قَالَ: «فَلْيَعْتَزِلْ مَسْجِدَنَا وَلْيَقْعُدْ فِي بَيْتِه». [2]

ترجمه: جابر بن عبد الله ﷺ ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: «هركس كه سير و يا پياز بخورد ، ازما كناره گيري نمايد» يا فرمود: «به مساجد ما نيايد و درخا نه خود بنشيند».

براى اينكه تعفن دهان شان سبب اذيت ديگران ميگردد. اين يكى ازآداب بسيار مهم در مسجد است وبخصوص كسا نيكه پاهاى شان كه بخاطر پوشيدن بوتها وكرمج ها بوى بد ميدهد اين ادب را مراعات كنند وقبل ازآمدن به مسجد به نظافت شان رسيده گى كنند.

سنت سوم : رسول الله ﷺ به رسا ندن خود به صف اول تشويق مينمود ند.

---

[1] - **حديث نمبر (444)** الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى) .
[2] - حديث نمبر (855) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامــه (مشهور به صحيح البخارى) .

دلیل این سنت: امام مسلم (رحمه الله) روایت میکند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنّ رسول الله (صلى الله عليه وسلم) قَالَ: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفّ الْأَوَّلِ، ثُمّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهِمُوا عَلَيْهِ لَاسْتَهَمُوا وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهْجِيرِ، لَاسْتَبَقُوا إِلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ، لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا» [1]

ترجمه : از ابی هریره رضی الله عنه روایت که رسول الله ﷺ فرمود: «اگر مردم میدانستند که در اذان دادن و صف اول (چقدر اجر وثواب است) سپس راهی بجز قرعه کشی نمیداشتند ، حتما قرعه کشی میکردند ، و اگر مردم میدانستند که در وقت رفتن به نماز (چقدر اجر وثواب است) از یکدیگر سبقت مینمودند ، و اگر میدانستند که در (رفتن جماعت) خفتن وصبح (چقدر اجر است) به مسجد میرفتند ولو که به لغزیدن میبود».

سنت چهارم : رسول الله ﷺ هنگامیکه در مسجد میبود هم جواب سلام را میداد و هم امر بالمعروف و نهی از منکر مینمود.

دلیل این سنت: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ﷺ: أَنّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ الْمَسْجِدَ، فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى، فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَرَدّ، وَقَالَ: «ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ». فَرَجَعَ يُصَلِّي كَمَا صَلَّى، ثُمّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ □، فَقَالَ: «ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ». ثلاثًا، فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا أُحْسِنُ غَيْرَهُ فَعَلِّمْنِي، فَقَالَ: «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ، ثُمّ اقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا، ثُمّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْدِلَ قَائِمًا، ثُمّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ جَالِسًا، وَافْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلَاتِكَ كُلِّهَا». [2]

ترجمه: ابوهریره ﷺ روایت می کندکه: رسول الله ﷺ وارد مسجد شد. بعد از ایشان، شخص دیگری آمد و شروع به خواندن نماز، کرد. پس از اتمام نماز، به رسول الله ﷺ سلام کرد. رسول اکرم ﷺ پس از پاسخ سلام، به او فرمود: «برو نماز بخوان. زیرا تو نماز نخواندي». او

---

[1] - حدیث نمبر 129 – المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله □ (مشهور به صحیح مسلم). تالیف مسلم بن حجاج قشیري نیسـابوري (متوفی: 261هـ)، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار احياء التراث العربي، (بدون تاریخ طبع)..

[2] - **حدیث نمبر**(757) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه (مشهور به صحیح البخاری) .

رفت و هما نطور كه نماز خوانده بود، نماز خواند. بعد، آمد و سلام كرد. رسول الله ﷺ دوباره فرمود: «برو نماز بخوان. زيرا تو نماز نخواندي». بار سوم نيز چنين كرد. آنگاه، گفت: سوگند به ذاتي كه تو را به حق فرستاده است، من بهتر از اين، نمي دانم. به من ياد بده. رسول اكرم ﷺ فرمود: «هر وقت كه خواستي نماز بخواني، نخست، تكبير بگو. بعد، آنچه از قرآن برايت ميسر است بخوان. سپس، با آرامش كامل، ركوع كن و پس از برداشتن سر از ركوع، راست بايست و اندكي مكث كن. سرانجام، با آرامش كامل، سجده كن. پس از برداشتن سر از سجده، اندكي بنشين. و همين شيوه را در تمام نمازهايت، رعايت كن.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ مردم را به راست ساختن صفهاى مسجد تشويق ميكرد.

دليل اين سنت: امام بخارى(رحمه الله) روايت ميكند: عن النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ - رضي الله عنه - يَقُولُ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «لَتُسَوُّنَّ صُفُوفَكُمْ أَوْ لَيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوهِكُمْ». [1]

ترجمه: نعمان بن بشير - رضي الله عنه - مي گويد: نبي اكرم ﷺ فرمود: «صف هاي نمازتان را برابر كنيد و اگر نه، بيم آن مي رود كه الله (سبحانه وتعالى) چهرهايتان را مسخ كند».

سنت ششم: رسول الله ﷺ براى كسيكه همرايش چيز برنده ميبود توصيه ميكرد كه سر آن را كنترول كند كه به كسى ضررى نرسد.

دليل اين سنت: - امام بخارى(رحمه الله) روايت ميكند: عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا يَقُوْلُ: مَرَّ رَجُلٌ فِي الْمَسْجِدِ وَمَعَهُ سِهَامٌ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «أَمْسِكْ بِنِصَالِهَا» [2]

ترجمه: جابر بن عبد الله رضي الله عنهما مي گويد: شخصي با مقداري تير از داخل مسجد عبور مي كرد. رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «پيكان تيرها را بگير». (يعني تيغ تيزآنها را محافظت كن تا باعث زخمي شدن كسي نشوند).

[1]- **حديث نمبر (676)** الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى).

[2] **حديث شماره (451)** الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى).

سنت هفتم: رسول الله ﷺ از راه ساختن مسجد منع مینمود.

دلیل این سنت: امام طبرانی روایت میکند: عَنْ سَالِم, عَنْ أَبِيه, قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّه صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَسَلّمَ: لا تَتّخِذُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا إلا لذِكْرٍ أَوْ صَلَاة. [1] حديث صحيح است. [2]

سنت هشتم: رسول الله ﷺ از اعلان نمودن گمشده در مسجد منع میفرمود ند.

دلیل این سنت: امام مسلم (رحمه الله) روایت میکند: عن أبي هريرة رضي الله عنه أنه سمع رسول الله ﷺ يقول: "من سمع رجلاً ينشد ضالة في المسجد، فليقل: لا ردها الله عليك، فإن المساجد لم تبن لهذا ". [3]

از ابي هريره رضي الله عنه روایت كه از رسول الله ﷺ شنيد كه ميفرمود ند: كسی شنيد كه شخصی در مسجد گمشده اش را اعلان ميكند ، برايش بگوييد: كه الله سبحانه وتعالی آنرا برايت يافت نكند ، مساجد برای اين كار ساخته نشده است.

سنت نهم: رسول الله ﷺ از اذيت كردن مردم در مسجد منع ميفرمود ند ولوكه حتی تلاوت قرآن عظيم الشان هم باشد.

دليل اين سنت: يا أيها الناس ! كلكم يناجي ربّه، فلا يجهر بعضكم على بعض بالقراءة؛ فتؤذوا المؤمنين ".

در الجامع الصغير روايت است: إذا كان أحدكم في صلاة فإنه يناجي ربه فلينظر أحدكم ما يقول في صلاته و لا ترفعوا أصواتكم فتؤذوا المؤمنين. حديث صحيح است [4]

ترجمه: وقتی يكی از شما در نماز باشد ، او با پروردگارش راز و نياز ميكند ، وصدا های تانرا بلند نكنيد ، تا مسلمانان را اذيت كنيد.

سنت دهم: رسول الله ﷺ از بلند نمودن كسی از جايش و نشستن بجای او در مسجد منع ميفرمود ند.

---

[1] - حديث نمبر (13041) المعجم الكبير تاليف سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى : 360هـ).

[2] - شيخ البانی در حديث (13171) صحيح وضعيف الجامع الصغير تاليف محمد ناصر الدين الألباني آنرا حديث (حسن) گفته است.

[3] -حديث نمبر1408 المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (مشهور به صحيح مسلم). تاليف مسلم بن حجاج قشيري نيسـابوري (متوفى: 261هـ)، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار احياء التراث العربي، (بدون تاريخ طبع).

[4] - (البغوي) عن رجل من بني بياضة . قال الشيخ الألباني : (صحيح) انظر حديث رقم : 752 في صحيح الجامع حديث شماره (754)صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته تاليف محمد ناصر الدين الألباني ، ناشر : المكتب الإسلامي.

دليل اين سنت: امام بخارى (رحمه الله) روايت ميكند: عن ابْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، يَقُولُ: «نَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُقِيمَ الرَّجُلُ أَخَاهُ مِنْ مَقْعَدِهِ، وَيَجْلِسَ فِيهِ»، قُلْتُ لِنَافِعٍ: الجُمُعَةَ؟ قَالَ: الجُمُعَةَ وَغَيْرَهَا. [1]

ترجمه: عبد الله بن رضي الله عنهما ميگويد: رسول الله ﷺ نهي كرد از اينكه كسي برادر مسلما نش را از جايش بلند كرده و خود بجايش بنشيند. سؤال شد: آيا اين حكم، براي روز جمعه است؟ فرمود: براي روز جمعه و غير جمعه است.

سنت يازدهم: رسول الله ﷺ از گذشتن از شا نه هاى مردم در مسجد منع مى نمود.

دليل اين سنت: امام ابن ماجه (رحمه الله) روايت ميكند: عن جابر بن عبد الله (رضى الله عنه) ان رجلا دخل المسجد يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَرسول الله ﷺ يَخْطُبُ فجعل يتخطى الناس. فَقَالَ رسول الله ﷺ: (اجْلِسْ فقد آذيت وآنيت) [2]

ترجمه: از جابر بن عبد الله (رضى الله عنه) روايت كه شخصى روز جمعه داخل مسجد شد درحاليكه رسول الله ﷺ خطبه ميداد، او از شا نه هاى مردم عبور ميكرد، رسول الله ﷺ فرمود: (بنشين همر مردم را اذيت كردى و هم درآمدن تاخير نمودى). حديث صحيح ميباشد. [3]

سنت دوازدهم: رسول الله ﷺ از خواندن نمازبدون ستره منع مينمود.

دليل اين سنت امام ابن حبان (رحمه الله) روايت ميكند: عن صَدَقَةُ بْنُ يَسَارٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عُمَرَ يَقُولُ: قَالَ رسول الله ﷺ: (لَا تُصَلُّوا إِلَّا إِلَى سُترةٍ وَلَا يَدَعْ أَحَدًا يمرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ فإن أبى فليقاتله فإنّ مَعَهُ القرين) [4] حديث صحيح است. [5]

ترجمه: صدقه بن يسار ميگويد كه از عبدالله بن شنيدم كه ميگفت: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: (نماز مخوانيد مگر بطرف ستره، ومگزارد هيچكسى را كه از

---

[1] - **حديث نمبر 911 صحيح البخارى.** الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى).

[2] - **حديث شماره (1115) سنن ابن ماجه.**

[3] - حديث نمبر (916) **شيخ البانى گفته است كه (صحيح) است، صحيح ابن ماجه.**

[4] - **حديث نمبر (2369) - صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان تاليف محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ط2، (1414 – 1993).**

[5] - **حديث نمبر 2363 – التعليقات الحسان على صحيح ابن حبان وتمييز سقيمه من صحيحه، وشاذه من محفوظه تاليف أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420هـ)، جد: دار با وزير للنشر والتوزيع، ط1، (1424 هـ - 2003 م).**

درمقابل نمازش بگذرد و اگر سرکشی نمود به همرایش قتال نماید(با دستش مانع وی شود) ، زیرا به همرای (کسیکه ازمقابل نمازمیگذرد) شیطان است.

همچنان امام بخاری در مورد اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم حتی در صحراء و عید گاه هم چیزی را در مقابلش برای ستره میگزاشت حدیثی را روایت نموده است: عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ الله عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّه ﷺ كَانَ إِذَا خَرَجَ يَوْمَ الْعِيدِ ، أَمَرَ بِالْحَرْبَةِ فَتُوضَعُ بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَيُصَلِّي إِلَيْهَا وَالنَّاسُ وَرَاءَهُ ، وَكَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي السَّفَرِ ، فَمِنْ ثَمَّ اتَّخَذَهَا الأُمَرَاءُ. (1)

ترجمه: از عبد الله بن رضي الله عنهما نقل شده است كه رسول الله ﷺ روزهاي عيد ، هنگام نماز ، دستور مي داد تا نيزه اي جلوي آن حضرت ﷺ نصب شود. آنگاه ، رسول الله ﷺ بسوي آن ، نماز مي خواندند و مردم پشت سر رسول الله ﷺ ، نماز ميخواندند. در سفر نيز رسول الله ﷺ چنين مي كرد. به همين خاطر ، امراء و حكام نيز از نيزه استفاده مي كنند.

در مورد اینکه چقدر بین نماز خوان و ستره فاصله باشد ؟ امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ ﷺ قَالَ: كَانَ بَيْنَ مُصَلَّى رَسُولِ اللَّه ﷺ وَبَيْنَ الْجِدَارِ مَمَرُّ الشَّاةِ. (2)

.ترجمه: سهل بن سعد ﷺ روايت مي كند كه: فاصله جاي نماز رسول الله ﷺ و ديوار (مقابل) به اندازه اي بود كه گوسفندي مي توانست از آنجا عبور كند.

عن سَلَمَةَ بْنِ الأَكْوَعِ ﷺ: أَنَّهُ كان يُصَلِّي عِنْدَ الأُسْطُوَانَةِ الَّتِي عِنْدَ الْمُصْحَفِ ، فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَا مُسْلِمٍ ، أَرَاكَ تَتَحَرَّى الصَّلاةَ عِنْدَ هَذِهِ الاسْطُوَانَةِ؟ قَالَ: فَإِنِّي رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَتَحَرَّى الصَّلاةَ عِنْدَهَا. (3)

ترجمه: روايت است كه سلمه بن اكوع ﷺ نزديک ستون مصحف ، (جاي ويژه قرآن) نماز مي خواند. پرسيدند: اي ابو مسلم ! تو را مي بينيم كه بيشتر نزد اين ستون نماز مي خواني؟ پاسخ داد: من رسول الله ﷺ را ديدم كه سعي مي كرد كنار اين ستون نماز بخواند.

سنت سیزدهم : رسول الله ﷺ از انداختن آب دهان وبینی درمسجد منع میکرد.

---

[1] - حديث نمبر (494) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامــه (مشهور به صحيح البخارى).

[2] - حديث نمبر (496) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامــه (مشهور به صحيح البخارى).

[3] - حديث نمبر (502) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامــه (مشهور به صحيح البخارى).

دلیل این سنت: امام مسلم (رحمه الله) روایت میکند: عَنْ أَبِي ذَرٍّ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّتِي حَسَنُهَا وَسَيِّئُهَا ، فَوَجَدْتُ فِي مَحَاسِنِ أَعْمَالِهَا الْأَذَى يُمَاطُ عَنِ الطَّرِيقِ ، وَوَجَدْتُ فِي مَسَاوِي أَعْمَالِهَا النُّخَاعَةَ تَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ ، لَا تُدْفَنُ» (1)

ترجمه: از ابی ذر روایت است که نبی کریم ﷺ فرمود: اعمال نیک وزشت امت من برای من پیش شد ، بهترین اعمال شان دور چیز مضر از راه را دیدم ، و از بدی های اعمال شان ، بلغمی را دیدم که در مسجد انداخته شود و دفن نگردد.

[1] - حدیث نمبر(1261) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

بحث دوم

نماز عشاء (خفتن)

مطلب اول: سنتهای خفتن: رسول الله ﷺ در هنگام خفتن این سنتها را انجام میدادند:

سنت اول: رسول الله ﷺ نماز خفتن را تاخیر مینمود.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ الله عَنْهَا قَالَتْ: أَعْتَمَ رَسُولُ اللّه ﷺ لَيْلَةً بِالْعِشَاءِ، وَذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يَفْشُوَ الإِسْلامُ، فَلَمْ يَخْرُجْ حَتَّى قَالَ: نَامَ النِّسَاءُ وَالصِّبْيَانُ، فَخَرَجَ، فَقَالَ لأَهْلِ الْمَسْجِدِ: «مَا يَنْتَظِرُهَا أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الأَرْضِ غَيْرَكُمْ» [1]

ترجمه: عايشه رضي الله عنها ميفرمايد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يكبار قبل از گسترش اسلام، نماز عشاء را به تأخير انداخت. و از خانه بيرون نيامد تا اينكه ابن خطاب او را صدا زد و گفت: اي رسول الله! زنان و كودكان خواب رفتند. آنگاه، رسول اكرم ﷺ از خانه بيرون آمد و نماز گزارد. سپس، خطاب به حاضرين، فرمود: «هيچ كس از اهل زمين جز شما، منتظر اين نماز نيست».

همچنان امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي مُوسَى رضي الله عنه قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَأَصْحَابِي الَّذِينَ قَدِمُوا مَعِي فِي السَّفِينَةِ نُزُولاً فِي بَقِيعِ بُطْحَانَ، وَالنَّبِيُّ ﷺ بِالْمَدِينَةِ، فَكَانَ يَتَنَاوَبُ النَّبِيَّ ﷺ عِنْدَ صَلاةِ الْعِشَاءِ كُلَّ لَيْلَةٍ نَفَرٌ مِنْهُمْ، فَوَافَقْنَا النَّبِيَّ ﷺ أَنَا وَأَصْحَابِي وَلَهُ بَعْضُ الشُّغْلِ فِي بَعْضِ أَمْرِهِ، فَأَعْتَمَ بِالصَّلاةِ حَتَّى ابْهَارَّ اللَّيْلُ، ثُمَّ خَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ فَصَلَّى بِهِمْ، فَلَمَّا قَضَى صَلاتَهُ، قَالَ لِمَنْ حَضَرَهُ: «عَلَى رِسْلِكُمْ، أَبْشِرُوا، إِنَّ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ يُصَلِّي هَذِهِ السَّاعَةَ غَيْرُكُمْ». أَوْ قَالَ: «مَا صَلَّى هَذِهِ السَّاعَةَ أَحَدٌ غَيْرُكُمْ». لا يَدْرِي أَيَّ الْكَلِمَتَيْنِ قَالَ، قَالَ أَبُو مُوسَى: فَرَجَعْنَا، فَفَرِحْنَا بِمَا سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. [2]

ترجمه: ابوموسي رضي الله عنه ميگويد: من و همراهانم با كشتي آمديم. و در بقيع بطحان، منزل گرفتيم. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) در مدينه بود. هر شب، عده اي از ما به نوبت، نزد

1- حديث نمبر (566) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر (567) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می‌رفتند. یکي از شبها، نوبت من و چند نفر دیگر فرا رسید. خدمت رسول الله ﷺ رسیدیم. ایشان به علت سرگرم بودن در بعضي امور، نماز عشاء را به تأخیر انداخت بطوریکه ستارگان در سراسر آسمان، آشکار شد ند. (بخش بزرگي از شب سپري شد). سپس، رسول الله ﷺ تشریف آورد و نماز خواند. پس از اتمام نماز، فرمود: «صبرکنید. خبر خوشي براي شما دارم. و آن خبر خوش، اینست که لطف الله (سبحانه وتعالی)، شامل حال شما است. زیرا غیر از شما، کسي دیگر در این ساعت، نماز نخوانده است». یا «در حال نماز نیست» ابوموسي رضی الله عنه مي‌گوید: از این مژدة رسول الله ﷺ، همه خوشحال و شادمان، برگشتیم.

سنت دوم: رسول الله ﷺ در نماز خفتن سوره ای انشقاق را تلاوت نموده اند:

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي الْقَاسِمِ ﷺ الْعَتَمَةَ، فَقَرَأَ: ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ﴾ فَسَجَدَ فَلا أَزَالُ أَسْجُدُ بِهَا حَتَّى أَلْقَاهُ.[1]

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه مي‌گوید: نماز عشاء را پشت سر ابوالقاسم ﷺ خواندم. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) سورة ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ﴾ را خواند و سجده کرد. من هم تا زماني که بمیرم و به ملاقات رسول الله ﷺ بروم هر وقت که این سوره را بخوانم، سجده مي کنم.

سنت سوم: رسول الله ﷺ درسفر در نماز خفتن سوره‌ء التین را تلاوت نمود ند:

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عن الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضی الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ فِي سَفَرٍ، فَقَرَأَ فِي الْعِشَاءِ فِي إِحْدَى الرَّكْعَتَيْنِ بِالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ. وفي رِوَايَةٍ أُخْرَى قَالَ: وَمَا سَمِعْتُ أَحَدًا أَحْسَنَ صَوْتًا مِنْهُ، أَوْ قِرَاءَةً.[2]

ترجمه: براء ابن عازب رضی الله عنه مي‌گوید: رسول الله ﷺ دریکي از مسافرتها، در نماز عشاء، سوره «والتین والزیتون» را خواند. و در روایتي دیگر مي گوید: من صدایي دلنشین تر از صداي رسول اکرم ﷺ در قرائت، نشنیده ام.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ جماعت نماز خفتن را بسیار با فضیلت زیاد بیان داشته اند:

1- حدیث نمبر (768) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (مشهور به صحیح البخاری)
2- حدیث نمبر (769) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (مشهور به صحیح البخاری)

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «لَيْسَ صَلاةٌ أَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا». [1]

ترجمه: ابوهریره رضي الله عنه روایت مي كند كه رسول اكرم ﷺ فرمود: «هيچ نمازي بر منافقين، دشوارتر از نمازهاي صبح و عشاء نيست. ولي اگر ميدانستند كه در اين نمازها چه اجر عظيمي نهفته است، بصورت افتان و خيزان هم كه مي بود، حتماً در آنها، شركت ميكردند».

سنت پنجم: رسول الله ﷺ بعد از نماز خفتن دو كعت سنت میخواندند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الظُّهْرِ رَكْعَتَيْنِ وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ، وَبَعْدَ الْعِشَاءِ رَكْعَتَيْنِ، وَكَانَ لا يُصَلِّي بَعْدَ الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ، فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ. [2]

ترجمه: عبدالله بن رضي الله عنهما ميگويد: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دو ركعت قبل از نماز ظهر، دو ركعت بعد از آن و دو ركعت بعد از مغرب در خانهاش مي خواند. و دو ركعت بعد از نماز عشاء ميخواند. و بعد از نماز جمعه، نمازي نمي خواند مگر زماني كه به خانه اش برمي گشت. آنگاه، درمنزل دو ركعت نماز مي گزارد.

سنت ششم: رسول الله ﷺ در آغاز شب از بیرون رفتن اطفال مما نعت مینمودند و قتی ساعتی میگذشت اجازه میدادند:

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «إِذَا اسْتَجْنَحَ اللَّيْلُ - أَوْ قَالَ: جُنْحُ اللَّيْلِ - فَكُفُّوا صِبْيَانَكُمْ، فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ تَنْتَشِرُ حِينَئِذٍ، فَإِذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ الْعِشَاءِ فَخَلُّوهُمْ، وَأَغْلِقْ بَابَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، وَأَطْفِئْ مِصْبَاحَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، وَأَوْكِ سِقَاءَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، وَخَمِّرْ إِنَاءَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ وَلَوْ تَعْرُضُ عَلَيْهِ شَيْئًا». [3]

---

[1] - حديث نمبر(657) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)
[2] - حديث نمبر(937) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)

ترجمه: جابر(رضى الله عنه) مي گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «هنگامي كه هوا، تاريک شد، كودكا نتان را نگذاريد (كه از خا نه، بيرون بروند) زيرا دراين وقت، شياطين، پراكنده مي شوند. ولي همينكه ساعتي ازشب گذشت، آنها را آزاد بگذاريد. سپس درِ خا نه ات را ببند و بسم الله بگو. چراغت را خاموش كن و بسم الله بگو. دها نة مشك ات را ببند و بسم الله بگو. ظرف ات را بپوشان و بسم الله بگو اگر چه قطعه چوبي باشد كه فقط بخشي ازآن را بپوشا ند».

سنت هفتم : رسول الله ﷺ رفتن به جماعت درتاريكى ها بشارت به نوركامل ميداد ند

.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عن بُرَيدَةَ رضي اللّه عنه عن النّبيّ صَلّى اللّهُ عَلَيْه وسَلّم قال: « بشّروا المَشّائينَ في الظُلَم إلى المسَاجد بالنور التّامّ يَوْمَ القيامَة » رواه أبوداود والترمذي.

امام ابوداوود رحمه الله **روايت ميكند** : عَنْ بُرَيْدَةَ عَنِ النَّبِىِّ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِى الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ».[1] **حديث صحيح است**.[2]

ترجمه: صحابى بزرگوار بريده رضي الله عنه **مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمود ند:** آ نا ني را كه در تاريكي ها به مساجد مي روند به نوركاملي درروزقيامت مژده دهيد.

سنت هشتم: رسول الله ﷺ خواب نمودن قبل از نماز خفتن و سخن گفتن بعد ازآ نرا بد ميديد ند .

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عن أبي برزة الأسلمي رضي الله تعالى عنْهُ قالَ: كان رسولُ الله صلى الله عليه وآله وسلم يصلي العصْرَ ثمّ يَرْجعُ أحدُنا إلى رحْله في أقصى المدينة والشّمس حَيّةٌ وكان يَسْتَحبُّ أنْ يؤخّر من العشاء وكان يكرهُ النّومَ قَبْلَها والحديثَ بَعْدَهَا وكانَ يَنْفَتلُ من صلاة الْغَدَاة حين يَعْرفُ الرّجُلُ جليسهُ وكان يقرأ بالسّتّين إلى المائَة.[3]

1- حديث نمبر(561) سنن ابى داوود
2- حديث نمبر(561) صحيح وضعيف سنن ابى داوود.
3- حديث نمبر(۵۴۷) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: **صحابی بزرگوار** ابو برزة اسلمي رضي الله عنه **مي فرمايند**: رسول الله ﷺ نماز عصر را مي خواند و سپس یکی از ما به خانه اش در دورترين نقطه ي مدينه مي رفت، در جاي که هنوز خورشيد پر نور بود و رسول الله صلی الله عليه وآله وسلم دوست مي داشت که نماز خفتن را دير بخواند، و خوابيدن قبل از نماز خفتن (و شب نشيني) و گفتگوي بعد از آن ناپسند مي دانست و زماني نماز صبح تمام مي کرد که هر فرد کسي را که کنارش مي نشسته بود (از روشنايي) مي شناخت و در نماز صبح بين 60 تا 100 آيه مي خواند.

مطلب دوم: اذكار بعد از نماز خفتن: رسول الله ﷺ بعد از نماز خفتن

اذکار ذيل را ميخواندند:

سنت اول: سه مرتبه استغفر الله.

سنت دوم: : «اللهمّ أنت السّلام ومنک السلام تبارکت يا ذا الجلال والإکرام»

سنت سوم: «لا إِلَهَ إلا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. اللّهُمّ لا مَا نِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدّ مِنْکَ الْجَدُّ».

سنت چهارم: لا إلَه إلاّ اللّه وَحْدَهُ لا شريکَ له، لهُ الملکُ ولهُ الحَمْد، وهُوَ عَلی کُلّ شيءٍ قَدير. لا حوْلَ وَلا قُوّةَ إلاّ باللّه، لا إله إلاّ اللّه، وَلا نَعْبُدُ إلاّ إيّاه، لهُ النعمة، ولَهُ الفضْلُ وَلَهُ الثّنَاءُ الحَسَن، لا إله إلاّ اللّه مُخْلِصِينَ لَهُ الدّينَ ولوْ کَرِه الکَافِرُون.

سنت پنجم: آيت الکرسی.

سنت ششم: سوره‌ء اخلاص، الفلق و الناس.

سنت هفتم: 33 بار سبحان لله، 33 بار الحمد لله و 34 مرتبه الله اکبر.

سنت هشتم: 33 بار سبحان الله و 33 بار الحمد الله و 33 الله اکبر که 99 مرتبه مي شود، بگويد و براي کامل کردن صد مرتبه: «لا إله إلا الله، وحده لا شريک له، له الملک وله الحمد وهو علي کل شيء قدير».

سنت نهم: اللهم أعني على ذکْرِک وشُکرِکَ وحسْنِ عبادتک».

سنت دهم: «اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِکَ مِنَ الجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِکَ أَنْ أُرَدّ إِلَی أَرْذَلِ العُمُرِ، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذَابِ القَبْرِ»

سنت یازدهم : «رَبِّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ أَوْ تَجْمَعُ عِبَادَكَ».

یاد داشت: دلایل این سنتها قبلا دربخش نماز صبح ذکر گردیده است.

بحث سوم

هنگام خواب

مطلب اول: سنتهای قبل از رفتن به بستر: رسول الله ﷺ قبل ازرفتن به بستر این سنتها را انجام میدادند :

سنت اول : رسول الله ﷺ برای خواب نمودن وضوء میگرفتند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ (رضی الله عنه) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: « إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وُضُوءَكَ لِلصَّلاَةِ ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الأَيْمَنِ ، ثُمَّ قُلِ: اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لاَ مَلْجَأَ وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلاَ إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ ، فَإِنْ مُتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ فَأَنْتَ عَلَى الْفِطْرَةِ ، وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَتَكَلَّمُ بِهِ» ، قَالَ: فَرَدَّدْتُهَا عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا بَلَغْتُ: اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ ، قُلْتُ: وَرَسُولِكَ ، قَالَ: «لاَ ، وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». (1)

ترجمه: ازبراء ابن عازب (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: قبل از رفتن به رختخواب، وضوي کامل بگیر و بر پهلوي راست بخواب و این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لاَ مَلْجَأَ وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلاَ إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». (پروردگارا ! با خوف و رجاء، چهره‌ام را بسوي تو برمي‌گردانم و تمام امورم را به تو مي‌سپارم و تو را پشت و پناه خود مي‌دانم. و یقین دارم که هنگام خشم و غضبت، پناهي جز تو ندارم. پروردگارا ! به کتابي که نازل فرمودي و پیامبري که مبعوث نمودي، ایمان آوردم). اگر درهمان شب بمیري، بر فطرت (با ایمان) از دنیا رفته اي. این جملات را آخرین کلام خود قراربده».

1- حدیث نمبر(247) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)

راوي (براء) ميگويد: اين دعا را نزد رسول الله (صلى الله عليه وسلم) خواندم. وقتي گفتم: آمَنْتُ بِرَسُوْلِكَ، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «بگو: آمَنْتُ بِنَبِيِّكَ». يعني بجاي لفظ رسول، كلمة نبي را بكار ببر.

همچنان امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ (رضى الله عنه) قَالَ: كَانَ رسول الله (صلى الله عليه وسلم) إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ نَامَ عَلَى شِقِّهِ الأَيْمَنِ، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لاَ مَلْجَأَ وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلاَّ إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». [1]

سنت دوم: سوره اى الملك مانعه ازعذاب قبر است.

دليل اين سنت: امام نسائي رحمه الله روايت ميكند: عن ابن مسعود سورة تبارك هي المانعة من عذاب القبر. قال الشيخ الألباني: (صحيح) انظر حديث رقم: 3643 في صحيح الجامع [2] حديث صحيح است. [3]

ترجمه: صحابى بزرگوار عبدالله بن مسعود رضي الله عنه مي فرمايند: سورهؤ تبارك منع كننده از عذاب قبر ميباشد.

مطلب دوم: سنتهای رفتن به بستر: رسول الله ﷺ در هنگام رفتن به بستر اين سنتها را انجام ميدادند:

سنت اول: رسول الله ﷺ به تكان دادن قسمت داخلى لحاف يا كمپل رختخواب توصيه مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رضى الله عنه) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ، فَلْيَنْفُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ، فَإِنَّهُ لاَ يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: بِاسْمِكَ رَبِّ وَضَعْتُ جَنْبِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي، فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». [4]

1- حديث نمبر (6315) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر (5956) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادتها تاليف: محمد ناصر الدين الألباني ناشر: المكتب الإسلامي
3- حديث نمبر (1140) السلسله الصحيحه السلسلة الصحيحة تاليف محمد ناصر الدين الألباني، (ب م ن)، (ب ن)، (ب ط)، (ب ت).
4- حديث نمبر (6320) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: ابوهريره (رضى الله عنه) مي گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «هرگاه، يكي از شما به رختخواب رفت، آنرا با قسمت داخلي اش، تكان دهد. زيرا نمي داند كه بعد ازاو چه اتفاقي درآن، افتاده است. سپس اين دعا را بخواند: «باسْمكَ رَبِّ وَضَعْتُ جَنْبِي، وَبكَ أَرْفَعُهُ، إنْ أَمْسَكْتَ نَفْسي، فَارْحَمْهَا، وَإنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بمَا تَحْفَظُ به عبَادَكَ الصَّالحينَ». يعني پروردگارا! به نام تو پهلويم را به زمين گذاشتم وبه كمك توآنرا بلند مي كنم. اگر روح مرا قبض كردي، برآن، رحم فرما. واگر زنده گذاشتي، آنرا بوسيلة همان چيزهايي كه بندگان نيكوكارت را حفاظت مي نمايي، حفاظت كن».

سنت دوم: رسول الله ﷺ هر شب، هنگامي كه كه به رختخواب مي‌رفت، كف دستهايش را به هم نزديك مي‌كرد و سوره‌هاي اخلاص و فلق و ناس را مي‌خواند و در آنها مي‌دميد. سپس از سر و صورت و قسمت جلوي بدنش شروع مي نمود و تا جايي كه مي‌توانست مسح مي‌كرد و اين كار را سه بار، تكرار مي نمود.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ عَائشَةَ رَضيَ اللَّه عَنْهَا: أَنَّ النَّبيَّ ﷺ كَانَ إذَا أَوَى إلَى فرَاشه كُلَّ لَيْلَة، جَمَعَ كَفَّيْه ثُمَّ نَفَثَ فيهمَا، فَقَرَأَ فيهمَا: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ برَبِّ الْفَلَق﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ برَبِّ النَّاس﴾ ثُمَّ يَمْسَحُ بهمَا مَا اسْتَطَاعَ منْ جَسَده، يَبْدَأُ بهمَا عَلَى رَأْسه وَوَجْهه، وَمَا أَقْبَلَ منْ جَسَده، يَفْعَلُ ذَلكَ ثَلَاثَ مَرَّات. [1]

ترجمه: عايشه رضي الله عنها مي‌گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) هر شب، هنگامي كه كه به رختخواب مي‌رفت، كف دستهايش را به هم نزديك مي‌كرد و سوره‌هاي اخلاص و فلق و ناس را مي‌خواند و در آنها مي‌دميد. سپس از سر و صورت و قسمت جلوي بدنش شروع مي نمود و تا جايي كه مي‌توانست مسح مي‌كرد و اين كار را سه بار، تكرار مي نمود.

سنت سوم: رسول الله ﷺ به على وفاطمه رضى الله عنهما) توصيه نمود كه هرگاه به رختخواب رفتيد، سي و چهار بار الله اكبر، سي و سه بار سبحان الله و سي و سه بار، الحمد الله بگوييد..

---

[1]- حديث نمبر (5017) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَلِيٍّ: أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلام شَكَتْ مَا تَلْقَى مِنْ أَثَرِ الرَّحَا، فَأَتَى النَّبِيَّ ﷺ سَبْيٌ، فَانْطَلَقَتْ، فَلَمْ تَجِدْهُ، فَوَجَدَتْ عَائِشَةَ فَأَخْبَرَتْهَا، فَلَمَّا جَاءَ النَّبِيُّ ﷺ أَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ بِمَجِيءِ فَاطِمَةَ، فَجَاءَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَيْنَا وَقَدْ أَخَذْنَا مَضَاجِعَنَا، فَذَهَبْتُ لأَقُومَ فَقَالَ: «عَلَى مَكَانِكُمَا». فَقَعَدَ بَيْنَنَا حَتَّى وَجَدْتُ بَرْدَ قَدَمَيْهِ عَلَى صَدْرِي وَقَالَ: «أَلا أُعَلِّمُكُمَا خَيْرًا مِمَّا سَأَلْتُمَانِي؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا تُكَبِّرَا أَرْبَعًا وَثَلاثِينَ وَتُسَبِّحَا ثَلاثًا وَثَلاثِينَ وَتَحْمَدَا ثَلاثًا وَثَلاثِينَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمَا مِنْ خَادِمٍ». (بخاری: 3705)

ترجمه: علي بن ابي طالب (رضی الله عنه) مي گويد: فاطمه رضي الله عنها از سختي كار با آسيا، شكايت داشت. بدين جهت، پس از اينكه چند اسير نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آوردند، خدمت آنحضرت ﷺ رفت ولي او را نيافت. بلكه عايشه رضي الله عنها را ديد و در اين مورد، با وي سخن گفت. هنگامي كه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمد، عايشه رضي الله عنها او را از آمدن فاطمه رضي الله عنها باخبر ساخت. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نزد ما آمد در حالي كه ما به رختخواب رفته بوديم. خواستم بلند شوم كه فرمود: «بلند نشويد». آنگاه بين ما نشست تا جايي كه سردي قدمهايش را بر سينه ام احساس كردم و فرمود: «آيا به شما چيزي بهتر از خواسته تان نياموزم؟ هرگاه به رختخواب رفتيد، سي و چهار بار الله اكبر، سي و سه بار سبحان الله و سي و سه بار، الحمد لله بگوييد. اينها براي شما از خدمتكار، بهتراند».

سنت چهارم: رسول الله ﷺ وقتي به رختخواب مي رفت، دست اش را زير رخسارش مي گذاشت و مي فرمود: «اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا».

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ حُذَيْفَةَ (رضی الله عنه) قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ، وَضَعَ يَدَهُ تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا». وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». (1)

[1]- حديث نمبر (6314) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: حذيفه (رضى الله عنه) مي گويد: شب هنگام، و قتي كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) به رختخواب مي رفت، دست اش را زير رخسارش مي گذاشت و مي فرمود: «اللّهُمّ باسْمكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا». يعني الله (سبحا نه وتعالى) يا ! به نام تو مي خوابم و بيدار مي شوم».
و هنگامي كه بيدار مي شد، مي فرمود: «الْحَمْدُ للّه الّذي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْه النُّشُورُ». يعني حمد و سپاس از آن الله (سبحا نه وتعالى) يي است كه ما را از خواب، بيدار كرد وبسوي او حشر خواهيم شد».

سنت پنجم: رسول الله ﷺ خواندن آيت الكرسى ومنفعت هاى آنرا تقرير نمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبي هُرَيْرَةَ (رضى الله عنه) قَالَ: وَكّلَني رسول الله (صلى الله عليه وسلم) بحفْظ زَكَاة رَمَضَانَ، فَأَتَاني آت فَجَعَلَ يَحْثُو منَ الطّعَام، فَأَخَذْتُهُ وَقُلْتُ: وَاللّه لأَرْفَعَنّكَ إلَى رسول اللّه (صلى الله عليه وسلم) قَالَ: إنّي مُحْتَاجٌ، وَعَلَيّ عيَالٌ، وَلي حَاجَةٌ شَديدَةٌ، قَالَ: فَخَلّيْتُ عَنْهُ، فَأَصْبَحْتُ، فَقَالَ النّبيُّ ﷺ: «يَا أَبَا هُرَيْرَةَ مَا فَعَلَ أَسيرُكَ الْبَارحَةَ؟» قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّه شَكَا حَاجَةً شَديدَةً وَعيَالاً فَرَحمْتُهُ، فَخَلّيْتُ سَبيلَهُ، قَالَ: «أَمَا إنّهُ قَدْ كَذَبَكَ وَسَيَعُودُ» فَعَرَفْتُ أَنّهُ سَيَعُودُ لقَوْل رسول الله (صلى الله عليه وسلم): «إنّهُ سَيَعُودُ» فَرَصَدْتُهُ، فَجَاءَ يَحْثُو منَ الطّعَام، فَأَخَذْتُهُ فَقُلْتُ: لأَرْفَعَنّكَ إلَى رسول الله (صلى الله عليه وسلم) قَالَ: دَعْني فَإنّي مُحْتَاجٌ، وَعَلَيّ عيَالٌ، لا أَعُودُ فَرَحمْتُهُ، فَخَلّيْتُ سَبيلَهُ، فَأَصْبَحْتُ، فَقَالَ لي رسول الله (صلى الله عليه وسلم): «يَا أَبَا هُرَيْرَةَ مَا فَعَلَ أَسيرُكَ؟» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّه شَكَا حَاجَةً شَديدَةً وَعيَالاً، فَرَحمْتُهُ، فَخَلّيْتُ سَبيلَهُ، قَالَ: «أَمَا إنّهُ قَدْ كَذَبَكَ، وَسَيَعُودُ» فَرَصَدْتُهُ الثّالثَةَ، فَجَاءَ يَحْثُو منَ الطّعَام، فَأَخَذْتُهُ فَقُلْتُ: لأَرْفَعَنّكَ إلَى رَسُول اللّه، وَهَذَا آخرُ ثَلاث مَرّات، أَنّكَ تَزْعُمُ لا تَعُودُ ثُمّ تَعُودُ، قَالَ: دَعْني أُعَلّمْكَ كَلمَات يَنْفَعُكَ اللّهُ بهَا، قُلْتُ: مَا هُوَ؟ قَالَ: إذَا أَوَيْتَ إلَى فرَاشكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسيّ ﴿اللّهُ لا إلَهَ إلاّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ حَتّى تَخْتمَ الآيَةَ فَإنّكَ لَنْ يَزَالَ عَلَيْكَ منَ اللّه حَافظٌ، وَلا يَقْرَبَنّكَ شَيْطَانٌ حَتّى تُصْبحَ، فَخَلّيْتُ سَبيلَهُ، فَأَصْبَحْتُ، فَقَالَ لي رسول الله (صلى الله عليه وسلم): «مَا فَعَلَ أَسيرُكَ الْبَارحَةَ؟» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّه زَعَمَ أَنّهُ يُعَلّمُني كَلمَاتٍ يَنْفَعُني اللّهُ بهَا فَخَلّيْتُ سَبيلَهُ، قَالَ: «مَا

هيَ؟» قُلْتُ: قَالَ لي: إذَا أَوَيْتَ إلَى فرَاشكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسيّ منْ أَوّلهَا حَتّى تَخْتمَ الآيَةَ ﴿اللّهُ لا إلَهَ إلاّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ وَقَالَ لي: لَنْ يَزَالَ عَلَيْكَ منَ اللّه حَافظٌ، وَلا يَقْرَبَكَ شَيْطَانٌ حَتّى تُصْبحَ، وَكَانُوا أَحْرَصَ شَيْءٍ عَلَى الْخَيْر فَقَالَ النّبيُّ ﷺ: «أَمَا إنّهُ قَدْ صَدَقَكَ وَهُوَ كَذُوبٌ، تَعْلَمُ مَنْ تُخَاطبُ مُنْذُ ثَلاث لَيَالٍ يَا أَبَا هُرَيْرَةَ؟» قَالَ: لا قَالَ: «ذَاكَ شَيْطَانٌ». (1)

ترجمه: ابوهريره (رضى الله عنه) ميگويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) حفاظت و نگهباني زكات رمضان را به من سپرد. شخصي آمد و شروع به دزديدن گندم، كرد. من او را دستگير نمودم و گفتم: به الله (سبحانه وتعالى) سوگند، تورا نزد رسول الله (صلى الله عليه وسلم) خواهم برد.

او گفت: من، فردي بسيار نيازمند و كثير العيال هستم. و نفقة آنان، برعهدة من است. ابوهريره (رضى الله عنه) ميگويد: بعد از اين آه و فرياد، او را رها كردم.

صبح، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) از من پرسيد: «ديشب، زنداني ات، با تو چه كار كرد»؟ گفتم: يا رسول الله! او از نيازشديد و كثرت فرزندان، شكايت ميكرد. من بحال او ترحم نمودم او را رها كردم.

رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «او به تو، دروغ گفته است. و دوباره، خواهد آمد». ابوهريره (رضى الله عنه) ميگويد: چون رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرموده بود: «دوباره، خواهد آمد»، به كمين او نشستم. او بار ديگر، آمد و به دزديدن گندم، مشغول شد. من او را دستگير كردم و گفتم: اين بار، حتما تورا نزد رسول الله (صلى الله عليه وسلم) خواهم برد. او گفت: مرا بگذار. زيرا من، فردي نيازمند و عيال وارم و مسئوليت آنها به عهدة من است. دوباره نمي آيم. ابوهريره (رضى الله عنه) ميگويد: من، دوباره بحال او ترحم نمودم و او را رها كردم. صبح، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «ديشب، زنداني ات، با تو چه كار كرد»؟ عرض كردم: اي رسول الله! او از نياز شديد و عيال دار بودن، مي ناليد. من هم به حال او ترحم نمودم و او را رها كردم. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «اين را بدان كه او، به تو دروغ گفته است و دوباره، خواهد آمد».

---

[1]- حديث نمبر (2311) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)

شب سوم نیز، به کمین او نشسته بودم که آمد و شروع به برداشتن گندم، کرد. من او را دستگیر نمودم و گفتم: این بار، حتماً تو را نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خواهم برد. سومین بار است که قول می دهي، بر نگردي اما دوباره برمي گردي.

او گفت: مرا رها کن. کلماتي به تو خواهم آموخت که الله (سبحانه وتعالی)، آنها را برایت مفید خواهد نمود. گفتم: آن کلمات، چه هستند؟ او گفت: اگر هنگام خوابیدن، آیت الکرسي را بخواني، تمام شب، ملائکه از تو حراست خواهند کرد و تا صبح، شیطان نزد تو نخواهد آمد. من او را رها کردم.

صبح، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پرسید: «دیشب، زنداني ات، با تو چه کار کرد»؟ عرض کردم: کلماتي را به من نشان داد که به اعتقاد او، برایم مفید خواهند بود. لذا من او را رها کردم. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «آن کلمات، چه هستند»؟ عرض کردم: یا رسول الله! به من گفت: اگر هنگام خوابیدن، آیت الکرسي را بخواني، ملائکه ترا از شیطان، حفاظت خواهند کرد. ـ گفتني است که یاران رسول الله ﷺ براي انجام اعمال نیک، علاقة فراواني داشتند. ـ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «در عین حال که شخصي بسیار دروغگو است، اما به تو راست گفته است». و خطاب به من، افزود: «هیچ مي داني که در این سه شب، مخاطب تو چه کسي بوده است»؟ عرض کردم: خیر. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «شیطان بوده است».

سنت ششم : رسول الله ﷺ به خواندن دو آیت آخر سورهء بقره تشویق مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَبِي مَسْعُود ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم: مَنْ قَرَأَ بِالآيَتَيْنِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فِي لَيْلَةٍ كَفَتَاهُ. [1]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابی مسعود رضی الله عنه می فرمایند: رسول الله ﷺ فرمودند: هرکسیکه دو آیت آخر سورهء بقره را در شب بخواند ، برایش کفایت میکنند.

سنت هفتم: رسول الله ﷺ وقتی به بستر خواب میرفتند میگفتند : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا ، وَكَفَانَا وَآوَانَا ، كَمْ مَنْ لا كَافِيَ لَهُ وَلا مُؤْوِيَ.

[1]- حديث نمبر (5009) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله در الادب المفرد روایت میکند: عَنْ أَنَس قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِه قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّه الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكَفَانَا وَآوَانَا، كَمْ مَنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَ[1] حدیث صحیح است.[2]

ترجمه: صحابی بزرگوار انس بن مالک رضی الله عنه می فرمایند: هنگامیکه رسول الله ﷺ به رختخوابش می رفت، چنین می گفت: «تمام حمد و ستایشها از آنِ الله (سبحانه وتعالی) است که به ما آب وغذا داد و ما را کفایت کرد و به ما جای داد؛ چه بسا افرادی که کارساز وجا دهنده ای ندارند».

سنت هشتم: رسول الله ﷺ به پهلوی راست میخوابید ند واین دعا را میخواند ند (اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ... الخ).

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ سُهَيْلٍ قَالَ كَانَ أَبُو صَالِحٍ يَأْمُرُنَا إِذَا أَرَادَ أَحَدُنَا أَنْ يَنَامَ أَنْ يَضْطَجِعَ عَلَى شِقِّهِ الأَيْمَنِ ثُمَّ يَقُولُ «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الأَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَىْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَىْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَىْءٌ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ». وَكَانَ يَرْوِى ذَلِكَ عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِىِّ -صلى الله عليه وسلم-..[3]

ترجمه: سهیل میگوید که ابوصالح ما را امر مینمود که هرگاه یکی ما میخواهد که خواب نماید، به پهلوی راست بخوابد و سپس بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الأَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَىْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَىْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَىْءٌ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ». صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه این حدیث را از رسول الله ﷺ روایت مینمود.

---

[1] - حديث نمبر(1206) الأدب المفرد تاليف محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى : 256هـ) تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي
، بيروت : دار البشائر الإسلامية ، ط٣، (1409 – 1989) .

[2] - حديث نمبر(1206/920) صحيح الأدب المفرد للإمام البخاري تاليف محمد ناصر الدين الألباني ، الناشر : دار الصدّيق ، ط1: 1421هـ).

[3] - حديث نمبر(7064) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

سنت نهم: رسول الله ﷺ این دعا را هم در وقت خواب میخواند ند (اللّهُمّ قِنِى عَذَابَکَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَکَ)

دلیل این سنت: امام ابوداوود رحمه الله روایت میکند: عَنْ حَفْصَةَ زَوْجِ النّبِيّ -صلى اللّه عليه وسلم- أَنّ رَسُولَ اللّه -صلى الله عليه وسلم- كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْقُدَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدّه ثُمّ يَقُولُ « اللّهُمّ قِنِى عَذَابَکَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَکَ». ثَلاَثَ مِرَارٍ [1] حدیث صحیح است. [2]

ترجمه: صحابی بزرگوار ام المومنین حفصه همسر رضی الله عنها همسر رسول الله ﷺ روایت میکنند که رسول الله ﷺ هنگامیکه به خواب می رفتند ، دست راست شا نرا به زیر رخسار شان گذاشته میگفتند: یا الله (سبحا نه وتعالی) مرا از عذابت در روزیکه بنده گا نت را حشر میکنی ، وقایه نما.

مطلب سوم: سنتهای به پهلو شدن شب و بیدار شدن از خواب در نیمه شب

در نیمه شب: رسول الله ﷺ در هنگام به پهلوشدن و بیدار شدن از خواب در نیمه شب این سنتها را انجام میداد ند :

سنت اول : رسول الله ﷺ هنگام به پهلو شدن در شب این الفاظ را «لاَ إِلَهَ إِلاّ اللّهُ الْوَاحِدُ الْقَهّارُ، رَبُّ السّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيْزُ الْغَفّارُ» میخوا ند ند.

دلیل این سنت: امام حاکم نیشاپوری رحمه الله روایت میکند : عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّهُ عَنْهَا قَالَتْ : كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَسَلّمَ إِذَا تَضَوّرَ عَنِ اللّيْلِ ، قَالَ : لاَ إِلَهَ إِلاّ اللّهُ الْوَاحِدُ الْقَهّارُ رَبُّ السّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ ، وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفّارُ. [3] حدیث صحیح است. [4] ترجمه: صحابی بزرگوار مادر مومنان عایشه صدیقه رضی الله عنها مي فرمایند: رسول الله ﷺ هنگایکه شب به پهلو میشد میفرمود ند: (هیچ معبودی بجز الله «بحق» یکتا و قادر مطلق ، وجود ندارد. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست ، الله (جل جلاله) شکست ناپذیر ، بسیار آمرزنده).

1- حدیث نمبر (۵۰۴۷) سنن ابی داوود
2- حدیث نمبر (۵۰۴۵) صحیح وضعیف سنن ابی داوود.
3- حدیث نمبر (1980)
المستدرك على الصحيحين تاليف أبي عبدالله الحاكم النيسابورى (321 هـ - 405 هـ)، (ب م ن) ، (ب ن) ، ط۱ ،(1427 هجرية).
4- حدیث نمبر (۲۰۶۶) السلسلة الصحيحة.

سنت دوم : رسول الله ﷺ هنگام بيدار شدن در نيمه شب دعايى را ميخوانند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّه عَنْهمَا قَالَ: بِتُّ عِنْدَ مَيْمُونَةَ ، وَذَكَرَ الْحَدِيْثَ ، وَقَدْ تَقَدَّمَ ، قَالَ: وَكَانَ يَقُولُ فِي دُعَائِه: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا ، وَفِي بَصَرِي نُورًا ، وَفِي سَمْعِي نُورًا ، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا ، وَعَنْ يَسَارِي نُورًا ، وَفَوْقِي نُورًا ، وَتَحْتِي نُورًا ، وَأَمَامِي نُورًا ، وَخَلْفِي نُورًا ، وَاجْعَلْ لِي نُورًا». [1]

ترجمه: ابن عباس رضي الله عنهما مي گويد: شبي نزد ميمونه (در خانة پيامبر اكرم ﷺ) ماندم. سپس وي حديثي را كه قبلا بيان شد ، ذكر كرد و گفت: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) در دعايش چنين مي گفت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا ، وَفِي بَصَرِي نُورًا ، وَفِي سَمْعِي نُورًا ، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا ، وَعَنْ يَسَارِي نُورًا ، وَفَوْقِي نُورًا ، وَتَحْتِي نُورًا ، وَأَمَامِي نُورًا ، وَخَلْفِي نُورًا ، وَاجْعَلْ لِي نُورًا».

ترجمه : يا الله (سبحانه وتعالى) ! در دلم ، چشم هايم ، گوشهايم ، سمت راستم ، سمت چپم ، بالاي سرم ، زير پايم ، پيش رويم و پشت سرم ، نوري قرار بده.

---

[1]- حديث نمبر (6316) الجامع الصحيح المسند المختصر من امــور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)

بحث چهارم

بیدار شدن در ثلث شب (تهجد)

مطلب اول: فضایل ومنزلت نماز تراویح: رسول الله ﷺ برای تهجد فضایل و منزلت های ذیل را بیان داشته اند.

سنت اول: رسول الله ﷺ: محبوبترین نماز، نماز داوود علیه السلام را بین نموده اند که در سوم حصهء شب بر میخواست.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَبْدِ اللّه بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللّه عَنْهُمَا: أنّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ لَهُ: «أَحَبُّ الصّلاة إلَى اللّه صَلاةُ دَاوُدَ عليه السلام ، وَأَحَبُّ الصّيَام إلَى اللّه صِيَامُ دَاوُدَ؛ وَكَانَ يَنَامُ نِصْفَ اللّيْلِ وَيَقُومُ ثُلُثَهُ ، وَيَنَامُ سُدُسَهُ ، وَيَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا». (بخاری: 1131)

ترجمه: عبدالله بن و بن العاص رضي الله عنهما ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: «بهترین نماز، نزد خدا، نماز داوود عليه السلام وبهترين روزه، نزد خدا، روزة داوود عليه السلام است. ايشان تا نصف شب، مي خوابيد ويكسوم آنرا بيدار مي ماند و(نماز مي خواند). وبعد ازآن، يكششم ديگر را دوباره مي خوابيد. ويكروز، روزه مي گرفت ويكروز، مي خورد».

سنت دوم: رسول الله ﷺ: تهجد را شکر گزاری به خالق یکتا بیان داشته اند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ الْمُغيرَة بْنِ شُعْبَةَ رضي الله عنه قَالَ: إنْ كَانَ النّبِيُّ ﷺ لَيَقُومُ لِيُصَلّيَ حَتّى تَرِمُ قَدَمَاهُ ، أَوْسَاقَاهُ فَيُقَالُ لَهُ ، فَيَقُولُ: «أَفَلا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا». [1]

ترجمه: مغيره بن شعبه رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ شبها بقدري به نماز مي ايستاد كه پاها و ساقهاي مباركش، ورم ميكردند. به آن ﷺ مي گفتند: چرا خودت را اينهمه به زحمت مي اندازي؟(در حالي كه الله (سبحا نه وتعالى) گناهان اول و آخرت را بخشيده است) در جواب مي فرمود: «آيا بنده اي شكر گزار نباشم».

سنت اول: رسول الله ﷺ فرمودند که ذکر و مغفرت خواستن و دعای شب قبول میگردد.

---

[1]- حدیث نمبر(1130) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)

دلیل این سنت: امام ﷺ روایت میکند: عن عُبَادَةُ بْنُ الصَّامت عَنْ النَّبيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ تَعَارَّ منْ اللَّيْل فَقَالَ (لا إلَهَ إلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، الْحَمْدُ للَّه وَسُبْحَانَ اللَّه وَلا إلَهَ إلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلاَّ باللَّه) ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفرْ لي أَوْ دَعَا اسْتُجيبَ لَهُ فَإنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبلَتْ صَلَاتُهُ. [1]

ترجمه: عباده بن صامت - رضي الله عنه - مي گويد: نبي اكرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «هركس كه در شب بيدار شود و اين دعا، يعني: (لا إلَهَ إلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، الْحَمْدُ للَّه وَسُبْحَانَ اللَّه وَلا إلَهَ إلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلاَّ باللَّه) را بخواند و سپس، بگويد: يا الله (سبحانه وتعالى) مرا مغفرت كن. يا دعاي ديگري نمايد، الله (سبحانه وتعالى)، اجابت ميكند. و اگر (بلند شود و) وضو بگيرد و نماز بخواند، اين نماز (بيشتر) به درگاه الله (سبحانه وتعالى) پذيرفته مي شود».

مطلب دوم: هنگام بیدار شدن به تهجد: رسول الله ﷺ درهنگام بیدارشدن از خواب برای تهجد، سنتهای ذیل را انجام می داد ند.

سنت اول: رسول الله ﷺ: در هنگام بیدار شدن از خواب برای تهجد، آثار خواب را از چشمان شان دور مینمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری ﷺ روایت میکند: عَنْ ابْن عَبَّاس رضي الله عنهما: أَنَّهُ بَاتَ لَيْلَةً عنْدَ مَيْمُونَةَ زَوْج النَّبيِّ ﷺ وَهيَ خَالَتُهُ، فَاضْطَجَعْتُ في عَرْض الْوسَادَة، وَاضْطَجَعَ رَسُولُ اللَّه ﷺ وَأَهْلُهُ في طُولهَا، فَنَامَ رَسُولُ اللَّه ﷺ حَتَّى إذَا انْتَصَفَ اللَّيْلُ أَوْ قَبْلَهُ بقَليلٍ أَوْ بَعْدَهُ بقَليلٍ، اسْتَيْقَظَ رَسُولُ اللَّه ﷺ فَجَلَسَ يَمْسَحُ النَّوْمَ عَنْ وَجْهه بيَده، ثُمَّ قَرَأَ الْعَشْرَ الآيَات الْخَوَاتمَ منْ سُورَة آل عمْرَانَ، ثُمَّ قَامَ إلَى شَنٍّ مُعَلَّقَةٍ، فَتَوَضَّأَ منْهَا، فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ، ثُمَّ قَامَ يُصَلِّي، قَالَ: فَقُمْتُ فَصَنَعْتُ مثْلَ مَا صَنَعَ، ثُمَّ ذَهَبْتُ فَقُمْتُ إلَى جَنْبه، فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى رَأْسي، وَأَخَذَ بأُذُني الْيُمْنَى يَفْتلُهَا، فَصَلَّى رَكْعَتَيْن، ثُمَّ رَكْعَتَيْن، ثُمَّ رَكْعَتَيْن، ثُمَّ

[1]- حديث نمبر (1086) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى).

رَكْعَتَيْنِ ، ثُمّ رَكْعَتَيْنِ ، ثُمّ رَكْعَتَيْنِ ، ثُمّ أَوْتَرَ ، ثُمّ اضْطَجَعَ ، حَتّى آتَاهُ الْمُؤَذّنُ ، فَقَامَ فَصَلّى رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ ، ثُمّ خَرَجَ فَصَلّى الصّبْحَ [1]

ترجمه: عبدالله بن عباس رضي الله عنهما مي گويد: شبي ، در خانه خاله ام ؛ ميمونه رضي الله عنها ؛ همسر رسول الله ﷺ خوابيدم. رسول الله ﷺ و همسرش ؛ ميمونه ؛ درطول بالش و من درعرض آن ، سر نهاديم. رسول الله ﷺ خواب رفت ولي پس ازگذشت نصف شب يا كمتر ازآن ، بيدار شد و با كشيدن دست ها بر چهرة خويش ، خواب را از خود دوركرد و ده آية اخير سورة آل ان را تلاوت نمود و بعد بسوي مشك آبي كه آويزان بود ، رفت و خوب و كامل ، وضو گرفت وبه نمازايستاد.

ابن عباس رضي الله عنهما مي گويد: من نيز مانند رسول الله ﷺ وضو گرفته ، كنار ايشان به نمازايستادم. رسول الله ﷺ دست راستش را بر سر من گذاشت و گوش راست مرا اندكي فشرد. پس ازآن ، رسول الله ﷺ دوازده ركعت نماز دو ركعتي خواند. و در پايان ، يک ركعت نماز وتر خواند و درازكشيد. و هنگامي كه اذان صبح گفته شد ، دو ركعت سنت فجر را بصورت مختصر خواند و براي اداي نماز فجر، به مسجد رفت.

سنت دوم: رسول الله ﷺ در وقت بيدار شدن شب دندانهای مبارک شانرا مسواک مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخاری : روايت ميكند: عَنْ حُذَيْفَةَ - رضي الله عنه - قَالَ: كَانَ النّبِيّ - صلى الله عليه وسلم - إِذَا قَامَ مِنَ اللّيْلِ يَشُوصُ فَاهُ بِالسّوَاكِ .[2]

ترجمه: صحابی بزرگوار حذيفه ﷺ مي فرمايند: رسول الله ﷺ وقتی شب بيدار ميشدند ، دندانهای مبارکشانرا با مسواک تنظيف مينمودند.

مطلب سوم: اذكار بيدار شدن در ثلث شب : رسول الله ﷺ درهنگام بيدار شدن از خواب برای تهجد اذكارذيل را انجام می دادند.

---

[1] - حديث نمبر(183) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)..

[2] - حديث نمبر(245) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)..

سنت اول: رسول الله ﷺ هنگام بيداري شب اين ذكر را ميخوانند (لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللّهُ... الخ)

.

دليل اين سنت: امام مسلم: روايت ميكند: عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصّامت قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّه - صلى الله عليه وسلم- « مَنْ تَعَارّ مِنَ اللّيْلِ فَقَالَ حِينَ يَسْتَيْقِظُ لاَ إِلَهَ إِلاّ اللّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلّ شَىْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللّه وَالْحَمْدُ للّه وَلاَ إِلَهَ إِلاّ اللّهُ وَاللّهُ أَكْبَرُ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوّةَ إِلاّ بِاللّه ثُمّ دَعَا رَبِّ اغْفِرْ لِى». قَالَ الْوَلِيدُ أَوْ قَالَ « دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ فَإِنْ قَامَ فَتَوَضّأَ ثُمّ صَلّى قُبِلَتْ صَلاَتُهُ». [1]

سنت دوم: رسول الله ﷺ هنگامي كه براي نماز شب، برمي خاست، اين دعا را مي خواند: «اللّهُمّ لَكَ الْحَمْدُ.... الخ).

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنِ ابْنِ عَبّاس رَضِيَ اللّه عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ النّبِيُّ (صلى الله عليه وسلم) إِذَا قَامَ مِنَ اللّيْلِ يَتَهَجّدُ قَالَ: «اللّهُمّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ قَيّمُ السّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنّ، وَلَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مُلْكُ السّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنّ، وَلَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ نُورُ السّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنّ، وَلَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ مَلِكُ السّمَوَاتِ وَالأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ الْحَقّ، وَوَعْدُكَ الْحَقّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَالْجَنّةُ حَقٌّ، وَالنّارُ حَقٌّ، وَالنّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمّدٌ ﷺ حَقٌّ، وَالسّاعَةُ حَقٌّ، اللّهُمّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكّلْتُ، وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاغْفِرْ لِي مَا قَدّمْتُ وَمَا أَخّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخّرُ، لا إِلَهَ إِلاّ أَنْتَ، أَوْ لا إِلَهَ غَيْرُكَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوّةَ إِلاّ بِاللّه». [2]

ترجمه: صحابى بزرگوار عبدالله بن عباس رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ هنگاميكه شب بر ميخواستند كه تهجد كنند ، ميگفتند: «پروردگارا ! تمام تعريفها ازآنِ توست. محافظِ زمين و آسمان و آنچه كه درميان آنها وجود دارد ، تو هستي. فقط تو شايسته حمد وثنايي.

حاكم زمين و آسمان و آنچه ميانشان وجود دارد ، تو هستي. روشني آسمانها و زمين و آنچه ميانشان وجود دارد ، تو هستي. حمد ، شايسته توست. تو بر حقي و وعده ات نيز برحق است.

---

[1] - حديث نمبر(5062) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

[2] - حديث نمبر(1120) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

ملاقات تو حق است. سخن تو حق، بهشت تو حق، دوزخ تو حق، پیامبرانت حق، محمد حق، و قیامت نیز حق می باشد.

پروردگارا ! تسلیم تو شدم، به تو ایمان آوردم، به تو توکل نمودم و به تو روي آوردم. به کمک تو با دشمنان، مبارزه کردم. و تو را حَکَم قرار دادم. خدایا ! گناهان اول و آخر و ظاهر و باطن مرا بیامرز. پروردگارا ! تقدیم و تاخیر بدست توست. معبود برحقي، جز تو، وجود ندارد یا غیر از تو، خدایي وجود ندارد. بار الها ! هیچ قدرتي غیر از تو که بتواند توفیق (کار نیک) دهد واز معصیت دور نماید، وجود ندارد»

مطلب چهارم: کیفیت اداى نماز تهجد : رسول الله ﷺ نماز تهجد را به شکل ذیل ادا می نمودند.

سنت اول: رسول الله ﷺ: نماز تهجد را با دو رکعت خفیف آغاز مینمودند.

دلیل این سنت:امام مسلم رحمه الله روایت میکند :عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ لِيُصَلِّىَ افْتَتَحَ صَلاَتَهُ بِرَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ.[1]

ترجمه: صحابى بزرگوار ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها مي فرمایند: رسول الله ﷺ هنگامیکه براى تهجد بر میخواست ، نمازش را با دورکعت خفیف آغاز مینمود.

سنت دوم: رسول الله ﷺ: در رکعت اول تهجد این دعا را میخواند :(اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ... الخ) .

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند : عن ابى سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ سَأَلْتُ عَائِشَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ بِأَىِّ شَىْءٍ كَانَ نَبِىُّ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَفْتَتِحُ صَلاَتَهُ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ قَالَتْ كَانَ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ افْتَتَحَ صَلاَتَهُ « اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِى لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِى مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ».[2]

---

[1]- حدیث نمبر(1842) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحیح مسلم).

[2]- حدیث نمبر(1847) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحیح مسلم).

ترجمه: از ابی سلمه بن عبدالرحمن بن عوف فرمود که از صحابی بزرگوار ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها سوال نمودم که رسول الله ﷺ هنگامیکه به نماز تهجد بر میخواست به چه چیزی نمازش را آغاز مینمود ؟ ام المومنین فرمودند که رسول الله ﷺ وقتی بر میخواستند نماز شانرا چنین افتتاح میکردند : « اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِى لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِى مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

سنت سوم : رسول الله ﷺ در تهجد بسیار طویل ثناء وصفت الله سبحانه وتعالی را بیان مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَتَهَجَّدُ قَالَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ (الْحَقُّ) حَقٌّ وَقَوْلُكَ حَقٌّ (الْحَقُّ) وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ وَمُحَمَّدٌ حَقٌّ اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ (وَ) لَا إِلَهَ غَيْرُكَ [1]

سنت چهارم: رسول الله ﷺ نماز تهجد شانرا دو دو رکعت میخواندند تا هشت رکعت شود.

دلیل این سنت: درحدیث قبلی از امام بخاری رحمه الله که [2] عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت نموده بود ، گفتند: من نیز مانند رسول الله ﷺ وضو گرفته ، کنار ایشان به نماز ایستادم. رسول الله ﷺ دست راستش را بر سر من گذاشت و گوش راست مرا اندکي فشرد. پس از آن ، رسول الله ﷺ دوازده رکعت نماز دو رکعتي خواند. و در پایان ، یک رکعت نماز وتر خواند و دراز کشید. و هنگامي که اذان صبح گفته شد ، دو رکعت سنت فجر را بصورت

---

[1] - حدیث نمبر(6317) **الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)..**

[2] - حدیث نمبر(**183**) **الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله (صلى الله عليه وسلم) و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)..**

مختصر خواند و براي اداي نماز فجر، به مسجد رفت.
إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنْ اللَّيْلِ فَلْيَفْتَتِحْ صَلَاتَهُ بِرَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ) هرگاه یکی از شما برای تهجد بر خیز نمازش را با دورکعت خفیف آغاز کند.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ شبانه سیزده رکعت نمازادا مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّه عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ ثلاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً، مِنْهَا الْوِتْرُ وَرَكْعَتَا الْفَجْرِ. (1)

ترجمه: صحابی بزرگوار ام المومنین عایشه صدیقه (رضی الله عنها) مي فرمايند: رسول الله ﷺ شبانه درمجموع با نمازوتر و دو رکعت سنت فجر، سیزده رکعت، نمازمي خواند.

1- حديث نمبر (1140) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى).

بحث پنجم

نماز وتر

مطلب اول: تعداد رکعت های نماز وتر: رسول الله ﷺ درمورد رکعت های نماز وتر عدد های مختلف را بیان داشته اند.

سنت اول: رسول الله ﷺ نماز وتر را یکرکعت ، سه رکعت و پنج رکعت اجازه داده اند.

دلیل این سنت:امام ابوداوود رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَبِى أَيُّوبَ الأَنْصَارِىِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « الْوِتْرُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتِرَ بِخَمْسٍ فَلْيَفْعَلْ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتِرَ بِثَلاَثٍ فَلْيَفْعَلْ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتِرَ بِوَاحِدَةٍ فَلْيَفْعَلْ ».[1] حديث صحيح است. [2]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابو ایوب انصاري رضی الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمودند:«وتر بر هر مسلمان لازم است، و هر کس که دوست دارد پنج رکعت وتر بخواند، پس بخواند و هر کس که دوست دارد سه رکعت وتر بخواند، پس بخواند و هر کس دوست دارد یک رکعت وتر بخواند؛ بخواند». «أربعه» بجز ترمذي روايت كرده است، و ابن حبان صحيح دانسته است، و نسائي موقوف بودن آن را ترجيح داده است.

سنت دوم: رسول الله ﷺ فرمودند که در صورت ترس از طلوع فجر میتوانند یک رکعت وتر ادا نمایند.

دلیل این سنت:امام بخاري رحمه الله روایت میکند: عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رَجُلاً سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم صَلاَةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى فَإِذَا خَشِيَ أَحَدُكُمُ الصُّبْحَ صَلَّى رَكْعَةً وَاحِدَةً تُوتِرُ لَهُ مَا قَدْ صَلَّى [3]

ترجمه: صحابی بزرگوار عبدالله بن رضی الله عنهما مي فرمايند: شخصی در مورد نماز شب از رسول الله ﷺ سوال نمودند ، رسول الله ﷺ فرمودند: « نماز شب، دو رکعت، دو رکعت خوانده شود. اگر کسي احتمال داد که طلوع فجر نزدیک است، یک رکعت بخواند تا نمازهايي را که خوانده است، وتر شوند».

---

[1] - حديث نمبر(1424 -) سنن ابى داوود.

[2] - حديث نمبر(1422) صحيح وضعيف سنن ابى داوود.

[3] - حديث نمبر(990-) **الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول اللهﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..**

سنت سوم: رسول الله ﷺ: در نماز های شب به اندازهء پنجاه آیت خواندن سجده مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائشَةَ رَضيَ اللّه عَنْهَا: اَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ كَانَ يُصَلّي إحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، كَانَتْ تلْكَ صَلاتَهُ-تَعْني باللّيْل- فَيَسْجُدُ السّجْدَةَ منْ ذَلكَ قَدْرَ مَا يَقْرَأُ اَحَدُكُمْ خَمْسينَ آيَةً، قَبْلَ اَنْ يَرْفَعَ رَأسَهُ، وَيَرْكَعُ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلاة الْفَجْر، ثُمّ يَضْطَجعُ عَلَى شقّه الايْمَن حَتى يَأتيَهُ الْمُؤَذّنُ للصّلاة.[1]

ترجمه: ام المومنین عایشه رضي الله عنها ميفرمايد: رسول الله ﷺ يازده ركعت، نماز شب مي‌خواند و سجده را در آنها به اندازه اي كه يك نفر از شما پنجاه آيه بخواند، طولاني مي كرد. و قبل از نماز فجر، دو ركعت مي خواند. سپس، به پهلوي راست، دراز مي كشيد. تا اينكه مؤذن مي آمد و او را براي نماز صبح، فرا مي خواند.

مطلب دوم: **وقت ادای نماز وتر**: رسول الله ﷺ در مورد رکعت های نماز وتر عدد های مختلف را بیان داشته اند.

سنت اول: رسول الله ﷺ: به خواندن وتر قبل از خواب توصیه نموده اند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن أَبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: أَوْصَاني خَليلي بثَلاَث، لاَ أَدَعُهُنّ حَتّى أَمُوتَ: صَوْم ثَلاَثَة أَيّام منْ كُلّ شَهْرٍ، وَصَلاَة الضّحى، وَنَوْم عَلَى وتْر» [2]

ترجمه: ابو هريره (رضی الله عنه) گويد: عزيز و محبوب من (پيغمبرﷺ) سه چيز را به من سفارش فرموده است تا موقعی كه می‌ميرم آنها را ترک نمی‌كنم:

1- «روزه سه روز در هر ماهی.
2- «خواندن صلاة الضحی.
3- «خواندن نماز وتر قبل از خوابيدن».

سنت دوم: رسول الله ﷺ: در وقت سحر هم نماز وتر ادا نموده اند.

---

[1]- حديث نمبر(994) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر(418) اللؤلؤ و المرجان تاليف **محمّد فؤاد عبدالباقي** ترجمه **ابوبكر حسن‌زاده** .

دلیل این سنت:امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّه عَنْهَا قَالَتْ: كُلَّ اللَّيْلِ أَوْتَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَانْتَهَى وِتْرُهُ إِلَى السَّحَرِ. (1)

ترجمه: عایشه رضي الله عنها ميگويد: رسول الله ﷺ در تمام بخشهاي شب نماز وتر را مي‌خوا ند. و آخرين وقت خوا ندن وتر ، هنگام سحری بود.

سنت سوم: رسول الله ﷺ توصیه مینمود ند که آخرین نماز شب نماز وتر باشد .

دلیل این سنت:امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وِتْرًا». (2)

ترجمه: ابن رضي الله عنهما ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: «آخرين نماز خود را در شب ، وتر قرار دهيد».

سنت چهارم: رسول الله ﷺ توصیه مینمود ند که هرگاه کسی خوف داشته باشد که در آخر شب بیدار شده نمیتوا ند ، نماز وترش را دراول شب ادا نماید.

دلیل این سنت:امام ترمذی رحمه الله روایت میکند : رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ خَشِيَ مِنْكُمْ أَنْ لَا يَسْتَيْقِظَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ مِنْ أَوَّلِهِ ، وَمَنْ طَمِعَ مِنْكُمْ أَنْ يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ ، فَإِنَّ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ مَحْضُورَةٌ ، وَهِيَ أَفْضَلُ (3) حديث صحيح است. (4)

ترجمه: از رسول الله ﷺ روایت شده است که فرمود ند: هرکسیکه از شما خوف داشت که درآخر شب بیدارشده نمیتوا ند ، نماز وترش را دراول شب ادا نماید ، و هرگاه امیدو وار بود که درآخر شب بیدار شده میتوا ند ، وترش را درآخر شب بخوا ند ، زیرا درتلاوت آخر شب قرآن عظیم الشان ملائکه حضور میابند. واین کار فضیلت بیشتر دارد.

مطلب سوم: کیفیت ادای نماز وتر: رسول الله ﷺ به اشکال ذیل نماز وتر را ادا نموده است .

سنت اول: رسول الله ﷺ بالای سوراه اش هم نماز و تر ادا نموده ا ند.

1- حديث نمبر (996) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر (998) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
3- حديث نمبر (456) سنن ترمذى .
4- حديث نمبر (۴۵۵) صحيح وضعيف سنن ترمذى .

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ عَبْدِاللّه بْنِ رَضيَ اللّه عَنْهُمَا قَالَ: إنّ رَسُولَ اللّه ﷺ كَانَ يُوترُ عَلَى الْبَعِير. [1]

ترجمه: عبداللّه بن رضي اللّه عنهما ميگويد: رسول اللّه ﷺ سوار بر شتر، نماز وتر را ميخواند.

سنت دوم: رسول اللّه ﷺ اداى قنوت را قبل و بعد ازركوع انجام داده اند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَنَس رضي الله عنه: أنّهُ سُئلَ: أَقَنَتَ النّبيُّ ﷺ في الصُّبْحِ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَقيلَ لَهُ: أَوَقَنَتَ قَبْلَ الرُّكُوعِ؟ قَالَ: بَعْدَ الرُّكُوعِ يَسيرًا. [2]

ترجمه: ازانس رضي الله عنه سؤال شد كه آيا رسول اللّه ﷺ در نمازصبح، قنوت ميخواند؟ جواب داد: بلي. دوباره سؤال شد: آيا قبل ازركوع، قنوت مي خواند؟ گفت: مدت كوتاهي، بعد ازركوع نيز ميخواند.

همچنان امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عن أَنَس رضي الله عنه: أنّهُ سُئلَ عَنِ الْقُنُوت، فَقَالَ: قَدْ كَانَ الْقُنُوتُ، فَقيْلَ لَهُ: قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ؟ قَالَ: قَبْلَهُ. قَالَ: فَإنّ فُلانًا أَخْبَرَني عَنْكَ أَنّكَ قُلْتَ بَعْدَ الرُّكُوعِ. فَقَالَ: كَذَبَ، إنّمَا قَنَتَ رَسُولُ اللّه ﷺ بَعْدَ الرُّكُوعِ شَهْرًا، أُرَاهُ كَانَ بَعَثَ قَوْمًا يُقَالُ لَهُمُ الْقُرّاءُ زُهَاءَ سَبْعينَ رَجُلاً إلَى قَوْمٍ منَ الْمُشْركينَ دُونَ أُولَئكَ، وَكَانَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَسُول اللّه ﷺ عَهْدٌ، فَقَنَتَ رَسُولُ اللّه ﷺ شَهْرًا يَدْعُو عَلَيْهِمْ. [3] وَفي رِوَايَةٍ عَنْهُ رضي الله عنه قَالَ: قَنَتَ النّبيُّ ﷺ شَهْرًا، يَدْعُو عَلَى رِعْلٍ وَذَكْوَانَ. [4]

ترجمه: انس رضي الله عنه روايت مي كند كه ازوي درباره خواندن قنوت سؤال كردند، گفت: قنوت، وجود داشت. پرسيدند: قبل ازركوع يا بعد ازآن؟ فرمود: قبل ازركوع. گفتند: فلاني به نقل ازشما گفته است كه قنوت، بعد از ركوع خوانده شود. انس رضي الله عنه گفت: دروغ گفته است. رسول اللّه ﷺ فقط به مدت يك ماه، قنوت را بعد ازركوع مي خواند و دليلش هم اين بود كه رسول اللّه ﷺ هفتاد نفررا كه بنام قراء معروف بودند به طرف گروهي ازمشركين كه با آنها پيمان صلح داشت، اعزام كرد. (مشركين پيمان را رعايت نكردند و قاريان را كشتند).

---

[1]- حديث نمبر(999) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر(1001) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[3]- حديث نمبر(1002) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[4]- حديث نمبر(1003) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

رسول الله ﷺ به مدت یک ماه، علیه آنان دعا نمود. و در روایتي دیگر از انس رضي الله عنه آمده است که رسول الله ﷺ به مدت یک ماه، قنوت خواند و علیه رعل و ذکوان، دعاي بد کرد.

سنت اول: رسول الله ﷺ بعد از ادای وتر میگفتند: «سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ»

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: [1]

امام ابوداوود رحمه الله روایت میکند: عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- إِذَا سَلَّمَ فِى الْوِتْرِ قَالَ «سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ». [2] حدیث صحیح است. [3]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابی بن کعب رضي الله عنه مي فرمایند: رسول الله ﷺ هنگامیکه از نماز وتر سلام میگشتاندند، میفرمودند: پاک است ذاتی که مالک تمامی مخلوقات و پاک از تمامی عیبهاست.

مطلب چهارم: سوره هاییکه در وتر تلاوت مینمودند: رسول الله ﷺ این سوره ها را در نماز وتر تلاوت مینمودند.

سنت اول: رسول الله ﷺ در نماز تر {سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الأَعْلَى} و در رکعت دوم {قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ، و در رکعت سوم {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} تلاوت مینمودند.

دلیل این سنت: امام نسائي رحمه الله روایت میکند: عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ فِي الْوِتْرِ بِسَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّالِثَةِ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَلَا يُسَلِّمُ إِلَّا فِي آخِرِهِنَّ وَيَقُولُ يَعْنِي بَعْدَ التَّسْلِيمِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ ثَلَاثًا. [4] حدیث صحیح است. [5]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابی بن کعب رضي الله عنه مي فرمایند: رسول الله ﷺ در نماز وتر {سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الأَعْلَى} و در رکعت دوم {قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ، و در رکعت سوم {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} تلاوت مینمودند و سلام نمی دادند مگر در آخر رکعت، و بعد از سلام سه مرتبه میگفتند.

1- حدیث نمبر (1432) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)
2- حدیث نمبر (1432) سنن ابی داوود
3- حدیث نمبر (1284) صحیح سنن ابی داوود.
4- حدیث نمبر (1683) سنن نسائی.
5- حدیث نمبر (1729)صحیح وضعیف سنن النسائي

سنت اول: رسول الله ﷺ در نماز وتر {سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الأَعْلَى} و در رکعت دوم {قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ ، و در رکعت سوم {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و معوذتین (سوره فلق و ناس) را تلاوت مینمودند

دلیل این سنت:امام ابن ماجه رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ جُرَيْجٍ ، قَالَ: سَأَلْنَا عَائِشَةَ : بِأَيِّ شَيْءٍ كَانَ يُوتِرُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وسَلَّمَ ؟ قَالَتْ : كَانَ يَقْرَأُ فِي الرَّكْعَةِ الأُولَى بِـ {سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الأَعْلَى} ، وَفِي الثَّانِيَةِ {قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ} ، وَفِي الثَّالِثَةِ {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} ، وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ. [1] حدیث صحیح است. [2]

ترجمه: عبدالعزیز بن جریج رحمه الله میگوید از صحابی بزرگوار ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها پرسیدیم که با کدام سوره ها رسول الله ﷺ نماز وترش را ادا می فرمودند:

ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها فرمودند که رسول الله ﷺ در نماز وتر {سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الأَعْلَى} و در رکعت دوم {قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ ، و در رکعت سوم {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و معوذتین (سوره فلق و ناس) را تلاوت مینمودند.

1- حدیث نمبر (1173) سنن ابن ماجه.

2- حدیث نمبر (1173) صحیح وضعیف سنن ابن ماجه.

فصل سوم

تقسیم اوقات هفته وار
رسول الله (صلى الله عليه وسلم)

درین فصل موضوعات ذیل را میخوانیم.

بحث اول: فضایل وخصوصیات دو شنبه و پنج شنبه .

بحث دوم: عید هفته وار (روز جمعه) .

بحث سوم: رفتن به مسجد قبا روز شنبه.

بحث اول

فضایل وخصوصیات دو شنبه و پنج شنبه

مطلب اول: روزه گرفتن دوشنبه وپنجشنبه: رسول الله ﷺ به روزه گرفتن دو روز درهفته (دوشنبه وپنج شنبه) تشویق مینمود ند .

امام ترمذی رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ النَّبِىُّ -صلى الله عليه وسلم- يَتَحَرَّى صَوْمَ الاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ. [1] حدیث صحیح است. [2]

ترجمه: صحابی بزرگوار عایشه صدیقه رضی الله عنها مي فرمایند: رسول الله ﷺ روزه دو شنبه و پنج شنبه را جستجو مینمود ند:

امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى قَتَادَةَ الأَنْصَارِىِّ رضى الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- سُئِلَ عَنْ صَوْمِهِ قَالَ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ عُمَرُ رضى الله عنه رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِبَيْعَتِنَا بَيْعَةً. قَالَ فَسُئِلَ عَنْ صِيَامِ الدَّهْرِ فَقَالَ « لاَ صَامَ وَلاَ أَفْطَرَ ». أَوْ « مَا صَامَ وَمَا أَفْطَرَ ». قَالَ فَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمَيْنِ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ « وَمَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ وَإِفْطَارِ يَوْمَيْنِ قَالَ « لَيْتَ أَنَّ اللَّهَ قَوَّانَا لِذَلِكَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ « ذَاكَ صَوْمُ أَخِى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الاِثْنَيْنِ قَالَ « ذَاكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ وَيَوْمٌ بُعِثْتُ أَوْ أُنْزِلَ عَلَىَّ فِيهِ ». قَالَ فَقَالَ « صَوْمُ ثَلاَثَةٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ صَوْمُ الدَّهْرِ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ فَقَالَ « يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَقَالَ « يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ ». وَفِى هَذَا الْحَدِيثِ مِنْ رِوَايَةِ شُعْبَةَ قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَسَكَتْنَا عَنْ ذِكْرِ الْخَمِيسِ لَمَّا نُرَاهُ وَهْمًا. [3]

ترجمه: صحابی بزرگوار رضی الله عنه مي فرمایند: رسول الله ﷺ فرمود ند:

---

[1] - حديث نمبر (750) سنن ترمذی .

[2] - حديث نمبر (٧٤٥) صحيح وضعيف سنن ترمذی .

[3] - حديث نمبر (2804) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

مطلب دوم: پیش شدن اعمال بنده گان در دوشنبه وپنجشنبه: رسول الله ﷺ میفرمودند که در دو روز در هفته (دوشنبه وپنج شنبه) اعمال بنده گان به خالق متعال پیشکش میشود و خوش دارد. درین دو روز روزه دار باشد .

دلیل این سنت: امام ابوداوود رحمه الله روایت میکند: عَنْ مَوْلَى أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ أَنَّهُ انْطَلَقَ مَعَ أُسَامَةَ إِلَى وَادِى الْقُرَى فِى طَلَبِ مَالٍ لَهُ فَكَانَ يَصُومُ يَوْمَ الاثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ فَقَالَ لَهُ مَوْلاَهُ لِمَ تَصُومُ يَوْمَ الاثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ وَأَنْتَ شَيْخٌ كَبِيرٌ فَقَالَ إِنَّ نَبِىَّ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- كَانَ يَصُومُ يَوْمَ الاثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ وَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ « إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ يَوْمَ الاثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ ». قَالَ أَبُو دَاوُدَ كَذَا قَالَ هِشَامٌ الدَّسْتَوَائِىُّ عَنْ يَحْيَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِى الْحَكَمِ. [1] حديث صحيح است. [2]

ترجمه: از مولای اسامه بن زید رضی الله عنه روایت است که به همرای اسامه بن زید به وادی القری به طلب مالی که مربوط وی بود ، رفتند: او روزهای دوشنبه و پنج شنبه روزه میگرفت ، مولایش برایش گفت: چرا دوشنبه وپنجشنبه روه میگیری در حالیکه خودت شخص پخته سال هستی ، وی گفت: رسول الله ﷺ روز های دوشنبه و پنج شنبه روزه میگرفت ، از وی درین مورد سوال شد . رسول الله ﷺ فرمودند: اعمال بنده ها در روزهای دو شنبه وپنجشنبه عرضه میگردد.

مطلب سوم: مغفرت در دوشنبه وپنجشنبه: رسول الله ﷺ میفرمودند که درین دو روز در هفته (دوشنبه وپنج شنبه) بنده گان بخشوده میشوند بجز کینه دلان .

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « تُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَ الاثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لاَ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلاَّ رَجُلاً كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءُ فَيُقَالُ أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا ».. [3]

1- حديث نمبر (2438) سنن ابی داوود

2- حديث نمبر (۲۴۲۶) صحيح وضعيف سنن ابی داوود.

3- حديث نمبر (6709) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

ترجمه: صحابی بزرگوار ابوهریره ﷺ مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمودند: دروازه های جنت در روزهای دو شنبه پنج شنبه باز میگردد ، برای هر بنده ای که به الله (سبحانه وتعالی) شرک نیاورده باشد ، بخشوده میشود ، مگر شخصیکه در میان وی و برادرش بدبینی باشد ، گفته میشود: این دو را بگذارید تا صلح کنند ، این دو را بگذارید تا صلح کنند ، این دو را بگذارید تا صلح کنند.

بحث دوم

عید هفته وار (روز جمعه)

روز جمعه یکی از روزهای مهم و عید هفته وار مسلما نان میباشد. ودلیل اینکه این روز عید مسلما نان است ، درین روز به غسل ، خوشبویی و پوشیدن لباس های پاک تاکید شده است. (1)

جمهور علمای اسلام میگویند که روز جمعه نخستین روز ، روزهای هفته میباشد (وجمهور أهل العلم على أنّ يوم الجمعة هو أول أيام الأسبوع، وأنّ السبت بعده، وأنّ الأحد بعده.) (2)

مطلب اول: فضیلت روز جمعه: رسول الله ﷺ در مورد فضیلت روز جمعه احادیث ذیل را بیان داشته است.

سنت اول: رسول الله ﷺ فرمودند که ما بخاطر عدم مخالفت در روز جمعه نخستین امتان در قیامت میباشیم.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: عن أبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه: أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «نَحْنُ الآخِرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بَيْدَ أَنَّهُمْ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِنَا، ثُمَّ هَذَا يَوْمُهُمُ الَّذِي فُرِضَ عَلَيْهِمْ، فَاخْتَلَفُوا فِيهِ، فَهَدَانَا اللَّهُ، فَالنَّاسُ لَنَا فِيهِ تَبَعٌ: الْيَهُودُ غَدًا، وَالنَّصَارَى بَعْدَ غَدٍ». (بخاری:) (3)

---

[1] - تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار) تاليف محمد رشيد بن علي رضا (المتوفى: 1354هـ) ، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، (1990م) ، ٢١٨/٦.

[2] - شرح عدة متون في العقيدة تاليف صالح بن عبد العزيز آل الشيخ ، (بدمن) ، (بن) ، (بط) ، (بت).٣٣/١٥.

[3] - حدیث نمبر (876) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)

ترجمه: ابوهريره ﷺ مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «ما در دنيا، آخرين اُمت هستيم ولي در قيامت، پيشاپيش ساير امتها خواهيم بود با وجودي كه آنها قبل از ما صاحب كتاب آسماني شده اند. سپس، الله (سبحانه وتعالى) روزجمعه را براي اهل كتاب، فرض نمود (تا شعائرشان را در آن انجام دهند) ولي آنان در مورد آن، دچار اختلاف نظر شدند. آنگاه، الله (سبحانه وتعالى) ما را بدان (روز جمعه) راهنمايي فرمود و بقيه مردم (اهل كتاب) پشت سر ما قرار دارند؛ شنبه روزعبادت يهود ويكشنبه روزعبادت نصارا است».

سنت دوم: رسول الله ﷺ براى رفتن به نماز جمعه فضيلت هاى زيادى را بيان داشته اند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكنند: عَنْ أبي هُرَيْرَةَ ﷺ أنّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ: «مَن اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَة غُسْلَ الْجَنَابَة ثُمّ رَاحَ فَكَأَنّمَا قَرّبَ بَدَنَةً، وَمَنْ رَاحَ في السّاعَة الثّانيَة فَكَأَنّمَا قَرّبَ بَقَرَةً، وَمَنْ رَاحَ في السّاعَة الثّالثَة فَكَأَنّمَا قَرّبَ كَبْشًا أَقْرَنَ، وَمَنْ رَاحَ في السّاعَة الرّابعَة فَكَأَنّمَا قَرّبَ دَجَاجَةً، وَمَنْ رَاحَ في السّاعَة الْخَامسَة فَكَأَنّمَا قَرّبَ بَيْضَةً، فَإذَا خَرَجَ الإمَامُ حَضَرَت الْمَلائكَةُ يَسْتَمعُونَ الذّكْرَ». [1]

ترجمه: ابوهريره ﷺ روايت مي كند كه رسول الله ﷺ فرمود: «هركس، روزجمعه مانند غسل جنابت، غسل نمايد واول وقت براي نمازجمعه برود، گويا شتري صدقه نموده است. وهركس، بعدازآن، برود، گويا گاوي صدقه نموده است. وهركس، بعدازآن، برود، گويا قوچي صدقه نموده است. وهركس، بعدازآن، برود، گويا يك مرغ صدقه نموده است. وهركس، بعدازآن، برود، گويا يك تخم مرغ صدقه نموده است. ولي زماني كه امام براي ايراد خطبه برخيزد، فرشتگان (قلم وكاغذ خودرا جمع كرده) به خطبه گوش مي دهند».

سنت سوم: رسول الله ﷺ رفتن به نماز جمعه را رفتن به سبيل الله بيان مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكنند: عن أبي عَبْس ﷺ أنّهُ قَالَ، وَهُوَ ذَاهبٌ إلَى الْجُمُعَة: سَمعْتُ النّبيّ ﷺ يَقُولُ: «مَن اغْبَرّتْ قَدَمَاهُ في سَبيل اللّه، حَرّمَهُ اللّهُ عَلَى النّار». (بخارى:) [2]

---
[1]- حديث نمبر(881) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر(907) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: ابوعبس ﷺ درحالي كه براي نماز جمعه مي رفت، گفت: ازرسول‌الله ﷺ شنیدم که مي‌فرمود: «هر کس که قدم‌هایش درراه الله (سبحانه وتعالی) گردآلود شوند، آتش دوزخ بر او حرام خواهد شد».

سنت چهارم: رسول الله ﷺ فضیلت ساعتی در روز جمعه را بیان داشتند که در آن ساعت دعا قبول میگردد.

دلیل این سنت: امام بخاری ﷺ روایت میکنند: عَنْ أَبي هُرَيْرَةَ ﷺ: أَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ ذَكَرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ: «فيه سَاعَةٌ لا يُوَافقُهَا عَبْدٌ مُسْلمٌ وَهُوَ قَائمٌ يُصَلّي، يَسْأَلُ اللّهَ تَعَالَى شَيْئًا إلاّ أَعْطَاهُ إيّاهُ». وَأَشَارَ بيَده يُقَلّلُهَا. (بخاری:) [1]

ترجمه: ابوهریره ﷺ مي‌گويد: روزي رسول الله ﷺ درمورد روز جمعه، سخن گفت و فرمود: «درروز جمعه، ساعتي وجود دارد كه اگر بنده مومن، دران لحظه، نماز بخواند و دعا كند، الله (سبحانه وتعالی) متعال دعايش را مستجاب خواهد كرد». و با حركات دست، كوتاهي ان لحظه را نشان داد.

مطلب دوم: غسل و پاکی روز جمعه: رسول الله ﷺ درمورد پاکی و نظافت در روز جمعه احادیث زیادی را بیان داشته است.

سنت اول: رسول الله ﷺ فرمودند که غسل روز جمعه واجب میباشد.

دلیل این سنت: امام بخاری ﷺ روایت میکنند: عَنْ أَبي سَعيد الْخُدْريّ ﷺ عَن النّبيّ ﷺ قَالَ: «الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَة وَاجبٌ عَلَى كُلّ مُحْتَلم». (بخاری: 858)

ترجمه: ابوسعید خدري ﷺ میگوید: رسول الله ﷺ فرمود: «غسل روز جمعه، بر هر شخص بالغ، واجب است».

سنت دوم: رسول الله ﷺ به مسواک نمودن و خوشبویی نمودن در روز جمعه تشویق مینمودند.

[1]- حدیث نمبر (935) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخاری)

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: عَنْ أَبِي سَعِيد الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ: أَشْهَدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ، وَأَنْ يَسْتَنَّ، وَأَنْ يَمَسَّ طِيبًا إِنْ وَجَدَ». (بخاری:) [1]

ترجمه: ابوسعيد خدري رضي الله عنه مي گويد: گواهي مي دهم بر اينکه رسول الله ﷺ فرمود: «غسل روز جمعه و مسواک زدن، بر هر فرد بالغ و مسلمان، واجب است. و اگر به مواد خوشبو، دسترسي داشت، استفاده کند».

سنت سوم: رسول الله ﷺ با پاکی ادای نماز جمعه سبب مغفرت گناهان بیان داشته اند .

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: « لا يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طُهْرٍ وَيَدَّهِنُ مِنْ دُهْنِه، أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِه ثُمَّ يَخْرُجُ فَلا يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كُتِبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الإِمَامُ، إِلا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الأُخْرَى». (بخاری:) [2]

ترجمه: سلمان فارسي رضي الله عنه روايت مي كند كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «هركس، روز جمعه غسل كند و حتي المقدور، خود را پاكيزه نمايد و از روغن يا مواد خوشبويي كه در اختيار دارد، استفاده كند. سپس، براي نماز جمعه برود و در مسجد نيز از روي شا نه هاي مردم، عبور نكند و آنچه برايش مقدّر شده است، نماز بخوا ند و با دقت و رعايت سكوت، به خطبه امام، گوش فرا دهد، تمام گناها نش از جمعه قبل تا اين جمعه، بخشيده خواهند شد».

سنت چهارم: رسول الله ﷺ به غسل روز جمعه امر مینمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ قِيلَ لَه: ذَكَرُوا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «اغْتَسِلُوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْسِلُوا رُءُوسَكُمْ وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا جُنُبًا، وَأَصِيبُوا مِنَ الطِّيبِ». فَقَالَ: أَمَّا الْغُسْلُ فَنَعَمْ، وَأَمَّا الطِّيبُ فَلا أَدْرِي. [3]

1- حديث نمبر(880) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر(883) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)
3- حديث نمبر(884) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما پرسيد ند: مردم ميگويند: رسول الله ﷺ فرموده است: «روز جمعه غسل كنيد وسرهايتان را بشوييد اگر چه جنب نباشيد و همچنين از مواد خوشبو استفاده نماييد» ؟ ابن عباس رضي الله عنهما گفت: در مورد دستور به غسل ، بلي. اما در مورد استفاده از مواد خوشبو ، آن را به خاطر ندارم».

سنت پنجم: رسول الله ﷺ برای همه غسل هفته یک مرتبه حق میدا نست .

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: حديث أَبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه: « نَحْنُ الآخِرُونَ السَّابِقُونَ» تقدم قريباً وزاد هنا في آخره: ثُمَّ قَالَ: «حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا يَغْسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَجَسَدَهُ». (1)

ترجمه: حديث ابوهريره رضي الله عنه درباره اينكه رسول الله ﷺ فرمود: «ما درد نيا ، آخرين امت هستيم. اما روز قيامت ، پيشگام همه خواهيم بود» ، بيان گرديد. دراين روايت علاوه بر آن ، چنين آمده است كه رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) ﷺ فرمود: «درهر هفت روز ، يكبار ، غسل كردن بر هر مسلمان ، واجب و ضروري است. يعني هفته اي يكبار ، بايد سر و بدن خود را بشوييد».

مطلب سوم: تلاوت قرآن عظیم الشان در روز جمعه: رسول الله ﷺ در مورد تلاوت سوره های مخصوص در روز جمعه احادیثی را بیان داشته است.

سنت اول: رسول الله ﷺ در نماز صبح روز جمعه سوره سجده و دهر را تلاوت میفرمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقْرَأُ فِي الْجُمُعَةِ فِي صَلاةِ الْفَجْرِ ﴿الم تَنْزِيلُ﴾ السَّجْدَةَ ، وَ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الإِنْسَانِ﴾. (بخاری:) (2)

ترجمه: ابوهريره رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ در نماز فجر روز جمعه ، بيشتر سورهاي سجده﴿الم تَنْزِيلُ﴾ و دهر﴿هَلْ أَتَي عَلَي الإِنْسَانِ﴾ را تلاوت مي كرد.

سنت دوم: رسول الله ﷺ تلاوت سوره ء کهف را در روز جمعه سبب نور در میان دو جمعه بیان میفرمود ند.

1- حديث نمبر (897) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)
2- حديث نمبر (891) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)

دلیل این سنت: امام سیوطی رحمه الله روایت میکنند: عن أبي سعید (رضی الله عنه) قال قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) من قرأ سورة الكهف في يوم الجمعة أضاء له من النور ما بين الجمعتين. تخريج السيوطي. تحقيق الألباني (صحيح) انظر حديث رقم: 6470 في صحيح الجامع. [1] حدیث صحیح است. [2]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابی سعید رضی الله عنه می فرمایند: رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه در روز جمعه سوره کهف را تلاوت نماید برای نوری درمیان دو جمعه روشن میگردد.

مطلب چهارم: وقت ادای نماز جمعه: رسول الله ﷺ در مورد وقت ادای نماز جمعه سنت هایی را بیان داشته است.

سنت اول: رسول الله ﷺ نماز جمعه را پس از زوال آفتاب ادا مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يُصَلِّي الْجُمُعَةَ حِينَ تَمِيلُ الشَّمْسُ. (بخاری:) [3]

ترجمه: انس رضي الله عنه میگوید: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نماز جمعه را پس از زوال آفتاب می خواند.

سنت دوم: رسول الله ﷺ نماز جمعه را نظر به گرمی و سردی تقدیم و تاخیر مینمودند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: عن أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه قال: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا اشْتَدَّ الْبَرْدُ بَكَّرَ بِالصَّلاَةِ، وَإِذَا اشْتَدَّ الْحَرُّ أَبْرَدَ بِالصَّلاَةِ، يَعْنِي الْجُمُعَةَ. [4]

ترجمه: انس رضي الله عنه میگوید: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) در زمستان که هوا سخت سرد می شد، نماز جمعه را زود می خواند و در تابستان که هوا سخت گرم می شد، آن را به تاخیر می انداخت.

مطلب پنجم: آداب نماز جمعه: رسول الله ﷺ در مورد آداب نماز جمعه سنت هایی را بیان داشته است.

1- حدیث نمبر (11416) صحيح وضعيف الجامع الصغير تاليف محمد ناصر الدين الألباني، اسکندریه: مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة، (ب ط)، (ب ت).
2- حدیث نمبر (11416) صحيح وضعيف الجامع الصغير تاليف محمد ناصر الدين الألباني، اسکندریه: مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة، (ب ط)، (ب ت).
3- حدیث نمبر (905) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (مشهور به صحيح البخاری)
4- حدیث نمبر (906) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (مشهور به صحيح البخاری)

سنت اول: رسول الله ﷺ نهي كرد از اينكه كسي برادر مسلما نش را از جايش بلند كرده و خود بجايش بنشيند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكنند: عن ابْنِ رَضيَ اللَّه عَنْهُمَا قَالَ: نَهَى النَّبيُّ ﷺ أَنْ يُقيمَ الرَّجُلُ أَخَاهُ منْ مَقْعَده وَيَجْلسَ فيه. قيل الْجُمُعَةَ؟ قَالَ: الْجُمُعَةَ وَغَيْرَهَا.(بخارى:) (1)

ترجمه: عبد الله بن رضي الله عنهما ميگويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نهي كرد از اينكه كسي برادر مسلما نش را از جايش بلند كرده و خود بجايش بنشيند. سؤال شد: آيا اين حكم، براي روز جمعه است؟ فرمود: براي روز جمعه و غيره جمعه است.

سنت دوم: رسول الله ﷺ از سخن گفتن درهنگام خطبه منع مينمود ند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكنند: عَن أبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه: أَنّ رَسُولَ اللَّه ﷺ قَالَ: «إذَا قُلْتَ لصَاحبكَ يَوْمَ الْجُمُعَة: أَنْصتْ، وَالإمَامُ يَخْطُبُ، فَقَدْ لَغَوْتَ». (2)

ترجمه: ابوهريره رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ فرمود: «اگر روز جمعه كه امام مشغول ايراد خطبه است، به كسي كه در مجاورت، نشسته است، بگويي: ساكت باش، سخن بيهوده اي گفته اي».

سنت سوم: رسول الله ﷺ از گذشتن بر شا نه های مردم درهنگام خطبه در رز جمعه نهي مينمود ند.

دليل اين سنت: امام ابوداوود رحمه الله روايت ميكند: عَنْ عَبْد اللَّه بْن عَمْرو بْن الْعَاص، عَن النَّبيِّ صلى الله عليه وسلم أَنّهُ قَالَ: مَنْ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَة وَمَسّ منْ طيب امْرَأَته إنْ كَانَ لَهَا، وَلَبسَ منْ صَالح ثيَابه، ثُمّ لَمْ يَتَخَطّ رقَابَ النّاس، وَلَمْ يَلْغُ عنْدَ الْمَوْعظَة كَانَتْ كَفّارَةً لمَا بَيْنَهُمَا، وَمَنْ لَغَا وَتَخَطّى رقَابَ النّاس كَانَتْ لَهُ ظُهْرًا.(3) حديث صحيح است. (4)

ترجمه: صحابى بزرگوار عَبْد اللَّه بْن عَمْرو بْن الْعَاص رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمود ند: كسيكه روز جمعه غسل نمايد و از عطر همسرش اگر داشته باشد استفاده

1- حديث نمبر(911) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر(934) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
3- حديث نمبر(347) سنن ابى داوود
4- حديث نمبر(347) صحيح وضعيف سنن ابى داوود.

کند ْ و لباس های خویش را بپوشد و از شا نه های مردم تیر نشود و در هنگام خطبه لغوی نکند(سخن نگوید) برای وی کفاره گناهان وی در میان دو جمعه میباشد.

و اگر کسی لغو نمود و یا از شا نه های مردم مرور نمود برای وی تنها ظهر میباشد.

مطلب ششم: اذان نماز جمعه: رسول الله ﷺ در مورد اذان نماز جمعه سنت هایی را بیان داشته است.

سنت اول: رسول الله ﷺ اذان گفتن برای نماز جمعه را سنت نموده بود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله **روایت میکنند:** عَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ ﷺ قَالَ: كَانَ النِّدَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوَّلُهُ إِذَا جَلَسَ الإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ ﷺ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا ، فَلَمَّا كَانَ عُثْمَانُ ﷺ وَكَثُرَ النَّاسُ زَادَ النِّدَاءَ الثَّالِثَ عَلَى الزَّوْرَاءِ.[1]

ترجمه: سائب بن يزيد ﷺ مي‌گويد: درزمان رسول الله (صلى الله عليه وسلم) ، ابوبکر ﷺ و ﷺ اذان جمعه همان اذان اوّل بود كه جلوي منبر گفته مي شد آ نهم وقتي كه امام براي ايراد خطبه ، بالاي منبر مي‌رفت. امّا در زمان خلافت عثمان ﷺ وقتي جمعيت زياد شد ، اذان سوّم بالاي زوراء گفته شد و اضافه گرديد.

سنت اول: رسول الله ﷺ برای اذان در نماز جمعه جواب میگفتند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله **روایت میکنند:** عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ ﷺ: أنّه جَلَسَ عَلَى الْمِنْبَرِ يوم الجمعة ، فلما أَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ، قَالَ مُعَاوِيَةُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاّ اللَّهُ ، فَقَالَ مُعَاوِيَةُ ﷺ: وَأَنَا ، فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّه ، فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: وَأَنَا ، فَلَمَّا أَنْ قَضَى التَّأْذِينَ ، قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى هَذَا الْمَجْلِسِ ، حِينَ أَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ ، يَقُولُ مَا سَمِعْتُمْ مِنِّي مِنْ مَقَالَتِي. (بخاری:) [2]

ترجمه: معاويه ﷺ روز جمعه بر منبر نشسته بود. هنگامي كه مؤذن الله اكبر گفت ، او نيز الله اكبر گفت. و هنگامي كه مؤذن اشهدان لااله الاالله گفت ، ايشان نيز آن را تكرار كرد. وقتي مؤذن أشهد أن محمدا رسول‌الله گفت ، معاويه نيزآن را تكرار نمود.تا اين كه اذان به

[1] - حديث نمبر (912) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)
[2] - حديث نمبر (914) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)

پايان رسيد آنگاه، فرمود: اي مردم ! من از رسول الله ﷺ در همين جايگاه شنيدم كه هنگام اذان گفتن موذن، اين گونه كه از من شنيديد، عمل مي كند.

مطلب هفتم: خطبه نماز جمعه: رسول الله ﷺ در مورد خطبه نماز جمعه سنت هايى را بجا گذاشته است.

سنت اول: رسول الله ﷺ خطبه نمازجمعه را ايستاده ادا مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكنند: عَن ابْن عُمَرَ رَضيَ اللّه عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ النّبيُّ ﷺ يَخْطُبُ قَائمًا، ثُمّ يَقْعُدُ، ثُمّ يَقُومُ، كَمَا تَفْعَلُونَ الآنَ. (بخارى) [1]

ترجمه: عبد الله ابن رضي الله عنهما مي‌گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) ايستاده خطبه را آغاز مي كرد. سپس اندكي مي نشست و آنگاه دوباره بلند مي شد. همناطور كه امروز نيز رائج است.

سنت دوم: رسول الله ﷺ درخطبه نمازجمعه پس از حمد و ثناي الله (سبحانه وتعالى) اما بعد ميگفتند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكنند: عَنْ عَمْرو بْن تَغْلبَ رضي الله عنه: أَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ أُتيَ بمَال أَوْ سَبْيٍ، فَقَسَمَهُ، فَأَعْطَى رجَالاً وَتَرَكَ رجَالاً، فَبَلَغَهُ أَنّ الّذينَ تَرَكَ عَتَبُوا، فَحَمدَ اللّهَ ثُمّ أَثْنَى عَلَيْه، ثُمّ قَالَ: «أَمّا بَعْدُ فَوَاللّه إنّي لأُعْطي الرّجُلَ، وَأَدَعُ الرّجُلَ، وَالّذي أَدَعُ أَحَبُّ إلَيّ من الّذي أُعْطي، وَلَكنْ أُعْطي أَقْوَامًا لمَا أَرَى في قُلُوبهمْ منَ الْجَزَع وَالْهَلَع، وَأَكلُ أَقْوَامًا إلَى مَا جَعَلَ اللّهُ في قُلُوبهمْ منَ الْغنَى وَالْخَيْر، فيهمْ وبْنُ تَغْلبَ». فَوَاللّه مَا أُحبُّ أَنّ لي بكَلمَة رَسُول اللّه ﷺ حُمْرَ النّعَم. (بخارى) [2]

ترجمه: وبن تغلب رضي الله عنه مي‌گويد: مقداري مال يا چند تن اسير جنگي، نزد رسول الله (صلى الله عليه وسلم) آوردند. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) آنها را تقسيم نمود. افرادي را از اين مال، داد و تعدادي را نداد. به رَسُولَ اللّه (صلى الله عليه وسلم) ﷺ خبر رسيد كه آناني كه سهمي نبرده اند، ناخشنود هستند. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) پس از حمد و ثناي الله (سبحانه

[1] - حديث نمبر (920) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)
[2] - حديث نمبر (923) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)

وتعالى) ، فرمود: «اما بعد: ب الله (سبحانه وتعالى) سوگند، من به بعضي از اين اموال، مي‌دهم وبه بعضي ديگر، نمي‌دهم. اما آناني را كه نداده ام، نزد من محبوب‌تر اند از كساني كه به آنها مال داده‌ام. زيرا من به كساني كه درآنها حرص وطمع مي بينم، مي دهم. وبرخي ديگر را به خيري كه الله (سبحانه وتعالى) در دلهايشان قرار داده است، مي سپارم. و و بن تغلب از آنان است». و بن تغلب مي گويد: به الله (سبحانه وتعالى) سوگند كه اين سخن رسول الله (صلى الله عليه وسلم) براي من از شتران سرخ رنگ نيز محبوب‌تر بود.

مطلب هشتم: نماز های سنت در روز جمعه: رسول الله ﷺ در روز جمعه نماز های سنت را به اشكال ذيل ادا بيان داشته اند .

سنت اول: رسول الله ﷺ به اداى تحيت المسجد در جمعه امر مينمود ند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكنند: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللَّه رَضِيَ الله عَنْهُمَا قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ وَالنَّبِيُّ ﷺ يَخْطُبُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ: «أَصَلَّيْتَ يَا فُلانُ» ؟ قَالَ: لا. قَالَ: «قُمْ فَارْكَعْ رَكْعَتَيْنِ». (1)

ترجمه: جابر بن عبد الله رضي الله عنه مي‌گويد: در يكي از روزهاي جمعه كه رسول الله ﷺ در حال ايراد خطبه بود، شخصي وارد مسجد شد و نشست. رَسُولَ الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «يا فلاني ! آيا نماز خوانده اي» ؟ گفت: خير. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «برخيز و دو ركعت نماز بخوان». (يعني تحيه المسجد)

سنت دوم : رسول الله ﷺ: درمنزل شان بعد از جمعه دو ركعت نماز ادا نموده اند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ عَبْدِ اللَّه بْنِ عُمَرَ رَضِيَ الله عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّه ﷺ كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الظُّهْرِ رَكْعَتَيْنِ وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ في بَيْتِه، وَبَعْدَ الْعِشَاءِ رَكْعَتَيْنِ، وَكَانَ لا يُصَلِّي بَعْدَ الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ، فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ. (2)

ترجمه: عبدالله بن رضي الله عنهما مي‌گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) دو ركعت قبل از نماز ظهر، دو ركعت بعد از آن و دو ركعت بعد از مغرب در خانه‌اش مي خواند. و دو

---

[1]- حديث نمبر(930) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر(937) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)

رکعت بعد از نماز عشاء مي‌خواند. و بعد از نماز جمعه، نمازي نمي خواند مگر زماني که به خانه اش برمي گشت. آنگاه، در منزل دو رکعت نماز مي گزارد.

بحث سوم

رفتن به مسجد قبا (هفته وار)

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا: أَنَّهُ كَانَ لا يُصَلِّي مِنَ الضُّحَى إِلاَّ فِي يَوْمَيْنِ: يَوْمَ يَقْدَمُ بِمَكَّةَ فَإِنَّهُ كَانَ يَقْدَمُهَا ضُحًى، فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ الْمَقَامِ، وَيَوْمَ يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءٍ، فَإِنَّهُ كَانَ يَأْتِيهِ كُلَّ سَبْتٍ، فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَرِهَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهُ حَتَّى يُصَلِّيَ فِيهِ، قَالَ: وَكَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّه ﷺ كَانَ يَزُورُهُ رَاكِبًا وَمَاشِيًا، قَالَ: وَكَانَ يَقُولُ: إِنَّمَا أَصْنَعُ كَمَا رَأَيْتُ أَصْحَابِي يَصْنَعُونَ، وَلَا أَمْنَعُ أَحَدًا أَنْ يُصَلِّيَ فِي أَيِّ سَاعَةٍ شَاءَ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ، غَيْرَ أَنْ لا تَتَحَرَّوْا طُلُوعَ الشَّمْسِ وَلا غُرُوبَهَا. [1]

ترجمه: ازعبد الله بن رضي الله عنهما روايت است كه او نماز چاشت نمي خواند، مگر در دو روز. نخست، روزي كه وارد مكه مي شد. يعني هنگامي كه مي خواست وارد شهر شود، وقت چاشت وارد مي شد. ابتدا، خانهٔ كعبه را طواف مي كرد. سپس، دو ركعت نماز، در مقام ابراهيم مي خواند. دوم، روزهاي شنبه كه به مسجد قبا مي رفت. وقتي وارد مسجد مي شد، دوست نداشت بدون خواندن نماز، ازآ نجا بيرون رود. (بدين جهت درآ نجا، نماز مي خواند).

عبد الله بن رضي الله عنهما مي گويد: رسول الله ﷺ گاهي پياده و گاهي سواره، به زيارت مسجد قبا مي رفت. من همان كاري را انجام مي دهم كه ساير دوستانم مي كنند. و هيچ كس را از خواندن نماز، در ساير اوقات شبانه روز، منع نمي كنم. البته هنگام طلوع و غروب آفتاب، نماز نخوانيد.

1- حديث نمبر(1191، 1192) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)

فصل چهارم

تقسیم اوقات ماهوار رسول الله (صلی الله علیه وسلم)

درین فصل بحث های ذیل را میخوا نیم.

بحث اول: تقسیم اوقات ماه محرم الحرام .

بحث دوم: تقسیم اوقات صفر و ربیع الاول .

بحث سوم: تقسیم اوقات شعبان و رمضان .

بحث چهارم: تقسیم اوقات شوال المکرم .

بحث پنجم: تقسیم اوقات ماه ذی الحجه .

بحث اول

تقسیم اوقات ماهء محرم الحرام

رسول الله ﷺ در ماه محرم الحرام اعمال و سنت های زیادی را انجام داده اند که در مطالب ذیل بیان میگردد:

مطلب اول: روزه گرفتن مکمل ماهء محرم الحرام:

سنت اول: رسول الله ﷺ بهترین روزه بعد از رمضان روزهء ماه محرم را بیان داشته است.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ - رضى الله عنه - قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « أَفْضَلُ الصِّيَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمُ وَأَفْضَلُ الصَّلاَةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلاَةُ اللَّيْلِ».. [1]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه مي فرمایند: رسول الله ﷺ فرمودند: بهترین روزه بعد از رمضان در ماه الله (سبحا نه وتعالی) ماه محرم است ، وبهترین نماز بعد از نماز فرض نماز شب است.

مطلب دوم: روزهء عاشورا قبل از فرضیت رمضان: رسول الله ﷺ قبل از فرض شدن رمضان روزهء عاشورا را امر نموده بودند ولی بعد از فرضیت رمضان آنرا اختیاری بیان داشتند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن عَائشَةَ ، أَنّ قُرَيْشًا كَانَتْ تَصُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ في الْجَاهِلِيّة ، ثُمّ أَمَرَ رسول اللّه (صلى اللّه عليه وسلم) بصيَامه حَتّى فُرِضَ رَمَضَانُ ، وَقَالَ رَسُولُ اللّه (صلى اللّه عليه وسلم) : مَنْ شَاءَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ شَاءَ أَفْطَرَ» [2]

ترجمه: عایشه (رضی الله عنه)گوید: قریش در دوره جاهلیت در روز عاشوراء روزه می‌گرفتند ، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) هم دستور داد که مسلما نان در روز عاشوراء روزه باشند تا اینکه روزه ماه رمضان واجب شد ، آن‌گاه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هرکس می‌خواهد عاشوراء روزه باشد و اگر نمی‌خواهد روزه نباشد». (یعنی روزه عاشوراء واجب نیست).

1- حديث نمبر (2812) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

2- حديث نمبر (688) اللؤلؤ والمرجان تاليف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبكر حسن‌زاده.

همچنان امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: كَانَ عَاشُورَاءُ يَصُومُهُ أَهْلُ الْجَاهِلِيّة، فَلَمّا نَزَلَ رَمَضَانُ، قَالَ: مَنْ شَاءَ صَامَهُ وَمَنْ شَاءَ لَمْ يَصُمْهُ». [1]

ترجمه: ابن (رضی الله عنه)گوید: مردم دوره جاهلیت در روز عاشوراء روزه می‌گرفتند، وقتی که آیه وجوب روزه ماه رمضان نازل شد، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هرکس می‌خواهد می‌تواند عاشوراء روزه باشد و هرکس می‌خواهد روزه نباشد».

همچنان امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ عَبْدِ الرَحْمنِ، أَنّهُ سَمِعَ مُعَاوِيَةَ ابْنَ أَبِي سُفْيَانَ، يَوْمَ عَاشُوراءَ، عَامَ حَجّ، عَلَى الْمِنْبَرِ، يَقُولُ: يَا أَهْلَ الْمَدِينَةِ أَيْنَ عُلَمَاؤُكُمْ سَمِعْتُ رَسُولَ الله (صلی الله علیه وسلم)، يَقُولُ: هذَا يَوْمُ عَاشُورَاءَ، وَلَمْ يُكْتَبْ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ، وَأَنَا صَائِمٌ، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصُمْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُفْطِرْ». [2]

ترجمه: حمید بن عبدالرحمن (رضی الله عنه)گوید: شنیدم که معاویه پسر ابوسفیان در روز عاشوراء در سالی که حج را (به عنوان امیرالحاج) انجام داد بر بالای منبر می‌گفت: ای اهل مدینه ! علمای شما کجا هستند؟ من شنیدم که رسول خدا می‌گفت: امروز عاشوراء است و روزه آن بر شما واجب نیست و من روزه هستم، هر کس میل دارد روزه باشد و کسی که نمی‌خواهد روزه نباشد».

مطلب سوم: مخالفت با یهود در طرز عبادت: رسول الله ﷺ بخاطر مخالفت با یهودیان روزه گرفتن تاسوعا(روزنهم محرم الحرام) را با روز عاشورا سنت بیان داشته است.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَبْدَ اللّه بْنَ عَبّاس - رضى الله عنهما - يَقُولُ حِينَ صَامَ رَسُولُ اللّه -صلى الله عليه وسلم- يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَأَمَرَ بِصِيَامِه قَالُوا يَا رَسُولَ اللّه إِنّهُ يَوْمٌ تُعَظّمُهُ الْيَهُودُ وَالنّصَارَى. فَقَالَ رَسُولُ اللّه -صلى الله عليه وسلم- «فَإِذَا كَانَ الْعَامُ

1- حدیث نمبر (689-) اللؤلؤ والمرجان تالیف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبکر حسن‌زاده.

2- حدیث نمبر (691) اللؤلؤ والمرجان تالیف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبکر حسن‌زاده.

الْمُقْبِلُ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - صُمْنَا الْيَوْمَ التَّاسِعَ». قَالَ فَلَمْ يَأْتِ الْعَامُ الْمُقْبِلُ حَتَّى تُوُفِّىَ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم-.. [1]

ترجمه: صحابی بزرگوار رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله ﷺ فرمود ند:

در قسمت موسی علیه السلام رسول الله ﷺ خود را به موسی علیه السلام نسبت به یهودیان نزدیکتر دا نسته روزهء عاشورا را گرفتند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن ابْنِ عَبّاسٍ، قَالَ: قَدِمَ النبيُّ (صلى الله عليه وسلم) المَدِينَةَ، فَرَأَى الْيَهُودَ تَصُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، فَقَالَ: مَا هذَا قَالُوا: هذَا يَوْمٌ صَالِحٌ، هذَا يَوْمٌ نَجّى اللَّهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَصَامَهُ مُوسى، قَالَ: فَأَنَا أَحَقُّ بِمُوسى مِنْكُمْ فَصَامَهُ وَأَمَرَ بِصِيَامِه». [2]

ترجمه: ابن عباس (رضی الله عنه) گوید: وقتی که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به مدینه مهاجرت نمود، دید که یهودیها در روز عاشوراء روزه هستند، فرمود: «چرا امروز روزه هستید؟» گفتند: امروز روز مبارکی است، خداوند در آن قوم بنی‌اسرائیل را از شرّ دشمنا نشان نجات داد، و به شکرا نه آن موسی عاشوراء را روزه گرفت». رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «من از شما نسبت به موسی نزدیکتر هستم». بنابراین رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در روز عاشـوراء روزه شد و دستور داد که مسلما نان هم در این روز، روزه باشند».

همچنان رسول الله ﷺ درمقابل یهود که این روزرا عید میگرفتندْ امر به روزه نمود.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن أبي مُوسى رضي الله عنه، قَالَ: كَانَ يَوْمُ عَاشُورَاءَ تَعُدُّهُ الْيَهُودُ عِيداً قَالَ النبيُّ (صلى الله عليه وسلم): فَصُومُوهُ أَنْتُمْ». [3]

ترجمه: ابو موسی (رضی الله عنه) گوید: یهودیان روز عاشوراء را عید می‌گرفتند، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «شما مسلما نان در عاشوراء روزه باشید».

مطلب چهارم: فضیلت روزهء عاشورا:

1- حدیث نمبر (2722) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

2- حدیث نمبر (692) اللؤلؤ والمرجان تاليف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبكر حسن‌زاده.

3- حدیث نمبر (693) اللؤلؤ والمرجان تاليف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبكر حسن‌زاده.

سنت اول: رسول الله ﷺ روزه عاشوراء را بر سایر روزه‌های سنّت ترجیح می‌داد و روزه ماه رمضان را بر همه روزه‌های دیگر تفضیل می‌بخشید.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن ابْنِ عَبّاس، قَالَ: مَا رَأَيْتُ النّبيّ (صلى الله عليه وسلم) يَتَحَرّى صِيَامَ يَوْم فَضّلَهُ عَلَى غَيْره إلاّ هذَا الْيَوْمَ، يَوْمَ عَاشُورَاءَ؛ وَهذَا الشّهْرَ، يَعْني شَهْرَ رَمَضَانَ».[1]

ترجمه: ابن عباس (رضی الله عنه) گوید: هرگز نمی‌دیدم که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) عمداً روزه یک روز را بر روز دیگری ترجیح دهد مگر روزه امروز، روز عاشوراء و مگر روزه این ماه، ماه رمضان».

سنت دوم: رسول الله ﷺ در فضیلت روزه عاشوراء فرموده اند که گناهان یکساله را کفاره میگردد.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى قَتَادَةَ الأَنْصَارِىّ رضى الله عنه أَنّ رَسُولَ اللّه -صلى الله عليه وسلم- سُئِلَ عَنْ صَوْمِه قَالَ فَغَضِبَ رَسُولُ اللّه -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ عُمَرُ رضى الله عنه رَضِينَا بِاللّه رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمّد رَسُولاً وَبِبَيْعَتِنَا بَيْعَةً. قَالَ فَسُئِلَ عَنْ صِيَامِ الدّهْرِ فَقَالَ « لاَ صَامَ وَلاَ أَفْطَرَ ». أَوْ « مَا صَامَ وَمَا أَفْطَرَ ». قَالَ فَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمَيْنِ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ « وَمَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ وَإِفْطَارِ يَوْمَيْنِ قَالَ « لَيْتَ أَنّ اللّهَ قَوّانَا لِذَلِكَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ « ذَاكَ صَوْمُ أَخِى دَاوُدَ عَلَيْهِ السّلاَمُ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الاثْنَيْنِ قَالَ « ذَاكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ وَيَوْمٌ بُعِثْتُ أَوْ أُنْزِلَ عَلَىّ فِيهِ ». قَالَ فَقَالَ « صَوْمُ ثَلاَثَةٍ مِنْ كُلّ شَهْرٍ وَرَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ صَوْمُ الدّهْرِ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ فَقَالَ « يُكَفِّرُ السّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَقَالَ « يُكَفِّرُ السّنَةَ الْمَاضِيَةَ ». وَفِى هَذَا الْحَدِيثِ مِنْ رِوَايَةِ شُعْبَةَ قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الاثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَسَكَتْنَا عَنْ ذِكْرِ الْخَمِيسِ لَمّا نُرَاهُ وَهْمًا.[2]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابی قتاده انصاری رضی الله عنه مي فرمايند: از رسول الله ﷺ درمورد روزه اش سوال شد.

---

[1]- حدیث نمبر (694) اللؤلؤ والمرجان تالیف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبکر حسن‌زاده.

[2]- حديث نمبر (2804) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

فرمود: رسول الله ﷺ بسیار غضب ناک شد.

رضی الله عنه فرمود ند : رَضِينَا بِاللّه رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمّدٍ رَسُولاً و به بیعت ما که بیعت نموده بودیم بیعت.

راوی فرمود: رسول الله ﷺ در مورد روزه همیشگی سوال شد.

رسول الله ﷺ فرمود: « نه روزه گرفته است و نه افطار نموده است ».یا « نه روزه گرفته و نه هم افطار نمودهَ».

راوی میگوید: از رسول الله ﷺ در مورد دو روز روزه و یک روز افطار سوال کرده شد.

رسول الله ﷺ فرمود ند « کی چنین روزه را طاقت میکند».

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ در مورد یک روز روزه و دو روز افطار پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمود:َ « ای کاش الله (سبحا نه وتعالی) به این کار ما را قوت دهد».

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ در مورد یک روز روزه و یک روز افطار پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمود: این روزه ء برادرم داوود علیه السلام است.

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ در مورد روزه دوشنبه پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمود ند : « این روزی است که در آن تولد شده ام ، درین روز مبعوث شده و درین روز به من وحی نال شد ».

راوی میگوید: رسول الله ﷺ فرمود: « روزه ء سه روز در هر ماه و رمضان تا رمضان دیگر روزه ی است (مثل اینکه کسی تمام روزه گرفته باشد)».

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ در مورد روزه ء عرفه پرسیده شد.

رسول الله ﷺ « گناهان سال قبلی وسال بعدی را کفار میگردد».

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ در مورد روزه ء عاشورا پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمود ند : « گناهان سال قبلی را کفاره میشود ». ودر حدیث از روایت شعبه است که راوی فرمود:از رسول الله ﷺ در مورد روزه ء دوشنبه و پنجشنبه پرسیده شد ، وما از ذکر پنجشنبه خاموش شدیم ، بخاطری که ما در آن وهمی میدیدیم..

مطلب پنجم: روزه گرفتن سه روز در هرماه: رسول الله ﷺ صحابه کرام را به روزه گرفتن سه روز در هر ما توصیه مینمود ند .

سنت اول: رسول الله ﷺ: یک صحابی را از گرفتن روزهء دائمی منع نموده و به روزه گرفتن سه روز در ماه توصیه فرمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن عَبْد اللهِ بْنِ وبْنِ الْعَاصِ، قَالَ: قَالَ لي النبيُّ (صلى الله عليه وسلم) : إِنَّكَ لَتَصُومُ الدَّهْرَ وَتَقُومُ اللَّيْلَ فَقُلْتُ: نَعَمْ قَالَ: إِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ، هَجَمَتْ لَهُ الْعَيْنُ، وَنَفِهَتْ لَهُ النَّفْسُ، لاَ صَامَ مَنْ صَامَ الدَّهْرَ، صَوْمُ ثَلاَثَةِ أَيَّامٍ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهِ قُلْتُ: فَإِنِّي أُطِيقُ أَكْثَرَ مِنْ ذلِكَ قَالَ: فَصُمْ صَوْمَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ، كَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا، وَلاَ يَفِرُّ إِذَا لاَقَى» [1].

ترجمه: عبدالله بن و بن عاص رضی الله عنه (رضی الله عنه) گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به من گفت: «آیا شما تمام سال روزه می‌شوید و شبها هم بیدار می‌مانید؟» گفتم: بلی، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «اگر این کار را بکنی چشمانت ضعیف می‌شود، و بدنت خسته می‌گردد، کسی که تمام سال روزه باشد روزه‌اش ثواب ندارد، روزه سه روز در ماه به منزله روزه تمام سال است». عبدالله گوید گفتم: من بیشتر از سه روز در ماه می‌توانم روزه باشم، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: روزه داود علیه السلام را بگیر، داود علیه السلام یک روز روزه می‌بود و روز دیگر روزه را می‌خورد، و در مقابل دشمن هم فرار نمی‌کرد».

امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى قَتَادَةَ الأَنْصَارِىِّ رضى الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- سُئِلَ عَنْ صَوْمِهِ قَالَ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ عُمَرُ رضى الله عنه رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِبَيْعَتِنَا بَيْعَةً. قَالَ فَسُئِلَ عَنْ صِيَامِ الدَّهْرِ فَقَالَ « لاَ صَامَ وَلاَ أَفْطَرَ ». أَوْ « مَا صَامَ وَمَا أَفْطَرَ ». قَالَ فَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمَيْنِ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ « وَمَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ وَإِفْطَارِ يَوْمَيْنِ قَالَ « لَيْتَ أَنَّ اللَّهَ قَوَّانَا لِذَلِكَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ « ذَاكَ صَوْمُ أَخِى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الاِثْنَيْنِ قَالَ « ذَاكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ وَيَوْمٌ بُعِثْتُ أَوْ أُنْزِلَ عَلَىَّ فِيهِ ». قَالَ فَقَالَ « صَوْمُ ثَلاَثَةٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ صَوْمُ الدَّهْرِ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ فَقَالَ « يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَقَالَ « يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ ». وَفِى هَذَا الْحَدِيثِ مِنْ رِوَايَةِ شُعْبَةَ قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَسَكَتْنَا عَنْ ذِكْرِ الْخَمِيسِ لَمَّا نُرَاهُ وَهْمًا. [2]

---

[1]- حدیث نمبر (719) اللؤلؤ والمرجان تالیف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبکر حسن‌زاده.

[2]- حدیث نمبر (2804) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

ترجمه: صحابی بزرگوار ابی قتاده انصاری ﷺ می فرمایند: از رسول الله ﷺ درمورد روزه اش سوال شد.

فرمود: رسول الله ﷺ بسیار غضب ناک شد.

رضی الله عنه فرمودند: رَضِينَا بِاللّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمّدٍ رَسُولاً و به بیعت ما که بیعت نموده بودیم بیعت.

راوی فرمود: رسول الله ﷺ درمورد روزه همیشگی سوال شد.

رسول الله ﷺ فرمود: « نه روزه گرفته است و نه افطار نموده است ».یا « نه روزه گرفته و نه هم افطار نمودهَ».

راوی میگوید: از رسول الله ﷺ درمورد دو روز روزه و یک روز افطار سوال کرده شد.

رسول الله ﷺ فرمودند « کی چنین روزه را طاقت میکند ».

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ درمورد یک روز روزه و دو روز افطار پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمودَ: « ای کاش الله (سبحانه وتعالی) به این کار ما را قوت دهد ».

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ درمورد یک روز روزه و یک روز افطار پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمود: این روزهء برادرم داوود علیه السلام است.

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ درمورد روزه دوشنبه پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمودند: « این روزی است که درآن تولد شده ام ، درین روز مبعوث شده و درین روز به من وحی نال شد ».

راوی میگوید: رسول الله ﷺ فرمود: « روزهءسه روز درهر ماه و رمضان تا رمضان دیگر روزه ی است (مثل اینکه کسی تمام روزه گرفته باشد)».

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ درمورد روزهء عرفه پرسیده شد.

رسول الله ﷺ « گناهان سال قبلی وسال بعدی را کفار میگردد ».

راوی میگوید:از رسول الله ﷺ درمورد روزهء عاشورا پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «گناهان سال قبلی را کفاره میشود». ودر حدیث از روایت شعبه است که راوی فرمود: از رسول الله ﷺ درمورد روزهء دوشنبه و پنجشنبه پرسیده شد ، وما از ذکر پنجشنبه خاموش شدیم ، بخاطری که ما درآن وهمی میدیدیم.

امام بخاری رحمه الله در صحیح البخاری در باب شصتم بابی را ذکر نموده است: (باب صیام أیام البیض ثلاث عشرة وأربع عشرة وخمس عشرة.)

ترجمه: باب درمورد روزه گرفتن روزهای سفید سیزدهم ، چهاردهم و پانزدهم).

امام بخاری رحمه الله درین باب حدیثی را روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ أَوْصَانِي خَلِيلِي صلى الله عليه وسلم بِثَلاَثٍ صِيَامِ ثَلاَثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَكْعَتَيِ الضُّحَى ، وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَنَامَ [1]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه مي فرمایند: دوستم رسول الله ﷺ فرمودند: سه توصیه به من فرمود: سه روز، روزه گرفتن در هر ماه، خواندن نماز چاشت و خواندن نماز وتر، قبل از خوابیدن.

1- حدیث نمبر (1981) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه (مشهور به صحیح البخاری)

بحث دوم

تقسیم اوقات ماه های صفر وربیع الاول

مطلب اول : تقسیم اوقات صفر المظفر: صفر ماه دوم ماه های هجری قمری میباشد.

در عصر جاهلیت مردم مشکلات اعتقادی زیادی داشتند در بین مشرکین مشکلاتی وجود داشت ، ازجمله این مشکلات یکی این بود که آنان عقیده داشتند که ماه سفر یک ماه زشت و بداست ، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای بطلان این اعتقادات ، عقیدهء توحیدی را برای شان همیشه بیان میداشتند.

امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه: أَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ: «لا عَدْوَى، وَلا طِيَرَةَ، وَلا هَامَةَ، وَلا صَفَرَ، وَفِرّ مِنَ الْمَجْذُومِ كَمَا تَفِرُّ مِنَ الأَسَدِ». [(1)]

ترجمه: ابوهريره رضي الله عنه مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «سرايت بيماري، بدفالي، هامه و صفر، اصالتي ندارند. وازفردي كه مبتلا به جذام است بگريزيد همانگونه كه ازشير مي گريزيد».

شارحين درشرح اين حديث شريف ميگويند:

اول: عدوى (سرايت مرض) : دردوران جاهليت، مردم معتقد بودند كه بيماري، بدون مشيت الهي، سرايت مي كند. دراين حديث، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) اين نظررا رد كرد و در عين حال، راهنمايي كرد كه ازبيماريهاي سرايت كننده مثل جذام، پرهيز كنيد. زيرا اينگونه بيماريها به مشيت الهي و براساس سنت او، سرايت مي كنند.

به این اساس عقیده داشته باشیم که هیچ چیزی بدون ارادهء الهی کاری کرده نمیتواند و مرض هم بدون حکم و ارادهء الهی سرایت کرده نمیتواند. ولی اگر حکم الله (سبحانه وتعالی) شد ، میتواند سرایت کند.

---

[1]- حديث نمبر (5707) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)

دوم: نحوست وبد دیدن ماه صفر: ماه ها مربوط به اوقات میشوند که این اوقات مربوط به خالق متعال است ، بد دیدن و دشنام دادن وقت درست نمیباشد ، بد دیدن ماه صفر یکی از عادات مشرکین بود که مسلما نان نباید چنین عقیده را داشته باشند.

به همین علت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود ند که (لا صفر) یعنی اعتقادات باطلی که در نزد مشرکین در مورد زشتی ماه صفر است ، درست نیست و چنین چیزی وجود ندارد.

امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «قَالَ اللَّهُ عز وجل: يُؤْذِينِي ابْنُ آدَمَ، يَسُبُّ الدَّهْرَ، وَأَنَا الدَّهْرُ، بِيَدِي الأَمْرُ، أُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ». [1]

ترجمه: از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «الله (سبحانه وتعالی) میفرماید: فرزند آدم مرا ناراحت میکند. یعنی به زمان دشنام میدهد. حال آنکه من (مالک زمان) هستم. کارها در دست من است. شب و روز را من به گردش در میآورم».

سوم: هامه (شوم دانستن پر نده بنام بوم ویا خفاش): مشرکین عصر جاهلیت خفاش و یا بوم شوم می دانستند و معتقد بود ند که اگر بالای خانه کسي بنشیند ، باعث مرگ وي و یا یکی از بستگانش مي شود. و مفهوم دوم آن اینست که آنها معتقد بود ند که استخوانهاي میت و یا روح اش به پرنده اي تبدیل می شود. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) این اندیشه هاي باطل را رد کرد. (شرح امام نووي بر صحیح مسلم با اندکي تصرف). [2]

<u>مطلب دوم : تقسیم اوقات ربیع الاول</u> : دوازدهم ربیع الاول روزی بسیار خوبی در تاریخ بشریت میباشد که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) درین روز تولد شده اند.

صاحب الرحیق المختوم مینویسد : رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در صبح روز دوشنبه نهم ماه ربیع الأول ، در سال فیل ، موافق بیست یا بیست ودوم ماه اپریل سال 571 م چشم بد نیا گشود ند. [3]

---

[1]- حدیث نمبر(4826) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه(مشهور به صحیح البخاری).

[2]- **التجرید الصریح لأحادیث الجامع الصحیح مختصر صحیح بخاری (فارسی) تألیف: محمد بن اسماعیل بخاری ، اختصار کننده: ابوالعباس زین الدین احمد بن احمد بن عبداللطیف الشرجی الزبیدی ، مترجم: عبدالقادر ترشابی ، درشرح** حدیث نمبر(5707) .

[3]- الرحیق المختوم تالیف صفي الرحمن المبارکفوري، ، **(بم ن)** ، **(ب ن)** ، **(ب ط)** ، **(ب ت)** ، ۱/۳۵.

بدون شک همهء مسلما نان جهان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را از پدر، مادر و تمامی اعضای خا نواده و دوستان خویش بیشتر محبت و دوستی دارند.

امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رضی الله عنه) أَنّ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قَالَ: «فَوَالّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتّى أَكُونَ أَحَبّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ». [1]

ترجمه: از ابو هریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «سوگند به ذاتي که جا نم در دست اوست، کسي از شما نمي توا ند مؤمن باشد، تا زما ني که من (پیامبر ﷺ) نزد او از پدر و فرزندش محبوب تر نباشم».

امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَنَسٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النّبِيّ صلی الله علیه وسلم: «لا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتّى أَكُونَ أَحَبّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنّاسِ أَجْمَعِينَ». [2]

ترجمه: از انس (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «کسي از شما، نمي توا ند مومن (واقعي) باشد، تا اینکه من (رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نزد او از پدر، فرزند و همة مردم، محبوب تر نباشم».

باید بدا نیم که محبت رسول الله صلی الله علیه وسلم جزء ایمان ما میباشد، و ایمان مسلمان تا زما نیکه محبت خاص با رسول الله صلی الله علیه وسلم نداشته باشد، درست نمیگردد.

اما کدام آیت یا حدیث در مورد میلاد النبی (صلی الله علیه وسلم): در مورد میلاد النبی صلی الله علیه وسلم کدام آیت قرآن و یا حدیث صحیح نیامده است که توصیه به تجلیل این روز کند. روایاتی که توسط بعضی از اشخاص در بعضی از کتابها نوشته شده است، علمای اسلام آنرا نادرست خوا نده ا ند.

1- حدیث نمبر(14) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری)
2- حدیث نمبر(15) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخاری)

بحث سوم

تقسیم اوقات ماه های شعبان ورمضان

مطلب اول : تقسیم اوقات ماه شعبان المعظیم: رسول الله ﷺ در ماه شعبان المعظم سنت های ذیل را بیان داشته است .

سنت اول: رسول الله ﷺ بسیار روزه در ماه شعبان المعظم میگرفت.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ عَائِشَةَ رَضي اللّه عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللّه ﷺ يَصُومُ حَتى نَقُولَ لا يُفْطِرُ ، وَيُفْطِرُ حَتّى نَقُولَ لا يَصُومُ فَمَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللّه ﷺ اسْتَكْمَلَ صِيَامَ شَهْرٍ إلاّ رَمَضَانَ وَمَا رَأَيْتُهُ أَكْثَرَ صِيَامًا مِنْهُ في شَعْبَانَ. [1]

ترجمه: عايشه رضي اللّه عنها مي گويد: گاهي، رسول اللّه (صلى اللّه عليه وسلم) (پشت سرهم) روزه مي گرفت كه ما خيال مي كرديم هيچگاه، روزه را ترك نخواهد كرد. و گاهي، طوري(پشت سر هم) روزه نمي گرفت كه ما فكر مي كرديم هيچوقت، روزه نخواهد شد. عايشه رضي اللّه عنها افزود: نديدم كه رسول اللّه (صلى اللّه عليه وسلم) غير از ماه رمضان، ماه ديگري را كاملاً روزه بگيرد. همچنين، نديدم كه در ماه هاي ديگر (غير از رمضان) به اندازة شعبان، روزه بگيرد.

سنت دوم: رسول الله ﷺ در ماه شعبان المعظم اکثریت روزها را روزه میگرفت.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله وامام مسلم رحمه الله روایت میکنند: .عن عَائِشَةَ، قَالَتْ: لَمْ يَكُنِ النبيُّ (صلى اللّه عليه وسلم) يَصُومُ شَهْرًا أَكْثَرَ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ كُلَّهُ، وَكَانَ يَقُولُ: خُذُوا مِنَ الْعَمَلِ مَا تُطِيقُونَ فَإِنّ اللهَ لاَ يَمَلُّ حَتّى تَمَلُّوا وَأَحَبُّ الصّلاَة إِلَى النّبِيِّ(صلى اللّه عليه وسلم) مَا دُووِمَ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلّتْ، وَكَانَ إِذَا صَلّى صَلاَةً دَاوَمَ عَلَيْهَا» . [2]

ترجمه: عایشه (رضی الله عنه)گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در هیچ ماهی به اندازه شعبان روزه نمی‌شد، گاهی اکثر ماه شعبان روزه بود، می‌گفت: «عبادتی را که قدرت انجام آن را دارید انجام دهید، هما نا الله (سبحا نه وتعالی) ثواب عمل شما را قطع

1- حديث نمبر(1969) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

2- حديث نمبر(712) اللؤلؤ والمرجان تاليف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبكر حسن‌زاده.

نمی‌کند مگر اینکه شما خسته شوید و از عبادت کوتاهی نمایید». عایشه (رضی الله عنه)گوید: محبوب‌ترین و بهترین نماز به نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نمازی است که نمازگزار بر آن دوام داشته باشد هر چند رکعات آن هم کم باشد و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) هر وقت نماز سنّتی را می‌خواند بر آن دوام می‌داشت و آنرا ترک نمی‌کرد».

«کلّه: کل در این حدیث به معنی اکثر است».

سنت سوم: رسول الله ﷺ ماه شعبان المعظم را روزه میگرفتند و میگفتند که درین ماه اعمال مومن به بارگاه خالق متعال بلند میشود و دوست دارم ، روزه دار باشم.

دلیل این سنت: امام نسائي رحمه الله روایت میکند: عن أُسَامَةَ بْنُ زَيْد قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّه لَمْ أَرَكَ تَصُومُ شَهْرًا منْ الشُّهُور مَا تَصُومُ منْ شَعْبَانَ قَالَ ذَلكَ شَهْرٌ يَغْفُلُ النَّاسُ عَنْهُ بَيْنَ رَجَبٍ وَرَمَضَانَ وَهُوَ شَهْرٌ تُرْفَعُ فيه الْأَعْمَالُ إلَى رَبِّ الْعَالَمينَ فَأُحبُّ أَنْ يُرْفَعَ عَمَلي وَأَنَا صَائمٌ

[1]حدیث حسن است.[2]

ترجمه: صحابی بزرگوار اسامه بن زید رضی الله عنه مي فرماید: به رسول الله ﷺ گفتم: ای رسول الله ﷺ من شما را ندیدم که درین ماه ها نسبت به ماه شعبان روزه زیاد بگیرید ، رسول الله ﷺ فرمود: این ماهی است که بسیاری مردم از آن غافل اند ، در میان رجب و رمضان است ، این ماهی است که در آن اعمال به رب العالمین بلند میشود ، من دوست دارم که اعمالم در حالی بلند شود که من روزه دار باشم.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ ماه شعبان المعظم را در صورت ندیدن مهتاب سی روز تکمیل نموده روزهء رمضان را میگرفتند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن «أَبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه ، قَالَ: قَالَ النبيُّ (صلی الله علیه وسلم) ، أَوْ قَالَ: قَالَ أَبُوالْقَاسمِ صُومُوا لرُؤْيَته وَأَفْطرُوا لرُؤْيَته ، فَإنْ غُبّي عَلَيْكُمْ فَأَكْملُوا عدَّةَ شَعْبَانَ ثَلاَثينَ». [3]

ترجمه: ابوهریره رضي الله عنه (رضی الله عنه)گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت: با رؤیت هلال ماه رمضان روزه بگیرید ، و با رؤیت هلال شوال روزه را بخورید و چنانچه اوّل ماه رمضان

1- حدیث نمبر (2317) سنن نسائی.

2- حدیث نمبر (2357)صحیح وضعیف سنن النسائی

3- حدیث نمبر (656) **اللؤلؤ والمرجان تالیف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبکر حسن‌زاده.**

هوا ابری باشد ماه شعبان را ، سی روز کامل حساب کنید». (و بعد از سی روز از شعبان روزه را شروع نمایید).

مطلب دوم: تقسیم اوقات رمضان المبارک: رمضان ماه نهم از ماه های مبارک سال قمری بوده که دربین ماه شعبان و شوال واقع بوده و گرفتن روزه در آن بالای هر مؤمن یکتاپرست فرض میباشد ماه نزول قرآن کریم و در آن شبی است که از هزار ماه عبادت برتریت دارد این ماه ، ماه بخشایش گناهان وخلاصی گنهکاران ازعذاب الهی میباشد.

رسول الله ﷺ در مورد ماه مبارک رمضان ، روزهء ماه مبارک رمضان وسایر عبادات درین ماه امور ذیل را بیان داشته است .

بخش اول: فضایل روزه و رمضان: رسول الله ﷺ در مورد فضیلت ماه رمضان مبارک سنت های ذیل را بیان داشته است .

فضیلت اول: رسول الله ﷺ روزهء رمضان را یکی از بناء های پنجگانه ء اسلام بیان داشته است.

دلیل این فضیلت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رسول الله (صلى الله عليه وسلم) «بُنِيَ الإِسْلامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللّٰهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰه ، وَإِقَامِ الصَّلاة ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاة ، وَالْحَجِّ ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ». [1]

ترجمه: از ابن رضي الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نخست ، گواهي دادن براینکه الله (سبحا نه وتعالى) وند ، یکي است و جز او ، معبود برحقي وجود ندارد و محمد رسول الله است. دوم: اقامة نماز، سوم: دادن زکات ، چهارم: اداي حج ، پنجم: روزه گرفتن ماه مبارک رمضان».

فضیلت دوم: رسول الله ﷺ روزه گرفتن برای حصول اجر را سبب بخشودن گناهان بیان داشته اند.

دلیل این فضیلت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند :عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰه ﷺ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِه». [2]

---

[1]- حدیث نمبر (8) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری).
[2]- حدیث نمبر (38) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)

ترجمه: ابو هريره ﷺ روايت مي كند كه رسول الله ﷺ فرمود: «كسي كه ماه رمضان را از روي ايمان و براي حصول اجر و پاداش، روزه بگيرد، گناهان گذشته اش، آمرزيده مي شوند».

فضیلت سوم: رسول الله ﷺ ثواب يكه درماه مباركرمضان را برابر با حجي كه همراهء خودش شود، بيان نموده است .

دلیل این فضیلت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عَنِ ابْنِ عَبّاس رَضي اللّه عَنْهمَا قَالَ: لَمّا رَجَعَ النّبيُّ ﷺ منْ حَجّته قَالَ لأُمّ سنَان الأَنْصَاريّة: «مَا مَنَعَك منَ الْحَجّ؟» قَالَتْ: أَبُو فُلان ـ تَعْني زَوْجَهَا ـ كَانَ لَهُ نَاضحَان حَجّ عَلَى أَحَدهمَا وَالآخَرُ يَسْقي أَرْضًا لَنَا قَالَ: «فَإنّ عُمْرَةً في رَمَضَانَ تَقْضي حَجّةً مَعي». (1)

ترجمه: ابن عباس رضي الله عنهما مي گويد: هنگامي كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) از سفر حج، برگشت، خطاب به ام سنان انصاري فرمود: «چرا به حج نرفتي»؟ وي گفت: شوهرم دو شتر براي آب كشيدن داشت. يكي را با خود به حج برد. و دومي، زمينهاي ما را آبياري مي كرد. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: « ثواب يكه درماه مباركرمضان، برابر با حجي است كه همراه من، ادا شود».

فضیلت چهارم: رسول الله ﷺ فرموده اند كه در رسيدن رمضان دروازه های جنت باز می گردد.

دلیل این فضیلت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبي هُرَيْرَةَ ﷺ أَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ: «إذَا جَاءَ رَمَضَانُ فُتّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنّة» وفي رواية عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللّه ﷺ: «إذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فُتّحَتْ أَبْوَابُ السّمَاء وَغُلّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنّمَ وَسُلْسلَت الشّيَاطينُ». (2)

ترجمه: از ابوهريره (رضى الله عنه) روايت است كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «وقتي ماه رمضان فرا مي رسد، درهاي بهشت گشوده مي شوند». و در روايتي ديگر، ابوهريره ﷺ مي گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «وقتي ماه رمضان از راه مي

---

[1]- حديث نمبر (1863) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر (1899) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)

رسد ، درهاي آسمان ، گشوده مي شوند و درهاي دوزخ ، بسته مي گردد و شياطين به زنجير كشيده مي شوند».

همچنان امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، رَضِيَ اللّهُ عَنْهُ ، يَقُولُ : قَالَ رَسُولُ اللّه صلى اللّه عليه وسلم : إِذَا دَخَلَ رَمَضَانُ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتِ الشَّيَاطِينُ. [1]

ترجمه: صحابى بزرگوار ابى هريره رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمودند: هنگاميكه رمضان داخل شد ،دروازه هاى جنت باز ميشوند و دروزاه هاى دوزخ بسته ميشوند ، و شيطا نها بسته ميشوند.

فضيلت پنجم: رسول الله ﷺ بيان نموده است كه پاداش روزه رمضان را الله (سبحا نه وتعالى) مى دهد.

دليل اين فضيلت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند :وعنه رضي الله عنه الحديث المتقدم: «كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إلاّ الصّيَامَ فَإِنَّهُ لي وَأَنَا أَجْزِي به» وقال في آخره: «لِلصّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ وَإِذَا لَقِيَ رَبّهُ فَرِحَ بِصَوْمِه». [2]

ترجمه: حديث ابوهريره ▯ قبلاً بيان گرديد كه: (الله (سبحا نه وتعالى) مي فرمايد): هر عملي كه فرزند آدم ا نجام دهد ، براي خودش مي باشد ، جز روزه كه مخصوص من است. و من خودم پاداش آ نرا خواهم داد». و در پايان حديث ، پيامبر اكرم ﷺ فرمود: «روزه دار، دو بار خوشحال مي شود: يكي ، هنگامي كه افطار مي كند. وديگري ، زما ني كه با پرودگارش ملاقات مي نمايد ، از روزه اش شادمان مي شود».

فضيلت ششم : رسول الله ﷺ فرموده ا ند كه در جنت دروازهء براى روزه داران بنام ريان است.

دليل اين فضيلت: امام بخارى رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روايت ميكنند : عن سَهْلٍ رضي الله عنه ، عَنِ النّبِيّ (صلى اللّه عليه وسلم) ، قَالَ: إِنّ فِي الْجَنّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ: الرّيّانُ ، يدْخلُ مِنْهُ الصّائمُونَ

1- حديث نمبر(3277) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)

2- حديث نمبر(1904) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)

يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لاَ يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ، فَيَقُومُونَ، لاَ يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ» [1].

ترجمه: سهل (رضی الله عنه) گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «بهشت دری دارد که به آن (ریان) گفته می‌شود. در روز قیامت روزه‌داران از این در وارد بهشت می‌شوند، و به جز روزه‌داران کسی دیگر حق ندارد از این در وارد شود و با صدای بلند اعلام می نمایند، روزه داران کجا هستند؟ آنوقت روزه داران از جای خود بلند می‌شوند (و از این در وارد بهشت می‌گردند) و کسی دیگر همراه ایشان وارد نمی‌شود، و همینکه همه آنان داخل شدند این در بسته می‌شود و دیگر کسی از آن داخل نمی‌گردد».

فضیلت هفتم: رسول الله ﷺ روزه را وسیلهء نجات از دوزخ بیان داشته اند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن أَبي سَعيد رضي الله عنه، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبيّ (رضی الله عنه)، يَقُولُ: «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللهِ بَعّدَ اللهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا» [2].

ترجمه: ابو سعید (رضی الله عنه) گوید: شنیدم که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: کسی که یک روز برای الله (سبحانه وتعالی) روزه باشد، الله (سبحانه وتعالی) روی او را به اندازه مسیر هفتاد سال از آتش دوزخ دور می‌دارد».

فضیلت هشتم: رسول الله ﷺ در مورد بوی دهان روزه دار فرموده اند که از بوی مشک هم به نزد الله (سبحانه وتعالی) برتر است.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أبی هُرَيرَةَ رضي الله عنه أنّ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قَالَ: «الصّيامُ جُنّةٌ فَلا يرْفُثْ وَلا يجْهَلْ وَإن امْرُؤٌ قَاتَلَهُ أوْ شَاتَمَهُ فَلْيقُلْ: إنّى صَائمٌ مَرّتَين، وَالّذى نفسى بيده لَخُلُوفُ فَم الصّائم أطيبُ عنْدَ اللّه تَعَالَى منْ ريح الْمسْكِ، يتْرُكُ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَشَهْوَتَهُ منْ أجْلى الصّيامُ لى وَأنَا أجْزى به وَالْحَسَنَةُ بعَشْرِ أمْثَالهَا». [3]

ترجمه: از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «روزه، سپری (در برابر آتش دورخ) است روزه دار نباید ناسزا بگوید و عمل جاهلا نه انجام دهد. اگر

---

[1]- حدیث نمبر (708) اللؤلؤ والمرجان تالیف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبکر حسن‌زاده.
[2]- حدیث نمبر (709) اللؤلؤ والمرجان تالیف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبکر حسن‌زاده.
[3]- حدیث نمبر (4981) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

کسی با او درگیر شود و یا به وی ناسزا گوید، درجوابش بگوید: من روزه هستم، من روزه هستم و افزود: سوگند به ذاتی که جا نم در دست اوست بوی دهان روزه دار نزد الله ﷻ از بوی مُشک، خوشبو تر است. الله ﷻ می فرماید: روزه دار خوردن، آشامیدن و ارضای تمایلات جنسی را بخاطر من، ترک می کند. روزه از آن من است و خود من پاداش آنرا می دهم و هر نیکی ده برابر پاداش دارد».

فضیلت نهم: رسول الله ﷺ سهو غذا خوردن را در روزه را مهما نی الله (سبحا نه وتعالی) بیان داشته اند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه، عَنِ النَّبِيّ (صلى الله عليه وسلم)، قَالَ: إِذَا نَسِيَ فَأَكَلَ وَشَرِبَ فَلْيُتِمّ صَوْمَهُ فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللهُ وَسَقَاهُ» (1).

ترجمه: ابوهریره (رضی الله عنه) گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: وقتی که انسان فراموش نمود که روزه است، چیزی را نوشید یا خورد، باید به روزه‌اش ادامه دهد، و این آب و غذایی است که الله (سبحا نه وتعالی) به او بخشیده است».

بخش دوم: عبادت های رمضان: رسول الله ﷺ در ماهء مبارک رمضان عبادت هایی زیادی را انجام داده و به آن توصیه نموده اند.

سنت اول: رسول الله ﷺ در ماه رمضان بی نهایت زیاد سخاوت مینمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنِ ابْنِ عَبّاس رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللّه ﷺ أَجْوَدَ النّاسِ وَكَانَ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ وَكَانَ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ الْقُرْآنَ فَلَرَسُولُ اللّه ﷺ أَجْوَدُ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ. (2)

ترجمه: همچنین ابن عباس رضي الله عنهما مي گويد: رسول الله ﷺ سخاوتمندترين انسا نها بود. و سخاوتمندتر ازهر وقت، زما ني بود که در ماه رمضان، جبرئيل نزد ايشان مي آمد. جبرئيل در تمام شب هاي رمضان، قرآن را با رسول الله ﷺ تکرار مي نمود. و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در پخش خير و نيكي، از بادهاي وزنده نيز سبقت ميگرفت.

---

[1] - حدیث نمبر (710) اللؤلؤ والمرجان تالیف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبکر حسن‌زاده.

[2] - حدیث نمبر (6) الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (مشهور به صحیح البخاری)

سنت دوم: رسول الله ﷺ فرموده اند که روزه دار باید بسیار با اخلاق عالی باشد .

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت میکنند: عن أبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وسلم) : قَالَ اللهُ: كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إلاّ الصِّيَامَ ، فَإنّهُ لي وَآنَا آجْزِي بِه ، وَالصِّيَامُ جُنّةٌ ، وَإذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ آحَدِكُمْ فَلاَ يَرْفُثْ وَلاَ يَصْخَبْ ، فَإنْ سَابّهُ آحَدٌ آوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إنّي امْرُؤٌ صَائِمٌ، وَالّذِي نَفْسُ مُحَمّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفُ فَمِ الصّائِمِ آطْيَبُ عِنْدَ اللهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ لِلصّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا: إذَا آفْطَرَ فَرِحَ ، وَإذَا لَقِيَ رَبّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ» [1].

ترجمه: ابو هريره (رضی الله عنه)گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «الله (سبحا نه وتعالى) می‌فرماید: هر عملی که انسان انجامش می‌دهد فایده‌ای برای او در بر دارد (و می‌توا ند شائبه‌ای از تظاهر و ریا در آن رخنه کند) مگر روزه که (خالی از هر ریا و تظاهری است) و خالصا نه برای من است و تنها من به آن جزا می‌دهم. روزه سپری محکم در برابر گناه است. وقتی یکی از شما روزه باشد ، نباید سخن زشت بگوید ، عصبا نی شود و با صدای بلند و خشن صحبت کند ، اگر کسی به او دشنام داد ، یا دعوا کرد ، در جوابش بگوید من (با شما دعوا نمی‌کنم و به شما دشنام نمی‌دهم چون) روزه هستم (و ثواب آن را با کلمات ناپسند از بین نمی‌برم) قسم به کسی که جان محمّدث در دست او است ، بوی دهن روزه دار به نزد الله (سبحا نه وتعالى) از بوی مشک خوشبوتر است ، و روزه دار دو بار شاد می‌شود (یکی در د نیا وقتی که) افطار می‌کند (و دیگری در قیامت) وقتی که به برکت روزه‌اش به حضور الله (سبحا نه وتعالى) شرفیاب می‌شود خوشحال می‌گردد».

سنت سوم: رسول الله ﷺ روزهء کامل ترک نمودن تمامی زشتی ها را بیان داشته اند .

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکنند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ». [2]

---

[1]- حديث نمبر(707) اللؤلؤ والمرجان تاليف محمّد فؤاد عبدالباقي ترجمه ابوبكر حسن‌زاده.

[2]- حديث نمبر(1903) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: ابوهريره مي گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «هرکس که دروغ گويي و عمل به مقتضاي آن را ترک نکند، الله (سبحانه وتعالى) نيازي ندارد که او خوردن و نوشيدن را ترک کند».

بخش سوم: اعتکاف در ماهء مبارک رمضان : رسول الله ﷺ در مورد اعتکاف سنت های ذيل را بيان داشته است .

سنت اول : رسول الله ﷺ در دههء اخير اعتکاف مینمود ند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميکند: عَنْ عَائشَةَ رَضِي اللّه عَنْهَا زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ ، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ. (1)

ترجمه: عايشه رضي الله عنها ؛همسر گرامي رسول الله ﷺ ؛ مي گويد: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) تا زماني که فوت کرد ، دههٔ آخر رمضان را به اعتکاف مي نشست. سپس ، بعد ازاو ، همسرانش نيز معتکف مي شد ند.

سنت دوم: رسول الله ﷺ در دههء اخير زياد عبادت مینمود ند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميکند : عَنْ عَائشَةَ رَضِي اللّه عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ شَدَّ مِئْزَرَهُ وَأَحْيَا لَيْلَهُ وَأَيْقَظَ أَهْلَهُ. (2)

ترجمه: عايشه رضي الله عنها مي گويد: هنگاميکه دههٔ آخر رمضان، فرا مي رسيد ، رسول الله ﷺ کمرش را محکم مي بست (از همسران، دوري مي گزيد) و شب خود را با عبادت، زنده نگه مي داشت و خا نواده اش را نيز بيدار مي کرد.

سنت سوم: رسول الله ﷺ در اعتکاف ازمسجد بيرون نميشد ند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميکند : عَنْ عَائشَةَ رَضِي اللّه عَنْهَا زَوْجَ النَّبِيِّ ﷺ قَالَتْ: وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَيُدْخِلُ عَلَيَّ رَأْسَهُ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ فَأُرَجِّلُهُ ، وَكَانَ لا يَدْخُلُ الْبَيْتَ إِلاَّ لِحَاجَةٍ إِذَا كَانَ مُعْتَكِفًا. (3)

1- حديث نمبر (2026) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
2- حديث نمبر (2024) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
3- حديث نمبر (2029) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

ترجمه: عايشه رضي الله عنها ؛همسر گرامي رسول الله (ﷺ) روايت است كه ميگويد: گاهي آنحضرت (ﷺ) در حالي كه در مسجد معتكف بود، سر مباركش را به سوي من متمايل مي ساخت و من موهايش را شانه ميزدم. و آنحضرت (ﷺ) هنگامي كه معتكف بود، بدون ضرورت وارد خانه نمي شد.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ دراعتكاف سخن به اندازهء ضرورت ميگفتند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَن صَفيّةَ زَوْجَ النّبيّ ﷺ: أنّهَا جَاءَتْ إلَى رَسُول اللّه ﷺ تَزُورُهُ في اعْتكَافه في الْمَسْجد في الْعَشْر الأَوَاخر منْ رَمَضَانَ، فَتَحَدّثَتْ عنْدَهُ سَاعَةً، ثُمّ قَامَتْ تَنْقَلبُ، فَقَامَ النّبيُّ ﷺ مَعَهَا يَقْلبُهَا، حَتّى إذَا بَلَغَتْ بَابَ الْمَسْجد عنْدَ بَاب أُمّ سَلَمَةَ، مَرّ رَجُلاَن منَ الأَنْصَار فَسَلّمَا عَلَى رَسُول اللّه ﷺ، فَقَالَ لَهُمَا النّبيُّ ﷺ: «عَلَى رسْلكُمَا، إنّمَا هيَ صَفيّةُ بنْتُ حُيَيّ». فَقَالا: سُبْحَانَ اللّه يَا رَسُولَ اللّه، وَكَبُرَ عَلَيْهمَا، فَقَالَ النّبيُّ ﷺ: «إنّ الشّيْطَانَ يَبْلُغُ منَ الإنْسَان مَبْلَغَ الدّم، وَإنّي خَشيتُ أَنْ يَقْذفَ في قُلُوبكُمَا شَيْئًا». (1)

ترجمه: صفيه رضي الله عنها ؛همسر گرامي رسول الله (صلى الله عليه وسلم) ؛ ميگويد: در دهة آخر رمضان كه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) در مسجد، معتكف بود، نزد وي رفتم و ساعتي با او گفتگو كردم. سپس، برخاستم تا به خانه بروم. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نيز برخاست و مرا همراهي كرد تا اينكه به درب مسجد، جايي كه باب ام سلمه بود، رسيديم. دو مرد انصاري از آنجا گذشتند و به رسول الله (صلى الله عليه وسلم) سلام دادند. رسول الله ﷺ به آنها گفت: «صبر كنيد. او صفيه دختر حُيّ؛ همسر من؛ مي باشد». اين سخن، بر آنها دشوار آمد. لذا گفتند: سبحان الله، اي رسول الله (صلى الله عليه وسلم) (اين چه حرفي است)؟ رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «شيطان هما نند خون، دررگهاي بدن انسان، جريان دارد. بنابراين، ترسيدم كه مبادا شيطان در دلهاي شما گمان بد بوجود آورد».

سنت پنجم : رسول الله ﷺ در بيست روزهم اعتكاف نشسته اند.

1- حديث نمبر (2035) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَعْتَكِفُ فِي كُلِّ رَمَضَانٍ عَشْرَةَ أَيَّامٍ، فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ، اعْتَكَفَ عِشْرِينَ يَوْمًا. [1]

ترجمه: ازابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) درهر رمضان، ده روز به اعتکاف می نشست، اما در سالي که رحلت کرد، بیست روز معتکف بود.

الله ﷺ ضرورتی به ترک خوراک و نوشید نی هایش ندارد. عَنْ أَبی هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رسول الله (صلی الله علیه وسلم): «مَنْ لَمْ يدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِه فَلَيسَ لِلّه حَاجَةٌ فى أَنْ يدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ» [2] ترجمه: ابوهریره رضي الله عنه می گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هرکس که دروغ گویی و عمل به مقتضای آن را ترک نکند الله ﷻ نیازی ندارد که او خوردن و نوشیدن را ترک کند.

بخش چهارم: شبهای قدر: رسول الله ﷺ درمورد شبهای قدر سنت های ذیل را بیان داشته است.

سنت اول: رسول الله ﷺ بیان نموده اند که شبهای قدررا دردهه اخیر بیان داشته اند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِي اللّه عَنْهمَا أَنّ رِجَالاً مِنْ أَصْحَابِ النّبِيّ ﷺ أُرُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْمَنَامِ فِي السّبْعِ الأَوَاخِرِ فَقَالَ رَسُولُ اللّه ﷺ: «أَرَى رُؤْيَاكُمْ قَدْ تَوَاطَأَتْ فِي السّبْعِ الأَوَاخِرِ فَمَنْ كَانَ مُتَحَرّيهَا فَلْيَتَحَرّهَا فِي السّبْعِ الأَوَاخِرِ». (3)

ترجمه: عبد الله بن رضي الله عنهما روایت میکند که: چند تن از اصحاب پیامبر ﷺ خواب دیدند که شب قدر، در هفت شب آخر رمضان است. رسول الله ﷺ فرمود: «مي بينم که خوابهاي شما در باب اینکه شب قدر در هفت شب آخر رمضان مي باشد، موافق يكديگر

1- حديث نمبر (2044) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)

2 -.صحيح بخاری، حديث نمبر: (1903).

3- حديث نمبر (2015) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخاری)

است. پس كسي كه در صدد يافتن شب قدر مي باشد، آنرا در هفت شب آخر رمضان، جستجو نمايد».

همچنان امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رضي الله عنه قَالَ: اعْتَكَفْنَا مَعَ النَّبِيِّ ﷺ الْعَشْرَ الأَوْسَطَ مِنْ رَمَضَانَ فَخَرَجَ صَبِيحَةَ عِشْرِينَ فَخَطَبَنَا وَقَالَ: «إِنِّي أُرِيتُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ ثُمَّ أُنْسِيتُهَا أَوْ نُسِّيتُهَا فَالْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الأَوَاخِرِ فِي الْوَتْرِ، وَإِنِّي رَأَيْتُ أَنِّي أَسْجُدُ فِي مَاءٍ وَطِينٍ فَمَنْ كَانَ اعْتَكَفَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلْيَرْجِعْ». فَرَجَعْنَا وَمَا نَرَى فِي السَّمَاءِ قَزَعَةً فَجَاءَتْ سَحَابَةٌ فَمَطَرَتْ حَتَّى سَالَ سَقْفُ الْمَسْجِدِ وَكَانَ مِنْ جَرِيدِ النَّخْلِ وَأُقِيمَتِ الصَّلاةُ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَسْجُدُ فِي الْمَاءِ وَالطِّينِ حَتَّى رَأَيْتُ أَثَرَ الطِّينِ فِي جَبْهَتِهِ. [1]

ترجمه: ابوسعيد خدري رضي الله عنه ميگويد: در دهة دوم رمضان با رسول الله ﷺ به اعتكاف نشستيم. آنحضرت ﷺ صبح روز بيستم، بيرون آمد وبه ايراد سخن پرداخت وفرمود: «شب قدر، در خواب برايم مشخص شد. ولي من آنرا فراموش كردم ويا آنرا ازيادم بردند. پس آنرا در شبهاي فرد دهة آخر، جستجو نماييد. وهمچنين، در خواب ديدم كه ميان آب وگل، سجده ميكنم. هركس با من معتكف بوده است، به خانه اش برگردد». راوي ميگويد: وقتي به خانه برگشتيم، هيچ پاره ابري در آسمان نديديم. اما ديري نگذشت كه ابري آمد وباران تندي، باريدن گرفت وآب ازسقف مسجد كه ازشاخة نخل ساخته شده بود، سرازيرشد. وقتي كه نمازاقامه شد، ديدم كه رسول الله ﷺ ميان آب وگل، سجده مي كند و اثر گل را بر پيشاني (مباركش) مشاهده نمودم.

همچنان امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «الْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تَاسِعَةٍ تَبْقَى فِي سَابِعَةٍ تَبْقَى فِي خَامِسَةٍ تَبْقَى». [2]

ترجمه: عبد الله بن عباس رضي الله عنهما روايت ميكند كه: رسول الله ﷺ فرمود: «شب قدررا در دهة آخر رمضان، يعني در نه يا هفت يا پنج روزباقيمانده آن، جستجو كنيد».

[1]- حديث نمبر(2016) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)
[2]- حديث نمبر(2021) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

همچنان امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ ابْنِ عَبّاسٍ رَضي اللّه عَنْهمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّه ﷺ: «هيَ فِي الْعَشْرِ الأَوَاخرِ هيَ فِي تِسْعٍ يَمْضِينَ أَوْ فِي سَبْعٍ يَبْقَيْنَ يَعْني لَيْلَةَ الْقَدْرِ». [1]

ترجمه: عبد الله بن عباس رضي الله عنهما در روايتي ديگر، مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «شب قدر در دهة آخر رمضان است، در نه شب و يا درهفت شب آخر آن، مي باشد».

[1]- حديث نمبر(2022) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

بحث چهارم

تقسیم اوقات شوال المکرم

شَوّال از نام ماهیست که بعد از رمضان میاید ، نخستین ماه از ماه های حج میباشد. [1]

رسول الله ﷺ در مورد ماه شوال ، عبادات و عید این ماه امور ذیل را بیان داشته است:

مطلب اول : اول شوال عید سعید فطر: علامه ابن عابدین حنفی رحمه الله میگوید: عید را به این نام مسمی نمود ند ، زیرا الله سبحا نه وتعالی در آن عوائد احسان یعنی انواع مختلف احسان را بر بنده گا نش در هرسال بر میگردا ند. ازین جمله افطار وخوردن است که بعد از مما نعت از طعام و دادن صدقه فطر صورت میگیرد ، و خاتمه حج با طواف زیارت وگوشت قربا نی وغیره صورت میگیرد ، وبخاطر اینکه در عید عادت خوشی ، سرور و نشاط به این سبب میباشد. [2]

رسول الله ﷺ در مورد عید فطر سنت های ذیل را بیان داشته است .

سنت اول: رسول الله ﷺ برای مسلما نان دوعید را که الله (سبحا نه وتعالی) تعیین نموده است ، بیان نمود ند.

دلیل این سنت: امام احمد بن حنبل رحمه الله روایت میکند : عن أنس بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم : قدمت المدينة ولأهل المدينة يومان يلعبون فيهما في الجاهلية فقال قدمت عليكم ولكم يومان تلعبون فيهما إن الله عز و جل أبدلكم بهما خيرا منهما يوم الفطر ويوم النحر. تعليق شعيب الأرنؤوط: إسناده صحيح على شرط الشيخين [3] حدیث صحیح است. [4]

ترجمه: صحابی بزرگوار انس بن مالک رضی الله عنه مي فرمایند: رسول الله ﷺ فرمودند: به مدینه آمدم و مردم مدینه دو روزی داشتند که در عصر جاهلیت در آن لعبت وبازی مینمودند.

---

[1]- لسان العرب ، ۱۱/۳۷۴.

[2]- رد المحتار على الدر المختار تاليف ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي (المتوفى: 1252هـ) ، بيروت: دار الفكر ، ط2، (1412هـ – 1992م) ، 165/2.

[3]- حديث نمبر(13495) مسند احمد بن حنبل رحمه الله .

[4]- حديث نمبر(2021) السلسلة الصحيحة المجلدات الكاملة 1-9 تاليف محمد ناصر الدين الألباني ،

رسول الله صلى الله عليه و سلم فرمود ند: بنزد شما آمدم و شما دو روز را لعب وبازی مینمودید ، يقينا كه الله (سبحا نه وتعالى) برای شما دو روز دیگری را که بهتر از آن دو روز است ، تبدیل نمود ، یکی روز فطر و دیگرش روز نحر (قربا نی).

شیخ أحمد عبد الرحمن البنّا فرموده: دو روز عید فطر و قربان با تشریع الهی واختیار ش به مخلوقاتش میباشد و برای اینکه این دو عید به تعقیب دو رکن بزرگ از ارکان اسلام میاید که یکی حج ودیگرش روز میباشد و درین دو عید برای حاجی وروزه دار مغفرت میشود و رحمت الله سبحا نه وتعالى برای تمامی مخلوقات مطیعش نشر میگردد ، اما نوروز مهرگان ، با اختیار شاهان آن وقت بخاطر معتدل شدن زمان وهوا و یا امثال آن از لذت های از بین رفتنی صورت گرفته ، بناء درمیان دو ارزش فرق بسیار واضح است برای کسیکه درین راستا تامل نماید. [1]

سنت دوم: درعید سعید فطر سنت رسول الله ﷺ چنین بودکه قبل از رفتن به عید گاه حتما چیزی از خرما یا خوراک دیگر می خورد ند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لا يَغْدُو يَوْمَ الْفِطْرِ حَتَّى يَأْكُلَ تَمَرَاتٍ. وفي رواية عنه قال: وَيَأْكُلُهُنَّ وِتْرًا. [2]

ترجمه: انس ابن مالک رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ روز عيد فطر تا چند عدد خرما نمي خورد ، به عيدگاه تشريف نميبرد. و در روايتي ديگر آمده است كه در خوردن آ نها ، عدد فرد را رعايت ميكرد.

سنت سوم: رسول الله ﷺ برای ادا نماز عید به عید گاه میرفتند..

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ يَوْمَ الْفِطْرِ وَالأَضْحَى إِلَى الْمُصَلَّى. [3]

---

[1]- "الفتح الرباني" 9 (119/6) بر گرفته شده از كتاب أحكام العيدين في السنة المطهرة تاليف أبو الحارث علي بن حسن بن علي بن عبد الحميد الحلبي ، ناشر : المكتبة الإسلامية – دار ابن حزم ،ط2، (1414 هـ – 1993 م) ، ص:16.

[2]- حديث نمبر (953) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)..

[3]- حديث نمبر (956) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)..

ترجمه: ابوسعيد خدري رضي الله عنه مي‌گويد: رسول الله ﷺ روز عيد فطر و عيد قربان، به عيدگاه مي رفت و اولين كاري كه انجام مي‌داد، برگذاري نماز بود.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ برای خانمها توصيه مينمود كه به نماز عيد در عيد گاه اشتراك كنند.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: عَنْ أُمّ عَطِيّةَ رَضيَ الله عَنْهَا قَالَتْ: سَمعْت النّبيّ ﷺ يَقُولُ: «تَخْرُجُ الْعَوَاتقُ، وَذَوَاتُ الْخُدُور، أَو الْعَوَاتقُ ذَوَاتُ الْخُدُور، وَالْحُيّضُ، وَلْيَشْهَدْنَ الْخَيْرَ، وَدَعْوَةَ الْمُؤْمنينَ، وَيَعْتَزِلُ الْحُيّضُ الْمُصَلّى، قيل لها: الْحُيّضُ؟ فَقَالَتْ: أَلَيْسَ تَشْهَدُ عَرَفَةَ وَكَذَا وَكَذَا؟. [1]

ترجمه: ام عطيه رضي الله عنها مي گويد: من از نبي اكرم ﷺ شنيدم كه فرمود: «دختران جوان، زنان محجبه و زناني كه در دوران قاعدگي بسر مي برند، مي توانند از خانه خارج شوند و در مجالس خير و دعوت مؤمنين، شركت كنند. البته زنان حائضه (ضمن شركت در مراسم فوق) نبايد وارد مصلا شوند. از ام عطيه رضي‌الله عنها پرسيدند: آيا زنان حائضه هم مي‌توانند شركت كنند؟! ام عطيه رضي الله عنها فرمود: (بلي)، مگر در عرفه و جاهاي ديگر، زنان حائضه شركت نمي كنند؟

سنت پنجم: رسول الله ﷺ قبل از نماز عيد و يا بعد از آن نماز نفل نميخواند ند.

دليل اين سنت: امام بخارى: روايت ميكند - عَن ابْن عَبّاس أَنّ النّبيّ صلى الله عليه وسلم صَلّى يَوْمَ الْفطْر رَكْعَتَيْن لَمْ يُصَلّ قَبْلَهَا، وَلاَ بَعْدَهَا ثُمّ أَتَى النّسَاءَ وَمَعَهُ بلاَلٌ فَأَمَرَهُنّ بالصّدَقَة فَجَعَلْنَ يُلْقينَ تُلْقي الْمَرْأَةُ خُرْصَهَا وَسخَابَهَا. [2]

ترجمه: صحابى بزرگوار عبدالله بن عباس رضي الله عنهما مي فرمايند: رسول الله ﷺ نماز عيد فطر را دو ركعت ادا نمودند، قبل از آن هم نمازى نخواندند و بعد از آن هم. سپس به نزد خانمها با همراهى بلال رفتند و آنانرا به صدقه امر نمودند، خانمها زيورات گوش وگردن شانرا (منحيث صدقه) مى انداختند.

سنت ششم: رسول الله ﷺ براى اداي نماز عيد به عيد گاه ميرفتند.

1- حديث نمبر (324) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه (مشهور به صحيح البخارى)..
2- حديث نمبر (964) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه (مشهور به صحيح البخارى)..

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند :عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ ﷺ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُوْلُ اللهِ ﷺ يَخْطُبُ، فَقَالَ: «إِنَّ أَوَّلَ مَا نَبْدَأُ فِي يَوْمِنَا هَذَا أَنْ نُصَلِّيَ، ثُمَّ نَرْجِعَ فَنَنْحَرَ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ أَصَابَ سُنَّتَنَا». [1]

ترجمه: براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که رسول الله ﷺ در خطبه روز عید، فرمود: اولین کاري که امروز باید انجام دهیم، این است که نماز بخوانیم. سپس، به خانه هاي خود برگردیم و قرباني کنیم. وهرکس، چنین کند، به سنت ما عمل کرده است».

سنت هفتم : رسول الله ﷺ نماز عید را بدون اذان واقامت ادا مینمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللّهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَا: لَمْ يَكُنْ يُؤَذَّنُ يَوْمَ الْفِطْرِ وَلَا يَوْمَ الأَضْحَى. [2]

ترجمه: ابن عباس و جابر بن عبد الله رضي الله عنهم مي‌گویند: روز هاي عید فطر و عید قربان، براي نماز عید، اذان گفته نمي‌شد.

سنت هشتم : رسول الله ﷺ قبل از نماز عید و یا بعد از آن نماز نفل نمیخوا ند ند.

دلیل این سنت: امام بخاری : روایت میکند - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم صَلَّى يَوْمَ الْفِطْرِ رَكْعَتَيْنِ لَمْ يُصَلِّ قَبْلَهَا ، وَلاَ بَعْدَهَا ثُمَّ أَتَى النِّسَاءَ وَمَعَهُ بِلاَلٌ فَأَمَرَهُنَّ بِالصَّدَقَةِ فَجَعَلْنَ يُلْقِينَ تُلْقِي الْمَرْأَةُ خُرْصَهَا وَسِخَابَهَا. [3]

ترجمه: صحابی بزرگوار عبدالله بن عباس رضی الله عنه مي فرمایند: رسول الله ﷺ نماز عید فطر را دو رکعت ادا نمود ند ، قبل از آن هم نمازی نخوا ند ند و بعد از آن هم. سپس به نزد خا نمها با همراهی بلال رفتند و آ نا نرا به صدقه امر نمود ند ، خا نمها زیورات گوش وگردن شا نرا (منحیث صدقه) می انداختند.

سنت نهم : رسول الله ﷺ نماز عید را دو رکعت ادا مینمود ند.

دلیل این سنت:امام نسائی رحمه الله روایت میکند: عَنْ عُمَرَ ، قَالَ: صَلاَةُ الْجُمُعَةِ رَكْعَتَانِ ، وَالْفِطْرُ رَكْعَتَانِ ، وَالنَّحْرُ رَكْعَتَانِ ، وَالسَّفَرُ رَكْعَتَانِ ، تَمَامٌ غَيْرُ قَصْرٍ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ

---

[1]- حدیث نمبر(951) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)..
[2]- حدیث نمبر(960) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)..
[3]- حدیث نمبر(964) الجامع الصحیح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)..

صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ أَدْخَلَ يَزِيدُ بْنُ زِيَادِ بْن أَبِي الْجَعْدِ بَيْنَ عَبْدِ الرّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى ، وَبَيْنَ عُمَرَ كَعْبَ بْنِ عُجْرَةَ. **نسائى** [1] **حديث صحيح است.** [2]

ترجمه: صحابى بزرگوار بن خطاب ﷺمي فرمايند: نماز جمعه دو ركعت است ، فطر دو ركعت است ، نحر (عيد قربان) دو ركعت است ، سفر دو ركعت است ، تمام نه قصر به زبان رسول الله ﷺ.

سنت دهم : سنت رسول الله ﷺ چنين بودكه در نماز عيد در عيد گاه درمقابل شان ستره ميگزاشتند .

دليل اين سنت: امام بخارى ﷺ روايت ميكند : عَن ابْنِ عُمَرَ رَضيَ اللّه عَنْهُمَا: أَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ كَانَ إذَا خَرَجَ يَوْمَ الْعيد ، أَمَرَ بِالْحَرْبَة فَتُوضَعُ بَيْنَ يَدَيْه ، فَيُصَلّي إلَيْهَا وَالنّاسُ وَرَاءَهُ، وَكَانَ يَفْعَلُ ذَلكَ في السّفَر ، فَمنْ ثَمّ اتّخَذَهَا الأمَرَاءُ. [3]

ترجمه: از عبد الله بن رضي الله عنهما نقل شده است كه رسول الله ﷺ روزهاي عيد ، هنگام نماز، دستور مي داد تا نيزه اي جلوي آن حضرت ﷺ نصب شود. آنگاه، رسول‌الله ﷺ بسوي آن، نماز مي خواند و مردم پشت سر رسول الله ﷺ، نماز ميخواندند. در سفر نيز رسول الله ﷺ چنين مي‌كرد. به همين خاطر، امراء و حكام نيز از نيزه استفاده مي كنند.

سنت يازدهم : سنت رسول الله ﷺ چنين بودكه در نماز عيد خطبه را بعد از نماز تقديم مينمودند .

دليل اين سنت: امام بخارى ﷺ روايت ميكند : عَنِ ابْنِ عَبّاسٍ رَضيَ اللّه عَنْهُمَا قَالَ: شَهدْتُ الْعيدَ مَعَ رَسُولِ اللّه ﷺ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ رَضيَ اللّه عَنْهمْ، فَكُلُّهُمْ كَانُوا يُصَلُّونَ قَبْلَ الْخُطْبَة. [4]

ترجمه: ابن عباس رضي الله عنهما مي‌گويد: نماز عيد را پشت سر رسول الله ﷺ ، ابوبكر ﷺ ، ﷺ و عثمان ﷺ خواندم. همه اين بزرگواران ، نماز عيد را قبل از خطبه مي‌خواندند.

1- حديث نمبر (494-) سنن نسائى.

2- حديث نمبر (1440) صحيح وضعيف سنن النسائي

3- حديث نمبر (494) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

4- حديث نمبر (962) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

سنت دوازدهم : سنت رسول الله ﷺ چنین بودکه در نماز عیدموعظهء خاصی برای خا نمها بعد از خطبه ایراد میفرمود ند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنِ ابْنِ عَبّاسٍ رَضِيَ اللّه عَنْهُمَا وَ قَدْ قَالَ لَهُ رَجُلٌ: شَهِدْتَ الْخُرُوجَ مَعَ رَسُولِ اللّه ﷺ ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَلَوْلا مَكَانِي مِنْهُ مَا شَهِدْتُهُ، يَعْنِي مِنْ صِغَرِهِ، أَتَى الْعَلَمَ الّذِي عِنْدَ دَارِ كَثِيرِ بْنِ الصّلْتِ، ثُمّ خَطَبَ، ثُمّ أَتَى النّسَاءَ، فَوَعَظَهُنّ، وَذَكّرَهُنّ، وَأَمَرَهُنّ أَنْ يَتَصَدّقْنَ، فَجَعَلَتِ الْمَرْأَةُ تُهْوِي بِيَدِهَا إِلَى حَلْقِهَا تُلْقِي فِي ثَوْبِ بِلالٍ، ثُمّ أَتَى هُوَ وَبِلالٌ الْبَيْتَ. [1]

ترجمه: ابن عباس رضي الله عنهما مي‌گويد: شخصي از من پرسيد: آيا با رسول الله ﷺ به عيدگاه رفته اي؟ گفتم: بلي. ولي اگر خويشاوندي نزديک، با رسول الله ﷺ نمي داشتم، به علت خرد سالي، نمي توانستم با ايشان به عيدگاه بروم. رسول الله ﷺ كنار پرچمي كه بر سر در منزل كثير بن صلت نصب شده بود، تشريف برد و خطبه خواند. سپس به مجلس زنان رفت و آنان را موعظه و ارشاد نمود و امر به صدقه فرمود. آنگاه، زنان شروع به دادن صدقه نمودند. يكي انگشتر، ديگري النگو و آن ديگر، زيورآلات خود را بيرون مي آورد و در چادر بلال مي انداخت. سپس، رسول الله ﷺ و بلال به خانه برگشتند.

سنت سیزدهم : سنت رسول الله ﷺ چنین بودکه در روزهای عید روزه نمیگرفتند .

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطّابِ رضي الله عنه: أَنّهُ صَلّى الْعِيْدَ يَوْمَ الأَضْحَى قَبْلَ الْخُطْبَةِ، ثُمّ خَطَبَ النّاسَ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النّاسُ إِنّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَدْ نَهَاكُمْ عَنْ صِيَامِ هَذَيْنِ الْعِيدَيْنِ، أَمّا أَحَدُهُمَا فَيَوْمُ فِطْرِكُمْ مِنْ صِيَامِكُمْ، وَأَمّا الآخَرُ فَيَوْمٌ تَأْكُلُونَ مِنْ نُسُكِكُمْ». [2]

ترجمه: از بن خطاب رضي الله عنه روايت است كه ايشان نماز عيد قربان را قبل از ايراد خطبه اقامه نمود. سپس براي مردم، به ايراد خطبه پرداخت و فرمود: اي مردم! هما نا رسول الله ﷺ شما را

---

[1]- حديث نمبر(863) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..
[2]- حديث نمبر(5573) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

از روزه گرفتن اين دو عيد, منع فرمود. زيرا يكي از آ ندو، روز عيد فطر است كه شما روزه هايتان را افطار مي كنيد. و ديگري، روزي است كه شما قرباني هايتان را مي خوريد.

سنت چهاردهم: رسول الله ﷺ درهنگام رفتن و برگشت راه شا نرا تغيير ميداد ند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمُ عِيدٍ خَالَفَ الطَّرِيقَ. (1)

ترجمه: جابر رضي الله عنه ميگويد: رسول الله ﷺ روز عيد، از يک راه به عيدگاه ميرفت و از راه ديگري، بر مي گشت.

سنت پانزدهم: رسول الله ﷺ عبادت در ايام تشريق را بسيار توصيف نموده اند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «مَا الْعَمَلُ فِي أَيَّامٍ أَفْضَلَ مِنْهَا فِي هَذِهِ». قَالُوا: وَلَا الْجِهَادُ؟ قَالَ: «وَلَا الْجِهَادُ إِلَّا رَجُلٌ خَرَجَ يُخَاطِرُ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ، فَلَمْ يَرْجِعْ بِشَيْءٍ». (2)

ترجمه: ابن عباس رضي الله عنهما روايت مي كند كه: رسول الله ﷺ فرمود: «هيچ عملي در ايام سال، بهتر از انجام آن، در اين ايام (دهه اول ذي الحجه) نيست». پرسيد ند: حتي جهاد؟ فرمود: «جهاد نيز با اعمال نيک اين روزها، برابري نمي كند. مگر كسيكه با جان و مال خود در راه الله (سبحا نه وتعالى) بيرون شود و هيچ چيز را بر نگردا ند».

م لهن, وما مسّت يدُ النبي – صلى الله عليه وسلم – يد امرأة لا تحل له أبداً.

سنت شانزدهم: رسول الله ﷺ به بازی های مشروع در روزهای عيد اجازه ميداد ند. امام بخاری رحمه الله روايت ميكند: قَالَتْ عَائِشَةُ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَسْتُرُنِي وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَى الْحَبَشَةِ، وَهُمْ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ، فَزَجَرَهُمْ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «دَعْهُمْ، أَمْنًا بَنِي أَرْفِدَةَ». (3)

ترجمه: عايشه رضي الله عنها مي فرمايد: رسول الله ﷺ مرا با چادري پوشا نيد و من به بازي گروهي از حبشي ها در مسجد، نگاه مي كردم. رضي الله عنه آ نها را سرزنش كرد. ولي رسول الله ﷺ فرمود: « بني ارفده را بحال خودشان بگذار».

1- حديث نمبر(986) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)..
2- حديث نمبر(969) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)..
3- حديث نمبر(988) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامــه(مشهور به صحيح البخارى)..

سنت هفدهم : رسول الله ﷺ برای دختران نابالغ اجازه میدادند که دف که دایرهء بدون زنگ است با شعر حماسی مشروع بسرایند.

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند : عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّه عَنْهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيّ رَسُولُ اللَّه ﷺ وَعِنْدِي جَارِيَتَان ، تُغَنِّيَان بغِنَاء بُعَاثَ ، فَاضْطَجَعَ عَلَى الْفرَاش وَحَوَّلَ وَجْهَهُ ، وَدَخَلَ أَبُو بَكْر فَانْتَهَرَني ، وَقَالَ: مزْمَارَةُ الشَّيْطَان عنْدَ النَّبيّ ﷺ؟ فَأَقْبَلَ عَلَيْه رَسُولُ اللَّه ﷺ فَقَالَ: «دَعْهُمَا». فَلَمَّا غَفَلَ غَمَزْتُهُمَا فَخَرَجَتَا. [1]

ترجمه: ام‌المومنين ؛ عايشه رضي الله عنها ؛ مي‌گويد: (روز عيد) دو دختر بچه در خانه من ، مشغول خواندن سرود جنگ بعاث ، بودند كه رسول الله ﷺ وارد شد و براي استراحت ، به رختخواب رفت و چهرهء خود را برگرداند. چند لحظه بعد ، ابوبكر رضی الله عنه وارد خانه شد و با ديدن اين صحنه ، مرا سرزنش كرد و فرمود: صداي شيطان درخانه رسول الله ﷺ ؟ ! رسول الله ﷺ رو به ابوبكر كرد و فرمود: «آنان را به حال خود بگذار». عايشه رضي الله عنها مي گويد: پس از اينكه ابوبكر سرگرم كاري ديگر شد ، من با اشاره به آنها گفتم كه برويد. وآنها رفتند.

سنت هجدهم : رسول الله ﷺ واصحاب کرام درعید لباسهای زیبای شانرا میپوشیدند.

دلیل این سنت: عَنْ عُمَرَ رضی الله عنه أَنّهُ رَأَى حُلّةً سِيَرَاءَ عِنْدَ بَابِ الْمَسْجِد ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللّه ، لَو اشْتَرَيْتَ هَذه فَلَبسْتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَة ، وَللْوَفْد إذَا قَدمُوا عَلَيْكَ. فَقَالَ رَسُولُ اللّه ﷺ: «إنّمَا يَلْبَسُ هَذه مَنْ لا خَلاقَ لَهُ في الآخرَة». ثُمّ جَاءَتْ رَسُولَ اللّه ﷺ منْهَا حُلَلٌ ، فَأَعْطَى عُمَرَ بْنَ الْخَطّاب رضی الله عنه منْهَا حُلّةً ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللّه ! كَسَوْتَنيهَا وَقَدْ قُلْتَ في حُلّة عُطَارد مَا قُلْتَ؟ قَالَ رَسُولُ اللّه ﷺ: «إنّي لَمْ أَكْسُكَهَا لتَلْبَسَهَا». فَكَسَاهَا بْنُ الْخَطّاب رضی الله عنه أَخًا لَهُ بمَكّةَ مُشْرِكًا. [2]

ترجمه: رضی الله عنه پارچة ابريشمي را ديد كه در آستانه مسجد النبي ﷺ براي فروش به نمايش گذاشته شده بود. عرض كرد: اي رسول الله (سبحانه وتعالی) ! چقدر خوب است ، اگر شما

[1]- حديث نمبر (949) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)..
[2]- حديث نمبر (886) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه (مشهور به صحيح البخارى)..

این پارچه را بخرید و در روزهاي جمعه و هنگام ملاقات با هیئت هايي که به خدمت شما مي رسند، آن را بپوشيد؟ رسول الله ﷺ فرمود: «اینگونه پارچه ها را کسا ني مي پوشند که از نعمتهاي آخرت، سهمي نداشته باشند». پس از مدتي، چند دست لباس از همان پارچه، به رسول الله ﷺ هديه داد ند. رسول الله (سبحا نه وتعالى) ﷺ یکي از آنها را به ﷺ داد. ایشان عرض کرد: یا رسول الله ! این پارچه را به من بخشيدي تا بپوشم در حالي که قبلاً پوشيدن آن را مذمت فرمودي. رسول الله (سبحا نه وتعالى) ﷺ فرمود: «من آن را نداده ام که بپوشي». بعداً ﷺ آن پارچه را براي برادر مشرک خود که در مکه بود، فرستاد.

علامه سندی در حاشيه اش بالای سنن نسائی در شرح (فَتَجَمّلْ بهَا للْعيد) مينويسد: «منْهُ عُلمَ اَنّ التّجَمّلَ يَوْم الْعيد كَانَ عَادَةً مُتَقَرّرَةً بَيْنهمْ وَلَمْ يُنْكرْهَا النّبيُّ صَلّى الله تَعَالَى عَلَيْه وَسَلّمَ فَعُلمَ بَقَاؤُهَا.» (1)

ترجمه: ازين عبارت معلوم ميشود که زيبايى در عيد عادت مقرر شده در ميان آ نان بود، بناء رسول الله سخن را انکار نکرد، بناء حکم باقی ما ند.

سنت نزدهم: رسول الله ﷺ مطابق ديدن ماه عيد را اعلان مينمود ند.

دليل اين سنت: عَن ابْن عُمَرَ رَضي اللّه عَنْهمَا قَالَ: سَمعْتُ رَسُولَ اللّه ﷺ يَقُولُ: «إذَا رَأَيْتُمُوهُ فَصُومُوا، وَإذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطرُوا، فَإنْ غُمّ عَلَيْكُمْ فَاقْدُرُوا لَهُ» يعني: هلال رَمَضَانَ. (2)

ترجمه: عبد الله بن رضي الله عنهما مي گويد: از رسول الله ﷺ شنيدم که فرمود: «هرگاه، هلال رمضان را ديديد، روزه بگيريد. و هرگاه، هلال شوال را مشاهده کرديد، افطار کنيد. و اگر آسمان، ابري بود (ماه رويت نشد)، سي روز را کامل کنيد».

سنت بيستم: رسول الله ﷺ درصورت غبار و نديدن مهتاب ماه را سی روز مکمل حساب مينمود ند.

دليل اين سنت: عَنْ عَبْداللّه بْن رَضي اللّه عَنْهمَا اَنّ رَسُولَ اللّه ﷺ قَالَ: «الشّهْرُ تسْعٌ وَعشْرُونَ لَيْلَةً فَلا تَصُومُوا حَتّى تَرَوْهُ فَإنْ غُمّ عَلَيْكُمْ فَأَكْملُوا الْعدّةَ ثلاثينَ». (3)

1- حاشية السندي على النسائي تاليف نور الدين بن عبدالهادي أبو الحسن السندي، حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية ،ط2، (1406 – 1986) ، 181/3.

2- حديث نمبر(1900) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

3- حديث نمبر(1907) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)..

ترجمه: عبد الله بن رضي الله عنهما مي گويد: رسول الله ﷺ فرمود: «ماه، بيست و نه شب است. تا هلال ماه را نديده ايد، روزه نگيريد. و اگر هوا، ابري بود و نتوا نستيد آنرا ببينيد، سي روز را كامل كنيد».

مطلب دوم: شش روز روزه در ماه شوال: رسول الله ﷺ در مورد روزه گرفتن در ماه شوال سنت های ذیل را بیان داشته است.

سنت اول: رسول الله ﷺ: میفرمود ند که هرگاه کسی شش روز از شوال را با ماه رمضان روزه بگیرید مثلیکه تمام سال روزه گرفته باشد.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أَبِى أَيُّوبَ الأَنْصَارِىِّ - رضى الله عنه - أَنَّهُ حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ».[1]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابی ایوب انصاری رضی الله عنه مي فرمايند: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمودند: کسیکه ماه رمضان را روزه بگیرد، سپس شش روز از شوال را روزه بگیرید مثلیکه تمامی سال روزه گرفته است.

مطلب سوم: ازدواج در ماه شوال: رسول الله ﷺ در ماه شوال با مادر مومنان عايشه ء صديقه -رضى الله عنها- ازدواج نموده اند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ تَزَوَّجَنِى رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فِى شَوَّالٍ وَبَنَى بِى فِى شَوَّالٍ فَأَىُّ نِسَاءِ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- كَانَ أَحْظَى عِنْدَهُ مِنِّى.[2]

ترجمه: صحابی بزرگوار ام المومنين عايشه ء صديقه رضی الله عنها مي فرمايند: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) با من در ماه ء شوال ازدواج نمود ند و با من در شوال نزديک شد ند. پس كدام يكى از همسران رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نسبت به من به ايشان محبوبتر بود ند.

مشرکین عصر جاهلیت در مورد ازدواج و نکاح نمودن در میان عید فطر و عید قربان که در وسط آن شوال میامد ، سخنان زشتی میگفتند و آنرا فال بد میگرفتند ، بناء این

---

[1]- حديث نمبر (2815) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

[2]- حديث نمبر (3548) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

اندیشهء جاهلیت را رسول الله (صلی الله علیه وسلم) با ازدواج شان در ماه شوال با ام المومنین عایشهء صدیقه رضی الله عنها ازبین بردند. (1)

1- لسان العرب ، ۳۷۴/۱۱.

بحث پنجم
تقسیم اوقات ماه ذی الحجه

ماه ذی الحجه دوازدهمین ماه سال هجری قمری میباشد ، درین ماه اوقاتی خاصی وجود دارد که دارای فضیلت زیاد میباشند.

رسول الله ﷺ در مورد ماه ذی الحجه امور ذیل را بیان داشته است:

مطلب اول: فضیلت وعبادت در ده روز ذی الحجه: رسول الله ﷺ در مورد عبادت ایام ده گانه ذی الحجه سنت های ذیل را بیان داشته است .

سنت اول: رسول الله ﷺ عبادت درین ده روز را به نزد الله (سبحانه وتعالی) بسیار محبوب بیان نمودند.

دلیل این سنت: امام ترمذی رحمه الله روایت میکند: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهِنَّ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الأَيَّامِ الْعَشْرِ ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَلاَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَلاَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، إِلاَّ رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فَلَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ.[1] حديث صحيح است.[2]

ترجمه: صحابی بزرگوار عبدالله بن عباس رضی الله عنه مي فرمايند: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمودند: «هيچ روزي نيست كه عمل صالح به سوي الله (سبحانه و تعالی) درآنها از اين روزها ـ يعني از ده روز ذي الحجه ـ محبوبتر باشد. اصحاب گفتند: حتي جهاد در راه الله (سبحانه و تعالی) ؟ رسول الله (صلى الله عليه و سلم) فرمودند: حتي جهاد در راه الله (سبحانه و تعالی) مگر شخصي كه خود با مالش به ميدان جهاد برود و سپس چيزي از آنها را بر نگرداند».

سنت دوم: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) روز ترويه که هشتم ذی الحجه میباشد را منحیث آغاز حج فرضی برای حجاج متمتع بیان داشته است.

---

[1]- حديث نمبر (757) سنن ترمذی .

[2]- حديث نمبر (757) صحيح وضعيف سنن ترمذی .

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند: **عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللّه رَضِيَ اللّه عَنْهُمَا: أَنَّهُ حَجَّ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ يَوْمَ سَاقَ الْبُدْنَ مَعَهُ، وَقَدْ أَهَلُّوا بِالْحَجِّ مُفْرَدًا، فَقَالَ لَهُمْ: «أَحِلُّوا مِنْ إِحْرَامِكُمْ بِطَوَافِ الْبَيْتِ وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَقَصِّرُوا، ثُمَّ أَقِيمُوا حَلاَلاً، حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ فَأَهِلُّوا بِالْحَجِّ، وَاجْعَلُوا الَّتِي قَدِمْتُمْ بِهَا مُتْعَةً». فَقَالُوا: كَيْفَ نَجْعَلُهَا مُتْعَةً، وَقَدْ سَمَّيْنَا الْحَجَّ؟ فَقَالَ: «افْعَلُوا مَا أَمَرْتُكُمْ، فَلَوْلاَ أَنِّي سُقْتُ الْهَدْيَ لَفَعَلْتُ مِثْلَ الَّذِي أَمَرْتُكُمْ، وَلَكِنْ لاَ يَحِلُّ مِنِّي حَرَامٌ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ». فَفَعَلُوا.**[1]

ترجمه: جابر بن عبد الله (رضى الله عنه) مي‌گويد: با رسول الله ﷺ زماني كه شتران هدي را همراه داشت، به حج رفتم. مردم نيت حج مفرد كرده بودند. رسول الله (صلى الله عليه وسلم) به آنها گفت: «بعد از طواف كعبه و سعي ميان صفا و مروه و كوتاه كردن موي سر، از احرام، خارج شويد. و بعد، در حالت حلال، (خارج از احرام) بمانيد تا آنكه روز هشتم ترويه (ذو الحجه) فرا رسد. سپس، روز هشتم، براي حج، احرام ببنديد. و اعمال قبلي را ه بحساب آوريد». مردم گفتند: يا رسول الله! چگونه آن اعمال را ه بحساب آوريم در حالي كه ما نيت حج كرده بوديم؟ رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «آنچه دستور ميدهم انجام دهيد. اگر من هدي با خود نمي‌آوردم، همين طور كه به شما دستور مي دهم، عمل مي‌كردم. ولي هيچ حرامي براي من تا زمانيكه قرباني ذبح نكنم، حلال نخواهد شد». مردم نيز طبق دستور رسول الله ﷺ عمل كردند.

سنت سوم: رسول الله ﷺ **فرمودند كه روزهء عرفه «گناهان سال قبلى وسال بعدى را كفاره ميگردد».**

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند: **عَنْ أَبِى قَتَادَةَ الأَنْصَارِىِّ رضى الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّه -صلى الله عليه وسلم- سُئِلَ عَنْ صَوْمِه قَالَ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّه -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ عُمَرُ رضى الله عنه رَضِينَا بِاللَّه رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِبَيْعَتِنَا بَيْعَةً. قَالَ فَسُئِلَ عَنْ صِيَامِ الدَّهْرِ فَقَالَ « لاَ صَامَ وَلاَ أَفْطَرَ». أَوْ « مَا صَامَ وَمَا أَفْطَرَ». قَالَ فَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمَيْنِ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ « وَمَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ وَإِفْطَارِ يَوْمَيْنِ قَالَ «**

---

[1]- حديث نمبر(1568) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)

لَيْتَ أَنّ اللّهَ قَوّانَا لِذَلِكَ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمٍ وَإِفْطَارِ يَوْمٍ قَالَ « ذَاكَ صَوْمُ أَخِى دَاوُدَ عَلَيْهِ السّلاَمُ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الاِثْنَيْنِ قَالَ « ذَاكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ وَيَوْمٌ بُعِثْتُ أَوْ أُنْزِلَ عَلَيّ فِيهِ ». قَالَ فَقَالَ « صَوْمُ ثَلاَثَةٍ مِنْ كُلّ شَهْرٍ وَرَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ صَوْمُ الدّهْرِ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ فَقَالَ « يُكَفّرُ السّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ ». قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَقَالَ « يُكَفّرُ السّنَةَ الْمَاضِيَةَ ». وَفِى هَذَا الْحَدِيثِ مِنْ رِوَايَةِ شُعْبَةَ قَالَ وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَسَكَتْنَا عَنْ ذِكْرِ الْخَمِيسِ لَمّا نُرَاهُ وَهْمًا. .[1]

ترجمه: صحابی بزرگوار ابی قتاده ا نصاری رضی الله عنه مي فرمايند: از رسول الله ﷺ درمورد روزه اش سوال شد.

فرمود: رسول الله ﷺ بسيار غضب ناک شد.

رضی الله عنه فرمود ند : رَضِينَا بِاللّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمّدٍ رَسُولاً و به بیعت ما که بیعت نموده بوديم بیعت.

راوی فرمود: رسول الله ﷺ درمورد روزه هميشگی سوال شد.

رسول الله ﷺ فرمود: « نه روزه گرفته است و نه افطار نموده است ».یا « نه روزه گرفته و نه هم افطار نمودهَ».

راوی ميگويد: از رسول الله ﷺ درمورد دو روز روزه و يک روز افطار سوال کرده شد.

رسول الله ﷺ فرمود ند « کی چنين روزه را طاقت ميکند».

راوی ميگويد:از رسول الله ﷺ درمورد يک روز روزه و دو روز افطار پرسيده شد.

رسول الله ﷺ فرمودَ: « ای کاش الله (سبحا نه وتعالی) به اين کارما را قوت دهد».

راوی ميگويد:از رسول الله ﷺ درمورد يک روز روزه و يک روز افطار پرسيده شد.

رسول الله ﷺ فرمود: اين روزهء برادرم داوود عليه السلام است.

راوی ميگويد:ازرسول الله ﷺ درمورد روزه دوشنبه پرسيده شد.

رسول الله ﷺ فرمود ند : « اين روزی است که در آن تولد شده ام ، درين روز مبعوث شده و درين روز به من وحی نال شد ».

---

[1]- حديث نمبر(2804) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

راوی میگوید: رسول الله ﷺ فرمود: « روزهء سه روز در هر ماه و رمضان تا رمضان دیگر روزه ی است (مثل اینکه کسی تمام روزه گرفته باشد)».

راوی میگوید: از رسول الله ﷺ درمورد روزهء عرفه پرسیده شد.

رسول الله ﷺ « گناهان سال قبلی وسال بعدی را کفار میگردد».

راوی میگوید: از رسول الله ﷺ درمورد روزهء عاشورا پرسیده شد.

رسول الله ﷺ فرمود ند: « گناهان سال قبلی را کفاره میشود ». ودر حدیث از روایت شعبه است که راوی فرمود: از رسول الله ﷺ درمورد روزهء دوشنبه و پنجشنبه پرسیده شد ، وما از ذکر پنجشنبه خاموش شدیم ، بخاطری که ما در آن وهمی میدیدیم.

سنت چهارم: رسول الله ﷺ روز عرفه را بهترین روزها برای رهایی از دوزخ بیان داشته اند.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ عَائِشَةَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ يُعْتِقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ وَإِنَّهُ لَيَدْنُو ثُمَّ يُبَاهِى بِهِمُ الْمَلاَئِكَةَ فَيَقُولُ مَا أَرَادَ هَؤُلاَءِ». [1]

ترجمه: صحابی بزرگوار ام المومنین عایشهء صدیقه رضی الله عنها مي فرمايند: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود ند: نیست هیچ روزی که الله (سبحا نه وتعالی) سبحا نه وتعالی ، بنده گا نش را از آتش دوزخ نجات دهد ، نسبت به روز عرفه ، الله (سبحا نه وتعالی) درین روز به آنان نزدیک میگردد ، حتی که ملائکه به آن مباهات میکنند و میگوید: اینان چی میخواهند.

سنت پنجم: رسول الله ﷺ فرمود ند که روز نحر بزرگترین روزها به نزد الله (سبحا نه وتعالی) میباشد.

دلیل این سنت: امام نسائي رحمه الله روايت ميكند : أنبأ عبيد الله بن سعيد ويعقوب بن إبراهيم قالا حدثنا يحيى وهو بن سعيد قال حدثنا ثور قال حدثنا راشد بن سعيد عن عبد الله

1- حديث نمبر (3354) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

بن يحيى عن عبد الله بن قرط قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: أعظم الأيام عند الله يوم النحر ويوم القر[1] حديث صحيح است.[2]

ترجمه: صحابی بزرگوار ﷺ مي فرمايند: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمودند: بهترين روزها در نزد الله (سبحانه وتعالى) روز نحر و سپس روز قر ميباشد.

مطلب دوم: حج فرضی در ذی الحجه: رسول الله ﷺ درمورد حج سنت های ذیل را بیان داشته است.

سنت اول: مراسم حج فرضی از روز ترویه آغاز میگردد.

دليل اين سنت: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللّهِ رَضِيَ اللّهُ عَنْهُمَا: أَنَّهُ حَجَّ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ يَوْمَ سَاقَ الْبُدْنَ مَعَهُ، وَقَدْ أَهَلُّوا بِالْحَجِّ مُفْرَدًا، فَقَالَ لَهُمْ: «أَحِلُّوا مِنْ إِحْرَامِكُمْ بِطَوَافِ الْبَيْتِ وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَقَصِّرُوا، ثُمَّ أَقِيمُوا حَلاَلاً، حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ فَأَهِلُّوا بِالْحَجِّ، وَاجْعَلُوا الَّتِي قَدِمْتُمْ بِهَا مُتْعَةً». فَقَالُوا: كَيْفَ نَجْعَلُهَا مُتْعَةً، وَقَدْ سَمَّيْنَا الْحَجَّ؟ فَقَالَ: «افْعَلُوا مَا أَمَرْتُكُمْ، فَلَوْلاَ أَنِّي سُقْتُ الْهَدْيَ لَفَعَلْتُ مِثْلَ الَّذِي أَمَرْتُكُمْ، وَلَكِنْ لاَ يَحِلُّ مِنِّي حَرَامٌ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ». فَفَعَلُوا.[3]

ترجمه: جابر بن عبد الله (رضی الله عنه) ميگويد: با رسول الله ﷺ زماني كه شتران هدي را همراه داشت، به حج رفتيم. مردم نيت حج مفرد كرده بودند. رسول الله ﷺ به آنها گفت: «بعد از طواف كعبه و سعي ميان صفا و مروه و كوتاه كردن موي سر، از احرام، خارج شويد. و بعد، در حالت حلال، (خارج از احرام) بمانيد تا آنكه روز هشتم ترويه (ذو الحجه) فرا رسد. سپس، روز هشتم، براي حج، احرام ببنديد. و اعمال قبلي را ه بحساب آوريد». مردم گفتند: يا رسول الله! چگونه آن اعمال را ه بحساب آوريم در حالي كه ما نيت حج كرده بوديم؟ رسول الله ﷺ فرمود: «آنچه دستور ميدهم انجام دهيد. اگر من هدي با خود نميآوردم، همين طور كه به شما دستور مي دهم، عمل ميكردم. ولي هيچ حرامي براي من تا زمانيكه قربانی ذبح

---

[1] - حديث نمبر (4098) سنن نسائی.

[2] - حديث نمبر (١٩٤٤) صحيح وضعيف الجامع الصغير تاليف محمد ناصر الدين الألباني، مصر: مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة، (ب ط)، (ب ت).

[3] - حديث نمبر (1568) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه (مشهور به صحيح البخارى)..

نکنم، حلال نخواهد شد». مردم نیز طبق دستور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) عمل کردند.

مطلب سوم: عید سعید اضحی: رسول الله ﷺ در مورد عید اضحی و عید فطر سنت های زیادی را بیان داشتند که قبلا دربحث عید فطر بیان گردید، درعید سعید اضحی سنت رسول الله ﷺ چنین بودکه قبل ازرفتن به عید گاه چیزی نمیخوردند.

دلیل این سنت: امام ابن حبان رحمه الله روایت میکند: عَنْ بُرَيْدَةَ أَنّ النّبيّ صَلّى اللّهُ عَلَيْه وَسَلّمَ، كَانَ لاَ يَخْرُجُ يَوْمَ الْفِطْرِ حَتّى يَطْعَمَ، وَلاَ يَطْعَمُ يَوْمَ النّحْرِ حَتّى يَنْحَرَ. [1] حدیث صحیح است. [2]

ترجمه: صحابی بزرگوار بریده رضی الله عنه می فرمایند: رسول الله ﷺ درعید فطر از منزل شان خارج نمیشدند مگر اینکه ناشتای صبحانه مینمودند، و در عید قربانی چیز نمیخوردند تا زمانیکه قربانی میکردند.

مطلب چهارم: قربانی: هنگامیکه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قربانی مینمود، سنت هاي ذيل را كه برايش وحی شده بود، انجام میداد:

سنت اول: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای کسیکه قصد قربانی داشت توصیه مینمود که موی و ناخن هایش را ازآغازدهه ذی الحجه نگیرد.

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند: عَنْ أُمّ سَلَمَةَ تَرْفَعُهُ قَالَ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ وَعِنْدَهُ أُضْحِيّةٌ يُرِيدُ أَنْ يُضَحّيَ فَلَا يَأْخُذَنّ شَعْرًا وَلَا يَقْلِمَنّ ظُفُرًا [3]

ترجمه: صحابی بزرگوار ام سلمه رضی الله عنها می فرمایند: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: هنگامیکه دهم (ذی الحجه) داخل شد، وشخصی قربانی دارد و میخواهد که قربانی کند، ازموهایش نگیرد و ناخن هایش را قطع نکند.

---

[1]- حدیث نمبر(2112) صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان تاليف محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ط2، (1414 – 1993) تحقيق: شعيب الأرنؤوط.

[2]- حدیث نمبر(752) صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان تاليف محمد بن حبان أبو حاتم البُستي (المتوفى: 354هـ) تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ط2، (1414 – 1993).

[3]- حدیث نمبر(3654) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).

همچنان **امام مسلم** رحمه الله **روايت ميكند** : عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ « إِذَا رَأَيْتُمْ هِلاَلَ ذِي الْحِجَّةِ وَأَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُضَحِّيَ فَلْيُمْسِكْ عَنْ شَعْرِهِ وَأَظْفَارِهِ »[1]

ترجمه: صحابى بزرگوار ام سلمه رضي الله عنها مي فرمايند: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمودند: هنگاميكه مهتاب (ذى الحجه) را ديديد ويكى از شما ميخواهد كه قربانى كند ، ازگرفتن مو و ناخن هايش خود دارى كند.

سنت دوم: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) گوسفند سفيد شاخدار چاق را قربانى نمود.

دليل اين سنت: امام مسلم رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَنَسٍ قَالَ ضَحَّى النَّبِيُّ -صلى الله عليه وسلم- بِكَبْشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ أَقْرَنَيْنِ ذَبَحَهُمَا بِيَدِهِ وَسَمَّى وَكَبَّرَ وَوَضَعَ رِجْلَهُ عَلَى صِفَاحِهِمَا.[2]

ترجمه: صحابى بزرگوار انس رضي الله عنه مي فرمايند: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) دو گوسفند قچ سفيد شاخ دار را بدست خودش قربانى نمود ، و بسم الله وتكبير گرفته و قدمش را بالاى گردن هاى شان گذاشت.

سنت سوم: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) شتر را نيز قربانى نموده است.

دليل اين سنت: امام بخارى رحمه الله روايت ميكند : عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَنَحْنُ مَعَهُ بِالْمَدِينَةِ الظُّهْرَ أَرْبَعًا ، وَالْعَصْرَ بِذِي الْحُلَيْفَةِ رَكْعَتَيْنِ ، ثُمَّ بَاتَ بِهَا حَتَّى أَصْبَحَ ، ثُمَّ رَكِبَ حَتَّى اسْتَوَتْ بِهِ عَلَى الْبَيْدَاءِ ، حَمِدَ اللَّهَ ، وَسَبَّحَ ، وَكَبَّرَ ، ثُمَّ أَهَلَّ بِحَجٍّ وَعُمْرَةٍ ، وَأَهَلَّ النَّاسُ بِهِمَا ، فَلَمَّا قَدِمْنَا أَمَرَ النَّاسَ فَحَلُّوا حَتَّى كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ ، أَهَلُّوا بِالْحَجِّ ، قَالَ: وَنَحَرَ النَّبِيُّ ﷺ بَدَنَاتٍ بِيَدِهِ قِيَامًا ، وَذَبَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْمَدِينَةِ كَبْشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ.[3]

ترجمه: انس بن مالك رضي الله عنه ميگويد: همراه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نماز ظهر را در مدينه ، چهار ركعت و نماز عصر را در ذوالحليفه ، دو ركعت ، خوانديم. وشب را همانجا مانديم. و هنگام صبح ، سوار شد و براه افتاد. و زماني كه به بيداء رسيد, تحميد (الحمد لله) ، تسبيح و تكبير گفت. سپس ، نيت حج و عمره نمود. و مردم نيز نيت حج و عمره كردند. راوي مي گويد: هنگامي كه وارد مكه شديم, به مردم دستور داد (كه پس از عمره) از احرام خارج شوند تا

---

[1]- حديث نمبر(5234) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).
[2]- حديث نمبر(5199 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم).
[3]- حديث نمبر(1551) الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ايامه(مشهور به صحيح البخارى)

اینکه روز هشتم فرا رسید, مردم دوباره براي حج احرام بستند. و روز عید ، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) چندین شتر را ایستاده ذبح کرد. راوي مي گوید: یکبار در مدینه منوره نیز رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دو قوچ سفید ، ذبح کرد.

سنت چهارم : رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قربانی اش را خودش ذبح نموده است .

دلیل این سنت: امام مسلم رحمه الله روایت میکند : عَنْ أَنَس قَالَ ضَحّى النّبِيّ -صلى الله عليه وسلم- بِكَبْشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ أَقْرَنَيْنِ ذَبَحَهُمَا بِيَدِهِ وَسَمّى وَكَبّرَ وَوَضَعَ رِجْلَهُ عَلَى صِفَاحِهِمَا. [1]

ترجمه: صحابی بزرگوار انس رضی الله عنه مي فرمایند: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دو گوسفند قچ سفید شاخ دار را بدست خودش قربانی نمود ، و بسم الله وتکبیر گرفته و قدمش را بالای گردن های شان گذاشت.

سنت پنجم : رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قربانی اش را بعد از نماز عید ذبح مینمود ند .

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند: عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُوْلُ اللهِ ﷺ يَخْطُبُ، فَقَالَ: «إِنّ أَوّلَ مَا نَبْدَأُ فِي يَوْمِنَا هَذَا أَنْ نُصَلّيَ، ثُمّ نَرْجِعَ فَنَنْحَرَ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ أَصَابَ سُنّتَنَا». [2]

ترجمه: براء بن عازب رضی الله عنه مي‌گوید: شنیدم كه رسول الله ﷺ در خطبه روز عید ، فرمود: اولین كاري كه امروز باید انجام دهیم ، این است كه نماز بخوانیم. سپس ، به خانه هاي خود برگردیم و قرباني كنیم. وهركس ، چنین كند ، به سنت ما عمل كرده است».

سنت ششم : رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قربانی را منحیث شعائر الله و تطبیق حکم الله سبحانه وتعالي انجام میداد ند .

دلیل این سنت: الله (ﷻ) میفرماید:﴿ذلِكَ وَمَنْ يعَظِّمْ شَعائِرَ اللهِ فَإِنّها مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ] الحج/32.

1- حدیث نمبر(5199 -) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحیح مسلم).

2- حدیث نمبر(951) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ایامـه(مشهور به صحیح البخاری)

ترجمه :(مطلب) چنین است (که گفته شد) ، و هر کس مراسم و برنامه های الهی را بزرگ دارد (و از جمله مناسک حجّ را گرامی شمارد) ، یقینا که بزرگداشت آنها نشانه پرهیزگاری دلها (و خوف و هراس از الله (سبحانه وتعالی) است.

در مورد تطبیق حکم ، الله (ﷻ) میفرماید:﴿لَنْ ینالَ اللّهَ لُحُومُها وَلا دماؤُها وَلکنْ ینالُهُ التّقْوى مِنْکُمْ کَذلِکَ سَخّرَها لَکُمْ لِتُکَبّرُوا اللّهَ عَلى ما هَداکُمْ وَبَشّرِ الْمُحْسنِینَ] الحج/ 37.

ترجمه :گوشتها و خونهای قربانیها هرگز به الله (سبحانه وتعالی) نمی رسد و بلکه پرهیزگاری (و ورع و اخلاص) شما بدو می رسد . این گونه که (می بینید) الله (سبحانه وتعالی) حیوانات را مسخر شما کرده است تا الله (سبحانه وتعالی) را به خاطر این که هدایتتان نموده است بزرگدارید و نیکوکاران را مژده بده.

سنت هفتم: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مناسک حج وسایر عبادات واز جمله قربانی را خاص برای رضایت الله سبحانه وتعالي انجام میداد ند .

دلیل این سنت: الله (ﷻ) میفرماید:﴿قُلْ إنّ صَلاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیای وَمَماتِی للّه رَبّ الْعالَمِینَ] الأنعام/ 162.

ترجمه :بگو : نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن الله (سبحانه وتعالی) است که پروردگار جهانیان است (و این است که تنها الله (سبحانه وتعالی) را پرستش می کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می اندازم و بر بذل مال و جان در راه خالق یکتا می کوشم و در این راه می میرم ، تا حیاتم ذخیره مماتم شود) .

سنت هشتم: سنت رسول الله ﷺ چنین بودکه ذبح قبل از نمازعید را درقربانی محاسبه نمی نمودند .

دلیل این سنت: امام بخاری رحمه الله روایت میکند:عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضي الله عنه قَالَ: خَطَبَنَا النَّبِيُّ ﷺ يَوْمَ الاضْحَى بَعْدَ الصَّلاة، فَقَالَ: «مَنْ صَلّى صَلاتَنَا وَنَسَكَ نُسُكَنَا فَقَدْ أَصَابَ النُّسُكَ، وَمَنْ نَسَكَ قَبْلَ الصّلاة فَإنّهُ قَبْلَ الصّلاة وَلا نُسُكَ لَهُ». فَقَالَ أَبُو بُرْدَةَ، خَالُ الْبَرَاءِ: يَا رَسُولَ اللّهِ، فَإِنّي نَسَكْتُ شَاتِي قَبْلَ الصّلاة، وَعَرَفْتُ أَنّ الْيَوْمَ يَوْمُ أَكْلٍ

وَشُرْبٍ، وَأَحْبَبْتُ أَنْ تَكُونَ شَاتِي أَوَّلَ مَا يُذْبَحُ فِي بَيْتِي، فَذَبَحْتُ شَاتِي وَتَغَدَّيْتُ قَبْلَ أَنْ آتِيَ الصَّلاَةَ، قَالَ: «شَاتُكَ شَاةُ لَحْمٍ». قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّه، فَإِنَّ عِنْدَنَا عَنَاقًا لَنَا جَذَعَةً هِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ شَاتَيْنِ، أَفَتَجْزِي عَنِّي؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَلَنْ تَجْزِيَ عَنْ أَحَدٍ بَعْدَكَ».[1]

ترجمه: براء بن عازب رضي الله عنه ميگويد: رسول الله (سبحانه وتعالى) ﷺ در خطبه نماز عيد قربان، فرمود: «هر کس که مثل ما نماز بخواند و بعد از نماز، مثل ما قرباني کند، قرباني اش بجا مي باشد. و هر کس که قبل از نماز، ذبح کند، از او پذيرفته نمي شود». راوي ميگويد: دايي من ؛ابوبرده؛ عرض کرد: يا رسول الله ! من قبل از نماز، قرباني خود را ذبح نمودم چون فکر ميکردم که امروز، روز خوردن و نوشيدن است. و همچنين دوست داشتم که نخست، گوسفندم در خانه ام ذبح گردد. لذا قبل از اينکه به نماز بيايم، از گوشت آن خوردم. رسول الله ﷺ فرمود: «گوسفند تو براي گوشت خوردن، ذبح شده است». ابو برده گفت: ما يک ماده بزغالة خرد سالي داريم که از دو گوسفند، نزد من پسنديده تراست. آيا قرباني کردن آن، درست است؟ رسول الله ﷺ فرمود: «بلي، اما بعد از تو، براي کسي ديگر، جايز نيست».

سنت نهم : رسول الله ﷺ قربانی شا نرا درعيدگاه ذبح مينمودند.

دليل اين سنت: امام بخاری رحمه الله روايت ميکند: عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَنْحَرُ أَوْ يَذْبَحُ بِالْمُصَلَّى.[2]

ترجمه: ابن رضي الله عنهما ميگويد: رسول الله ﷺ در عيدگاه، شتر را نحر و يا حيوان ديگري را ذبح ميکرد. (يعني قرباني مي نمود).

[1]- حديث نمبر(955) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..
[2]- حديث نمبر(982) الجامع الصحيح المسند المختصر من امـور رسول الله ﷺ و سننه و ايامـه(مشهور به صحيح البخارى)..

فصل پنجم

تقسیم اوقات سالانهء رسول الله (صلی الله علیه وسلم)

درین فصل موضوعات ذیل را میخوانیم.

بحث اول: زنده گي قبل از بعثت رسول الله ﷺ .

بحث دوم: مرحلهء بعثت و دعوت رسول الله ﷺ .

بحث سوم: مرحلهء هجرت وتاسيس دولت اسلامي .

بحث اول

زنده گی قبل از بعثت رسول الله ﷺ [1]

رسول الله ﷺ درین مرحله درمکه مکرمه ، قبیله ء بنی سعد وسفر های تجاری و همچنان رفتن به غار حرا مشغول بود ند:

ولادت رسول الله ﷺ: رسول الله ﷺ درصبح روز دوشنبه نهم ربیع الاول ، عام الفیل ، چهلمین سال فرما نروايي خسرو ا نوشیروان ، برابر با بیستم یا بیست و دوم اپریل 571 میلادي ، درشعب بني هاشم ، درشهر مکه ء مکرمه (زادها الله شرفا) چشمان مبارک شا نرا به حکم خالق یکتا گشود ند.

یک سالگی رسول الله ﷺ: نخستین خا نمی که رسول الله صلی الله علیه وسلم را بعد ازمادر شان شیر داد ند ، ثویبه برای مدت یک هفته به رسول الله -صلی الله علیه وسلم- را شیر داد ند ، سپس به حلیمه سعدیه سپرده شد.

دو سالگی رسول الله ﷺ: در نزد حلیمه سعدیه دو ساله شد ، از شیر جدا شد . حلیمه او را به نزد مادرش برد ولی اصرار ورزید تا مادرش او را به نزد او بگزارد ، مادرش هم قبول نمود.

سه سالگی رسول الله ﷺ: درسن سه سالگي درقبیله ء بنی سعد در خا نواده ء حلیمه زنده گی مینمود ند.

چهار سالگی رسول الله ﷺ: در سن چهار سالگي ، سینه ء مبارک شان توسط ملائکه شگافته شد و با آب زمزم قلب مبارک شان شسته شد ، با این عملیات جراحی قلب رسول الله صلی الله علیه وسلم پاک از تمامی کدروت های گردید.

بعد ازین حادثه رسول الله ﷺ را به مادرش بازگردا نید ، او بعد ازین نزد مادرش زنده گی مینمود.

---

[1]- سیرت عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم را از کتاب الرحیق المختوم تالیف شیخ صفي الرحمن مبارکفوري ترجمه دکتر محمدعلي لساني فشارکي ، بیشتر و از سیرت ابن هشام و درسهای سیرت النبی تالیف استاد عبدالظاهر داعی ، کابل : انتشارات سعید ، داعی با بعضی تغییرات و اختصارات آن گرفتم .

پنج سالگی رسول الله ﷺ : رسول الله ﷺ در سن پنج سالگی در نزد مادرش در مکهء مکرمه زنده گی نمود ند.

در شش سالگی : رسول الله ﷺ در سن شش سالگي بود ند که مادر شان وفات نمود ، کفالت و سرپرستی شا نرا بعد ازین پدرکلا نش عبدالمطلب به دوش گرفتند.

هفت سالگی رسول الله ﷺ: رسول الله ﷺ در سن هفت سالگی با پدرکلا نش در مجالس دارلندوه می نشستند واز احترام خاص مردم بر خوردار بودند. همه او را احترام مینمود ند و به او شفقت داشتند.

هشت سالگی رسول الله ﷺ: رسول الله ﷺ هشت سال و دو ماه و ده روزاز شریفشان مي‌گذشت که عبدالمطلب ، پدرکلان شان ، درمکه ازدنیا رفت.
ازین به بعد کفالتش به دوش کاکاش ابوطالب واگزارگردید.

نه . ده ویازده سالگی رسول الله ﷺ: رسول الله ﷺ درین نظر به مشکلاتی ابوطالب داشت در بخش های اقتصادی با وی همکاری مینمودند و رمه های کاکایش را نگبها نی ویا هم میچرا نید ند.

دوازده سالگی رسول الله ﷺ: رسول الله ﷺ به سن دوازده سالگي رسيد ند؛ برخي نيز دراين هنگام شريف رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را به دقت، 12 سال و 2 ماه و 10 روز ثبت کرده‌ا ند ، درین وقت رسول الله ﷺ به تجارت جها نی رو آورد ند و این بخش مهم زنده گی شان بود ، که به قصد سفر به شام بروند ، ولی بحیرای راهب از کاکای شان تقاضا نمود ، تا او را به آ نجا نبر ند ، زیرا خطر متوجه شان میشود.

بیست سالگی رسول الله ﷺ:رسول الله ﷺ زما نی که بیست سال داشت در سوق عکاظ ، نبرد خونيني ميان قريش- به همراهي کنا نه- و قيس عيلان درگرفت که «حرب الفجار» ناميده شده است.

بیست ویک الی بیست وپنج سالگی رسول الله ﷺ:درین فاصله به امور اقتصادی مثل مالداری ، تجارت و غیره مصروف بود ند.

بیست وپنج سالگی رسول الله ﷺ به بعد :رسول الله ﷺ در سن بیست و پنج سالگي به قصد تجارت خارج از مکه بطرف شام رفتند و درین سفر سرمایهء از خدیجه - رضي الله عنها- بود.

رسول الله ﷺ به اساس اما نت کاری ، صداقت و کامیابی در تجارت و بدست آوردن منفعت زیاد برای بی بی خدیجه-رضی الله عنها- ، علاقمندی این خا نم را جذب نمود که خا نوادهء بی بی خدیجه-رضی الله عنها- خودشان به ازدواج وی با رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پیشنهاد نمود ند.

خا نواده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) این پیشنهاد را پذیرفتند ، این ازدواج که ثمرات بسیار عالی داشت به وقوع پیوست ، آن زمان رسول الله بیست و پنج سال داشتند.

بعد از آن رسول الله ﷺ به تجارت ، اما نت داری اموال مردم ادامه داد ند.

سی وپنج سالگی رسول الله ﷺ:رسول الله ﷺ سي وپنج ساله بود ند که قریش به تجدید بناي خا نة کعبه همت گماشتند. درینجا مشکلی که در گذاشت حجر الاسود داشتند توسط رسول الله ﷺ حل گردید.

سی وهفت سالگی الی چهل سالگی رسول الله ﷺ:رسول الله ﷺ در سن سی وهفت ساله بود ند که به عزلت و گوشه نشینی روآورد ند وبه غار حرا میرفتند ، و درآ نجا در مورد سر نوشت جهان تفکر وتدبر مینمود ند.

سی ونه سالگی رسول الله ﷺ:رسول الله ﷺ دراواسط سی و نه سلاگی بود ند که خوابهای مقدماتی برای شان میامد ند ، این خوابها را رویای صادقا نه مینامند یکه یک بخشی از نبوت میباشد.

بحث دوم

مرحلهء بعثت ودعوت رسول الله ﷺ

رسول الله ﷺ درین مرحله درمکه مکرمه ، به نزول جبریل علیه السلام ، نزول وحی الهی ، دعوت مخفی وجهری وبالآخره تحمل رنجها ومشکلات دعوت مواجه شد ند:

سال اول بعثت (چهل سالگی) :رسول الله ﷺ دوشنبه بیست ویکم رمضان، مطابق با دهم اگست سال 610 میلادي، شب هنگام، دقیقاً چهل سال قمري وشش ماه و دوازده روز از شریفشان میگذشته است که با 39 سال شمسي و 2 ماه و 20 روزبرابر خواهد بود. درغار حراء به نبوت برگزیده شد ند.

آغاز وحی بررسول الله ﷺ در نخستین روزشوال، پس ازپایان همان ماه رمضا ني که تشریف نبوت بر قامت آن پوشا نیده شده ، فرود آمده است؛ آغاز نزول وحي شامگاه روز بیست و یکم ماه رمضان بوده است.

رسول الله ﷺ دعوت مخفی شا نرا آغاز نمود ند.

سه سال (دعوت مخفی) سال اول. دوم وسوم بعثت: رسول الله ﷺ دعوت مخفی شا نرا سه سال در مکه ادامه داد ند ، منزل ارقم بن ابی ارقم را نخست جایگاه خاصی برای دعوت اختیار نمود ند.

در سال سوم رسالت ساکنین مکه خواستند که ازطریق کاکای رسول الله (ﷺ) معاهدهء را با رسول الله (ﷺ) عقد نمایند و مشکلات را حل کنند وهرکسی به دین خودش باقی بما ند وهیچ کسی بالای اعتقادات دیگران انتقادی نکند؛ رسول الله (ﷺ) برای شان فهما ند که این رسالت وی منحصر به اعتقادات فردی نیست؛ زیرا دراعتقادات فردی ﴿لَا إِكْرَاهَ فِی الدِینِ﴾ (1)

ترجمه: درقبول دین، اکراهی نیست.

اسلام به اساس بر نامه های سیاسی خویش، فراتر ازاعتقادات فردی بوده بلکه تطبیق شریعت الهی بخش مهمی ازاعتقادات اسلامی میباشد.

1- سورهء البقرة، آیت: 256.

رسول الله (ﷺ) برای شان گفت که تسلیمی آنان به قوانین قرآنی سبب میشود که عرب وعجم تحت سلطهء سیاسی جهانی آنان قرار گیرد.

سران قریش هریک عتبه بن ربیعه، شیبه بن ربیعه، ابوجهل بن هشام، امیه بن خلف، ابوسفیان بن حرب و با عده ای دیگر که تقریباً بیست و پنج تن می شدند به نزد ابوطالب رهسپار شدند و گفتند:

ای اباطالب! شما خود می دانید که در نزد ما چه مقام و منزلتی دارید؛ اینک شما به حال و وضعی که می بینید دچار شده اید و از بابت وفات شما ترس تمامی وجود ما را فرا گرفته است. شما نیک می دانید که میان ما و برادرزاده شما چه گذشته است و می گذرد وی را نزد خویش فراخوانید و از او برای ما و از ما برای او التزام بگیرید، مبنی بر اینکه وی کاری به کار ما نداشته باشد و ما نیز کاری به کار او نداشته باشیم؛ او ما را و آئین ما را واگذارد و ما او را و آئین او را واگذاریم!

ابوطالب در پی رسول الله (ﷺ) فرستاد آن حضرت (ﷺ) نزد ابوطالب آمدند.

ابوطالب گفت: ای برادرزادهء من! اینان اشراف و سران قوم و قبیله تواند؛ در اینجا گرد هم آمده اند تا امتیازاتی به تو بدهند و امتیازاتی از تو بگیرند؛ آنگاه سخنان سران قریش را برای ایشان بازگفت و پیشنهاد آنان را دائر بر عدم تعرّض هر یک از طرفین به طرف دیگر به آن حضرت (ﷺ) عرضه داشت. رسول الله (ﷺ) در پاسخ انان گفتند: «أرایتم إن أعطیتکم کلمه تکلمتم بها، ملکتم، بها العرب، ودانت لکم بها العجم؟» ترجمه: «نظرتان در این مورد چیست که به شما کلمه ای را بدهم که اگر آن کلمه را بگویید، همه جهان عرب را زیر فرمان بگیرید و غیرعرب نیز همه به فرمان شما درایند؟!» (1)

وقتی رسول الله (ﷺ) این سخن را گفتند، اشراف قریش برجای خویش میخکوب شدند و سرگردان شدند و در نیافتند که چگونه این کلمه واحده ای را که تا این اندازه سودمند است رد کنند؟!

---

[1]- تهذیت سیرت ابن هشام تالیف عبدالسلام هارون، قاهره: الموسسة العربية الحديثة، ط2، (1964 م)،8: 122.

ابوجهل گفت: آن کلمه کدام است؟ به جان پدرت سوگند ، این یک کلمه و ده برابر این کلمه را به خاطر تو خواهیم گفت ! پیغمبراکرم (کلمة) گفتند:

«تقولون: لااله الا اللّه ، وتخلعون ما تعبدون من دو نه» «بگویید: لا اله الا اللّه و همه بتان و معبودان ناروا را ازمقام معبودیت خلع کنید».

مشرکان دست زد ند و گفتند: تو می خواهی ای محمّد ! که همه ای آن خدایان را تبدیل به یک خدای یکتا کنی؟ ! کار عجیبی را آغاز کرده ای ! آ نگاه ، به یکدیگر گفتند: به اللّه سوگند ، این مرد هیچیک از چیزهایی را که شما می خواهید ، به شما نخواهد داد راه خود را پیش گیرید و بر همان دین پدرا نتان ثابت قدم باشید تا اللّه (ﷻ) میان شما و او حکم کند ! سپس پراکنده شد ند. [1]

ازین سخن رسول اللّه (ﷺ) «همه جهان عرب را زیر فرمان بگیرید و غیرعرب نیز همه به فرمان شما درایند؟ !»[2] **معلوم میگردد که رسول اللّه (ﷺ) برای مردم ازبر نامه های کامل جها نی اسلام آگاهی میداد.**

سال چهارم بعثت (دعوت علنی) :رسول اللّه ﷺ ازآغاز سال چهارم بعثت به اساس حکم الهی دعوت شا نرا علنی اعلان نمود ند.

در اواسط یا اواخر سال چهارم بعثت با خصومت های زیادی روبرو شد. ابتدا این خصومتها خفیف بود ؛ امّا روزبه روزو ماه به ماه شدّت بیشتري يافت.

سال پنجم بعثت (شدت دشمنی قریشیان وهجرت به حبشه) : در اواسط سال پنجم سخت بالا گرفت ، و اقامت مسلما نان را در مکه غیرممکن گردا نید. مشرکین نخست از جنگ فکری کار گرفتند و سپس به جنگ عملی و تعذیب نمودن اصحاب رسول اللّه ﷺ آغاز نمود ند که سبب شهادت سمیه ، یاسر و تعذیب دیگران گردید.

سال پنجم بعثت (هجرت به سوی حبشه)رسول اللّه ﷺ در ماه رجب سال پنجم بعثت ، به صحابه اجازه داد ند که نخستین گروه آ نان به حبشه مهاجرت نمایند. این گروه متشکّل

---

[1]- الرحيق المختوم تاليف صفى الرحمن مباركفورى ، ترجمهء عبدالله خاموش هروى، عمان: دارالفرقان، ط **1** (**1375**هـ ش) ، 7: 248.

[2]- تهذيت سيرت ابن هشام تاليف عبدالسلام هارون، قاهره: الموسسة العربية الحديثة، ط**2**، (**1964** م)،8: 122.

از دوازده مرد و چهار زن بود. ریاست این گروه را عثمان بن عفّان (رضی الله عنه) برعهده داشت و همسر وي رقيه (رضى الله عنها) دختر گرامي رسول الله ﷺ نیز همراه او بود.

در ماه رمضان همان سال رسول الله ﷺ سورة نجم را تلاوت نمود ند . بعضی از مشرکین با شنیدن قرآن سجده نمود ند ، این خبر به مهاجران حبشه رسید ؛ که قریشیان مسلمان شده اند ، مهاجران حبشه نیز ، در ماه شوّال همان سال به مکّه بازگشتند.

رسول الله ﷺ بار دیگر ، مسلما نان را آماده هجرت نمود ند ، و این بار دامنة هجرت وسیع تر بود ؛ اما ، این هجرت دوم از هجرت اول بسي دشوارتر بود. قریشیان بیدار کار بود ند و تصمیم گرفته بود ند که به هیچ وجه نگذارند این هجرت صورت بگیرد.

سال ششم بعثت(روشنایی بزرگ) : درین سال حمزه بن عبدالمطلب -رضي الله عنه- به اسلام مشرف گردید . وي در اواخر سال ششم بعثت ، و به گواهي شواهد و قرائن ، در ماه ذي حجه اسلام آورد.

بن خطاب (رضی الله عنه) در ماه ذیی الحجة سال ششم بعثت- سه روز بعد از ایمان آوردن حمزه -رضي الله عنه- مسلمان شد.

سال هفتم بعثت (پیمان نامه تحریم اقتصادی و اجتماعی) در شب اول ماه محرم سال هفتم بعثت مشرکین پیمان تحریم اقتصادي- اجتماعي بر علیه بنيهاشم و بنيمطلب نوشتند و در درون خا نة کعبه آویختند.

این تحریم مدت سه سال ادامه داشت.

سال دهم بعثت(نقض پیمان نامه) : درین سال حوادیث بسیار مهم ردخ داد:

1-نقض پیمان تحریم : در ماه محرم الحرام سال دهم بعثت ، پیمان نامه نقض شد ، و محاصره برداشته شد.

2-عام الحزن : در ماه رجب سال دهم بعثت ابوطالب و در ماه رمضان همان سال ام المومنین خدیجه ء کبری -رضی الله عنها- همسر رسول الله ﷺ رحلت نمود ند که این سال برای رسول الله ﷺ بسیار سال غم بود که آ نرا عام الحزن میگویند.

3-دعوت مردم طايف : درهمين سال دهم رسول الله ﷺ دعوت شانرا ازمكه به طايف انتقال دادند و به طايف رفتند ، بدان اميد كه اهل طائف دعوت ايشان را اجابت كنند ، يا دست كم به ايشان پناه بدهند و از ايشان حمايت كنند ، تا بتوانند در برابر قوم و قبيلهء خودشان ايستادگي كنند. درآ نجا نيز، كسي را نيافتند كه ايشان را پناه بدهد ، يا حمايت كند ؛ حتّي رسول الله (صلى الله عليه وسلم) را سخت آزار دادند ، وبلاها بر سر رسول الله (صلى الله عليه وسلم) آوردند كه قريشيان چنان نكرده بودند.

4-ازدواج دومى: تا سن پنجاه سالگى رسول الله ﷺ با همان همسر شان كه از ايشان پانزده سال بزرگ بودند ، زنده گى كردند و هنگاميكه همسر شان وفات نمود ، در ماه شوال همين سال ، يعني سال دهم بعثت ، رسول الله ﷺ با سودة بنت زمعه- رضى الله عنها - كه از مسلما نان ديرين بود ، ودرهجرت دوم به حبشه درشمار مهاجران بود- ازدواج كردند.

درماه ذيقعدة سال دهم بعثت رسول الله -صلى الله عليه وسلم- به مكه بازگشتند تا عرضه كردن اسلام را بر قبائل و افراد ازسرگيرند.

سال يازدهم بعثت(دعوت قبايل بخصوص مردم يثرب):دربن سال حادثات ذيل رخ داد:

1- اسراء ومعراج .

2- ازدواج با ام المومنين عايشهء صديقه-رضى الله عنها- .

3-دعوت قبايل: موسم حج سال يازدهم بعثت دعوت اسلام به قبايل ديگر رسا نيده شده كه نتايج خوبى بعدى را دربر داشت.

4- اسلام شش يثربى : شش تن ازاهل يثرب درموسم حجّ سال يازدهم بعثت اسلام آوردند ، و به رسول الله -صلى الله عليه وسلم- قول دادند كه رسالت ايشان را در ميان قوم و قبيلة خويش تبليغ كنند.

سال دوازدهم بعثت :دربن سال حادثات ذيل صورت گرفت:

1-بيعت عقبهء اولى :رسول الله ﷺ دربن سال يعنى سال دوازدهم بعثت (621 ميلادي) با دوازده تن ازيثربيان درمحلّ عقبه واقع درمني بيعت كردند.

2-ارسال نخستین سفیر اسلام: رسول الله ﷺ نخستین سفیر شان مصعب بن عمیر رضی الله عنه را به یثرب فرستادند تا مردم را به برنامه های اسلام آشنا ساخته آنانرا به اسلام دعوت نمایند.

سال سیزدهم بعثت : درین سال حادثات ذیل صورت گرفت:

1-برگشت سفیر اسلام واخبار عالی :مصعب بن عمیر به مکه بازگشت تا مژده هاي پیروزي و موفقیت را به رسول الله -صلى الله علیه وسلم- برسانند، و خبر اسلام آوردن قبائل یثرب و زمینه هاي خیري را که درآن قبائل هست، و توانمنديها و قدرت و مُکنتي که دارند، براي رسول الله (صلى الله علیه وسلم) بازگوید.

2-بیعت عقبهء ثانیه: رسول الله ﷺ در موسم حجّ سال سیزدهم بعثت با هفتاد و چند تن ازمسلمانان اهل یثرب بیعت نمودند.

3-آماده نمودن جغرافیان سیاسی برای حکومت جدید :رسول الله ﷺ بعد از پیمانهایی که با اوس و خزرج نمود، زمینه را برای ایجاد مکان جغرافی (سرزمین حکومت اسلامی) آماده نمود وهمین بود که مهاجرین و انصار توانستند در سر زمین وسلطه سیاسی حکومت جدید را تأسیس نمایند.

بحث سوم

مرحلهء هجرت و تاسیس دولت اسلامی

رسول الله ﷺ در مرحله مکی انسان سازی نمودن و اکنون درین مرحله نوبت به جامعه سازی وحکومت سازی میرسد ، بعد از هجرت نظامهای دوازده گانه به شکل عملی تطبیق گردید و رسول الله ﷺ منحیث رهبر دولت اسلام حکومتش را با تمامی بخش های آن تاسیست نمود :

سال اول هجرت: درین سال حادثات ذیل صورت گرفت:

1-**تصمیم دار الندوه به قتل رسول الله** ﷺ :روز پنجشنبه 26 ماه صفر سال چهاردهم بعثت، مطابق با 12 سپتامبر 622 میلادي، یعني تقریباً دو ماه و نیم پس از بیعت عَقَبة کُبري، پارلمان مکّه موسوم به «دارالندوه» حساس‌ترین و سرنوشت سازترین جلسة خود را در نخستین ساعات روز تشکیل داد.

2- **رسول الله** ﷺ **در غار ثور**: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- خانهء خود را در مکّه در شب بیست و هفتم ماه صفر سال چهاردهم بعثت- مطابق با 12 یا 13 سپتامبر 622 میلادي- ترک کردند، و به خانهء دوست ویاور شان ابوبکر -رضي الله عنه- که بیش از هرکس دیگر امین آن و محرم راز ایشان در امور مالي و غیره بود، رفتند. خانة وي را نیز از در پشت خانه ترک کردند، وشتابان پیش از طلوع فجر از مکه خارج شدند.

3- **رسول الله** ﷺ **در راهء مدینه**: شب دوشنبه آغاز ماه ربیع‌الاول سال یکم هجرت 16 سپتامبر 622 میلادي، عبدالله بن اُریقط آن دو مرکب را برایشان آورد.

4-**رسول الله** ﷺ **در رسیدن به قباء** : روز دوشنبه هشتم ربیع‌الاول سال چهاردهم بعثت- سال یکم هجرت- رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در قُباء فرود آمدند.

5- **رسول الله** ﷺ **در منزل ابو ایوب انصاری (رضی الله عنه)**: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در محلّهء بني نجّار، روز جمعه 12 ربیع‌الاول سال یکم هجرت، در قطعه زمیني روبروي خانهء ابوایوب انصاری (رضی الله عنه) نزول نمودند و گفتند: (هاهنا المنزلُ إن شاءالله) اگر الله (سبحانه وتعالی) بخواهد اینجا محل فرود آمدن ما است !

آنگاه به خانۀ ابوایوب نقل مکان فرمودند.

6-رسول الله ﷺ و بنای مسجد نبوی: رسول الله ﷺ با همکاری اصحاب شان مسجد نبوی را ساختند.

7- دولت سازی و حکومت داری: رسول الله (ﷺ) بعد از رسیدن به مدینه منوره و حصول عناصر چهارگانه دولت (سرزمین، سلطهء سیاسی، مرجع تشریعی و مردم) به تأسیس دولت اسلامی در مدینه منوره اقدام ورزیدند و وظایف خویش را بر علاوه دعوت به اسلام درچوکات قوانین سیاسی نیز ترتیب و تنظیم نمودند که عبارت بود از:

* رهبریت دولت اسلامی که شخص رسول الله (ﷺ) در رأس آن قرار داشت.
* تعیین قوتهای نظامی برای دفاع از سرزمین اسلام و محاربه با دشمنان.
* تطبیق احکام و نظامهای مختلف اقتصادی، سیاسی، مالی، فرهنگ، تعلیمی، تربوی وغیره.
* تشکل قوای اجرائیه، تعیین والی ها، قضات، مسوولین اراکین مختلف دولت.
* پیمان های سیاسی با یهود، قریش و سایر قبایل عرب.
* نخستین صحیفهء به شکل یک پیمان میان اهل مدینه برای تنظیم روابط داخلی وخارجی که سیاست مداران و قلم بدستان امور سیاسی اسلامی امروزی آنرا نخستین قانون اساسی اسلامی میدانند. [1] که به اساس قرآنی آنرا فقره بندی نمود درین صحیفه سیاست داخلی و خارجی نخستین حکومت اسلامی ترتیب و تنظیم گردید.
* این دولت جدید التأسیس اسلامی تمامی قوانین (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی) خویش را مطابق وحی الهی ترتیب و تنظیم مینمود و مسلمانان جهان دولتی را که پیامبر اسلام (ﷺ) بنیان گذاری نموده بود بنام (دولت اسلامی) در تاریخ اسلام معروف است.
* افتتاح مارکیت های جدید تجارتی، مراقبت و کنترول ازینمارکیت ها درمدینه منوره که قوانین اقتصادی آنرا شریعت اسلامی تشکیل میداد.

---

[1]- المجتمع الاسلامی و اصول الحکم تالیف محمد صادق عفیفی، قاهرة: دارالاعتصام، ط1 (1400هـ = 1980م)، ص: 52.

❊ تأسیس بیت المال (وزارت مالیه اسلامی). یکتن از دا نشمندان اسلام مینویسد: درینجا جای شکی باقی نمیما ند که رسول الله (ﷺ) دیوان جیش (دارالا نشاء عسکری) را تأسیس نمود. [1]

7- فرستادن سریهء سیف البحر :رسول الله ﷺ درماه رمضـان سـال یکـم هجـرت- **حمزه بن عبدالمطلب را با سی تن ازمهاجرین اعزام کرد ند.**

8- فرستادن سریهء رابغ :رسول الله ﷺ درماه شـوال سـال یکـم هجـرت، عبیـده بـن حارث بن عبدالمطلب را به اتفاق شصت تن ازمهاجرین به این سریه اعزام فرمود ند.

9- فرستادن سریهء خرار :رسول الله ﷺ درماه ذیقعدة سال یکم هجـرت، سـعدبن ابي وقّاص را به فرما ندهي بیست تن ازمسلما نان بر این سریه گماشتند.

سال دوم هجرت: درین سال حادثات ذیل صورت گرفت:

1-اشتراک در غزوهء ابوا (ودان) :رسـول الله ﷺ درمـاه صـفر سـال دوم هجـرت، شخصاً به اتفاق هفتاد تن که همه ازمهاجرین بود ند، به غزوهء ودان رفتند.

2-اشتراک در غزوهء بواط :رسول الله ﷺ درماه ربیع‌الاوّل سال دوّم هجرت، به اتفاق دوصد تن ازیارا نشان عزیمت کرد ند وعملا درگیر نشد ند.

3-اشتراک در غزوهء سفوان :رسول الله ﷺ درمـاه ربیـع‌الاول سـال دوم هجـرت، بـه اتفاق هفتاد تن ازیارا نشان عزیمت کرد ند وبدون آ نکه کارزاري روي دهد بازگشتند. ایـن غزوه را «غزوة بَدراولي» مي نامند.

4-اشتراک در غزوهء ذی العشیره :رسول الله درجمادي‌الاولي وجمادي‌الآخرة سـال دوّم هجرت، به اتفاق یکصد وپنجاه تن- وبه قولي، دوصد تن- ازمهـاجرین بـه ایـن غـزوه عزیمت کرد ند.

5- فرستادن سریهء نخله :رسول الله ﷺ درمـاه رجـب سـال دوّم هجـرت، عبـدالله بـن جحش اسدي را به اتفاق دوازده تن ازمهاجرین به این سریه اعزام فرمود ند، که هـر دو تـن از

---

[1]- مجموعة الوثائق السیاسیة للعهد النبوی والخلافة الراشدة تالیف محمد حمید الله حیدر آبادی، بیروت: دارالنفائس، ط 6، (1407هـ ق)، ص: 1.

آنان به نوبت بر یک شتر سوار می‌شدند.

6- انتقال قبله به طرف کعبه: در ماه شعبان سال دوم هجرت، بود که الله سبحانه وتعالی امر فرمود به اینکه قبله از بیت‌المقدس به مسجدالحرام تغییر کند.

7-اشتراک در غزوهء بدر کبری: رسول الله ﷺ شب جمعه هفدهم ماه رمضان سال درین غزوه اشتراک ورزیدند.

8- در نظام عبادات اسلام (فرضیت روزه): در ماه رمضان سال دوم هجری روزه؛ زکات فطر نیز واجب گردید.

9- در نظام اقتصادی اسلام (فرضیت زکات): زکات فرض و نصابهای آن بیان شد.

10- در نظام فرهنگی اسلام (عید فطر): نخستین عیدي که مسلمانان در تاریخ خود داشتند همان عید فطري بود که در آغاز ماه شوال سال دوم هجرت مسلمانان به دنبال فتح مبین که در جنگ بدر برایشان حاصل شده بود، عید گرفتند.

11-اشتراک در غزوهء بنی سلیم: رسول الله ﷺ در ماه شوال سال دوم هجرت، هفت روز پس از جنگ بدر، یا در نیمة ماه محرم اشتراک نمودند.

12-محاصرهء بنی قنیقاع: رسول الله ﷺ روز شنبه نیمة ماه شوال سال دوم هجرت بود، بنی قنیقاع را با اصحاب شان محاصره نمودند و این محاصره به مدت پانزده شبانه روز تا آغاز ماه ذیقعده ادامه یافت.

13-اشتراک در غزوهء سویق: رسول الله ﷺ در ذیحجة سال دوم هجرت، دو ماه بعد از جنگ بدر، اشتراک نمودند.

سال سوم هجرت: درین سال حادثات ذیل صورت گرفت:

1-اشتراک در غزوهء ذی امر: رسول الله ﷺ در این غزوه که بزرگترین یورش نظامي بود که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- پیش از جنگ أُحُد رهبري کردند، و در ماه محرم سال سوم هجرت روي داد.

2-فرمان قتل کعب بن اشرف: رسول الله ﷺ در شب چهاردهم ماه ربیع‌الاول سال سوم

هجرت- فرمان قتل بزرگترین دشمن اسلام را صادر نمود ، و مسلمانانی که به این کار گماشته شدند ، رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را تا بقیع غَرقَد مشایعت فرمودند ؛ آنگاه آنان را اعزام کردند.

3-اشتراک در غزوهء بحران :رسول الله ﷺ **با سیصد مجاهد رزمنده در آن شرکت داشتند. در ماه ربیع الاخر سال سوم هجرت در منطقه‌اي به نام بحران- معدني در حجاز در ناحیة فرع-** روي داد. رسول الله -**صلی الله علیه وسلم- ماه ربیع الاخر و سپس ماه جمادي الاولي را در آنجا اقامت کردند و سپس به مدینه بازگشتند ، و جنگ و نبردي پیش نیامد.**

4- فرستادن سریهء زید بن حارثه :رسول الله ﷺ **در ماه جمادي الاخرة سال سوم هجری این سریه رافرستادند.**

5-اشتراک در غزوهء احد :رسول الله ﷺ **در روزشنبه هفتم ماه شوّال سال سوم هجرت در غزوهء احد اشتراک نمودند. مسلمانان رزمنده ، شب یکشنبه هشتم ماه شوال سال سوم هجرت- را پس از بازگشت از جنگ احد ، به حالت آماده‌باش گذرانیدند.**

6- اشتراک در غزوهء حمراء الاسد :رسول الله ﷺ **براي عزیمت بسوي برخورد مجدد بادشمن فراخواندند. این فراخوان ، صبح روز بعد از جنگ احد یعني روز یکشنبه هشتم ماه شوال سال سوم هجرت بود.**

روز یکشنبه بود که به حمراءالاسد رسیدند. روزهاي دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه- نهم و دهم و یازدهم ماه شوال سال سوم هجرت- را نیز در آنجا اقامت فرمودند ، و سپس به مدینه بازگشتند.

دو ماه از جنگ احد نگذشته بود ، که طایفة بني اسد خودشان را براي غارت و چپاول مدینه آماده کردند.

سال چهارم هجرت: درین سال حادثات ذیل صورت گرفت:

1-کشته شدن ده تن از صحابه : **طوایف عَضَل و قارَه در ماه صفر سال چهارم هجرت دست به توطئه اي زدند که به قتل ده تن از صحابة رسول الله -صلی الله علیه وسلم- انجامید.**

2-كشته شدن هفتاد تن از صحابه : درهمان ماه، عامربن طفيل عامري بعضي از طوايف را تحريك كرد، وآنان هفتاد تن ازصحابه را كشتند، كه اين واقعه را واقعة بئر معونه ناميده اند.

3- دشمنى بن نضير : درطول اين مدت بني نضير نيزآشكارا نسبت به مسلمانان اظهار دشمني مي كردند، تاآنكه درماه ربيع الاول سال چهارم هجرت به توطئه اي خطرناك با هدف به قتل رسانيدن رسول الله صلى الله عليه وسلم دست زدند.

4-حمله بنى غطفان: بني غطفان نيز گستاخ شدند، ودرماه جمادي الاولي سال چهارم هجرت درصدد حمله به مدينه برآمدند.

5- فرستادن سريهء ابو سلمه :رسول الله ﷺ درآغازماه محرم سال چهارم هجرت اين سريه را فرستاد.

6- فرستادن سريهء عبدالله بن انيس :رسول الله ﷺ درروزپنجم همين ماه محرم- درسال چهارم هجرت- عبدالله بن انيس را اعزام فرمودند.

7- فرستادن سريهء رجيع :رسول الله ﷺ در ماه صفر سال چهارم هجرت- اين سريه را فرستادند.

8-اشتراك در غزوهء بنى نضير :رسول الله ﷺ درماه ربيع الاول سال چهارم هجرت درين غزوه اشتراك ورزيدند. الله سبحانه وتعالى تمامي سورة حشر را درارتباط با اين غزوه نازل فرمود. ازاين سوره چگونگي آواره ساختن يهوديان؛ رسوا شدن افكار واندیشه هاي منافقان؛ واحكام ويژة فَيء؛ توضيح داده شد.

بعد ازغزوهء بنى نضير دوباره شوكت مسلمانان قوى شد وتوطئه هادرمدينه خاموش گرديد، مسلمانان توانستند فراغتي به دست آورند وبه قلع وقمع اعراب باديه نشين بپردازند كه پس ازجنگ احد مسلمانان را آزارمي رسانيدند.

9-اشتراك در غزوهء بدر ثانى :رسول الله ﷺ درماه شعبان سال چهارم- هجرت با يكهزاروپانصد رزمندة مسلمان عزيمت فرمودند.

سال پنجم هجرت: درين سال حادثات ذيل صورت گرفت:

1- اشتراک در غزوهء دومه الجندل :رسول الله ﷺ با یک هزار تن ازرزمندگان مسلمان، پنج شب مانده به پایان ماه ربیع الاوّل سال پنجم هجرت، عازم نبرد با آنان شدند، و مردي ازبني عُذره را به نام «مذکور» دلیل راه گرفتند و با خود بردند.

2- اشتراک در غزوهء خندق (احزاب) : جنگ خندق، بنابر قول صحیح تر، در ماه شوّال سال پنجم هجرت روي داد. مشرکان درگیرودار این جنگ، مدّت یک ماه یا اندکي کمتر، مسلمانان را در محاصرة خویش داشتند. آغاز محاصره در ماه شوال و پایان آن در ماه ذیقعده بوده است.

3-اشتراک در غزوهء بنی قریظه: این غزوه در ذیقعدة سال پنجم هجرت به وقوع پیوست، و محاصره بیست و پنج شب به طول انجامید.

4-ارسال سریه برای از بین بردن سلام بن الحقیق :اعزام این سریه در ذیقعده یا ذیحجّة سال پنجم هجرت صورت پذیرفته است.

سال ششم هجرت: درین سال حادثات ذیل صورت گرفت:

1- سریه محمد بن مسلمه: این سریه ده شب گذشته ازآغازمحرم سال ششم هجرت به سوي تیرة بني بکر بن کلاب اعزام گردید.

2-اشتراک در غزوهء بنی لحیان : رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در ماه ربیع الاول یا جمادي الاولي سال ششم هجرت به اتفاق دو صد تن ازاصحابشان عازم دیار بني لحیان شدند.

همچنان درین سال سریه های زیادی را رسول الله فرستادند که عبارت بودند از:

الف: سریة عُکّاشه بن مِحَصن به مقصد غَمر، در ماه ربیع الاول یا ربیع الآخر سال ششم هجرت.

ب: سریة محمدبن مسلمه به مقصد ذي القصه، در ماه ربیع الاول یا ربیع الاخر سال ششم هجرت.

ج: سریة ابوعبیده بن جراح به مقصد ذي القصّه، در ماه ربیع الآخر سال ششم هجرت.

د: سریة زیدبن حارثه به مقصد جَموم، در ماه ربیع الآخر سال ششم هجرت.

هـ: سریة زید به مقصد عیص در ماه جمادي الاولي سال ششم هجرت.

و: سرية ديگر زيد به مقصد طَرْف يا طَرِق، درماه جمادي الاخري سال ششم هجرت.

ز: سرية ديگر زيد به مقصد وادي القُري درماه رجب سال ششم هجرت.

3-**اشتراک در غزوهء بنی المصطلق**: اين غزوه که به نام «غزوة مُرَيسيع» نيز ناميده شده است، بنا به گفتة عموم اصحاب مغازي درسال پنجم هجرت، وبنا به گفتة ابن اسحاق درسال ششم هجرت روي داده است.

همچنان درين سال سريه هاى زيادى را رسول الله فرستاد ند که عبارت بود ند از: سريه عبدالرحمان بن عوف، سرية علي بن ابيطالب، سرية ابوبكر صديق -رضي الله عنه-، يا: زيدبن حارثه -رضي الله عنه-، سرية كُرزبن جابر فِهري -رضي الله عنه-.

7- **سفره**: رسول الله ﷺ به قصد *عُمرة حُدَيبيه* درروز دوشنبه يکم ذي القعدة سال ششم هجرت از مدينه خارج شد ند. امّسلمه همسر رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نيز با يکهزارو چهارصد تن ديگر از مسلما نان- وبه قولي: يکهزارو يا نصد تن- همراه رسول الله (صلى الله عليه وسلم) بود ند. دراين سفر هيچکس مسلح نبود، مگر به اندازه‌اي که درآن زمان براي مسافر معمول بود، يعني يک شمشير وآنهم در غلاف.

8- **بيعت رضوان**: رسول الله ﷺ درين سال درزير شجره رضوان بيعت رضوان با يکصهزار وچهارصد ويا يکهزار پنحصد صحابى انجام داد.

9- **درنظام سياسى اسلام (معاهدهء صلح حديبيه)**: رسول الله ﷺ درين سال صلح حديبيه را نيز با قريشيان امضاء نمود.

9- **در نظام دعوتى اسلام (ارسال نامه هاى به رهبران جهان)**: دراواخر سال ششم هجرت، هنگامي که رسول الله -صلى الله عليه وسلم- از حُديبيه بازگشتند، باب نامه نگاري براي پادشاهان را بازکرد ند، وآنان را يکي پس ازديگري به اسلام دعوت فرمود ند.

سال هفتم هجرت: درين سال حادثات ذيل صورت گرفت:

1- **مسلمانان شدن بزرگان قريش**: درسال هفتم هجرت، به دنبال صلح حديبيه، و بن العاص -رضى الله عنه- و خالدبن وليد -رضى الله عنه- و عثمان بن طلحه -رضى الله عنه-

اسلام آورد ند. وقتي كه آ نـان در محضـر نبـي اكـرم -صـلى الله عليـه وسـلم- حضـور بـه هـم رسـا نيد ند ، رسـول الله (صـلى الله عليـه وسـلم) فرمود نـد: (انّ مكـة قـد ألقـت إلينـا أفـلاذ كبدها). «مكه پاره‌هاي جگرش را به سوي ما افكنده است !؟.»

2-**اشتراک در غزوهء خیبر** :غزوة خيبر و واديالقُري در محـرم سـال هفـتم هجـرت روي داد. خيبر شهري بزرگ، داراي قلعه‌ها و كشتزارهاي فراوان ، بود كه در فاصلة هشتاد ميل در سمت شمال مدينه واقع شده بود.

3-**ارسال سریه ابان بن سعد** : اين سريه در ماه صفر سال هفتم هجرت ا نجام پذيرفتـه است.

4-**اشتراک در غزوهء ذات الرقاع** : در ماه ربيع‌الاول سال هفتم هجرت به وقوع پيوسـته است.

5-**بقیه سریه ها درسال هفتم هجری** : سرية غالب بن عبدالله لَيثي ، سرية حِسمي ، سرية بن خطّاب ، سرية بشيربن سعد ا نصاري ، سرية غالب بن عبدالله ليثي ، سرية عبدالله بن رواحه ، سرية ابو حَدرَد آسلَمي ، سرية ابوالعوجاء ، سرية غالب بـن عبـدالله ، سـرية ذات اَطلَح؛ سرية ذات عِرق.

سال هشتم هجرت: درين سال حادثات ذيل صورت گرفت:

1- **جنگ موته** : اين نبرد در ماه جماديالاولي سال هشتم هجرت- مطابق بـا اوگوسـت يـا سپتامبر 669 ميلادي- روي داد.

«مؤتَه» دهكده‌اي بود در پايين دست بُلقاءِ شام ، كه فاصلة آن تا بيـت‌المقـدس دو منـزل راه بود.

2-**ارسال سریهء ذات السلاسل** : رسول الله صـلى الله عليـه وسـلم ، بـراي اجـراي ايـن نقشه ، وعاص را در نظر گرفتند ؛ زيرا ، مادر پـدر وي زنـي از طايفـة بلـي بـود. آن وي را پـس از پايان پذيرفتن جنگ موته در ماه جماديالاولي سال هشتم هجرت بسوي اعراب شام فرستاد ند تا اُنس و اُلفت آ نان را نسبت به مسلما نان جلب كند بعضي هم گفته‌ا ند: نيروهـاي اطلاعـاتي خبر رسا نيده بود ند كه جماعتي از قضاعه فراهم آمـده‌ا نـد و مـي‌خواهنـد بـه حومـة مدينـه

نزدیک شوند؛ پیامبراکرم -صلی الله علیه وسلم- نیز این سریه را اعـزام فرمود نـد. ایـن هـم ممکن است که هردوا نگیزه با هم درکاربوده باشند.

3-**ارسال سریه ابوقتاده** : این سریه درماه شعبان سال هشتم هجرت اعزام شد.

نَوفَل بن معاویة دیلي با جماعتي ازبنيبکر درماه شعبان سال هشتم هجرت عازم نبرد شد ند،

4- **فتح مکه** : ده روزازماه مبارک رمضان سال هشتم هجرت گذشته بود که رسـول الله - صلی الله علیه وسلم- مدینه را به سوي مکه ترک کرد ند، درحالیکه ده هزارتن ازیاران آن همراه ایشان بود ند، وابوذرغِفاري را درمدینه جا نشین خود گردا نید ند.

سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال هشتم هجرت، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- مَرُّالظّهران را به سوي مکّه ترک کرد ند، وبه عباس دستورداد ند.

5- **اعزام خالد بن ولید بهبنی جذیمه**: درماه شوال همان سال، یعنـي سـال هشـتم هجرت، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- او را بسوي بني جَذیمه فرستاد ند تا آن را بسوي اسلام دعوت کنند، نه اینکه با آنان بجنگد.

6-**اشتراک در غزوهء حنین** : روزشنبه، ششم ماه شوّال هشتمین سال هجـرت، رسـول الله -صلی الله علیه وسلم- مکّه را ترک کرد ند.

ازروزفتح مکه تا این تاریخ، رسـول الله (صـلی الله علیـه وسـلم) نـزده روزدرمکـه اقامـت فرموده بود ند. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بـه سـرکردگي سپاهي متشـکل ازدوازده هزار نفر رزمندگان مسلمان عازم صحنهٔ نبرد شد ند.

لشکر اسلام سه شنبه شب، شب چهارشنبه دهم ماه شوّال به حُنین رسید ند.

7- **اشتراک در غزوهء طایف** : این غـزوه درواقـع د نبالـهٔ جنـگ حُنین بـود. توضـیح مطلب اینکه فراریان هوازِن وثقیف با فرما نده کـل سپاهشـان مالـک بـن عـوف نَصـري وارد طائف شد ند وبه دژهاي طائف پناهنده شد ند ودرآ نجـا بسـت نشسـتند. رسـول الله -صـلی الله علیه وسلم- پس ازفراغت یافتن ازجنـگ حُنـین وگـردآوري غنـایم جنگـي درجِعرا نـه، در همان ماه شوال سال هشتم هجرت، قصد آ نان را نمود ند.

8- **تقسیم غنایم در جعرانه وقصد ه** : همینکه رسول الله (صلی الله علیه وسـلم)

ازكار تقسيم غنايم در جِعرانه فراغت يافتند، به قصد ه احرام بستند، و اداي ه كرد ند.

9-مراجعه ء رسول الله ﷺ به مدينهء منوره بعد از فتح مكه : پس از فـتح پيروزمندانه مكه رسول الله ﷺ: شش روز مانده به پايان ماه ذيقعدة سال هشـتم هجـرت بـوده است به مدينه ء منوره برگشتند.

سال نهم هجرت: درين سال حادثات ذيل صورت گرفت:

1-ارسال عاملان زكات (تطبيق نظام مالى اسلام) : همينكـه هـلال مـاه محـرّم سال نهم هجرت رؤيت گرديد، رسول الله -صلى الله عليه وسلم- اعزام عاملان زكات را بسوي قبايل مختلف عرب آغاز كرد ند.

2-ارسال سريه ها (تطبيق نظام جهادى اسلام) : با وجود آنكه امنيت بر سراسر مناطق جزيره العرب حاكم بود، به حكم نياز، چنـدين سـريه را نيـز رسـول الله -صـلى الله عليه وسلم- اعزام فرمود ند. مثل سرية عيينه بن حصن فزاري ، سرية قُطبَه بن عامر، سرية ضحّاك بن سُفيان كلابي، سرية علقمه بن مُجَرّز مُدلِجي ، سرية علي بن ابيطالب.

3- غزوهء تبوك (جيش العسره) (تطبيق نظام جهادى اسلام) :غـزوة تبـوك در سال نهم هجرت به وقوع پيوندد.

پياپي به مدينه خبر مي رسيد كه روميان براي اقدام به يـك نبـرد تعيـين كننـده بـر عليـه مسلما نان آماده شده اند.

4- بازگشت به مدينه بعد از غزوهء تبوك :بازگشـت رسـول اكـرم -صـلى الله عليه وسلم- از تبوك و ورود آن حضرت به مدينه- پس از يك غيبت نسبتاً طولا ني- در ماه رجب سال نهم هجرت روي داد .

5- حكم لعان (تطبيق نظام اجتماعى اسلام) : پس از مراجعـت رسـول الله (صـلى الله عليه وسلم) از سفر تبوك براي نخستين بار حكم لِعان فيمابين عُوَيمر عَجلا ني و همسـر وي به اجرا درآمد.

6- رجم زانيه (تطبيق نظام قضايى اسلام) : زن غامديه نزد رسول الله (صـلى الله عليه وسـلم) آمـد و بـه ارتكـاب زنـا اعتـراف كـرد، و پـس از آنكـه كـودك وي را از شـير

گرفتند، وي را سنگسار كردند.

7- اداى جنازه غائبانه (تطبيق نظام عبادات اسلام): أَصحَمه ملقّب به نجاشي، پادشاه حبشه، در ماه رجب از دنيا رفت، و رسول الله (صلى الله عليه وسلم) در مدينه از راه دور به جنازة او نماز گزاردند.

سال دهم هجرت: درين سال حادثات ذيل صورت گرفت:

1- اعكاف بيست روزه: رسول الله ﷺ در ماه رمضان سال دهم هجرت، بيست روز در مسجدالحرام معتكف گرديدند.

2-تقديم خطبه حجه الوداع: رسول الله ﷺ روز يكشنبه چهار روز گذشته از آغاز ذيحجة سال دهم هجرت نماز صبح را گزاردند و غسل كردند و وارد شهر مكه شدند.

روز هشتم ذي الحجه- كه روز تَرويه نام دارد، بطرف مني رفتند و روز نهم درعرفات توقف نمودند و درحالي كه يكصد و بيست و چهار هزار يا يكصد و چهل و چهار هزار تن از مسلما نان در اطراف رسول الله ﷺ گرد آمده بودند، درميان مردم براي ايراد خطابه ايستادند، و خطبة جامع را تقديم نمودند.

سال يازدهم هجرت: درين سال حادثات ذيل صورت گرفت:

1- فرستادن آخرين سريه: رسول الله ﷺ در ماه صفر سال يازدهم هجرت، أُسامه بن زيد بن حارثه را به فرماندهي لشكرى بسوى روم تعيين نمودند.

2- نماز بر شهداى احد: رسول الله ﷺ دراوائل ماه صفر سال يازدهم هجرت، قصد دامنه هاي كوه احد كردند، و بر شهداي احد نماز گزاردند، و چنان بود كه گويي مي خواهند هم با زندگان و هم با مردگان وداع كرده باشند.

روز چهارشنبه، پنج روز مانده به وفات رسول اكرم -صلى الله عليه وسلم-، دماي بدن ايشان فوق العاده بالا كشيد، و درد آن را بي تاب گردانيد و ايشان ازهوش رفتند. در آن حال، گفتند.

3- مريضى خاتم النبيين وسيد المرسلين ﷺ: رسول الله ﷺ روز پنجشنبه احساس مريضى نمودند. روز شنبه يا روز يكشنبه، احساس كردند كه بيماري و درد ايشان

موقتاً آسوده شده ؛ دو تن از صحابة آن را در میان گرفتند و به مسجد بردند. ابوبکر -رضي الله عنه- داشت با مردم نماز می‌گزارد. وقتي ابوبکر -رضي الله عنه- رسول الله ﷺ را دید ، کنار رفت که عقب‌تر بایستد. رسول الله ﷺ به او اشاره کردند که عقب نیاستد و فرمودند: (اجلسا ني إلى جنبه) مرا در کنار ابوبکر -رضي الله عنه- بنشانید ! آن را در کنار ابوبکر -رضي الله عنه- ، سمت چپِ وي ، نشانیدند ، ابوبکر -رضي الله عنه- نیز به نماز رسول الله ﷺ اقتدا می‌کرد ، و تکبیرات نماز را به گوش مردم می‌رسانید.

روز یکشنبه ، یک روز مانده به پایان ، رسول الله ﷺ غلامانشان را آزاد کردند ، و شش یا هفت دیناري که داشتند صدقه دادند. اسلحة خودشان را به مسلمانان بخشیدند. به هنگام وفات رسول الله ﷺ زره‌شان نزد یک نفر یهودي در برابر سي صاع جو به گرو بود.

4- رفتن به سوی رفیق اعلی: رسول الله ﷺ پیش از ظهر روز دوشنبه دوازدهم ماه ربیع الاوّل سال یازدهم هجري ، این جهان فانی را ترک نموده به دار آخرت رحلت نمودند که در آن هنگام ، شصت و سه سال و چهار روز از مبارک آن گذشته بود.

نتایج و توصیه ها

در نهایت این بحث به این نتیجه رسیدیم که:

1- متابعت از رسول الله ﷺ دو منفعت دارد ، منفعت او را محبت خالق متعال را حاصل مینماید و دوم اینکه محبتش انسان مومن را با خالق متعال حاصل میکند. متابعت از رسول الله ﷺ با تطبیق این تقسیم اوقات حاصل میگردد.

2- انسان مومن یک انسان هدفمند میباشد ، انسان هدفمند کسی است که هم هدفشم مشخص باشد و برنامه ها وتقسیم اوقات زنده گی وی منظم میباشد ، این تقسیم اوقات بهترین وسیله برای انسانهای هدفمند میباشد.

3- اگر میخواهیم که در روز آخرت در جملهء ذاکرین حشرشویم ، تقسیم اوقات شانروز رسول الله ﷺ را تطبیق نماییم ؛ تلاوت و خواندن اذکار صبح و شام ، انسان مومن در زمرهء ذاکرین قرار میدهد.

4- ضیاع وقت بزرگترین عامل بد بختی انسان میباشد ، نجات ازین بدبختی توسط تطبیق تقسیم اوقات بیست و چهارساعتهء رسول الله ﷺ: حاصل میگردد.

5- رسول الله (ﷺ) منحیث یک شخصیت کامل و اسوهء حسنهء برای تمامی بشریت در تمامی بخش های زنده گی میباشد.

6- انسان مومن برای اینکه در شبانروز زنده گی خویش درهر لحظه برنامهء منظم باشد ، میتواند از تقسیم رسول الله ﷺ: استفاده نموده و اوقات خویش را گرانبها سازد.

7- زنده گی مطابق سیرت وسنت رسول الله ﷺ سعادت و نیک بختی دنیا و آخرت را به بار میاورد.

8- با تطبیق تقسیم اوقات رسول الله ﷺ انسان میتواند تمامی برنامه های اسلام را به شکل کامل آن تطبیق نماید.

9- رسول الله ﷺ در مرحلهء مکی شان انسان سازی و در مرحلهء مدنی جامعه سازی نمودند ، اگر میخواهیم که شخصیت فردی و هم شخصیت شخصیت اجتماعی خویش را منظیم سازیم ، به ارشادات رسول الله ﷺ: درین راستا عمل نماییم.

10- رسول الله (ﷺ) منحیث رهبر اسلام در تمامی بخش های وبخصوص بخش سیاسی بشریت توانست که اساسات نظام سیاسی اسلام، حکومت اسلامی، قانون اساسی نظام اسلامی و

سایر قوانین را چنین طرح ریزی و تطبیق نماید که تاریخ بشریت را کاملاً به صفحهء جدید برگرداند.

مصادر و مراجع

1. قرآن عظیم الشان.

2. ا لبا نی، تعقبها السید الغماری علی. **التعقبات فی التصحیح و التحسین علی الألبانی**. (ب م ن) ، (ب ن) ، (ب ط) ، (ب ت).

3. ابن عابدین، محمد أمین بن بن عبد العزیز عابدین دمشقي حنفی. **رد المحتار علی الدر المختار**.(المتوفی: 1252هـ) ، بیروت: دارالفکر ، ط2، (1412هـ-1992م).

4. ابن هشام، عبدالسلام هارون . **تهذیت سیرت**. قاهره: الموسسة العربیة الحدیثة، ط2 ، (1964م).

5. اشقودری، ابي عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم. **خطبة الحاجة التی کان رسول الله (ﷺ) یعلمها أصحابه**.(تاریخ وفات: 1420هـ) ، بیروت: المکتب الإسلامي، (1400).

6. افریقی، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظـــور الأنصاري الرویفعی .**لســان العرب**.(تاریخ وفات: 711هـ). بیروت: دار صادر ، ط3 ، (1414 هـ). ، باب الباء ، فصل الراء.

7. البـــا ني ،ابـــو عبـــد الرحمن محمد ناصر الدین بـــن الحاج نوح بـــن نجاتي بـــن آدم اشقودري (المتوفی: 1420هـ) .**صحیح وضعیف سنن ابـــی داوود**. اسکندریه : مرکز نور الإسلام لأبـــحاث القرآن والسنة ، (دط) ، (دت).

8. البا نی ،ابـــو عبـــد الرحمن محمد ناصر الدین بـــن الحاج نوح بـــن نجاتي بـــن آدم اشقودري .**التعلیقات الحسان علی صحیح ابن حبان** وتمییز سقیمه من صحیحه، وشاذه من محفوظه. (المتوفی: 1420هـ) ، جده: دار بـــا وزیـــر، ط۱، (1424هـ-2003م).

9. البانی، محمد بن ناصر الدین . **مصابیح التنویر علی صحیح الجامع الصغیر . (مختصر فیض القدیر شرح الجامع الصغیر للإمام عبد الرؤوف المناوی)**. إعداد وترتیب: أبو أحمد معتز أحمد عبد الفتاح.

10. البانی، محمد ناصر الدین .**صحیح الأدب المفرد**. (تاریخ وفات: 1420هـ) ،ي، ناشر: دار الصدّیق، ط1، (1421هـ).

11. البانی، محمد ناصر الدین .**صحیح الترغیب والترهیب**.ریاض: مکتبة المعارف ، (بدون تاریخ نشر).

12. البا نی، محمد ناصر الدین. **صحیح وضعیف سنن الترمذی**. (تاریخ وفات: 1420هـ)، اسکندریه: مرکز نور الاسلام، (بدون طبع).

13. البا نی، محمد ناصر الدین. **صحیح الجامع الصغیر وزیادته**.(تاریخ وفات: 1420هـ)، اشرف علی طبعه: زهیر الشاویش، بیروت: المکتب الإسلامي، ط2، (1406 هـ)، ناشر: المکتب الإسلامي.

14. البا نی، ابـو عبـد الرحمن محمد ناصر الدین بـن الحاج نوح بـن نجاتي بـن آدم اشقودري. **صحیح وضعیف سنن ابی داوود**.(المتوفی: 1420هـ)، اسکندریه: مرکز نور الإسلام لأبـحاث القرآن والسنة، (دط)، (دت).

15. البا نی، ابی ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، اشقودري. **صحیح ابن ماجه**. (متوفی: 1420هـ)، (دمن): (دن)، (دت ط).

16. بـخاری، محمد بـن اسماعیـل أبـي عبـدالله (1387هـ ق). **الجامع الصحیح المسند المختصر من امور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (صحیح البـخاری)**. هند: المکتبـة الرحیمیة (بـدون تاریخ طبـع).

17. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاري. **الأدب المفرد**. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي ناشر: دار البشائر الإسلامیة–بیروت، ط۳، 1409–1989.

18. بستی، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التمیمي. **صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان**. بیروت: مؤسسة الرسالة، ط2، (1414–1993) تحقیق: شعیب الأرنؤوط.

19. تبریزي، محمد بن عبد الله الخطیب. أبو عبد الله، ولي الدین. **مشکاة المصابیح** (التاریخ وفات: 741هـ) تحقیق محمد ناصر الدین الألبا ني، بیروت: المکتب الإسلامي، ط3، (1985).

20. ترمذی، محمد بن عیسی بن سَوْرة بن موسی بن الضحاک. **سنن الترمذی**. أبو عیسی (تاریخ وفات: 279هـ) تحقیق وتعلیق أحمد محمد شاکر ومحمد فؤاد عبد الباقي، مـصر: شرکة مکتبة ومطبعة مصطفی البابي الحلبي، ط3، (1395هـ-1975م).

21. حجوری، یحیی بن علي. **الأربعون الحسان فی الاجتماع علی الطعام**. تقدیم: الشیخ مقبل بن هادي الوادعي.

22. حلبی أبو الحارث علي بن حسن بن علي بن عبد الحمید. "**الفتح الربانی**" 9 (119/6) بر گرفته شده از کتاب أحکام العیدین في السنة المطهرة. ناشر: المکتبة الإسلامیة - دار ابن حزم، ط2، (1414هـ- 1993م).

23. حيدر آبادى، محمد حميد الله. **مجموعة الوثائق السياسية للعهد النبوى والخلافة الراشدة**. بيروت: دارالنفائس، ط6، (1407هـ ق).

24. خراسانى، احمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرَوْجِردي. **السنن الكبرى**. أبو بكر البيهقي (التاريخ وفات: 458هـ) ، تحقيق محمد عبد القادر عطا ، بيروت: دار الكتب العلمية، ط٣، (1424هـ-2003م).

25. داعى، عبدالظاهر. **درسهايى از سيرت النبى صلى الله عليه وسلم**. كابل : انتشارات سعيد ، (دط) ، (دت).

26. سجستانى، أبو داود سليمان بن الأشعث. **سنن أبى داوود**. (142هـ ق)، مراجعة وتعليق محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت: دار الكتاب العربي ، (دط) ، (دت).

27. سندى، نور الدين بن عبدالهادي أبو الحسن . **حاشية السندى على النسائى**. حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية ،ط2، (1406-1986).

28. شامى، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي. **المعجم الكبير**. أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ) ، (ب م ن) ، (ب ن) ، (ب ط) ، (ب ت).

29. شرح عدة متون في العقيدة تاليف صالح بن عبد العزيز آل الشيخ ، (ب م ن) ، (ب ن) ، (ب ط) ، (ب ت).

30. شيبانى، ابى عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد. **مسند الإمام أحمد بن حنبل**. (تاريخ وفات: 241هـ) تحقيق شعيب الأرنؤوط ، عادل مرشد وآخرون ، إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، مؤسسة الرسالة ، ط1، (1421هـ2001م).

31. طبرانى، أبو القاسم سليمان بن أحمد. **المعجم الأوسط**. تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد ،عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني ،قاهره: دار الحرمين ، (1415).

32. عبدالسلام هارون. **تهذيت سيرت ابن هشام**. قاهره: الموسسة العربية الحديثة، ط2، (1964م).

33. عبسى، ابى جعفر محمد بن عثمان بن أبي شيبة-رضى الله عنه-. **العرش وما رُوى فيه**. (المتوفى : 297هـ) ، تحقيق محمد بن خليفة بن علي التميمي ، رياض : مكتبة الرشد، ط1، (1418هـ/1998م).

34. عفيفى، محمد صادق. **المجتمع الاسلامى و اصول الحكم**. قاهرة: دارالاعتصام، ط1 (1400هـ=1980م).

35. قزوینی، محمد بن یزید أبو عبدالله. **سنن ابن ماجه**.بیروت : دار الفكر ، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي ، تعليق محمد فؤاد عبد الباقي والأحاديث مذيلة بأحكام الألبا ني عليها.

36. مبارکفوری، ابی الحسن عبيد الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين الرحماني.**مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح**.(المتوفى: 1414هـ) ، بنارس ، هند: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء ، ط3، (1404 هـ ، 1984 م).

37. مبارکفوری، صفی الرحمن . **الرحیق المختوم**. ترجمهء عبدالله خاموش هروی، عمان: دارالفرقان، ط1 (1375هـ ش).

38. مبارکفوری، صفي الرحمن. **الرحيق المختوم**.(ب م ن) ، (ب ن) ، (ب ط) ، (ب ت).

39. محمد بن اسماعیل بخاری ، اختصار کننده: ابوالعباس زين الدين احمد بن احمد بن عبداللطيف الشرجی الزبیدی . **التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح مختصر صحيح بخاری (فارسی)**.مترجم: عبدالقادر ترشابی ، درشرح حدیث نمبر(5707).

40. محمد رشيد بن علي رضا. **تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)**.(المتوفى: 1354هـ) ، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، (1990 م).

41. محمد، محمد فؤاد بن عبد الباقي بن صالح بن محمد.**اللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان**.(المتوفى : 1388هـ) ، ناشر : دار احياء الكتب العربية - محمد الحلبي (بدون طبعة وبدون تاريخ) ، دار الحديث ، القاهرة ، بتاريخ: 1407هـ - 1986 م ، توزيع: دار الريان للتراث.

42. نسائی، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن. **سنن النسائي**. ناشر : مكتب المطبوعات الإسلامية – حلب، ط٢، 1406–1986، تحقيق: عبدالفتاح أبو غدة.

43. نیسابوری، محمد بن إسحاق بن خزيمة أبو بكر السلمي. **صحيح ابن خزيمة**. ناشر : المكتب الإسلامي - بيروت ، 1390–1970، تحقيق: د. محمد مصطفى الأعظمي.

44. نیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم. **المستدرک على الصحيحين**.بيروت: دار الكتب العلمية، ط1، (1411 – 1990) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، مع الكتاب: تعليقات الذهبي في التلخيص).

45. نیسابوری، مسلم بن حجاج قشيري.**المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (مشهور به صحيح مسلم)**. (تاريخ وفات: 261هـ) ، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي ، بيروت: دار احياء التراث العربي ، (بدون تاريخ طبع).

46. هيثمى، الحافظ نور الدين علي بن أبي بكر. **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**. المتوفى سنة 807 ، بتحرير الحافظين الجليلين: العراقي وابن حجر ، بيروت : دار الفكر، (1412 هـ، الموافق 1992 ميلادي).

فهرست موضوعات (جزء اول)

فصل دوم

تقسیم اوقات شبانهء رسول الله (ﷺ)

فصل چهارم
تقسیم اوقات ماهوار رسول الله (ﷺ)